

اسناد و اعلامیه‌های حزب تودهٔ ایران

(از شهریور ۱۳۵۷ تا پایان اسفند ۱۳۵۸)



اسناد و اعلای میله های (از شهریور ۱۳۵۷ تا پایان اسفند ۱۳۵۸)
حزب توده ایران
میله های اعلای
اسناد و اعلای





انتشارات حزب توده ایران



اسناد و اعلامیه‌های

حزب توده ایران

بخش اول

(از شهر یور ۱۳۵۷)

تا پایان اسفند ۱۳۵۸)



انتشارات حزب توده ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸

اسناد و اعلامیه های حزب توده ایران
(از شهر یور ۱۳۵۷ تا پایان اسفند ۱۳۵۸)

چاپ اول، ۱۳۵۹

حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است

بها ۳۵۰ ریال

اسناد حزبی، بیان‌کننده سیاست رسمی حزب‌اند. براساس این اسناد است که می‌توان و باید درباره سیاست حزب قضاوت کرد. مابخشی از این اسناد را که مربوط به یک فاصله زمانی کوتاه، ولی تاریخی، یعنی از آستان انقلاب و سپس از اسفندماه ۱۳۵۷ (تاریخ تشکیل شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران) تا پایان اسفندماه ۱۳۵۸ است، یکجا منتشر می‌سازیم.

به نظر ما، مجموعه این اسناد نشانگر آن است که اولاً حزب توده ایران تحلیلی علمی و درست از ماهیت و خصلت انقلاب ایران و سیر تکاملی آن انجام داده، ثانیاً مشی سیاسی درستی، منطبق با این تحلیل درپیش گرفته، ثالثاً و سرانجام براساس آن تحلیل و این مشی، مدافع اصولی و پیگیر انقلاب بزرگ مردم ایران، به رهبری امام خمینی، بوده و هست و در راه تثبیت، تحکیم و گسترش این انقلاب، در راه تشکیل جبهه متحد خلق برای تأمین پیروزی قطعی و نهایی این انقلاب مبارزه کرده و می‌کند.

باشد که اعضا و هواداران و دوستان حزب این اسناد را رهنمود کار و مبارزه خود قرار دهند. باشد که همه نیروهای انقلابی، همه مردم میهن‌دوست و آزادیخواه ایران از روی این اسناد درباره حزب توده ایران قضاوت منصفانه و عادلانه کنند و به حقانیت راه آن و به درست سیاست آن بیش از پیش پی ببرند.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۱ دوشنبه سیزدهم شهر یورماه ۱۳۵۷

اطلاعیه هیأت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۴ مهرماه ۱۳۵۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

با تشدید مبارزه رهایی بخش ملی،
با ایجاد جبهه متحد آزادی ملی ایران،
با تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه،
حملات امیر یالبسم و رژیم ضد ملی و
ضد دموکراتیک شاه را درهم شکنیم!

۳۰ شنبه بیست و سوم دی ماه ۱۳۵۷

اظهاریه هیأت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک را
مانند مردمک چشم نگاه داریم!

۳۵ ۳ بهمن ماه ۱۳۵۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران فعالیت علنی خود را از سر می گیرد

۳۸ بهمن ماه ۱۳۵۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

۴۱ اسفندماه ۱۳۵۷

گزارش هیأت اجراییه

۴۳ به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

همه باهم در جبهه متحد خلق،

برای بارور کردن انقلاب ملی و دموکراتیک

۶۸ به سود زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه

پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مردم مبارز و قهرمان ایران

۷۸ اسفندماه ۱۳۵۷

حزب توده ایران

به جمهوری اسلامی رأی مثبت می دهد

۸۱ ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷

از دادگاه‌های انقلابی حمایت کنیم

۸۲ ۲۸ اسفندماه ۱۳۵۷

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

به رفقای گروه منشعب از سازمان چریک‌های فدایی خلق

«وابسته به حزب توده ایران»

۸۳ ۲۸ اسفندماه ۱۳۵۷

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در باره نوید

۸۴ ۲۸ اسفندماه ۱۳۵۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پیروزی بزرگ مردم ایران

۸۵ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
مشکل بیکاری را با همکاری همه زحمتکشان
می توان و باید حل کرد

۸۷ ۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران قانونی است

۸۹ ۲۹ فروردین ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران

کارگران وزحمتکشان ایران!
برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه
متحداً مبارزه کنید!

۹۰ ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

جشن اول ماه مه،
روز همبستگی جهانی کارگران وزحمتکشان را
هر چه با شکوه تر برگزار کنیم!

۹۳ ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
تحلیلی از وضع کنونی انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما

۹۴ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
ما ترور آیت الله مرتضی مطهری،
عضو شورای انقلاب را به شدت محکوم می کنیم

۱۰۲ ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
اعمالان واقعی ترور را در نیروهای ضد انقلابی
جستجو و افشا کنید!

۱۰۳ ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

۱۰۵ ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
مردم در انتظار واکنش عملی سخت دولت موقت نسبت
به مداخله اهانته آمیز دولت آمریکا در امور داخلی ایران
هستند

مردم خواهان بسیج نیروها در جبهه متحد خلق
برای مقابله با امپریالیسم آمریکا هستند

۱۰۶ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه

ما توطئه علیه جان حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی را
محکوم می کنیم!

۱۰۹ ۵ خرداد ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران،
به دادگاه انقلاب درباره رفقای شهید گمشده،
سرگرد حسن رزمی و مهندس محمدحسین معصوم زاده

۱۱۰ ۷ خرداد ماه ۱۳۵۸

دعوت عام حزب توده ایران
از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب
و همه افراد مترقی و ضد امپریالیست
برای شرکت در راه پیمایی
به مناسبت سالگرد «پانزدهم خرداد ۱۳۴۲»

۱۱۲ ۹ خرداد ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی،
دموکراتیک و خلقی ایران
درباره ضرورت درنگ ناپذیر اتحاد
برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب

و پیدا کردن راه حل انقلابی مشکلات کنونی

۱۱۴ تهران— خرداد ماه ۱۳۵۸

سالروز شهادت پرویز حکمت جو،
عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را
با شکوه هر چه تمام تر برگزار کنیم!

۱۳۵ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
دربارهٔ پیش نویس قانون اساسی

۱۳۶ ۲ تیرماه ۱۳۵۸

اصلاحات مورد پیشنهاد حزب توده ایران
دربارهٔ پیش نویس قانون اساسی

۱۳۸ ۱۳ تیرماه ۱۳۵۸

در جستجوی رفقای شهید
در نبرد مسلحانهٔ بهمن ۵۷

۱۴۲ ۱۳ تیرماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
نظر حزب توده ایران دربارهٔ
انتخابات مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی

۱۴۳ ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت سالگرد سی ام تیر ۱۳۳۱
روزی که اتحاد نیروهای خلق،
توطئهٔ ننگین امپریالیسم و دربار را خرد کرد

۱۴۵ ۲۴ تیرماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
دربارهٔ تظاهرات و راهپیمایی سه شنبه

۱۴۸ ۲۴ تیرماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی
برای تشکیل مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی،
در این اقدام مهم برای دموکراسی و استقلال ایران،
شرکت می کند

تهران— اول مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۴۹

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به نخست وزیر، دادستان دادگاه های انقلاب،
رئیس کمیته مرکزی امام

اول مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۵۲

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به همه مردم ایران، به همه سازمان ها و گروه های
هوادار انقلاب، به شورای انقلاب و دولت موقت،
به رهبر انقلاب امام خمینی
خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید می کند

تهران— دوم مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۵۴

پیام تسلیت حزب توده ایران
به سازمان آزادیبخش فلسطین
به مناسبت شهادت زهیر محسن

۷ مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۶۷

همبستگی با خلق قهرمان فلسطین
وظیفه همه نیروهای انقلابی است

۱۹ مردادماه ۱۳۵۸ ۱۶۸

حزب توده ایران فعالیت سازمانی خود را
در کردستان ایران آغاز می کند

۲۰ مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۶۹

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره انتخابات مجلس خبرگان

۲۱ مرداد ماه ۱۳۵۸ ۱۷۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
تحریرکات و توطئه های ضد انقلاب را
باید بیدرنگ و قاطعانه افشا کرد
نیروی متحد خلق تنها وسیله سرکوب ضد انقلاب است

۱۷۷..... ۲۳ مرداد ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت سالگرد جنایت سینما رکس آبادان

از تکرار جنایات امپریالیسم و عمال آن فقط با
مبارزه متحد خلق می توان جلوگیری کرد

۱۸۰..... ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
مسئله کردستان باید در چارچوب دفاع از انقلاب
ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود

۱۸۲..... ۲۷ مرداد ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به شورای انقلاب اسلامی ایران،
به دولت موقت جمهوری اسلامی،
به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران

۱۸۴..... ۳۰ مرداد ماه ۱۳۵۸

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت حوادث اخیر کشور

۱۸۷..... ۶ شهریور ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور - جمعه خونین

۱۹۲..... ۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۸

به مناسبت درگذشت نابهنگام
آیت الله العظمی سید محمود طالقانی

۱۹۵..... ۲۰ شهریور ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

۲۰۰..... اول مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره مسأله کردستان

۲۰۳..... ۲ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره انتخابات شوراهای شهر

۲۰۹..... ۷ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران
سی و هشتم سال نبرد پیگیر در راه به دست آوردن
استقلال ملی، آزادی و تأمین خواست های زحمتکشان!

۲۱۲..... ۹ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره شوراهای شهر، حقوق و وظایف آنها

۲۱۷..... ۱۲ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
جنایت های ضد انقلاب را در خوزستان محکوم کنیم

۲۲۰..... ۱۵ مهر ماه ۱۳۵۸

ما باز هم هشدار می دهیم

۲۲۳..... ۲۵ مهر ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
آتش بس در کردستان شرط حتمی و ضروری برای
موفقیت در مذاکرات است

۲۲۶..... اول آبان ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران بار دیگر همبستگی خود را
با امام خمینی رهبر انقلاب ایران اعلام می دارد

۲۲۸ ۲ آبان ماه ۱۳۵۸

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به شورای انقلاب

۲۲۹ ۷ آبان ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران در تظاهرات مردم ایران
در روز عید قربان علیه امپریالیسم آمریکا و انگلستان
شرکت می کند

۲۳۱ ۹ آبان ماه ۱۳۵۸

تلگرام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران
به امام خمینی رهبر انقلاب ایران به مناسبت عید قربان

۲۳۲ ۹ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران اشغال سفارت آمریکا، مرکز توطئه
علیه انقلاب ایران را تأیید و مذاکرات هیأت
نماینده گی دولت موقت با برژینسکی، یکی از
توطئه گران اصلی بر ضد انقلاب ایران را محکوم می کند

۲۳۴ ۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

۲۳۶ ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
شورای انقلاب در برابر وظایف بزرگ

۲۴۰ ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ما پشتیبانی کامل خود را از روزه سیاسی
ضد امپریالیستی اعلام می کنیم

۲۴۳ ۲۰ آبان ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به زلزله زدگان خراسان کمک کنید!

۲۴۶ ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران آمادگی خود را برای کمک پزشکی
به زلزله زدگان خراسان اعلام داشت

۲۴۷ ۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
نخستین گام بزرگ در راه پایان دادن به محرومیت های
خلق کرد،
با تأیید امام خمینی، رهبر انقلاب ایران برداشته شد

۲۴۸ ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۸

پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران
به امام خمینی به مناسبت آغاز پانزدهمین سده هجری

۲۵۰ ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
پیروزی قطعی و نهایی انقلاب منوط به حمایت و
نیروی کار و کوشش زحمتکشان است

۲۵۲ ۳۰ آبان ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
برای مقابله با خطر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا از
هر باره آماده شویم

۲۵۶ اول آذرماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
درباره مسأله کردستان

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره قانون اساسی و تدوین متمم آن

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران سیر تحول مذاکرات مربوط
به آتش بس کردستان را با خوش بینی تلقی می کند

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره همه پرسی پیرامون قانون اساسی
حزب توده ایران به قانون اساسی رأی مثبت می دهد

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت روز همبستگی جهانی با خلق قهرمان فلسطین

ما در همه پرسی قانون اساسی می گوئیم: آری!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
برای مقابله با توطئه ضد انقلاب در آذربایجان متحد شویم

اظهاریه کمیته مرکزی حزب توده ایران
«گروه آزادی و برابری» به حزب توده ایران پیوست

بیانیه انتخاباتی کمیته مرکزی حزب توده ایران
همه با هم در جبهه متحد خلق، برای نویسی
اجتماعی - اقتصادی به سود زحمتکشان و قشرهای
میان حال

دی ماه ۱۳۵۸ ۲۸۱

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره پیام امام خمینی برای جهاد با بیسوادی

دی ماه ۱۳۵۸ ۲۹۱

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران
به شورای انقلاب اسلامی ایران

دی ماه ۱۳۵۸ ۲۹۳

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
علیه تجاوز به دفتر «مردم» شدیداً اعتراض می کنیم

دی ماه ۱۳۵۸ ۲۹۷

از امام خمینی، رهبر انقلاب، و از خط امام با تمام نیرو
حمایت کنیم!

دی ماه ۱۳۵۸ ۲۹۹

اظهاریه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت پیوستن گروهی از هواداران سابق
سازمان چریک های فدایی خلق در بابل
به حزب توده ایران

دی ماه ۱۳۵۸ ۳۰۱

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

دی ماه ۱۳۵۸ ۳۰۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره انتخابات ریاست جمهوری

۳۰۷..... ۲۹ دی ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۰۹..... ۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۱۳..... به امام خمینی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای
اسلامی در پاکستان

۳۱۴..... ۸ بهمن ماه ۱۳۵۸

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت رویداد

گزینش نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران

۳۱۸..... ۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران

به همه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی برای شکست
نیروهای بسیج شده ضد انقلابی و بورژوا لیبرال

۳۲۳..... ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۲۶..... ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

درواه پیمایی دعوت شده از جانب دانشجویان

مسلمان پیرو خط امام شرکت می کنیم

۳۲۸..... ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

فرخنده باد نخستین سالگرد انقلاب بزرگ

ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران
به رهبری امام خمینی

۳۲۹..... ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

به محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی
رهبر عالیقدر انقلاب ایران

۳۴۳..... ۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نخستین دوره
مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران معرفی می کند

۳۴۵..... ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران
به جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین

۳۴۹..... ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۸

در کشور ما وضع انقلابی حکمرواست. مردم نمی خواهند به شیوه گذشته زندگی کنند و حاضر نیستند بویغ استبداد شاه را تحمل نمایند. رژیم نمی تواند به شیوه گذشته حکومت کند. فعالیت و جنب و جوش و فداکاری انقلابی مردم بحد شگرفی بالا رفته و گسترش و عمق یافته است. مردم قهرمان کشور ما یکبار دیگر عظمت روحی خود را نشان میدهند و ضربات جانانه ای بر استبداد مغرور و متفرعن سلطنتی محمدرضاشاه وارد می آورند.

رویدادهای کشور ما مؤید پیش بینی های حزب توده ایران و شعار سیاسی اساسی این حزب است که وظیفه مبارزه در راه سرنگون کردن رژیم استبدادی و ضد ملی محمد رضا شاه را طی سال های اخیر در دستور روز گذاشته بود. سال هاست حزب ما کلیه نیروهای مخالف رژیم را دعوت می کند که با ایجاد یک جبهه ضد دیکتاتوری فعالیت خود را در راه سرنگونی رژیم هماهنگ سازند. در شرایط کنونی اوج جنبش انقلابی، در شرایطی که در کنار وظایف مربوط به برانداختن رژیم استبدادی، وظایف مربوط به خارج کردن کشور از بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی امروز نیز با تمام شدت و حدت مطرح میگردد، مسئله جبهه ضد دیکتاتوری اهمیت بیش از پیش می یابد. بنظر ما هدف اساسی جبهه ضد دیکتاتوری عبارتست از سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمد رضا شاه، برچیدن بساط سلطنت و روی کار آوردن یک دولت ائتلاف ملی از نمایندگان نیروهای ضد استبداد که در راه تأمین استقلال ملی، آزادی های دموکراتیک و سالم سازی اقتصاد و بهبود زندگی مردم گام برمیدارند. بنظر حزب توده ایران شکل چنین حکومتی جمهوری است.

حزب توده ایران که به ضرورت تحول بنیادی جامعه ایران معتقد است برنامه خویش را برای تأمین یک چنین تحول ملی و دموکراتیک سالهاست تنظیم و اعلام کرده است.

بنظر حزب در شرایط کنونی برای خاتمه دادن به بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی موجود لازم است یک دولت ائتلاف ملی سرکار بیاید، که وظایف مشخص زیرین را انجام دهد:

۱) در زمینه تأمین آزادیهای دموکراتیک: آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عفو عمومی محکومین سیاسی و تأمین بازگشت آزاد همه تبعیدشدگان درون کشور و تبعیدیان و پناهندگان سیاسی خارج کشور؛
انحلال سازمان جنایتکار ساواک و سازمانهای مشابه آن. بازداشت و محاکمه و مجازات قانونی جنایتکاران و خیانتکاران و گردانندگان درجه اول رژیم استبدادی و مسئولین بدبختی عمومی؛

لغو کلیه قوانینی که طی دوران استبداد سلسله پهلوی حقوق و آزادیهای مندرجه در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر را بنحوی از انحاء نقض یا محدود ساخته است؛
تأمین آزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، سندیکاها؛

انحلال مجلسین شورا و سنا و شوراهای ساواک زده استانها و شهرستانها و شهرها و روستاها، تدارک تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی بر پایه انتخابات آزاد و همگانی و تدارک طرح قانون اساسی نوینی متناسب با مقتضیات امروزی تکامل جامعه ایران.

۲) در زمینه تأمین استقلال ملی: احیاء کامل قانون ملی شدن صنایع نفت و کوتاه کردن دست کنسرسیوم غارتگر و سایر انحصارهای امپریالیستی از منابع نفتی ایران؛
اخراج کارگزاران ارتش امریکا از نیروهای مسلح ایران و فراخواندن نیروهای ایران از عمان؛

برقراری و گسترش مناسبات دوستانه با همه کشورهایی که به آزادی و استقلال ملی کشور ما احترام بگذارند و لغو قراردادهای اسارت بار نظامی ایران و امریکا؛
خارج کردن ایران از سنسو و پیوستن به جرگه کشورهای غیرمتهد؛
پشتیبانی از جنبشهای مترقی و رهائی بخش بویژه جنبش خلق برادر عرب فلسطین در مبارزه اش علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

۳) در زمینه سالم سازی اقتصاد و بهبود زندگی عمومی: مصادره اموال غارتی شاه و خاندان پهلوی و کوشش برای بازگرداندن دهها میلیارد ثروت دزدی خاندان پهلوی از بانکهای خارجی و اختصاص آن به بهبود سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم؛
پایان دادن به سیاست جنون آمیز تسلیحاتی و اختصاص درآمد نفت به تقویت اقتصاد ملی؛

اتخاذ تدابیر مؤثر برای رفاه کارگران و دهقانان و همه حقوق بگیران به تناسب هزینه زندگی؛
سالم سازی اقتصاد در جهت پشتیبانی از رشد تولید داخلی چه در بخش دولتی و چه در

بخش خصوصی و خاتمه دادن به سیاست درهای باز و دفاع از تولید داخلی در مقابل رقابت خارجی و اجراء اقدامات مؤثر برای خاتمه دادن به بحران عمیق کشاورزی و بهبود وضع کشاورزان.

حزب توده ایران از همه نیروها و عناصر مخالف رژیم موجود دعوت می کند برای ایجاد یک جبهه ائتلاف ملی و قبول یک برنامه ملی و دمکراتیک عمل، برپشدآوری ها غلبه کنند و فرصت را از دست ندهند. حزب توده ایران در راه ایجاد چنین حکومت ائتلاف ملی با کلیه نیروهای دیگر ضد رژیم همکاری خواهد کرد.

این شرط ضرور پیشرفت در نبرد مقدس و با عظمتی است که مردم ایران با آگاهی و فداکاری بی نظیری بدان دست زده اند.

مردم ایران باید مبارزه خود را گسترش دهند، عمیق تر سازند و از همه نیروهای ضد رژیم بطلبند که با اتحاد عمل و هماهنگ کردن فعالیت خود کشور را هرچه زودتر از چنگ بحران کنونی رهائی بخشند.

- پیروز باد پیکار مقدس مردم ایران!
- سرنگون باد رژیم استبدادی متفور محمدرضا شاه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دوشنبه سیزدهم شهر یور ۱۳۵۷

اطلاعیه هیأت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اجلاس هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران جنبش بزرگ مردم ایران علیه رژیم ضدملی و استبدادی محمدرضاشاه و حامیان امپریالیستی آنرا مورد بررسی همه جانبه قرار داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران هنوز در زمانیکه این رژیم به سیطره همه جانبه خود می نازید، بر پایه تحلیل علمی وضع جامعه، پیش بینی کرد که بحران اقتصادی و سیاسی این رژیم، عمقی بیسابقه خواهد یافت و در نتیجه حدت یافتن تضاد خلق با رژیم وابسته، تضاد خلق با امپریالیسم و سیاست نواستعمارش در ایران، دوران فروکش جنبش خاتمه خواهد پذیرفت و اعتلاء مجدد آن بناگزیر آغاز خواهد شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران براساس این تحلیل علمی از همان موقع مبارزه در راه سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمدرضاشاه را وظیفه میرم جنبش اعلام کرد.

حزب متذکر شد که سرنگون ساختن این رژیم شرط مقدم حرکت جامعه ما بسوی هدفهای ملی و دموکراتیک مردم ایران است. حزب خاطرنشان ساخت که وسیله اساسی نیل به هدف وحدت عمل کلیه نیروهای مخالف رژیم و ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری است. کلیه مبارزات حزب ما از آن تاریخ متوجه اشاعه و پیشبرد این شعارها شد. حزب ما توجه داشت که در شرایط امروزی جهان که در اثر تغییر تناسب نیروها بزبان امپریالیسم و ارتجاع، رژیمهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم بیش از پیش به وصله ناجور بدل میشوند، نقش عامل ذهنی، نقش رهبری درست به نقشی بازم مؤثرتر از گذشته بدل میشود، برای آنکه از امکانات بالقوه ای که وجود دارد هرچه بهتر و سریعتر و پیگیرتر استفاده بعمل آید.

سیر حوادث نشان داد که حزب در تشخیص اوضاع عینی کشور دچار اشتباه نشده بود. از

یکسال و نیم پیش جنبش مردم ایران گام در جاده اعتلاء تصاعدی گذاشت. این جنبش علی رغم مانورهای سراسیمه رژیم شاه و جارچیان و چاکرانش بسرعت گسترش یافت و کارگران و دهقانان، دانشجویان دانشگاهها و دانش آموزان، طلاب و روحانیون ضد رژیم، پیشه‌وران، کسبه و بازرگانان، دسته‌های مختلف روشنفکران از نویسنده، هنرمند، روزنامه‌نگار، وکیل عدلیه و قاضی، بخشهای وسیعی از زنان و قشرهای مختلف جوانان، در یک کلمه اکثریت شکننده جامعه ایران را دربر گرفت و در روزهای ۱۳ تا ۱۷ شهریورماه باوج خود رسید. راه‌پیمائی‌ها و نمایشهای چندمیلیونی مردم در این روزها عظمت بی‌همتای نهضت خلق را علیه رژیم و شخص محمدرضاشاه که با تفرغی آمیخته با جنون خود را فرعون ابر قدرت می‌پنداشت و خاندان فاسدش نشان داد.

رژیم بکرات کوشید تا با براه انداختن فتنه‌ها مانند بمیدان کشیدن چاقوکشان و او باش دست نشانده خود و ایجاد باصطلاح «کمیته‌های اقدام» و «کمیته‌های انتقام» و جناح‌های رنگارنگ در حزب مصنوعی و شهساخته «رستاخیز»، با توسل به انواع عوامفریبی‌ها و سرانجام با کشتارها در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، قم، آبادان و دیگر شهرها و شهرک‌ها جلوی بسط نهضت را سد کند. ولی رژیم و سردمدارش شاه و حامیان امپریالیستی آن با حیرت تمام دیدند که نبرد خلق در اثر ضربات وارده نه تنها به سستی نمیگراید بلکه دمبدم شدیدتر و عزم وی به ادامه مبارزه جزم‌تر میگردد.

هم اکنون میتوان با اطمینان گفت که جنبش مردم ایران در تابستان سال جاری از جهت فراگیری قشرهای مختلف اجتماعی، از لحاظ دامنه‌اش در سراسر کشور، از جهت سطح آگاهی مردم و قاطعیت خواستهای سیاسی و اقتصادی مطروحه، در تاریخ معاصر کشور ما نظیر نداشته است.

این واقعیت که جنبش بطور عمده رنگ مذهبی بخود گرفته است از طرفی از آنجهت است که رهبران مذهبی ضد رژیم در جهت خواستهای خلق گام برداشته‌اند و از طرف دیگر از آنجهت است که در شرایط استبداد سیاه ۲۵ ساله برای این شکل مبارزه امکاناتی فراهم بود. لذا تعبیرات جراید بورژوائی غرب که میخواهند جنبش را یک واکنش قرون وسطائی و ارتجاعی علیه شاهی که گویا مصلح و نوآور است جلوه دهند، سفسطه‌ایست پوچ و مردود.

مردم ایران با انقلاب پرافتخار مشروطیت پیکتاز انقلابات آسیا بودند. مبارزات مردم ایران در دوران جنگ دوم و پس از آن از اولین جلوه‌های مبارزات دموکراتیک خلق در جهان آنروز محسوب میشد. مردم ما با نهضت بزرگ ملی کردن صنایع نفت پس از جنگ دوم، یکی از برجسته‌ترین مبارزات علیه امپریالیسم را انجام دادند. کشور ما با جنبش کنونی خود یکبار دیگر نشان داد که سنن و روحیات طغیان انقلابی علیه ستمگران و غارتگران داخلی و خارجی در ایران ریشه‌های عمیق دارد و سخت در اشتباهند کسانی که خیال میکنند این مردم را میتوان خموشانه تاراج کنند و بی کيفر در قید استبداد بفشردند.

جنبش کنونی مردم ایران جنبشی است عمیقاً خلقی، جنبشی است دموکراتیک، جنبشی است علیه حکومت مطلقه یک پادشاه خائن و خونخوار، جنبشی است ضدامپریالیستی، زیرا بخوبی میدانند چه نیروهای جهانی رژیم وابسته کنونی را بر مردم ایران تحمیل کرده‌اند و برای چه منظور آنرا حفظ می‌کنند. مردم ایران نیک میدانند که علت وجودی این رژیم آنست که افزاینده‌ای در دست امپریالیست‌ها برای اجراء سیاست خائنانانه نفت-اسلحه و انواع غارتگریهای دیگر است. مردم نیک میدانند که رژیمی چنین جبار، چنین چپاول‌گر و چنین خیانت‌پیشه در تاریخ معاصر کشور ایران همتائی ندارد.

جنبش کنونی مردم ایران، هم اکنون با پیکار جاننازانه و قهرمانانه مجاهدان خود توانست افسانه‌هایی را که شاه و جارجیان رژیم بعد بسته آورنده‌ای تکرار میکرده‌اند، حاکی از اینکه گویا رژیم شاه، ایران را به «جزیرهٔ ثبات» بدل کرده و اینکه گویا مردم ایران «نظام شاهنشاهی» را یک نظام طبیعی میدانند و با شوق و ذوق بدنال شاه و «انقلاب» ادعائی و «حزب فراگیر»ش گام برمیدارند، بکلی به باد داد و سنگی برسنگ این دعاوی دروغین باقی نگذاشت.

روشن شد که آنچه که شاخص واقعی رژیم است عبارتست از استقرار رژیم شکنجه و ترور و اختناق ساواک و دادگاههای جابرانه نظامی، دست نشانده‌گی و انقیاد در مقابل امپریالیسم، گشادن دست امپریالیسم برای غارت منابع نفت، اتخاذ سیاست فناخیز درهای باز، نظامیگری و خرید جنون‌آمیز اسلحه، بندوبست‌های ضد صلح با امپریالیسم و صهیونیسم، مسلط کردن خاندان فاسد و فسادپرور پهلوی بر جان و مال و حیثیت مردم، براه انداختن کیش ارتجاعی و خفت‌آور شاهنشاهی و اجراء آئین‌های نیایش شاه، غارت‌گری باند مسلط دست نشانده شاه و امپریالیسم، ایجاد دره عمیق فقر و ثروت، ایجاد فساد و انحطاط در بسیاری از رشته‌های معنویات و فرهنگ کشور و غیره و غیره.

روشن شد که انتقاد و اعتراض اصولی طولانی حزب ما و دیگر نیروهای ضد رژیم تماماً حق بود و هزاران لاف و گزاف شاه که آنرا در کتابهای منسوب بخود و در صدها مصاحبه تکرار میکرده اباطیلی بیش نبود. این خود یک پیروزی معنوی بزرگ نیروهای انقلابی و مترقی خلق است که هیچ دستی قادر بزودن اثرات آن در تاریخ نخواهد بود.

در ۱۷ شهر یورماه سال جاری شاه که از بسط نیرومند جنبش دچار وحشت مرگ شده بود، با اشاره تأییدآمیز امپریالیستهای امریکا و انگلیس، باردیگر ضربت تبهکارانه خود را برنمایش مسالمت‌آمیز مردم وارد کرد. نتیجهٔ این جنایت فجیع هزاران شهید، زخمی و بیش از هزار زندانی است. در اینروز در ۱۲ شهر کشور حکومت نظامی اعلام شد. جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا که خود را عوام فریبانه «حامی حقوق بشر» جلوه میدهد و کالاهان نخست وزیر لیبرست انگلستان پشتیبانی خود را از شاه علناً اعلام داشتند. رهبران چنین همدوش امپریالیسم از رژیم ارتجاعی شاه حمایت کردند و روزنامه‌های مانویست چین نیز

ضربت خونین شاه علیه خلق را با انتشار خبرهای مخدوش توجیه کردند.

هدف شاه و حامیان امپریالیستی از این اقدام خاتمه دادن به جنبش خلق است. حساب آنها آنست که باتکاء سرسپردگان امپریالیستهای امریکا و انگلیس و کسانی مانند جعفر شریف امامی و علیقلی اردلان و تیمساران وابسته‌ای مانند او یسی، قره‌باغی، نصیری، مقدم و امثال آنها، یک نظام شاهنشاهی باصطلاح «لیبرال» ایجاد کنند که بتواند آنچه که آنها آنرا «خط‌های تاکتیکی» رژیم میدانند اصلاح کند و با دادن برخی امتیازات به قشرهای ناراضی و ایجاد تفرقه در صفوف مخالفان رژیم وضع را بسود دربار و امپریالیسم تثبیت نماید.

ولی باز برخلاف انتظار رژیم و حامیان داخلی و خارجی‌ش، این تاکتیک نیز نمیتواند حاصلی ببار بیاورد. حوادث کشور نمایانگر آنست که این اقدامات در عزم خلق نتوانسته است فتوری ایجاد کند. اتحاد میان اجزاء مختلف مخالفان رژیم وارد مرحله تازه‌تر و عمیق‌تری میگردد. جنبش خواستهای خود را بشکل قاطع‌تری مطرح میکند. همه چیز حاکی از آنست که جنبش مردم ایران راه اعتلائی خود را در آینده نیز خواهد پیمود و از جهت کیفی وارد مرحله یک مبارزه عمیق‌تر و شدیدتری خواهد شد.

همانطور که حزب ما در اعلامیه کمیته مرکزی مورخ ۱۳ شهر بورماه سال جاری تصریح کرد، در شرایط کنونی تنها راه خاتمه دادن به بحران عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایران استقرار یک حکومت ائتلاف ملی است. حزب ما در این سند مهم تاریخی وظایف چنین حکومتی را در زمینه تأمین آزادیهای دموکراتیک و خاتمه دادن به رژیم ترور و اختناق، در زمینه تأمین استقلال ملی و خاتمه دادن به سیطره اسارت‌آور امپریالیسم، در زمینه سالمسازی اقتصادی و بهبود زندگی عمومی و خاتمه دادن به غارتگری تاراجگران داخلی و خارجی و شکاف فقر و ثروت، بشکل مشخصی بیان داشته است.

حزب ما در این سند مهم تصریح کرده است که بنظری هدفی که باید جبهه نیروهای مخالف رژیم در شرایط کنونی دنبال کنند عبارت است از سرنگون ساختن رژیم استبدادی محمدرزاشاه، و برچیدن بساط منسوخ سلطنت و روی کار آوردن یک دولت ائتلاف ملی از نیروهای ضد استبداد. حزب ما در اعلامیه نامبرده تصریح کرد که بنظری شکل چنین حکومتی جمهوری است.

حزب این تصریحات را درباره ضرورت برچیدن بساط منسوخ سلطنت و استقرار یک جمهوری بر پایه منافع مردم باتکاء برنامه خویش مطرح ساخته است. بنظر حزب ما جنبش کنونی مردم تنها با نیل به چنین نتایجی میتواند ضامن‌های ضرور را برای یک تحول بی بازگشت در سمت دموکراسی، ایجاد کند. ما برآنیم که باید بی‌پایگی مطلق دعوی رژیم شاه را درباره ضرورت طبیعی رژیم پادشاهی در ایران در مقیاس وسیعی روشن ساخت و نشان داد که شکل جمهوری برمنای اراده مردم شکلی است که متناسب با مقتضیات رشد جامعه ماست. مسئله جمهوری و سلطنت در تاریخ معاصر ما دیری است مطرح است و در شرایط کنونی بوسیله خود

نهضت که خواستار طرد شاه و خاندان فاسد و فسادپرور اوست مطرح میشود.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران برآنست که مانند سابق وحدت عمل کلیه نیروهای ضد رژیم در جهت ضد دیکتاتوری عامل مؤثر پیشرفت و شرط کامیابی نهضت است. ما نظر خود را درباره مسائل مطروحه در مقابل جامعه ما بارها ارائه داده‌ایم و بنوبه خود برای اخذ تماس و مذاکره با همه نیروهای ضد رژیم آماده‌ایم. ما برخی عناصر و نیروها را که تصور میکنند با اتخاذ یک روش ضد توده‌ای و ضد کمونیستی میتوانند بسود خود راهگشائی کنند، از عواقب مضر چنین پندارهائی برحذر میداریم. نباید فراموش کرد که ارتجاع و امپریالیسم با همین بهانه‌های «خطر کمونیسم» حکومت ملی دکتر محمد مصدق را سرنگون ساختند و رژیم کنونی از زبان دولت شریف امامی برای توجیه جنایت ۱۷ شهریور بازهم پای «خطر کمونیسم» را بعیان کشید.

ما بنوبه خود روش خویش را بر پایه اتحاد با همه نیروها استوار کرده‌ایم و در آینده نیز در جهت این اتحاد و علیه تفرقه و تفرقه افکنی از جانب رژیم و عمالش مبارزه خواهیم کرد. ما خواستار همکاری با همه نیروهای مخالف رژیم استبدادی بر پایه برنامه مشترک هستیم. ما برآنیم که در شرایط کنونی باید پایداری در مقابل رژیم و نیرنگهای مختلف آن، با عزم راسخ ادامه یابد. باید مبارزه را گسترش داد و تعمیق و تشدید کرد. ما از کلیه اشکال و شیوه‌های مختلف مبارزه خلق که منکمی به نیروی مردم باشد و امر مبارزه را در جهت صحیح و سنجیده‌ای پیشرفت دهد بنوبه خود پشتیبانی میکنیم و مبارزان را از آن قبیل شیوه‌هائی که به جنبش زیان وارد سازد برحذر نگاه میداریم.

ما سخنان خود را با اعلام شعارهای حزب در شرایط کنونی خاتمه میدهیم:

- سرنگون باد سلطنت ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه!
- مردم ایران! برای طرد خاندان فاسد و فسادپرور پهلوی مبارزه کنید!
- مردم ایران! در راه استقرار یک حکومت ائتلاف ملی برای بیرون آوردن جامعه از بحران عمیق کنونی مبارزه کنید!
- باید توطئه مشترک امپریالیسم، شاه و دولت شریف امامی را برای تثبیت رژیم و ایجاد تفرقه در صفوف مخالفان رژیم، با شکست مواجه ساخت!
- مسئولین فاجعه عظیم جمعه خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ باید محاکمه شوند!
- ما حکومت غیرقانونی و جابر نظامی را بمشابه یک توطئه علیه جنبش مردم محکوم میکنیم و الغاء فوری آن و تأمین آزادی اجتماعات، مطبوعات، احزاب و سندیکاها را خواستاریم!
- کارگران و زحمتکشان شهر و ده! با بسط مبارزات اعتصابی و سیاسی در جنبش پایداری مردم علیه استبداد هرچه مؤثرتر شرکت ورزید و رسالت خود را

با شایستگی ایفاء کنید!

• نیروهای مسلح ایران! در جهت خلق قوار گیرید! سربازان، درجه‌داران و افسران میهن‌پرست! زیر بار شاه و تیمساران مرتجع و رابزنان امریکائی نروید! ما مداخلات بیشرمانه امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا را که هدف آن نجات و حفظ رژیم خائن شاه بمنظور ادامه غارتگری است تقبیح و محکوم میکنیم! دست امپریالیسم و عمالش از کشور ما کوتاه!

• مردم ایران! در راه شعارهای حزب ما برای دموکراسی، استقلال ملی و رفاه عمومی مبارزه کنید!

• مردم ایران! با تمام نیرو به زندانیان سیاسی، این قهرمانان دربند، به خانواده‌های شهیدان و آسیب‌دیدگان نهضت از هر باره و بهر شکل که میتوانید یاری رسانید! ما آزادی فوری زندانیان و تبعیدیان سیاسی و بازگشت همه کسانی را که بعلت عقاید سیاسی خود ناگزیر به جلای وطن شده‌اند خواستاریم. درود بخاطر شهیدان نهضت! درود به زندانیان سیاسی ایران!

• مبارزان ضد رژیم! در مقابل فتنه‌انگیزان و تفرقه‌افکنان هشیار باشید! بر پایه وحدت، تشکل، آگاهی سیاسی امر مبارزه را از پیش ببرید!

• پیروز باد مبارزه مقدس انقلابی مردم ایران!

• ننگ بر شاه درخیم و خیانت پیشه و حامیان ارتجاعی و امپریالیستی او!

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب نوده ایران

مهرماه ۱۳۵۷

با تشدید مبارزه رهایی بخش ملی،
با ایجاد جبهه متحد آزادی ملی ایران،
با تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه،
حملات امپریالیسم و رژیم ضد ملی و
ضد دمکراتیک شاه را در هم شکنیم!

در این حساسترین و غرورآمیزترین لحظات سراسر تاریخ میهن عزیزمان ایران، که خلقهای قهرمان آن با اراده‌ای تزلزل ناپذیر برای سرنگون کردن نظام منفور و خائن سلطنتی و ریشه کن ساختن تسلط غارتگرانه امپریالیست‌ها، در سراسر کشور، به میدان‌های نبرد گام گذارده‌اند، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، با احساس سنگین ترین مسئولیت تاریخی، همه هم‌میهنان عزیز، همه مبارزان جنبش رهایی بخش ملی ایران، همه رهبران مبارز و میهن پرست روحانی، همه رجال ملی و دمکرات، همه احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنفی را، که خواستار آزادی و پیشرفت اجتماعی و آماده دفاع جانبازانه از استقلال ملی و تمامیت ارضی میهن عزیزمان ایران هستند، فرا میخواند که همه امکانات خود را در راه پشتیبانی از اتحاد همگانی نیروهای ضد رژیم و ضد امپریالیست، در راه تجهیز همه جانبه این نیروها برای آخرین مرحله نبرد تعیین کننده و پرافتخاری که در جریان است، بکار اندازند.

حوادث ماه‌های گذشته و بویژه هفته‌های اخیر که در جریان نبردهای خونین تن به تن مردم بی سلاح با جنایتکاران تانک سوار و مسلسل بدست رژیم در مشهد در اولین روزهای دیماه ۱۳۵۷ به عالی ترین شکل خود نمایان گردید بروشنی نشان داد که خلق‌های میهن ما دیگر حاضر نیستند این رژیم غاصب را، که امپریالیست‌ها بر میهن ما تحمیل کرده‌اند، تحمل کنند. خلق‌های میهن ما با تظاهرات عظیم، کم نظیر و تاریخی خود، با یکپارچگی و تزلزل ناپذیری اعجاب انگیزی رأی تاریخی خود را برای سرنگون کردن این رژیم و ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی بارها و بارها به تمام جهانیان اعلام داشتند. تمام مردم شریف سراسر جهان مبارزات قهرمانانه مردم ایران را با تحسین و اعجاب دنبال می‌کنند و پیروزی جنبش رهایی

بخش ملی ما را خواستارند.

این مبارزه قهرمانانه و تاریخی نه تنها رژیم پوسیده سلطنتی ایران، بلکه یکی از مهمترین عرصه‌های غارتگری و تجاوزکاری امپریالیست‌ها را در جهان بخاطر انداخته است. بهمین جهت امپریالیست‌های خونخوار، بسرکردگی امپریالیسم تجاوزکار و غارتگر آمریکا، که هر سال دهها میلیارد دلار از ثروت ملی ما را بغارت میبرند و کشور ما را به یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های تجاوز نظامی خود علیه خلقهای صلحدوست منطقه بدل کرده‌اند، با تمام نیرو میکوشند این رژیم پوسیده را نگهدارند.

یکی از پایگاه‌های اصلی برای اجرای این سیاست اهریمنی در کشور ما عبارتست از سازمانهای آدمکشی مانند ساواک، گارد شهربانی و ژاندارمری، که بدست جاسوسان حرفه‌ای سازمان‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل بوجود آمده و دهها سال است که جنایت‌بارترین سیستم پلیسی را بر میهن ما حاکم کرده‌اند.

پایگاه اصلی دیگر امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌اش هنوز ارتش است. بخشی از دزدان، آدمکشان و خائنان، که امپریالیسم و رژیم شاه دستخیز کرده و بر ارتش مسلط ساخته‌اند، با کمک دهها هزار آمریکائی و به یاری گروهی از افسران و درجه‌داران خود فروخته، با سوء استفاده از عدم آگاهی بخشی از سربازان و افسران، بزور اسلحه و تجهیزات که بهای آنها با ثروت ملی مردم ایران پرداخته شده است، و با دست زدن به جنایت‌بارترین کشتار مبارزان جنبش‌رهائی بخش ملی ایران، توانسته‌اند از سقوط رژیم شاه جلوگیری کنند.

مبارزات یکسال گذشته بروشنی نشان داد که تا هنگامیکه رژیم شاه و امپریالیسم این دو پایگاه را در دست دارند، مبارزات مسالمت‌آمیز مردم، تظاهرات و اعتصابات، هر قدر هم عظیم‌تر و همه‌گیرتر شود، به تنهایی نخواهد توانست ضربه قطعی و نهایی را به دشمن وارد سازد. رژیم شاه و امپریالیسم جنگ خونین داخلی را به خلق‌های میهن ما تحمیل کرده‌اند. لذا وظیفه همه میهن‌پرستان است که با همان اراده تزلزل‌ناپذیری که تاکنون نشان داده‌اند، با تدارک همه جانبه مبارزه مسلحانه و تلفیق آن با همه اشکال دیگر مبارزه سیاسی، در این میدان نبرد هم، حملات دشمن را با شکست روبرو سازند و خود را برای هجوم نهائی آماده گردانند.

بزرگترین مانع در راه تجهیز این مبارزه، تفرقه در صفوف مبارزان ضد رژیم و ضد امپریالیست است. رژیم شاه و امپریالیست‌ها می‌کوشند از این وضع بفرصت بهره‌برداری کنند، مبارزه را به همین صورت بدرازا بکشانند و در صورت امکان بخشهایی از مبارزان را خسته کنند، در صفوف متحد خلق شکاف ایجاد نمایند و با همکاری عناصر سازشکار راه‌حلهای نیم‌بندی را به مردم تحمیل کنند، راه‌حلهائی که پایه‌های اصلی تسلط امپریالیستی و ارتجاعی در ایران را مورد تهدید جدی قرار ندهد. در کنار این تاکتیک موزیانه، رژیم شاه و امپریالیستها همیشه آماده‌اند که به آخرین حربه، یعنی قتل عام میهن‌پرستان و آزادیخواهان، بقصد سران آدم‌کش ارتش متوسل شوند.

تنها با گرد آوردن همه نیروهای راستین ضد رژیم و ضد امپریالیست در یک جبهه متحد و متشکل میتوان این مبارزه را سازمان داد، همه نیروها را بکار انداخت و جنبش رهائی بخش ملی را برای پیروزی نهائی آماده ساخت.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی خود از تمام هم میهنان مبارز میطلبید که همه آن اختلافات سیاسی، مسلکی و فلسفی را، که در مرحله کنونی نبرد رهائی بخش ملی و حتی برای آینده ای دور جنبه فرعی دارند، کنار بگذارند و برای تشکیل جبهه متحدی بمنظور تجهیز و سازماندهی نیروهای خلق علیه دشمن مشترک بکوشند. بنظر ما هدف چنین جبهه ای این باید باشد که به همه خواستهای مبرم مورد پذیرش قاطبه مردم ایران، که در تظاهرات و اعتصابات ماههای اخیر بیان گردیده است، جامه عمل بپوشاند. این خواستها در دو گروه عمده جمع بندی میشوند:

۱) برانداختن نظام منفور سلطنتی، استقرار جمهوری متکی به اراده خلق، درهم شکستن سازمانهای اختناق رژیم شاه و در رأس آنها ساواک، محاکمه و مجازات همه خائنان، جنایتکاران و غارتگران، از شاه و بستگان راهزنش گرفته تا جنایتکاران ساواک و سایر مسئولان کشتارهای یکساله اخیر، تأمین همه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی، بازگشت مهاجرین سیاسی، تدارک مجلس مؤسسان، تدوین قانون اساسی جدید و سرانجام روی کار آوردن دولتی که در راه تأمین کامل استقلال ملی، حفظ تمامیت ارضی، استقرار آزادیهای دموکراتیک گام بردارد، دولتی که ثروتهای غارت شده ملت را از غارتگران بازستاند، به چپاول ثروتهای ملی پایان دهد، قراردادهای خرید اسلحه از امپریالیست ها را لغو کند و همه این ثروتها را برای بهسازی اقتصاد ملی و بهبود فوری و درازمدت زندگی زحمتکشان بکار اندازد.

۲) ریشه کن ساختن تسلط جنایت بار غارتگرانه امپریالیستها از راه لغو قرارداد فروش نفت به کنسرسیوم غارتگر، اداره مستقلانه همه امور مربوط به اکتشاف، استخراج، تصفیه و فروش نفت، امتناع مطلق از فروش نفت به حکومت صهیونیستی اسرائیل و نژادپرستان آفریقا و رودزیا، اخراج کلیه جاسوسان باصطلاح کارشناس آمریکائی، انگلیسی و غیره از ارتش و سایر سازمانهای اقتصادی و دولتی، لغو قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا، خروج از پیمان نظامی امپریالیستی ستو، پیوستن به جرگه کشورهای بیطرف جهان و اتخاذ سیاست دوستی با کلیه کشورهای که به تمامیت ارضی، استقلال ملی و آزادی میهن ما احترام بگذارند، لغو کلیه قراردادهای اقتصادی اسارت آوری که امپریالیست ها به کشور ما تحمیل کرده اند و بالاخره پشتیبانی همه جانبه از جنبش های راستین رهائی بخش ملی و بویژه جنبش خلق قهرمان فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم.

بنظر حزب توده ایران اکنون وضع میهن ما به آنجا رسیده که در برابر تجاوز جنایت بار مسلحانه رژیم شاه و امپریالیسم به خلق، تدارک مبارزه مسلحانه خلق مهمترین و مبرم ترین

وظیفه در مقابل همه مبارزان ضد رژیم و ضد امپریالیست قرار گرفته است. از این رو، با احساس سنگین‌ترین مسئولیت تاریخی در لحظه کنونی:

۱) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه رهبران جنبش رهایی بخش ملی ایران، به ویژه از حضرت آیت الله العظمی خمینی، حضرت آیت الله طالقانی و... و سایر رهبران جریانهای مبارز مذهبی و سیاسی در ایران، که جنایات رژیم را با گوشت و پوست خود احساس کرده‌اند، دعوت میکند که تمام نیرو و تمام نفوذ و اعتبار خود را در راه تشکیل «جبهه متحد آزادی ملی ایران»، جبهه‌ای که همه نیروهای راستین میهنی ضد رژیم و ضد امپریالیست را دربر گیرد، بکار اندازند. این جبهه وظیفه خواهد داشت که امر رهبری مبارزات عموم خلق را علیه شاه و امپریالیسم در دست گیرد، و ضمن استفاده از همه شیوه‌های عادی مبارزه سیاسی، امر تدارک و رهبری مبارزه مسلحانه خلق را علیه نیروهای مسلح رژیم شاه سازمان دهد.

۲) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه مبارزان خلق، از همه احزاب، سازمانها و گروههای مبارز سیاسی در ایران دعوت میکند که بموازات تلاش برای تشکیل جبهه فوق، امر تشکیل هسته‌ها و گردانهای این جبهه را در میان خلق، در هر کارخانه، هر دانشگاه، هر مدرسه، هر اداره و مؤسسه و همچنین در روستاها و محلات مسکونی در شهرها، با شرکت همه مبارزان، در دست گیرند و با تمام نیرو در گسترش و تحکیم آن بکوشند. در این زمینه سنگین‌ترین وظیفه بردوش طبقه کارگر قهرمان و پرافتخار ایرانست که با مبارزه درخشان خود در سالها و بویژه در ماههای اخیر کاری‌ترین ضربه را بر پیکر منفور استبداد و امپریالیسم وارد ساخته است. حزب توده ایران ایمان راسخ دارد که در این مرحله از نبرد هم طبقه کارگر ایران در صف مقدم همه زحمتکشان و همه میهن‌پرستان نقش تاریخی انقلابی خود را ایفا خواهد کرد. هر هسته و هر گردان باید ضمن تجهیز همه نیروها برای گسترش مبارزات عادی سیاسی - تظاهرات، اعتصابات و غیره - امر تدارک مقاومت و تعرض مسلحانه را در برابر نیروهای سپاه آدمکش رژیم شاه و امپریالیسم نیز در دست خود گیرد.

۳) کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه افسران و درجه‌دازان و سربازان میهن‌پرست دعوت میکند که مبارزه خود را علیه رژیم شاه از صورت مبارزه منفی فرار از خدمت به مبارزه مثبت عملی بمنظور فلج کردن سازمان نظامی رژیم و ایجاد جبهه مقاومت و تعرض در داخل ارتش گسترش دهند.

افسران و درجه‌داران و سربازان میهن‌پرست!

وظیفه شماست که با همان فداکاری و از خودگذشتگی انقلابی پدران و مادران، برادران و خواهران خود، بی‌باکانه در این نبرد تاریخی شرکت کنید. وظیفه شماست که هسته‌ها و گردانهای «جبهه متحد آزادی ملی ایران» را در هر سربازخانه و در هر واحد نظامی مخفیانه بوجود آورید، به هسته‌ها و گردانهای خلقی جبهه پیوندید، به آنها برای ایجاد شاخه‌های مسلح،

هم از لحاظ آموزش نظامی و هم از لحاظ رساندن اسلحه و مهمات، یاری رسانید. وظیفه شماس است که با استفاده از همه امکانات، سازمان نظامی دشمنان خلق را از درون قلع سازید و سربازخانه‌های رژیم را از داخل بتصرف خلق درآورید.

مبارزان میهن‌پرست!

همانطور که مبارزان قهرمان در تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، قم، شیراز و بسیاری از شهرهای دیگر تشخیص داده و با ابتکار خود بدان عمل کرده‌اند نخستین، فوری‌ترین و مهمترین وظیفه‌ای که در مقابل همه نیروهای ضد رژیم شاه و ضد امپریالیسم قرار گرفته، درهم کوبیدن سازمان‌های جنایتکار ساواک، گاردهای آدمکش پلیس و واحدهای اختناق ژاندارمری است. با درهم شکستن این سازمانهای ترور و اختناق سیاسی، و پیش از همه ساواک، کابوس وحشت در کشور از بین خواهد رفت و پیروزی در این جبهه نبرد، فعالیت افشاگرانه و روشنگرانه سیاسی را در میان افراد ساده و هنوز ناآگاه ارتش و تشویق افراد متزلزل در میان افسران، درجه‌داران و سربازان را برای پیوستن به خلق، بمراتب آسانتر خواهد کرد.

بنظر ما اینست مبرم‌ترین و مهمترین گامی که جنبش رهائی بخش ملی میهن ما آماده است که بردارد و باید بردارد؛ این است مبرم‌ترین و مهمترین وظیفه تاریخی همه مبارزان و پیش از همه، تمام رهبران گردان‌های گوناگون جنبش رهائی بخش ملی ایران!

■ افتخار جاودان به خلقهای قهرمان میهن عزیزمان ایران!

■ پیش به سوی تشکیل جبهه متحد آزادی ملی ایران!

■ پیش به سوی تدارک همه جانبیه مبارزه مسلحانه خلق علیه رژیم شاه و

امپریالیسم!

■ با تمام نیرو برای درهم کوبیدن سازمان جنایت‌کار ساواک و گاردهای آدمکش

پلیس دست بکار شویم!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

شنبه بیست و سوم دیماه ۱۳۵۷

اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک را مانند مردمک چشم نگاه داریم!

در هفته‌ها و روزهای اخیر، در حاشیه رویدادهای عظیم و بیسابقه در کشور ما، برخی پیشامدهای فرعی رخ داده، که موجب تاسف و نگرانی همه مبارزان جنبش انقلابی مردم ایران گردیده است.

دستگاههای تبلیغاتی رژیم شاه و حامیان امپریالیستی اش، کوشیده‌اند تا از این حوادث برای متزلزل نشان دادن و متزلزل ساختن و ایجاد تفرقه در جبهه متحد نیروهای ملی و دموکراتیک علیه امپریالیسم و رژیم پوسیده سلطنتی بهره‌برداری کنند. این خود بیدارباش بسیار بااهمیتی برای همه مبارزان است. آنچه که دشمن را شاد کند و به پایکوبی وادارد، مسلماً به زیان جنبش انقلابی ماست و باید با تمام نیرو از آن پرهیز کرد.

درست است که با بیرون راندن شاه جنبش انقلابی مردم میهن ما، پیروزی تاریخی بزرگی بدست آورد، ولی همانطور که همه رهبران جنبش اعلام داشته‌اند، این تنها گام اول در یک راه طولانی و دشواری است که جنبش برای رسیدن به هدفهایش درپیش دارد.

هنوز شاه خود را شاه میدانند. هنوز بساط سلطنت برانداخته نشده، هنوز کارگزاران امپریالیسم و شاه، دولت و بخش مهمی از ارتش را در دست دارند، هنوز سازمانهای جهنمی اختناق درهم شکسته نشده‌اند، هنوز خطر توطئه خائنانه سران خودفروخته ارتش بقوت خود باقیست، هنوز کارشناسان امریکایی و اسرائیلی و عمال «سیا» در کشور ما به دسائس رنگارنگ خود مشغولند.

در چنین شرایطی، تنها اتحاد خلل ناپذیر همه نیروهای ملی و دموکراتیک یگانه وثیقه پیروزی جنبش علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سیاه شاه است.

دشمنان خلق، امپریالیسم و ارتجاع، میکوشند اتحاد، این برنده‌ترین سلاح پیروزی

جنبش را با هزاران دسیسه کم اثر و اگر بتوانند بی اثر نمایند. آنها میکوشند و در آینده همواره خواهند کوشید تا از هر اختلافی در درون نیروهای ملی و دموکراتیک، هر قدر هم فرعی باشد، برای ایجاد شکاف و به منظور بجان هم انداختن گروهها و بخشهای مختلف این جبهه، بهره برداری کنند.

ارتجاع در سراسر تاریخ از این حربه جهنمی «جداساز، بجان هم انداز و فرمانروائی کن» علیه جنبشهای مترقی بهره برداری کرده است و میکند و خواهد کرد. این حربه را تنها با بیداری، روشن بینی و توجه به عمده ترین وظیفه مبارزه در هر لحظه، میتوان از کار انداخت.

چنانکه طبیعی است، جنبش انقلابی مردم ایران، چه از لحاظ طبقاتی، چه از لحاظ جهان بینی و موضع گیری های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، یکرنگ نیست. این جنبش از طبقه کارگر تا سرمایه داران ملی را در بر می گیرد و در آن از پیروان جهان بینی مذهبی گرفته تا هواداران سوسیالیسم علمی، دوشادوش هم و در صفوف متحد، علیه دشمنان مشترک مبارزه میکنند.

آنچه که این نیروها را در جبهه متحدی گرد هم نگاه می دارد، همانا هدفهای مشترک آنها است. یعنی: برانداختن رژیم فاسد، خائن و غارتگر سلطنتی، ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی و تأمین تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، استقرار آزادیهای دموکراتیک برای همه و بکار انداختن ثروتهای ملی برای پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی مردم زحمتکش کشور.

در برابر این وجوه مشترک فوق العاده با اهمیت که اجراء عملی آن یک دوران طولانی را در بر خواهد گرفت، همه وجوه دیگر در لحظه تاریخی کنونی جنبه فرعی دارد. به پیش کشیدن و تکیه کردن روی این وجوه فرعی، کوشش هر بخش از جنبش در انکار حق طبیعی آزادی تفکر و عمل بخشهای دیگر جنبش، موجب سست کردن پایه های اتحاد و در نتیجه موجب تضعیف جبهه متحد است.

متأسفانه کوشش برخی از مبارزان که زیر پرچم جهان بینی اسلامی، در نبرد ملی و دموکراتیک خلق شرکت میکنند، در این جهت شدت یافته که از ابراز عقیده و نظر و اقدام نیروهای دیگر ملی و دموکراتیک، جلوگیری کنند. این مبارزان، این تلاش خود را با شیوه های غیر دموکراتیک مانند پاره کردن بیانیه ها و شعارهای سازمانهای ملی و دموکراتیک دیگر، ضرب و جرح و تهدید این مبارزان و با اهانت به زنان و دختران مبارزی که مطابق میل آنان لباس پوشیده اند، توأم کرده اند.

در عین حال دیده شده است که کسانی از مبارزان وابسته به چپ نیز، بویژه از میان جوانان و دانشجویان، خونسردی خویش را از دست داده و گاه با طرح شعارهای غیر واقع بینانه و با روشهای تند و سکتار پستی موجب محیط حاد در درون جنبش شده اند.

حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی همه گروههای مبارز و بویژه رهبران بانفوذ جنبش را، به لزوم تحکیم مبانی اتحاد، دوری و پرهیز از هر اقدامی که موجبات تشنج در درون جبهه متحد ملی است، فرامی خواند.

ما از حضرت آیت الله العظمی خمینی و دیگر رهبران روحانی، که همواره اهمیت اتحاد همه نیروها را در مبارزه علیه امپریالیست ها و رژیم غارتگر شاه یادآور شده اند، انتظار داریم که با راهنمایی های خویش کسانی را که به چنین روشهای زیانبخش دست میزنند، از ادامه آن باز دارند.

ما بنوبه خود از همه افراد و گروهها و سازمانهایی که در جنبش پرافتخار کنونی مردم ایران پیکار میکنند، خواستاریم که با توجه به اهمیت حیاتی اتحاد صفوف خلق در شرایط کنونی برای درهم شکستن انواع توطئه های دشمنان خلق، از دست زدن به عملی و از پیش کشیدن هر شعاری که موجب تفرقه و تشدید تشنج در جبهه متحد خلق برای رسیدن به هدفهای عمده کنونی اش یعنی: برانداختن رژیم سلطنتی، ریشه کن ساختن تسلط امپریالیستی، مستقر ساختن جمهوری متکی به آراء عمومی مردم و تامین آزادی های دموکراتیک، گردد، اکیدا خودداری نمایند.

دشمن زخم خورده، ولی از پای در نیامده است، دشمن حيله گر و خطرناک است و کماکان نیروها و ذخائر معینی در اختیار دارد. تنها با اتحاد، بیداری و آمادگی همه مردم می توان بر این دشمن چیره شد. نباید به دشمن امکان داد که از اختلافات در درون جنبش بهره برداری کند، عناصر خود را به درون صفوف مبارزان بفرستد و با تفرقه افکنی صفوف درهم فشرده خلق انقلابی را متزلزل و تضعیف نماید.

مبارزان راه آزادی و استقلال ملی!

• با افشاندن بذر نفاق دشمنان مشترک را شاد نکنیم!

• اتحاد همه نیروهای ملی و دموکراتیک را مانند مردمک چشم نگاه داریم!

• پیروزی مبارزه متحد مردم ایران در راه برچیدن بساط سلطنت، ریشه کن

ساختن تسلط امپریالیستی، استقرار جمهوری و تشکیل دولت ملی و دموکراتیک!

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳ بهمن ماه ۱۳۵۷

حزب توده ایران فعالیت علنی خود را از سر می گیرد

هم میهنان!

رژیم خیانتکاری که حزب توده ایران را، به اراده امپریالیسم و ارتجاع، بزعم خویش «منحله» اعلام کرده بود، اینک خود، در پرتو انقلاب بزرگ مردم ایران، به «منحله» بدل شده است.

تصمیمات این رژیم از طرف خلق قهرمان ایران، که منشاء هر قدرتی است، با خشم و نفرت طرد و رد گردیده است. حزب توده ایران در شرایط ورشکست کامل رژیم دست نشانده امپریالیسم از حق مقدس و لاینفک خویش برای شرکت آزاد و علنی و قانونی در مبارزه بزرگ انقلابی و اجتماعی مردم ایران استفاده میکند.

حزب توده ایران، که طی حیات ۳۷ ساله خود، تنها در کمتر از ۸ سال از زندگی علنی بر خوردار بود، از همان آغاز تاسیس، پس از سقوط دیکتاتوری بیست ساله رضاخان، با عُمال استبداد، با فاشیسم، با سیاستهای نواستعماری امپریالیسم امریکا و انگلستان، با توطئه های ضد خلقی محمد رضا پهلوی و خاندان فاسد وی، با مالکان فئودال، با سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و در راه استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی بی امان و دلیرانه مبارزه کرد. حزب توده ایران، که به خلق، و بویژه به زحمتکشانش شهر و ده، و در صف مقدم آنان طبقه کارگر ایران تکیه داشت، منشاء خدمات بزرگ به آگاهی، تشکل، و مبارزه طبقات زحمتکش در راه حقوق حقه خویش گردید. بسبب همین سیاست ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی، بسبب همین پیکار خستگی ناپذیر در راه استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، بسبب همین ماهیت توده ای و خلقی بود که حزب توده ایران بر اثر توطئه امپریالیسم و ارتجاع، غیر قانونی اعلام گردید.

هدف امپریالیسم و ارتجاع از غیر قانونی کردن حزب توده ایران این بود که پیوند حزب را

با توده ها بگسلند، برای سرکوب هر جنبش و سازمان مترقی بهانه ای بتراشند، از اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک جلوگیری کنند و در برابر گسترش جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران سدی بسازند. ولی حزب توده ایران، توانست با ایجاد بزرگترین سازمان پنهانی، که تاریخ ایران بیاد ندارد، با تلفیق کار مخفی و علنی، و برغم شدیدترین فشارها و بزرگترین دشواریها، نقش شایسته خود را در جنبش ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران، از جمله در جنبش ملی کردن صنایع نفت، در عقیم گذاردن توطئه ها و دسائس امپریالیسم و ارتجاع و در دفاع از حقوق و منافع طبقه کارگر، همه زحمتکشان و عموم خلق ایفا کند.

پس از کودتای امپریالیستی مرداد ۱۳۳۲، که منجر به سقوط حکومت ملی دکتر مصدق و استقرار رژیم استبدادی وابسته به امپریالیسم محمد رضا پهلوی گردید، حزب توده ایران، با اینکه هدف شدیدترین فشارهای رژیم ساواکی بود، در صف مقدم مبارزه با این رژیم قرار گرفت، و بویژه با اعلام برنامه خویش، نقش افشاگرانه، روشنگرانه و بسیج کننده عظیمی بازی کرد که از عوامل موثر جنبش انقلابی کنونی مردم ایران است.

در دوران سلطنت ننگین محمد رضا پهلوی، هزاران تن از اعضاء و فعالان حزب زندانی شدند، شکنجه دیدند، شهید شدند، و مجبور به مهاجرت گردیدند. ولی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، حزب آزادی ها، سیامک ها، روزبه ها، ابراهیمی ها، حکمت جوها و تیزابی ها پرچم پیکار در راه آرمان مقدس خلق را همواره افراشته نگاهداشت.

اینک که جنبش انقلابی، ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران، بر اثر اتحاد، فداکاری و قهرمانی کم نظیر مردم ایران به پیروزیهای بزرگی دست یافته، حزب توده ایران، که بنوبه خود تمام نیروی خویش را برای پیروزی این جنبش بکار برده و میبرد، پشتیبانی مجدد خود را از حضرت آیت الله العظمی خمینی و برنامه ایشان بخاطر استقرار جمهوری، تشکیل مجلس موسسان بر پایه آراء آزاد و عمومی مردم، تدوین قانون اساسی جدید، تشکیل دولت ملی و دموکراتیک، طرد امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم امریکا، تامین استقلال ملی، حفظ تمامیت ارضی، استقرار حقوق و آزادیهای دموکراتیک، سالم سازی اقتصاد ملی و بهبود زندگی مردم — که برنامه حزب توده ایران در مرحله کنونی انقلاب نیز هست — اعلام میدارد.

حزب توده ایران شرط مقدم نیل به هدفهای جنبش انقلابی مردم ایران را اتحاد همه نیروهای شرکت کننده در این جنبش، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و فلسفی میداند و از همینجاست که دست دوستی و اتحاد بسوی سایر نیروهای ملی و دموکراتیک، دیگر احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت های ملی و دموکراتیک، و در پیشاپیش آنان، حضرت آیت الله العظمی خمینی و هواداران شان دراز کرده است.

جامعه ما بخاطر تکامل سالم و سریع خویش، بوجود حزبی مبارز، آگاه، خلاق و دارای پایگاه اجتماعی محکم، چون حزب توده ایران نیاز حیاتی دارد. ما اطمینان داریم که زحمتکشان شهر و ده و در پیشاپیش آنان، طبقه کارگر آگاه و قهرمان ایران، فعالیت علنی حزب توده ایران را حادثه خجسته ای خواهند شمرد و از حزب خود با تمام نیرو پشتیبانی خواهند کرد. ما امیدواریم که نیروهای ملی و دموکراتیک دیگر جامعه نیز، با همین برخورد، با تجدید فعالیت

علنی حزب ما روبرو شوند، چنانکه ما نیز فعالیت علنی و حقوق دموکراتیک آنان را با همین دیده مینگریم.

حزب توده ایران از همه رفقا و دوستان و هواداران خویش می خواهد که با نظم و انضباط، با درک و آگاهی، با اصولیت و پیکار جوئی، چنانکه در خورد حزبی دارای سنت طولانی مبارزه و نامی پر اعتبار و تجارب غنی است، برای احیاء هر چه سریعتر سازمانهای حزبی در همه شهرها و شهرک ها و روستاها، در همه کارخانه ها، ادارات و بنگاهها، در همه مدارس، دانشگاهها و مراکز آموزشی، با خردمندی، متانت، استواری و پیگیری عمل کنند. ما راهی دراز و دشوار و پر افتخار در پیش داریم. بسبب صداقت، صمیمیت، استواری و پیگیری ما نسبت به منافع مردم، مسلما مردم، دوست، پشتیبان و تکیه گاه ما هستند، و این خود ضامن کامیابیهای روز افزون ماست. در عین حال بسبب همین صداقت، صمیمیت، استواری و پیگیری نسبت به منافع مردم، ما، در وجود امپریالیسم و ارتجاع و عمال آنها، دشمنان رنگارنگی خواهیم داشت که با شیوه های گوناگون با ما ستیز خواهند جست و لذا ضرور است که با هشجاری و دیده باز، نیرنگها و توطئه های خصمانه آنها را عقیم گذاریم و با جسارت و خردمندی با آنها مقابله کنیم.

باید خود را سزاوار نام توده ای، سزاوار خون گلرنگ شهیدان حزب و انقلاب، سزاوار جهان بینی مترقی و منطبق علمی خود نشان دهیم! باید همه جا عامل اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک باشیم! باید همه جا در رده های اول نبرد ضد امپریالیستی و دموکراتیک باشیم! باید همه جا نمونه فکر و عمل و رفتار درست قرار گیریم! باید همه جا بکام خلق برویم! باید همه جا نام توده ای را سرفراز کنیم.

حزب توده ایران دوران نوین فعالیت علنی خود را با بهره جوئی از تجارب غنی گذشته و با اعتماد به یاری و پشتیبانی مردم آغاز میکند.

- افتخار جاویدان به مردم قهرمان ایران!
- زنده باد حزب توده ایران — حزب طبقه کارگر ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۳ بهمن ۱۳۵۷

درباره شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران اخیراً برگزار شد و با موفقیت کامل بکارهای خود پایان داد. بکرشته مسائل عمده سیاسی و سازمانی، که برای فعالیت حزب در سر آغاز مرحله دوم انقلاب پیروزمند ملی و دموکراتیک خلق دارای اهمیت درجه اول است، در دستور کار پلنوم قرار داشت. عمده ترین آنها بقرار زیرین است:

۱- گزارش هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به شانزدهمین پلنوم توسط رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی،

۲- پیشنهاد های پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به همه نیروهای ملی و مترقی در باره تحول بنیادی جامعه ما و ضرورت ایجاد جبهه متحد خلق،

۳- اتخاذ بکرشته تصمیم در جهت تکمیل رهبری حزب.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی، با تأیید گزارش هیئت اجرائیه، گام مهمی در راه روشن ساختن مواضع سیاسی و خط مشی و وظایف مبرم حزب در شرایط بغرنج کنونی حیات اجتماعی و سیاسی ایران برداشت. گزارش مورد تصویب پلنوم، در بخش مربوط به وضع جهان، موضعگیری حزب ما را در بکرشته مسائل عمده بین المللی مشخص میسازد. در بخش عمده گزارش، خصلت ملی و دموکراتیک انقلاب ایران و علل بروز و اثرات عمیق آن در جامعه ما و نتایجی که از این بررسی برای فعالیت آینده حزب ما ناشی میشود، تشریح میگردد. متن این گزارش در مطبوعات حزب نشر خواهد یافت.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهادهای مشخص برای ایجاد تحول بنیادی در جامعه ایران و بمنظور ایجاد «جبهه متحد خلق» بتصویب رساند. پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی بر آنست که این برنامه میتواند همه نیروهای مدافع انقلاب ملی و دموکراتیک خلق قهرمان ایران را - از مبارزان پیگیر راه آیت الله خمینی گرفته تا حزب توده ایران و سایر

نیروهای انقلابی - در یک جبهه متحد گرد آورد.

شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی، پس از تأیید اینکه بخشی از آنچه کمیته مرکزی بعنوان هدفهای جنبش انقلابی ایران در برنامه حزب بدرستی طرح کرده بود، بهمت انقلابی خلقهای ایران جامعه عمل پوشیده، به هیئت اجراییه کمیته مرکزی مأموریت داد، با در نظر گرفتن این امر که اوضاع کشور ما و جهان از تاریخ تدوین این برنامه گامها بجلورفته و تحولات مثبتی در جهان و در میهن ما بوجود آمده، در کوتاه ترین مدت نوسازی ضرور را در متن برنامه تدارک ببیند و همچنین در اساسنامه متناسب با شرایط مشخص امروز، تغییرات لازم را وارد کند.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی طی قطعنامه و بژه ای، تصمیمات اجلاسیه ۲۳ دیماه ۱۳۵۷ هیئت اجراییه را در باره تغییر در ترکیب هیئت دبیران و هیئت اجراییه، از جمله انتخاب رفیق کیانوری را بسمت دبیر اول کمیته مرکزی، مورد تأیید قرار داد.

علاوه بر اسناد مهم نامبرده، یک سلسله اسناد دیگر، از جمله پیامی خطاب به مردم مبارز و قهرمان ایران و نامه ای خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست و پتانام، مورد تصویب پلنوم شانزدهم قرار گرفت.

بی شک پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی، چه از لحاظ ماهیت تصمیماتی که اتخاذ نموده است و چه از لحاظ سطح بالای اصولیت و وحدت نظر اعضای آن، مقام مهمی را در تاریخ حزب ما احراز خواهد کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

اسفند ماه ۱۳۵۷

به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز،

گزارش هیأت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران که اکنون به پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب تقدیم می شود، شامل چهاربخش است. بخش اول متضمن یک بررسی اجمالی از وضع کنونی جهان، بخش دوم حاکی از یک بررسی از وضع کشور و جنبش انقلابی میهن ما، بخش سوم شمه ای درباره فعالیت سیاسی و سازمانی حزب در فاصله میان پلنوم پانزدهم و این پلنوم و سرانجام بخش چهارم طرح آن وظایفی است که در شرایط کنونی در برابر حزب ما قرار گرفته است.

ولی پیش از ورود به اصل مطلب، بجاست نکته ای چند درباره اهمیت لحظه کنونی و پلنومی که اینک تشکیل شده است یادآور شویم:

جنبش انقلابی گسترده ای که از لحاظ بسیاری مختصات خود کم نظیر و سراسر میهن ما را فرا گرفته، به مرحله نخستین پیروزی خود دست یافته است. در این جنبش توده های چندمیلیونی مردم در شهر و ده، با ار خود گذشتگی، با پیگیری و بدون کوچکترین هراس از مرگ، برای رسیدن به هدف های والای ضد امپریالیستی و دموکراتیک، با اراده ای آهنین و روحیه ای حماسی، پا در میدان نبرد گذاشتند و رزمیدند.

مبارزات درخشان مردم ایران و پیروزی هائی که هم اکنون بدست آورده اند اعجاب و تحسین همه انسان های شریف هوادار آزادی و پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان برانگیخته است و دل ها را با آرزوی کامیابی بازهم درخشان تر این جنبش در تپش نگاه می دارد. آنچه این پیروزی تاریخی را ممکن ساخت، در درجه اول اراده شکست ناپذیر و مبارزه پیگیر مردم ایران بود. در کنار این عامل تعیین کننده، تغییرات عظیمی که در سال های اخیر در

صحنه جهانی، در تناسب نیروها به زبان امپریالیسم و به سود نیروهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک به وجود آمد، تأثیر عمیقی در ایجاد شرایط مساعد برای کامیابی مبارزات مردم ایران داشت.

دشمنان بشریت، غارتگران امپریالیستی، مرتجعین و کارگزاران رنگارنگشان در جهان و ایران، که از به لرزه درآمدن و فرور یختن یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های جنگ و تجاوز و غارتگری خود به وحشت افتاده‌اند، تمام تلاش خویش را برای جلوگیری از بسط و تحکیم پیروزی‌های به دست آمده این جنبش، به کار می‌برند.

در چنین لحظه‌ای است که پلنوم کمیته مرکزی حزب تشکیل می‌شود و روشن است که تشکیل پلنوم در این لحظات حساس تاریخی، وظایف بسیار با اهمیت و سنگینی را دربرابرش مطرح می‌سازد.

پلنوم ما باید لحظه کنونی را در جنبش انقلابی ایران همه جانبه مورد ارزیابی قرار دهد و وظایف حزب را برای یک مرحله بسیار پراهمیت تاریخی تعیین نماید.

آنچه ما در این اجلاس در باره آن تصمیم خواهیم گرفت سیاست حزب را برای یک دوران بس خطیر در تاریخ کشور ما و نقش حزب را در مجموع جنبش انقلابی ایران و نبردش را در راه استقلال ملی و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، در شرایط مشخص کنونی روشن خواهد ساخت.

ما امیدواریم و اطمینان داریم که پلنوم کمیته مرکزی وظایف فوق‌العاده مهم خود را با احساس مسئولیت تاریخی خویش انجام خواهد داد.

اینک پس از این مقدمه مختصر درباره حساسیت لحظه و اهمیت جلسه حاضر، اجازه دهید به بخش‌های اساسی گزارش پردازیم:

۱۹ بررسی اجمالی از وضع جهان امروز

آنچه امروز در سراسر جهان می‌گذرد تأیید روشن از احکامی است که جنبش کمونیستی و کارگری جهان در کنفرانس عمومی سال ۱۹۶۹ خود بیان داشت و پیش‌بینی نمود و در برنامه حزب توده ایران نیز منعکس است.

رویدادهای مختلف جهان امروز حاکی از آنست که بحران عمومی نظام سرمایه‌داری (که خود این بحران عمومی از دوران جنگ اول جهانی و انقلاب اکتبر آغاز گردیده بود)، پس از پیروزی جهانی - تاریخی اتحادشوروی بر دد فاشیسم، وارد مرحله دوم خود گردید. این بحران از چند سال پیش به این طرف (یعنی بویژه از سال‌های پنجاه، و فرور یختن نظام استعماری امپریالیستی) و این بار بدون جنگ، وارد مرحله سوم خود شد و بیش از پیش رو به حدت

تشدید تضادهای درون اردوگاه امپریالیستی در گستره‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک و غیره، سراسر نظام غارتگر امپریالیستی را در جهان با تب و لرز تازه‌ای دست به گریبان ساخته و اقدامات سراسیمه زمامداران جهان امپریالیستی برای عنان زدن بر جلوه‌های مختلف بحران بیش از پیش بی‌ثمری خود را نشان می‌دهد.

تحت تأثیر این بحران و با تشدید بی‌سابقه تضادهای امپریالیسم در مجموعه خود، این نظام ستمگر و غارتگر در صحنه جهانی دمبدم ضعیف‌تر می‌گردد و هارت‌ترین محافل تجاوزکاران منفردتر می‌شوند و دامنه امکانات امپریالیسم برای حفظ مواضع خویش تنگ‌تر می‌گردد.

از سوی دیگر، جبهه عظیم نیروهای ضدامپریالیستی جهان گسترش روزافزونی می‌یابد و از لحاظ کمی و کیفی بیش از پیش نیرومند می‌شود. این تحول کمی و کیفی بطور چشمگیری در هر سه بخش جنبش گسترده ضدامپریالیستی و انقلابی دوران ما یعنی سوسیالیسم، جنبش انقلابی کارگری، جنبش رهائی بخش ملی دیده می‌شود.

جامعه کشورهای سوسیالیستی در داخل خود، علیرغم برخی تأثیرات منفی بحران‌های رنگارنگ دنیای سرمایه‌داری، از رشد موزون و بدون بحران، از گسترش شکوفان در عرصه‌های مادی و معنوی برخوردار است. اعتبار و حیثیت این کشورها و در پیشاپیش آن‌ها اتحادشوروی، که سنگر مقتدر جبهه عظیم نیروهای ضدامپریالیستی است، در میان خلق‌های سراسر جهان هر روز اوج بیشتری می‌گیرد.

سیاست جهانی جامعه کشورهای سوسیالیستی مبتنی است بر تحکیم صلح، همزیستی و خنثی ساختن دسیسه‌های رنگارنگ محافل امپریالیستی و هدف این دسیسه‌ها یعنی تشدید و خنثی‌سازی اوضاع بین‌المللی و تهیه زمینه مساعد برای تحمیل مسابقه تسلیحاتی، تحمیل مجدد جنگ سرد در مناسبات بین‌المللی و به راه انداختن جنگ‌های منطقه‌ای و اگر قادر باشد حتی جنگ جهانی.

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از راه مبارزه برای تحکیم صلح جهانی و همزیستی مسالمت‌آمیز، مبارزه برای محدود ساختن سلاح‌ها تا حد تحقق خلع سلاح عمومی، پشتیبانی همه‌جانبه از جنبش‌های آزادیبخش ملی، می‌کوشند تا این توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیستی را عقیم سازند و صلح جهانی را به سوی پیروزی ببرند و خلع سلاح و در درجه اول در زمینه سلاح‌های استراتژیک را عملی کنند. رهبری حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی و برآس آن رفیق برژنف سیاست سرشار از ابتکار و پرنرمش و مبتنی بر اصولیت و علمیت عمیق را که از منافع بنیادی خلق‌های جهان ناشی می‌شود، در این زمینه دنبال می‌کنند. راز موفقیت‌های بزرگ این سیاست خارجی لنینی درست در همین‌جاست که این سیاست همروند با مقتضیات تکامل تاریخی و هماهنگ با تمایلات خلق‌های جهان گام برمی‌دارد، لذا از پشتیبانی خلق‌ها برخوردار است.

بخش دیگر جبهه جهانی ضدامپریالیستی، یعنی جنبش‌های رهائی بخش ملی در سراسر کشورهای «دنیای سوم» در حال گسترش بی سابقه‌ای است. تنها در هشت سالی که از آغاز دهه ۷۰ می‌گذرد، دنیای ما شاهد پیروزی‌های عظیم خلق‌ها در ویتنام، لائوس، کامبوج، موزامبیک، آنگولا، گینه بیسائو، اتیوپی، افغانستان، یمن جنوبی و غیره و نیز کامیابی‌های بزرگ در مبارزه خلق‌ها در برخی دیگر از کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین بوده است.

تقریباً در تمام کشورهای این بخش عظیم از جهان، جنبش نه تنها از لحاظ کمی قدرت بیشتری یافته، بلکه از لحاظ کیفی نیز به مراحل عالی‌تری از مبارزه برای استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی گام گذاشته است. نقش رهبری طبقه کارگر در این جنبش‌ها هم از راه مستقیم و هم از راه تأثیر معنوی جنبش کارگری جهانی هر روز بیشتر به عامل تعیین کننده‌ای در سیر تکامل جوامع بشری مبدل می‌گردد.

نه تنها در کشورهایی که از آن‌ها نام بردیم، بلکه همچنین در کشورهای دیگر (مانند ماداگاسکار، جمهوری بنین، جمهوری گینه، تانزانیا، الجزایر و غیره) جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک گام‌های بزرگی به پیش و در جهت سمتگیری سوسیالیستی برای تکامل آینده جامعه برمی‌دارد. در اثر این تکامل شگرف، علیرغم کامیابی برخی توطئه‌های خائنانه امپریالیستی مثلاً در شیلی، با چرخش ارتجاعی در روش معر و نظیر آنها، پایه‌های تسلط غارتگرانه و تجاوز کارانه امپریالیستی در «دنیای سوم» هر روز متزلزل‌تر می‌شود و حملات جنبش‌های رهائی بخش ملی بر این پایه‌ها هر روز گسترده‌تر و نیرومندتر می‌گردد.

بخش دیگر جبهه عظیم جهانی نیروهای ضد امپریالیستی یعنی جنبش کارگری و دموکراتیک در کشورهای سرمایه‌داری پیش افتاده با سرعت بی سابقه‌ای نسبت به سال‌های پیش در حال گسترش کمی و کیفی است. مبارزات طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی هم از جهت کمی و هم از جهت کیفی به ابعاد تازه‌ای دست یافته است. در این کشورها مبارزه طبقه کارگر دیگر در چهارچوب مطالبات روزمره اقتصادی باقی نمی‌ماند، بلکه لزوم مبارزه با اثرات و عواقب ناگوار بهره‌جویی انحصارهای سرمایه‌داری از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی به زبان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان، هر روز بیشتر به صورت مسئله حاد مبارزات طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکش جامعه درمی‌آید، و بیش از پیش ناتوانی سیستم سرمایه‌داری برای حل معضلات مزمن خود مانند تورم و بیکاری آشکار و ضرورت یک تحول بنیادی در نظام اجتماعی به ثبوت می‌رسد.

محافل حاکمه سرمایه‌داری انحصاری کشورهای غربی که از این رشد کمی و کیفی جنبش کارگری به وحشت افتاده‌اند می‌کوشند تا آزادی‌های دموکراتیک را محدود سازند و در صورت امکان با تقویت گرایش‌های نوفاشیستی، تا حد مسلط ساختن در پرده یا بی‌پرده این گرایش‌ها بر سرنوشته سیاسی کشور، شرایط اجتماعی را برای تحمیل سیاست غارتگرانه خویش و انداختن بار سنگین معضلات ناشی از بحران اقتصادی بردوش زحمتکشان آماده سازند. در

مقابل این توطئه محافل حاکمه امپریالیستی، مبارزه نیروهای دمکراتیک جامعه هر روز شدت و گسترش بیشتری پیدا می کند.

پیروزی نیروهای دمکراتیک در پرتقال، یونان و اسپانی که با درهم کسوفته شدن رژیم های فاشیستی توأم بود، علی رغم پشتیبانی محافل امپریالیستی از این رژیم ها، نمونه ای از گسترش مبارزات دمکراتیک در کشورهای سرمایه داری غرب است.

تبلیغات محافل امپریالیستی برای فریب خلق های خود، هر روز کم اثرتر می شود. بدین مناسبت به جاست یادآور شویم که علی رغم همه تبلیغات محافل امپریالیستی ایالات متحده آمریکا و بویژه محافل وابسته به مجتمع نظامی - صنعتی علیه دوستی و همزیستی با اتحاد شوروی، در سال های اخیر تعداد هواداران گسترش این دوستی و همزیستی و تأییدکنندگان لزوم انعقاد هرچه زودتر قرارداد در زمینه محدود کردن سلاح های استراتژیک هسته ای، پیوسته افزایش می یابد. وطنی آخرین همه پرسی آزمایشی، اکنون ۸۰ درصد از مردم ایالات متحده را در بر می گیرد. جنبش انقلابی کارگری در مقیاس جهانی، راه رشد کیفی عمیقی را طی می کند. تردیدی نیست که این جنبش، که در شرایط بسیار متنوع و به صورتی هرچه خلاق تر عمل می کند، نه تنها وحدت رزمنده خود را علیه امپریالیسم حفظ خواهد کرد، بلکه آن را بیش از پیش تحکیم و تعمیق خواهد نمود.

بدینسان می توان گفت که رشد پیگیر و بدون وقفه همه بخش های جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی جهان، یکی از ویژگی های برجسته تکامل تاریخی دوران ماست. و بزرگی دیگر مرحله کنونی در آنست که به موازات نیرومندتر شدن بخش های نامبرده جبهه عظیم نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی، پیوند همبستگی میان این سه بخش، علی رغم همه دسیسه های محافل امپریالیستی، هر روز استوارتر و نیرومندتر می گردد. جنبش رهائی بخش ملی، خواه در کشورهایی که استقلال و آزادی به دست آورده اند، خواه در کشورهایی که هنوز برای استقلال و آزادی نبرد می کنند، هر روز بیشتر به لزوم تحکیم این هم پیوستگی پی می برند و در این راه گام برمی دارند. این هم پیوستگی اکنون اهمیت بیشتری کسب می کند، زیرا از دیرزمانی رهبران کنونی چین راه انقلاب پرافتخار خلق چین را که بر پایه های نیرومند اتحاد با اتحاد جماهیر شوروی، پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش ملی و مبارزه بی امان علیه امپریالیسم استوار بود، ترک گفته و به راه دشمنی آشکار با کشورهای سوسیالیستی و جنبش های اصیل کارگری و جنبش های راستین رهائی بخش ملی و سازش بی پرده با سیاه ترین نیروهای امپریالیسم و ارتجاع گام گذاشته اند.

هدف این سیاست زیان بخش و خطرناک رهبران کنونی پکن، به طور روشن، رسیدن به سیطره جهانی چین از راه تدارک بی پرده یک ائتلاف جهانی از نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی و چین علیه اتحاد شوروی و روشن کردن آتش جنگ جهانی سوم جهانی است. رهبران چین که تا چندسال قبل نقاب ماورای انقلابی بر چهره داشتند و اتحاد شوروی و سایر

کشورهای سوسیالیستی و اکثریت احزاب کمونیستی و کارگری را به سازش با امپریالیسم متهم می نمودند، پس از آن که از این سیاست دو رویانه خود بهره ای نبردند نقاب از چهره برگرفتند و به سازش آشکار با جلاذانی مانند شاه سابق ایران و فاشیست های شیلی، نژادپرستان آفریقای جنوبی و اسرائیل و با متجاوزترین و جنگ افروزترین محافل انحصاری بین المللی دست زدند. این خیانت آشکار به مارکسیسم - لنینیسم، به انترناسیونالیسم پرولتری، به همبستگی زحمتکشان جهان علیه تجاوز امپریالیستی از طرف رهبران کنونی چین، زیان های جبران ناپذیری به مبارزه خلق ها در راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی وارد ساخته و بدون تردید در آینده نیز وارد خواهد ساخت. ولی چنان که گفتیم و همانطور که امروز شاهد آن هستیم مردم بیدار جهان چهره ناهنجار این خائنین به جنبش جهانی ضد امپریالیستی را شناخته اند و با تمام نیرو علیه تحریکاتشان مبارزه می کنند و مبارزه خواهند کرد.

رهبران پکن کار را به آنجا کشاندند که برای جلب حمایت محافل امپریالیستی به مضمون کننده ترین تحریکات سیاسی و نظامی علیه همه نیروهای مترقی جهان و بویژه علیه کشورهای سوسیالیستی همسایه خود یعنی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام دست زدند.

رهبران پکن گروه های منحط و آدمکش پول پوت و ینگ ساری را به حملات تجاوزکارانه علیه ویتنام تجهیز و تشویق نمودند و پس از شکست و سرنگونی این داوردمه از طرف نیروهای جبهه مقاومت ملی کامبوج، حمله مستقیم نظامی علیه ویتنام را تدارک دیدند و با نهایت بی شرمی به چنین تجاوزی دست زدند. این اقدام تبه کارانه رهبران پکن علیه یک کشور سوسیالیستی قهرمان بدون شک خشم و نفرت همگانی جهان را علیه آنان شدیدتر خواهد کرد.

امروز شعار عمده سیاسی رهبران مرتد چین عبارتست از تشکیل جبهه متحدی از چین، آمریکا، اروپای غربی، ژاپن و همه کشورهای ارتجاعی در «دنیای سوم» مانند شیلی و آفریقای جنوبی و اسرائیل و... برای نابود کردن اتحاد شوروی و کشورهای جامعه سوسیالیستی. رهبران پکن اگر انتقادی هم به امپریالیسم داشته باشند در آنست که چرا برای سرکوب جنبش مردم با خشونت بیشتری عمل نمی کند! اظهاریه دن سیائوپین در توکیو علیه جنبش ایران واقعاً سند ننگ این رهبران است. جا دارد ما اشمئزاز کامل خود را از این اظهارات در اینجا بیان داریم.

اینست سرانجام انحراف از اصول مارکسیسم - لنینیسم و از انترناسیونالیسم پرولتری - خیانت آشکار به جنبش انقلابی.

موضع گیری محکوم کننده حزب کارآلبانی را که از آغاز انشعاب مائوئیستی از جنبش جهانی کمونیستی، پیگیرترین متحد رهبران چین بود می توان یکی از نشان های گویای رسوائی سیاست خائنانه رهبران کنونی چین دانست.

تردیدی نیست که این بار هم مانند گذشته توطئه ننگین و اتحاد نامقدس

امپریالیسم جهانی، رهبران ناسیونالیست و توسعه طلب چین، مرتجعین کشورهای زیر نفوذ امپریالیسم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، در مبارزه با جبهه نیرومند ضد امپریالیستی با ناکامی و شکست روبرو خواهد شد و این ناکامی اجتناب ناپذیر نیروهای ارتجاعی، آغاز مرحله تازه‌ای از پیشرفت پرشتاب و بازگشت ناپذیر هواداران صلح و دمکراسی و سوسیالیسم در سراسر جهان خواهد بود.

۲. درباره جنبش انقلابی کنونی ایران

کلیه رویدادهای ایران در جریان نزدیک به چهار سالی که از پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی می‌گذرد، درستی ارزیابی‌های پلنوم کمیته مرکزی را مورد تأیید قرار داده است.

در این مدت سیاست رژیم سابق، در جهت هم پیوندی اقتصاد کشور ما با سرمایه‌های امپریالیستی هر روز بیشتر تشدید شد. ترور و اختناق به عنوان وسیله برای پیاده کردن سیاست ضدملی، ضددموکراتیک و غارتگرانه، با شدت بی سابقه‌ای بسط یافت و اسلوب‌های فاشیستی آشکار به صورت روش رسمی و علنی رژیم درآمد.

سیاست نظامی گری و تسلیحات عنان گسیخته به اعلی درجه شدت خود رسید. رژیم سرنگون شده پهلوی در کنار مرتجع‌ترین محافظ جنگ طلب و غارتگر امپریالیستی و در نقش زاندارم منطقه با توسل آشکار به روش‌های استیلاجویانه و مداخله گرانه علیه جنبش‌های رهائی بخش منطقه، هر روز بیشتر مسلح شد و امنیت منطقه را به خطر انداخت.

درآمد نفت به طور عمده برای اجرای این سیاست نظامی گری و تأمین تاراج بی بندوبار امپریالیسم و گردانندگان رژیم سابق مصرف گردید.

در پنج سال اخیر رژیم شاه نزدیک به ۳۸ میلیارد دلار از درآمد نفت را برای خرید اسلحه تلف کرده است، که نیمی از این مبلغ از آمریکا و نیم دیگر از انگلستان و آلمان غربی و فرانسه بوده است. ایران با وجود ضعف و عقب افتادگی عمومی اقتصادش و با آن که از هیچ سوئی مورد تهدید نظامی قرار نداشت، از لحاظ میزان و نوع و ارزش تسلیحات غیراتمی در دنیای سرمایه‌داری پس از ایالات متحده آمریکا مقام دوم را احراز کرد و حتی از این جهت از آلمان فدرال که بیش از شصت میلیون جمعیت دارد و یکی از ثروتمندترین کشورهای امپریالیستی جهان است، جلو افتاد.

به پیروی از این سیاست ضد ملی، رژیم سابق، ایران را به صورت یکی از سنگرهای مقدم جبهه عمومی جنگ و تجاوز امپریالیستی علیه اتحاد شوروی و خانواده کشورهای سوسیالیستی درآورد. در سالهای اخیر تعداد کارشناسان امریکایی برای تسلیحات و تجهیزات ارتش ایران از چهل هزار نفر تجاوز کرد و در حقیقت ارتش ایران به زائده ارتش امریکا و مجری

هدفهای استراتژیک آن علیه اتحاد شوروی مبدل گردید. امریکاییها با پول نفت ایران در سراسر سرحدات ایران و شوروی که طبق ادعای خدعه گرانه شاه سابق گویا «سرحدات دوستی و حسن تفاهم» بود، مدرنترین دستگاههای جاسوسی خود را برای گرفتن اطلاعات از درون شوروی مستقر ساختند. طبق اظهار صریح مفسرین امریکائی، ایران به مهمترین مرکز جهانی امپریالیسم برای گرفتن اطلاعات جاسوسی از شوروی بدل گردید.

در مورد غارت سرمایه‌های امپریالیستی کفایت این اعتراف محافل امریکائی را یادآور شویم که سرمایه‌داران امریکائی از هر دلار سرمایه‌گذاری در ایران، هر سال بیش از ۳ دلار سود خارج می‌ساختند (یعنی بیش از سیصد درصد). مقایسه این عدد با سودهای عادی سرمایه‌ها در خود کشورهای امپریالیستی که از حدود ۱۰ - ۱۵ و یا در بهترین شرایط ۲۰ درصد تجاوز نمی‌کند، نشان دهنده میزان غارت امپریالیستی است. این‌ها نیز واقعیات و ارقام افشاگر و محکوم‌کننده‌ای است.

در مورد غارت‌گری یک قشر کوچک بالائی یا الیگارشی ایران کافی است به این واقعیت اشاره شود که طبق آمار منتشره از طرف محافل اقتصادی آلمان غربی (که بدون تردید خود از هواداران و پشتیبانان رژیم غارتگر شاه سابق بوده‌اند) در ایران قشری که کمتر از یک صدم جمعیت را تشکیل می‌دهد، مالک بیش از ۸۰ درصد تمام ثروت ملی کشور بود و با این که طبق ادعای شاه سابق گویا درآمد متوسط سرانه در ایران بیش از ۱۰ هزار تومان در سال بود، درآمد واقعی سرانه بیش از ۹۰ درصد جمعیت ایران (یعنی دهقانان زحمتکش و کارگران) حداقل یک دوازدهم و حداکثر یک پنجم آن درآمد متوسط است و بقیه به‌طور عمده به وسیله امپریالیست‌ها و خاندان پهلوی، الیگارشی و عمال وابسته به آن‌ها غارت شده و به بانکهای کشورهای امپریالیستی انتقال یافته است.

برای آن که روشن شود شاه سابق و رژیمش با ثروت ملی ما با چه روش راهزنانه‌ای رفتار کرده‌اند ذکر برخی ارقام بی‌فایده نیست:

از یکصد میلیارد دلار درآمد نفت ایران در پنج سال گذشته ۳۸ میلیارد برای خرید اسلحه از آمریکا، انگلستان، آلمان غربی و فرانسه به دور ریخته شده است، ۲۶ میلیارد دلار به کشورهای خارجی انتقال داده شده که سرنوشتش معلوم نیست. از ۳۶ میلیارد دلار بقیه که ظاهراً برای مخارج داخل کشور مصرف شده است، بخش عمده‌اش را خانواده شاه سابق و دستیارانشان از راه مقاطعه‌کاری، انحصار خرید، و اعتبارات به جیب خود ریخته و به بانک‌های خارجی انتقال داده‌اند.

با این همه ثروت ارزی، اکنون ایران بیش از ۹ میلیارد دلار به بانک‌های امپریالیستی مقروض است که بابت اصل و فرع آن سالیانه ۲ میلیارد دلار باید بپردازد. اینست نمونه‌هائی از سیاست‌های خانمانسوز غارت امپریالیستی و ارتجاعی در ایران.

در نتیجه این سیاست ضد ملی و تاراج‌گرانه، اقتصاد ایران دچار بحران علاج‌ناپذیری

گردید. پدیده‌های رکود، ورشکستگی در اقتصاد کشاورزی، در صنایع ملی هر روز شدت بیشتر یافت. تورم بی بندوبار (که در سال‌های اخیر به بیش از ۴۰ درصد در سال می‌رسید) شیرازه اقتصاد کشور را از هم گسیخت. زندگی مردم نه تنها قشرهای عظیم میلیونی زحمت‌کشان، بلکه حتی قشرهای متوسط شهری، که امکان برداشتن سهمی از انبوه عظیم غارت و چپاول را نداشتند، روز بروز بدتر و سخت‌تر گردید. در این شرایط به‌طور طبیعی جنبش اعتراضی قشرهای گوناگون مردم شدت گرفت. ولی رژیم سابق با توسل به اختناق سیاسی به دست ساواک حتی هر اعتصاب کارگری ساده و هر جریان مطالباتی کارمندان را وحشیانه و با بربریت تبهکارانه‌ای سرکوب کرد و در اکثر موارد هرگونه مقاومت را به خون کشید.

بدتر شدن شرایط مادی زندگی مردم به شکل بی سابقه، تشدید روزافزون اختناق و ترور سیاسی، برملا شدن یغماگری عنان گسیخته سرمایه‌داری انحصاری امپریالیستی که با سرازیر کردن ده‌ها هزار زالوی خون‌آشام به نام کارشناس شیرۀ حیاتی کشور را می‌مکیدند، و همچنین چپاول بی‌بندوبار شاه سابق و خانواده‌اش و دستیاران و کارگزاران رژیم دیکتاتوری با غارت سرمایه‌های بزرگ داخلی وابسته به امپریالیسم همراه با تأثیرات بحران سرمایه‌داری که رشد ناهنجار سرمایه‌داری وابسته، آن‌را به شکل فلاکت‌آمیزی در جامعه ایران منعکس می‌ساخت— همه و همه شرایط را برای آن که ناخشنودی عمومی به سرحد انفجار برسد و وضع انقلابی در کشور ما پدید آید، آماده‌ساخت.

جنبش ناخشنودی و اعتراضی که در سال گذشته تا سطح جنبش انقلابی و کم‌نظیری اعتلا یافت با مبارزات کارگران برای بهبود شرایط زندگی و مبارزات دانشجویان و جوانان برای استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی آغاز گردید. اعتصابات پرتوان کارگری که در بهار سال ۱۳۵۶ بویژه در شاهی و سمنان و تهران و کرج به اوج مبارزه جویانه خود رسید و تنها با کمک نیروهای مسلح که اعتصاب را به خون کشیدند سرکوب شد، و همچنین اعتصابات و تظاهرات پر دامنه دانشجویان مبارز را می‌توان به درستی طلایه و آغازگر جنبش انقلابی کنونی ایران دانست. با این اعتصابات و تظاهرات معلوم بود که عمده‌ترین تضادهای درون جامعه ایران دیگر به آن درجه‌ای از حدت و شدت رسیده است که نه سیاست ترور و اختناق فاشیستی، نه عوام‌فریبی و ظاهر سازی و وعده‌های دروغ، هیچ کدام قادر به حل آن‌ها نخواهد بود.

بدینسان دوران تشدید بی سابقه بحران همه جانبه رژیم دیکتاتوری آغاز گردید.

تشدید روزافزون تضادهای آشتی‌ناپذیر ناشی از سیاست ضدملی، ضد دموکراتیک و ضد

خلقی رژیم شاه یکی پس از دیگری همه اقشار خلق را به میدان مبارزه برای هدفهای ملی و دموکراتیک کشانید. مبارزه سیاسی علنی علیه رژیم که با پخش تراکت‌ها و نامه‌های سرگشاده آغاز شده بود، به زودی به صورت مبارزه وسیع خلق برای برانداختن رژیم سلطنتی، برای ریشه کن کردن تسلط نواستعماری امپریالیست‌ها و در پیشاپیش آن‌ها آمریکا، گسترش یافت.

در این چهارچوب باید یادآور شد که تحول اوضاع جهان و تغییر تناسب نیروها به زیان امپریالیسم و ارتجاع و به سود جبهه وسیع جهانی ضد امپریالیستی یعنی جبهه کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزادی بخش ملی و جنبش کارگری و دموکراتیک کشورهای سرمایه‌داری و نیز پیروزی‌های عظیم و چشم‌گیر جنبش‌های رهایی بخش ملی در سالهای اخیر، پیروزی‌های تاریخی خلق‌های ویتنام، لائوس و کامبوج علیه امپریالیسم امریکا، و دیگر پیروزی‌های این جنبش در آسیا و آفریقا تأثیر عمیقی در ایجاد شرایط مساعد و تشویق و تجهیز معنوی مبارزان راه استقلال و آزادی در ایران داشته است. در این باره جا دارد که بویژه و از آن جمله به پیروزی خلق برادر ما در انقلاب افغانستان اشاره کنیم.

یکی از عواملی که در پیشرفت انقلاب ایران در مقابل سیاست ضدانقلابی امپریالیستی آمریکا نقش شگرفی ایفا کرد زندهارباش بموقع دولت اتحاد شوروی بود. چنان که می‌دانیم رفیق برژنف طی مصاحبه‌ای با مخبر پراودا تصریح کرد که اتحاد شوروی با هرگونه مداخله خارجی در حوادثی که در ایران می‌گذرد به هر شکلی هم که این مداخله انجام گیرد مخالف است و برآنست که تنها مردم ایران صلاحیت و اختیار آن را دارند که درباره سرنویشت کشور خود تصمیم بگیرند. این زندهارباش و سیاست پیگیرانه اتحاد شوروی در این زمینه مانع شد که امپریالیسم مانند روزگار گذشته سیاست توسل علنی به زور را علیه مردم ایران به کار بندد و به مردم ایران امکان داد که با دشمنان داخلی و خارجی ایران، به اتکای مبارزه فداکارانه خود، عمل کنند.

مجموع تحولات جهانی ده سال اخیر که نمایانگر شکست‌های چشمگیر برای امپریالیست‌ها و بویژه امپریالیسم متجاوز امریکا است، همراه با رسوا شدن سیاست خائنانه رهبران کنونی چین که بی‌پرده سیاست ضدملی رژیم شاه را مورد پشتیبانی خود قرار دادند، به مبارزان راه استقلال و آزادی ایران نیرو بخشید و آنان را هر روز بیشتر به قدرت عظیم خود یعنی نیروی انقلابی خلق و به پیروزی نهانی خویش مطمئن ساخت.

یکی از مختصات مهم و جالب جنبش انقلابی کنونی ایران در آنست که این جنبش همه طبقات و قشرهای خلق را در بر می‌گیرد.

توده‌های وسیع کارگران صنعتی و پیشه‌وری و خدعات از همان آغاز به طور فعال در مبارزات عموم خلق شرکت جستند و دوشادوش زحمتکشان فکری و خرده‌بورژوازی زحمتکش شهر به میدان مبارزات خیابانی گام نهادند. با این مبارزات، شرایط برای آن آماده شد که طبقه کارگر صنعتی ایران به طور متشکل و یکپارچه وارد میدان گردد. مبارزات وسیع و متحد طبقه کارگر ایران یکبار دیگر ژرف بودن سنن انقلابی و نقش اجتماعی پیشرو این طبقه و آبدیدگی و

آگاهی آن را به نمایانترین شکلی روشن ساخت. با اطمینان می‌توان گفت که در میان نیروهای محرکه انقلاب کنونی کشور ما نقش طبقه کارگر قهرمان ایران نقش درجه اول بوده است. این امر خود از ضامن‌های مهم گسترش بازهم بیشتر انقلاب ملی و دموکراتیک و تعمیق

آن در جهت خواست‌های قشرهای وسیع مردم است.

در حساس‌ترین لحظات جنبش انقلابی ایران، اعتصاب‌های سیاسی سراسری کارگران و کارمندان صنایع نفت جنوب آغاز گردید و این اعتصاب‌های پرافتخار، کاری‌ترین ضربه را به رژیم خودکامه شاه و امپریالیسم وارد ساخت، اعتصاب کارگران نفت مرحله جدیدی از مبارزات خلق را که تا آن زمان تنها به صورت اجتماعات و تظاهرات خیابانی انجام می‌گرفت، آغاز کرد.

در فاصله کوتاهی اعتصابات کارگری سراسر مؤسسات صنعتی کشور را دربر گرفت. همگی این اعتصابات شعارهای سیاسی روز و پذیرش همه خواست‌های جنبش ملی و دموکراتیک را در سر لوحه مطالبات خویش قرار دادند. نه وعده‌های فریبنده دولت‌های وقت، و نه اعمال فشار وحشیانه قداره‌بندهای حکومت نظامی و گرازهای ساواک هیچ کدام نتوانستند در اراده تزلزل‌ناپذیر طبقه کارگر ایران، کوچک‌ترین لرزشی به وجود آورند و طبقه کارگر ایران با نیروی عظیم سیاسی و اقتصادی که در اختیار دارد در صفوف مقدم جبهه گسترده جنبش انقلابی ایران به پیش رفت و می‌رود و بدون تردید در جریان تکامل آینده جنبش هر روز نقش بارزتر و تعیین‌کننده‌تری را به دست خواهد آورد.

برخلاف پندارهای واهی رژیم سابق که تصور می‌کرد دهقانان ایران را با اصلاحات نیم‌بند خود به ذخیره سلطنت مستبده مبدل کرده، در اثر محرومیت‌های فراوان و در نتیجه بحران عمیق کشاورزی ایران و سیاست ضددهقانی رژیم سابق دهقانان یکی از نیروهای مهم اجتماعی مخالف رژیم استبدادی و تسلط امپریالیستی هستند و لذا در جنبش ملی و دموکراتیک کنونی شرکت فعال داشتند و دارند.

اصلاحات ارضی نیم‌بند رژیم پهلوی مسود زمین‌داران بزرگ را تأمین نمود و علاوه بر آن دست غارتگران امپریالیستی را در اقتصاد کشاورزی ایران باز کرد. سیاست ضدملی شاه در زمینه کشاورزی بر این پایه استوار بود که اولاً اعتبارات وسیع دولتی را در اختیار زمین‌داران بزرگ و شرکت‌های بزرگ تولید کشاورزی متعلق به بستگان شاه و سایر سرکردگان رژیم بگذارد و ثانیاً راه را برای ورود بی‌بندوبار محصولات کشاورزی مورد احتیاج روزمره از کشورهای امپریالیستی و وابستگانشان باز کند و اقتصاد کشور و نان روزانه مردم را به این کشورها وابسته سازد. این سیاست ضدملی موجب شد که اقتصاد قشرهای وسیع کشاورزان خرده‌پا و متوسط رو به نابودی و ورشکستگی رفت و سیل عظیم دهقانان گرسنه و بیکار به سوی شهرها سرازیر گردید.

همین دهقانان به شهر آمده که به تعداد صدها هزار در گودالها و زانگه‌ها و کلبه‌های گلی در «حلبی آباد» ها و «زورآباد» ها و یا در زیر چادر با دردناک‌ترین شرایط فقر و محرومیت به سر می‌بردند و می‌بیرند و اکثرآ با توسل به اشتغالات فصلی نانی به دست می‌آورند، بخشی از مبارزان جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک را تشکیل می‌دهند.

مبارزات انقلابی که در یک سال اخیر با سرعت بی سابقه‌ای در شهرها گسترش یافت در ماه‌های اخیر به روستاها سرایت کرد و به سرعت به اوج خود رسید— تا آنجا که کارگران کشاورزی و دهقانان در برخی از املاک متعلق به خانواده شاه سابق به ابتکار خود به تقسیم انقلابی زمین‌ها و وسائل کشاورزی دست زدند. در برابر رشد جنبش مبارزاتی دهقانان، ژاندارم‌ها از اکثر دهات گریختند و خود دهقانان با برگزیدن شوراها ی ده امور داخلی خود و استقرار نظم را به عهده گرفتند.

خرده بورژوازی شهر یعنی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان کوچک که بر اثر سیاست ضدملی اقتصادی درهای باز رژیم شاه و تورم شتابان ناشی از آن، اختناق و فشار ساواک، رشوه‌گیری و غارت مالیاتی که در جریان باصلاح مبارزه با گرانفروشی به اوج خود رسید، تحت فشار شدید قرار گرفته بودند هر روز بیشتر به سوی عصیان علیه رژیم کشانده شدند. قشرهای دیگر متوسط شهری مانند کارمندان پائین و میان رتبه دولتی، کارکنان مؤسسات بخش خصوصی هم تحت تأثیر غارت بی بندوبار سرمایه‌های امپریالیستی و طبقات خاکمه وابسته به امپریالیسم از یک سو و تأثیرگرانی روزافزون هزینه‌زندیگی و اختناق سیاسی از سوی دیگر، کاردبه استخوانشان رسید و به حالت عصیانی درآمدند. نقش اعتصابات کارمندان مؤسسات عمومی و خصوصی برای فلج کردن دولت‌های دست‌نشانده شاه، نقش چشم‌گیری است که نظایر آن در انقلابات، کمتر دیده شده است.

روشنفکران ایران یعنی نویسندگان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران و استادان دانشگاه و دبیران و آموزگاران و مهندسين و پزشکان و حقوق‌دانان و غیره، به استثنای گروه کوچکی که به هیئت حاکمه وابسته بودند، از همان آغاز جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک کنونی نقش فعالی داشته‌اند و گام به گام فعال‌تر شده و در صفوف مقدم جنبش جای گرفته‌اند. بویژه باید از نقش دانشگاهیان و دانشجویان در این جنبش یاد کرد.

در تجهیز روشنفکران و دانشجویان علاوه بر عوامل اقتصادی، مسئله استقلال و حاکمیت ملی، تسلط و قیحانه امپریالیست‌ها و بویژه نقش مستشاران امریکائی در جامعه ایران که مانند ارتش اشغال‌گر، عالی‌ترین مزایا را بخود تخصیص داده بودند، تسلط فرهنگ نواستعماری بر فرهنگ ملی که به زور دستگاه اختناق و تبلیغات شاه اعمال می‌شد، نقش بسیار مؤثری داشته است.

سرمایه داران ملی ایران هم که زیر فشار خردکننده سرمایه‌های امپریالیستی و غارت گردانندگان و وابستگان رژیم شاه یعنی طبقات حاکمه وابسته به امپریالیسم قرار داشتند، هر روز بیشتر به سوی ورشکستگی می‌رفتند و در عین حال می‌دیدند که چگونه ثروت‌های عظیم کشور هر سال به میزان میلیارد میلیارد دلار به حساب این غارتگران، به بانک‌های خارجی منتقل و یا برای خرید سلاح‌های بی مصرف و نگه‌داری یک ارتش عظیم و ساختن پایگاه‌های نظامی مورد احتیاج امپریالیست‌ها و پرداخت بی حساب مخارج «کارشناسان» امریکائی به

دور ریخته می‌شود.

سرمایه داری ملی در اثر مشاهده این وضع هر روز بیشتر به صفوف ناراضیان پیوست و فعالانه در مبارزه برای برانداختن رژیم اختناق شاه و خاتمه دادن به غارت و تسلط امپریالیست‌ها شرکت کرد.

این که در جنبش انقلابی کنونی روحانیت مرفعی و مبارز ضد رژیم نقش مهمی ایفاء کرده است، پدیده‌ای غیرعادی نیست. به طور عمده شرایط عینی جامعه ایران است که چنین وضعی را ایجاد کرده و مسلماً برخی عوامل ذهنی نیز موجب تقویب آن گردیده است.

مذهب تشیع از لحاظ تاریخی در ایران دارای سنن خلقی و ضد سيطرة خارجی بوده است و در دوره‌های گوناگون به پرچم معنوی مبارزه برای دفع استیلای نیروهای اشغال‌گر بیگانه بدل شده است. بسیاری از احکام اجتماعی اسلام به طور عینی بویژه در جریان تکامل فکری اخیر آن، دارای گرایش‌های مرفعی است و از لحاظ سمت مطالباتی خود با خواست‌های قشرهای وسیع خلق برای آزادی و استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مطابقت پیدا می‌کند.

طی ۲۵ سال گذشته روحانیون تنها گروهی بودند که به مراتب بیش از همه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی دیگر اجتماعی امکان آن را داشتند که از راه مساجد و جلسات مذهبی، که رژیم جرئت حمله وسیع به آن‌ها را نداشت، با مردم تماس برقرار کنند و افکار خود را در میان مردم تبلیغ نمایند. در حالی که حزب توده ایران و سایر سازمان‌های سیاسی در معرض شدیدترین اشکال فشار و اختناق قرار داشتند. بدین ترتیب برخی از روحانیون مرفعی در تماس با مردم توانستند بسیاری از افکار اجتماعی خود را در جامعه مذهب عرضه کنند و آن‌ها را در اذهان عمومی رخنه دهند.

گروهی از روحانیون مرفعی به رهبری آیت‌الله خمینی طی یک دوران طولانی در مواضع روشن ضد رژیم استبدادی شاه و ضد سيطرة امپریالیسم (که کشور را هر روز بیشتر به جولانگاه غارتگری و پایگاه تجاوز نظامی خود مبدل ساخت) قرار گرفتند و در این راه شعارهای خود را، که بازتاب خواست‌های اکثریت مردم کشور بود، مطرح ساختند.

طی سالیان گذشته، علی‌رغم فشار و اختناق نیرومند رژیم سابق، حزب ما فعالیت سیاسی و تبلیغاتی وسیعی داشته و نقش بزرگی از جهت بذرافشانی انقلابی و راهگشایی ایفاء کرده است.

روشن است که شرکت طبقات گوناگون خلق در جنبش انقلابی ایران در عین اینکه زیر شعارهای مشترک ملی و دموکراتیک و خلقی گسترش یافته و می‌یابد، دارای انگیزه‌های همگون و همانند نیست. هریک از آن‌ها با انگیزه ویژه و خواست‌های طبقاتی خود در این جنبش شرکت می‌نمایند. ولی آنچه در مرحله کنونی شاخص جنبش انقلابی ایران است، شعارهای عمومی جنبش است. این شعارها که کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه

تاریخی ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود آن‌ها را به عنوان شعارهای جبهه متحد نیروهای ملی و دموکراتیک پیشنهاد کرد، اکنون به صورت خواست‌های عمومی جنبش خلق مطرح است. حال این سؤال پیش می‌آید: آن یکپارچگی که جنبش انقلابی ایران در جریان سرنگون کردن رژیم از خود نشان داد تا چه وقت ادامه خواهد یافت و موضع‌گیری اقشار و طبقات گوناگون در جریان تحول آینده چگونه خواهد بود؟

تردیدی نیست که رسیدن به همه هدف‌هایی که جنبش انقلابی هم‌اکنون در مقابل خود قرار داده است، بویژه تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی که از آن‌ها ناشی می‌شود، کار امروز و فردا نیست. علاوه بر این، حل مشکلات بسیاری که به عنوان آثار شوم رژیم ضدملی، ضد دموکراتیک و غارتگر شاه باقی مانده است، و مشکلاتی که بدون تردید در آینده امپریالیست‌ها بر سر راه تکامل مستقلانه و دموکراتیک میهن ما قرار خواهند داد کار آسانی نیست. مسلماً اجرای این وظائف به مراتب دشوارتر از وظایف دوره اول انقلاب یعنی درهم شکستن نظام منقور سلطنتی، ریشه کن کردن تسلط امپریالیسم و استقرار جمهوری خواهد بود.

در راه حل این مشکلات بدون تردید تغییراتی در مواضع طبقات و گروه‌های اجتماعی که امروز در جنبش شرکت می‌نمایند، به وجود خواهد آمد.

مسلم آن است که طبقه کارگر و به همراه این طبقه، سایر قشرهای زحمتکش شهر و روستا، با تمام قوا برای رسیدن به همه هدف‌هایی که انقلاب ملی و دموکراتیک در پیش دارد تلاش خواهند کرد و تا آخر و پیگیرانه در مواضع انقلابی خواهند ایستاد. طبقه کارگر و حزب اش حزب توده ایران تمام امکانات خود را به کار خواهند انداخت تا جبهه متحدی که در عمل از همه طبقات و اقشار ملی و آزادی‌خواه به وجود آمده، اتحاد خود را حفظ نماید و دسیسه‌های گوناگون دشمنی را که می‌کوشد با استفاده مستقیم و غیرمستقیم از عناصر و محافل سازشکار یا افراطی این اتحاد را متزلزل سازد، عقیم گذارد.

امروز دیگر در سراسر جهان کسی نیست که به اهمیت جهانی و تاریخی رویدادهای انقلابی ایران پی نبرده باشد. با توجه به اهمیت بزرگ کشور ما در صحنه سیاست جهانی، تغییر در وضع سیاسی ایران تأثیر بسزائی در تغییر توازن نیروها خواهد داشت. زیرا:

● ایران یکی از بزرگترین منابع مواد خام فوق‌العاده ذیقیمت بویژه نفت، گاز و انواع فلزات پربها در مقیاس جهانی است.

● ایران در نقطه کلیدی منطقه‌ای از جهان قرار گرفته که بخش عمده مواد خام تأمین‌کننده انرژی کشورهای امپریالیستی از آنجا به دست می‌آید.

● ایران همسایه جنوبی اتحاد شوروی است و همین‌نکته امپریالیست‌ها را در استفاده از ایران به عنوان پایگاه تجاوز علیه همسایه بزرگ شمالی‌ها از خود بیخود ساخته است.

این ویژگی‌های عمده موقعیت جغرافیایی و امکانات اقتصادی و هم‌چنین توجه به امکانات انسانی ایران در منطقه خلیج فارس موجب شد که امپریالیسم طی ده‌ها سال تمام تلاش خود را

به کاراندازد تا این کشور به یکی از «محکم‌ترین» و «با ثبات‌ترین» پایگاه‌های جهانی غارت و تجاوز وی، به ژاندارم منطقه، به یکی از محکم‌ترین حلقه‌های زنجیر محاصره و پایگاه جاسوسی، تحریک و تهدید و پایگاه تجاوز علیه شوروی بدل شود و بتواند روی آن با اطمینان و بدون دغدغه حساب کند.

ولی به حیرت و تأسف عمیق دسیسه‌کاران امپریالیستی، یکباره و در مدت بسیار کوتاه، همه این حساب‌ها غلط از آب درآمد! «جزیره ثبات» منطقه به مرکز آتشفشانی و سهمگین‌ترین زلزله‌ها تبدیل شد. این وضع پایه‌های تسلط امپریالیستی را نه تنها در ایران بلکه در یکرشته از کشورهای مجاور مورد جدی‌ترین تهدیدها قرار داده است.

با پیروزی مردم ایران در این نبرد تاریخی و با پیدایش ایرانی مستقل و آزاد، یک نمونه روشن دیگر در برابر خلق‌های محروم آن کشورهایی که هنوز زیر سلطه امپریالیسم و ارتجاع‌اند، نحلی میکند. این پیروزی به آنان ندا میدهد: «خلق‌ها! به پا خیزید! شما نیروی آنرا دارید که امپریالیست‌های غارت‌گر و مزدوران دزد و فاسدشان را با مبارزه و پایداری قهرمانانه خود به زانو درآورید و راه زندگی آزاد و مستقل و خوشبخت را در برابر خود بگشایید!»

با پیروزی مردم ایران و پیدایش ایرانی صلح‌دوست، فشار اختناق‌آور «ژاندارم منطقه» از جنبش‌های رهائی بخش ملی کشورهای این منطقه به یکبار برداشته می‌شود.

با پیروزی مردم ایران یکبار دیگر در برابر مردم کشورهای «دنیای سوم» این واقعیت روشن می‌گردد که امپریالیسم، با همه لاف و گزافش، دیگر توانائی گذشته را ندارد و نمی‌تواند، هر قدر هم برایش زیان‌بار باشد، در برابر اقتدار روزافزون جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، از عهده اجرای وعده‌های پرطمطراق خویش در حمایت از ستم‌گران و غارت‌گران و جنایتکاران، برآید. این پیروزی حتی عناصر واقع‌بین‌هست حاکم این کشورهایی را، که تا کنون یکجانبه به امپریالیسم اتکاء داشته‌اند، به فکر می‌اندازد، چنان‌که هم‌اکنون به فکر انداخته‌است. با پیروزی جنبش ملی و دموکراتیک در ایران و ایجاد یک جمهوری غیرمتعهد، زنجیر پیمان‌های نظامی امپریالیستی در یکی از حساس‌ترین حلقه‌هایش از هم گسسته خواهد شد و بالنتیجه تعادلی را، که امپریالیسم می‌کوشد با دست حکومت متجاوز و تژادپرست اسرائیل در تمام خاورمیانه عربی به وجود آورد، به هم خواهد زد. بدین‌سان مردم ایران با انقلاب پیروزمند خود نقش مهمی را در حفظ و تحکیم صلح جهانی ایفاء کرده‌اند.

سخن کوتاه! پیروزی جنبش ملی و دموکراتیک ایران تأثیر ژرف و گسترده و درازمدتی در سراسر جهان باقی خواهد گذاشت و در ترازوی تناسب نیروها به زیان اردوگاه امپریالیسم و به سود جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهانی تغییر محسوس به وجود خواهد آورد. طبیعی است که برای تأمین پیروزی نهائی این انقلاب حفظ اتحاد نیروها و هشیاری انقلابی و ادامه مبارزه برای نیل به هدف‌های ملی و دموکراتیک انقلاب برای خشی کردن توطئه امپریالیسم و ارتجاع شرط ضرور و حیاتی است.

۳. فعالیت حزب در میان دو پلنوم

دوران بین پلنوم پانزدهم و این پلنوم کمیته مرکزی، یکی از طوفانی‌ترین دوران‌های تاریخ دوران معاصر میهن ما بود. رهبری حزب در مقابل مسائل بفرنجی از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی قرار گرفت و امروز می‌توان گفت که، علی‌رغم مشکلات فراوان داخلی و خارجی، در مجموع خود با موفقیت از عهده انجام وظایفی که از طرف پلنوم پانزدهم به او واگذار شده بود، برآمد. فعالیت حزب را در دو زمینه، در زمینه فعالیت سیاسی و در زمینه کار تشکیلاتی، مورد بررسی کوتاه قرار می‌دهیم:

۱. در زمینه فعالیت سیاسی

به طور کلی در فاصله بین دو پلنوم، هیئت اجراییه کوشید خط مشی سیاسی تعیین شده از طرف پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی را، که محتوی اساسی آن تشدید مبارزه همه‌جانبه در راه رسیدن به میرم‌ترین هدف جنبش انقلابی ایران در مرحله کنونی، یعنی سرنگونی رژیم ضدملی و ضددمکراتیک و ضدخلفی شاه سابق بود، در شرایط مشخص ایران پیاده کند. هیئت اجراییه کوشید همه نیروهای ملی و دمکراتیک را در جبهه متحدی گرد هم آورد.

در این زمینه ما کوشش‌هایی انجام دادیم. درست است که در سطح رهبری سازمان‌ها و گروه‌های مبارز انقلابی، چنین جبهه‌ای هنوز به وجود نیامده، ولی در سطح توده‌ها، از همان آغاز گسترش پرشتاب جنبش، این جبهه در عمده‌ترین شعارها، در مبارزه روزمره با روشنی کامل به وجود آمد و روز بروز محکم‌تر شد. این جبهه اتحاد خلق برای استقلال و آزادی، علی‌رغم همه توطئه‌های تفرقه‌اندازانه رژیم ساواکی شاه و امپریالیست‌ها، هر روز محکم‌تر گردید و در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، که آخرین حمله قهرمانانه خلق علیه آخرین دژهای رژیم آغاز گردید، به صورت همکاری مسلحانه همه گردان‌های مبارز خلق در جبهه متحد، شکل یافت و پیروزی تاریخی کم نظیری سابقه‌ای را برای جنبش انقلابی ایران تأمین کرد.

بدون این که بخواهیم بخود بیاییم، این واقعیتی است که برنامه پیشنهادی روشن کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه ۱۳ شهریور برای تشکیل جبهه ضددیکتاتوری، در متیلورساختن شعارهای همه جنبش تأثیر بسزائی داشته است. تقریباً همه شعارهای پیشنهادی کمیته مرکزی، که تجلی خواست اکثریت مطلق میهن‌پرستان و آزادی‌خواهان ایران بود، با رنگ‌های گوناگون به صورت شعار عمومی و متحد همه جنبش انقلابی درآمد.

جریان رویدادهای انقلابی آخرین روزهای حکومت بختیار و سرانجام قیام انقلابی تاریخی ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، باروشنی، درستی اعلامیه کمیته مرکزی حزب را در مورد

لزوم تدارک مبارزه مسلحانه برای مقابله با دسیسه‌های کودتائی و درهم شکستن آخرین دژهای رژیم و امپریالیسم نشان داد.

شعارهائی که از طرف حزب ما مطرح شد، چکیده برنامه سیاسی حزب توده ایران و انطباق آن بر شرایط مشخص مرحله کنونی جنبش ملی و دمکراتیک ایران است. حزب طبقه کارگر ایران حق دارد تأکید کند که اولین سازمان سیاسی ایران بود که با تمام صراحت و بدون ترس از همه فشارهای ددمنشانه رژیم سابق، لزوم برانداختن نظام جنایت کار و پوسیده و خیانت پیشه سلطنتی را، به عنوان اولین گام اساسی برای آغاز تغییرات بنیادی در جامعه ایران به سوی استقلال، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، مطرح کرد و با پیگیری در راه رسیدن به این هدف کوشید. یادآوری کنیم که اولین پیام ما به نیروهای مسلح ایران برای سرنگون کردن رژیم خائن شاه شش سال پیش مقارن با حمله ناجوانمردانه ارتش مزدور شاه سابق به مبارزان ظفار در عمان منتشر گردید.

امروز ما در ایران با چنین وضعی روبرو هستیم که، علی رغم همه حملات دشمنانه‌ای که از طرف محافل ارتجاعی و امپریالیستی، از طرف وازدگان و طردشدگان از جنبش انقلابی راستین مارکسیستی - لنینیستی ایران، از طرف عناصر ناآگاه و بی تجربه و حتی از طرف گروه‌های ملی و مبارز دیگر که حزب توده ایران را رقیب خود در میان خلق می دانند، به حزب ما وارد شده و می شود، اعتبار و نفوذ حزب در میان خلق و بویژه در میان طبقه کارگر و روشنفکران انقلابی ایران به طور محسوس نسبت به گذشته بالا رفته و هیچ کس در ایران و در خارج، هراندازه هم بکوشد تا صریحاً آن را بیان نکند، ولی تردید ندارد که حزب توده ایران بگانه سازمان راستین سیاسی طبقه کارگر انقلابی ایران، بگانه سازمان پیگیر مارکسیست - لنینیست و هوادار انترناسیونالیسم پرولتری است که به صورت یک عامل سیاسی مهم در زندگی کنونی و آینده میهن ما با ریشه‌های محکم در میان خلق، جای گرفته است. ما باید تمام کوشش خود را در این راه به کار اندازیم که با پیگیری در ادامه راه درست، در راه تحکیم اتحاد نیروهای ملی و دمکراتیک، در جریان مبارزه برای بازگشت ناپذیر کردن پیروزی بزرگ تاریخی به دست آمده، در راه مبارزه برای تحکیم استقلال ملی، دمکراسی و تأمین حقوق زحمتکشان شهر و روستا، هرروز بیشتر اعتبار و نفوذ حزب را گسترش دهیم.

۲. در زمینه کار تشکیلاتی

بطور کلی برای فعالیت تشکیلاتی هیئت اجزائییه میتوان همان ارز یابی را مطرح کرد که در باره فعالیت سیاسی بیان شد، یعنی علیرغم مشکلات بزرگ عینی و ذهنی، که بویژه در دو سال اخیر در کار ما وجود داشت، کار تشکیلاتی حزب، که هدفش احیاء سازمانهای حزب در ایران و گسترش فعالیت حزب در میان ایرانیان مقیم کشورهای سرمایه‌داری غرب بود، میتواند ترازنامه مثبت و ثمر بخشی را عرضه دارد. شعبه تشکیلات کوشید با کار پیگیر، با راهنماییهای

پلنوم پانزدهم، با مراعات اکید اصول پنهانکاری، کار احیاء سازمانهای حزب را، که در دوران پلنوم پانزدهم هنوز اولین گامهای خود را بر میداشت، با گامهای قابل توجهی بجلو ببرد.

جای خوشبختی است که هیئت اجرائیه توانست، در مجموع خود، بر این دشواریها فائق آید و در حساسترین لحظه تاریخ دوران معاصر حزب، وحدت نظر رهبری حزب را بر پایه های اصولی تأمین کند. از این لحاظ تصمیمات اجلاس دیماه ۱۳۵۷ هیئت اجرائیه، برای مرحله کنونی پیشرفت حزب، دارای اهمیت بسیار است و انعکاس مثبتی داشته است.

هیئت اجرائیه امیدوار است که همه کادرهای فعال حزب و همه رفقای حزبی با همان برخوردی با این تصمیمات رو برو شوند که هیئت اجرائیه در راه غلبه بر مشکلات پیش گرفت.

تأمین وحدت در صفوف رهبری حزب، بر پایه اصول تزلزل ناپذیر زندگی حزب لنینی طبقه کارگر، بموازات داشتن سیاست درست و بدون تزلزل، دو شرط اساسی و تعیین کننده برای ایجاد وحدت بین نیروهای راستین هوادار مارکسیسم-لنینیسم است و بنوبه خود شرط اساسی تعیین کننده در تأمین اتحاد بین نیروهای ملی و انقلابی است.

بدون تأمین این دو شرط اساسی، از اتحاد نیروهای ملی و دمکراتیک دم زدن، فریادی است بی پشتوانه و تو خالی.

در باره کارهای انجام گرفته در زمینه احیاء سازمانهای حزب در ایران، نکات زیرین را به اطلاع پلنوم میرسانیم:

مطابق تصمیم پلنوم گذشته پایه کار سازمانی ما در ایران بر اصل عدم تمرکز مبتنی بوده است. با پیروی از این اصل، شعبه تشکیلات با گروههای پراکنده ای در سراسر ایران تماس برقرار ساخت. این گروهها، بخشی با فرستادن افرادی از فعالین حزب در اروپای باختری به ایران، و بخش دیگری از راه تماس گرفتن افراد و گروههایی که در کشور فعالیت میکردند، با مرکز حزب، بوجود آمده اند.

انتشار روزنامه نوید، که ابتدا در هزار شماره و در هفته های اخیر با تعدادی در حدود ۲۵۰ هزار شماره چاپ و پخش گردیده است، تأثیر فوق العاده مثبتی در بالا بردن حیثیت حزب، در بردن افکار و نظریات حزب به میان قشر قابل توجهی از مردم و بویژه در میان کارگران و روشنفکران و دانشجویان داشته است.

غیر از سازمان نوید، گروههای دیگر حزبی، با امکاناتی محدودتر، به انتشار نشریهائی وابسته به حزب دست زده اند مانند هفته نامه «صدای مردم» و «انگور». گروههای متعدد دیگری به تجدید چاپ نوید در ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ و گاهی ۲۰۰۰ نسخه اقدام کرده اند- برخی با فوتوکپی و برخی دیگر با تجدید چاپ مقالاتی از نوید.

پخش نشریات حزب که در گذشته تنها از راه فرستادن آنها از اروپا، از راههای مخفی، با اشکالات زیاد انجام میگرفت، در ماههای اخیر گسترش بیسابقه ای پیدا کرد، به این شکل که عده ای از هواداران حزب، و در مواردی هم بعضی مؤسسات خصوصی، به چاپ وسیع نشریات حزب دست زدند. تقریباً همه کتب و بروشورهای حزب با تیراژهای بسیار بزرگ چاپ

و به وسیعترین شکل در سراسر کشور پخش شده است. بعنوان یک نمونه میتوان گفت که تا ۳ ماه پیش، «مانیفست حزب کمونیست» بیش از ۳۴۰ هزار نسخه چاپ و پخش شده است. در ماههای اخیر گرایش به حزب گسترش بیسابقه‌ای پیدا کرده، و ما اطلاع داریم که در ایران گروههای متعدد توده‌ای وجود دارند، که هنوز با مرکز حزب تماس نگرفته‌اند. این گروهها با ابتکار خود فعالانه در جهت سیاست حزب عمل میکنند. این مسلم است که تعداد وابستگان به حزب در ایران بمراتب بیشتر از آن گروههایی است که تاکنون توانسته‌اند با مرکز حزب تماس بگیرند.

اکنون مسئله مبرمی که در برابر حزب قرار گرفته، آغاز فعالیت علنی حزب است. در این زمینه ما مشغول تدارک هستیم و هم اکنون اقدامات مشخصی انجام گرفته که منتظر هستیم در آینده نزدیکی نتیجه بدهد.

۴. وظایف حزب در مرحله کنونی

۱. در زمینه سیاسی

اولین و مهمترین وظیفه حزب ما در این زمینه، کوشش در این راه است که با همکاری همه جانبه با همه نیروهای راستین انقلابی خلق، و در درجه اول با نیروهائی که تحت رهبری آیت الله خمینی قرار دارند، نهال جوان پیروزی بدست آمده راه، که با خون دهها هزار مبارز قهرمان آبیاری شده است، تحکیم کنیم و این نهال را هر روز ریشه داتر و بارآورتر سازیم. باید با تمام نیرو بکوشیم این کامیابی بزرگ تاریخی را، که بدون تردید دارای برد عظیم جهانی است، بازگشت ناپذیر کنیم. در این راه باید بویژه از تاریخ معاصر جنبش انقلابی ایران، از انقلاب مشروطیت گرفته تا کنون، و همچنین از جنبشهای انقلابی سایر خلتها، چه آنهاست که پرچم پیروزی را در کشورهای خود برافراشته، چه آنها که با ناکامی و شکست روبرو گشته‌اند، بیاموزیم و باز هم بیاموزیم.

جنبش ما با مسائل بسیار بغرنجی روبرو است. امپریالیسم و ارتجاع ایران، که هنوز سنگرهای محکمی را در دستگاههای دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب تازه بر چهره زده و از در آشتی با جنبش خلق درآمدند تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جا بزنند و اهرمهای فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دوباره، با یک توطئه خائنانه، جنبش را غافلگیر کرده سرکوب نمایند. فاش شدن توطئه

خائنانه سرهنگ توکلی معاون ستاد ارتش نمونه‌ای از این خطر بزرگ است.

تنها هشیاری، بیداری و آمادگی نیروهای متحد خلق میتواند ضامن بازگشت ناپذیر کردن پیروزی و جلوگیری از هرگونه توطئه احتمالی باشد. هرگونه خوش باوری، هرگونه سهل‌انگاری، هرگونه اعتماد به کسانی که تا دیروز عمال دستگاه جنایت پیشه رژیم سابق بودند، گناه جبران ناپذیری است. مثلاً رویدادهای شیلی و مصر نمونه‌هایی است از امکانات گوناگونی که امپریالیسم و ارتجاع در زرادخانه توطئه سازی خود دارند. دستگاهی که خود برای سرکوب خلق بوجود آمده، نمیتواند به خلق خدمت نماید. اینست قانون همه جنبشهای انقلابی سراسر تاریخ جهان.

به این ترتیب وظیفه حزب است که ضمن تمام کوشش برای پشتیبانی از تصمیمات مترقی دولت موقت مهندس بازرگان و پس از آن از دولت ملی، که بر پایه انتخابات آزاد بوجود خواهد آمد، همواره مردم را متوجه خطرات احتمالی بنماید، ماسک از چهره تفرقه اندازان ببرد لباس که در آیند، بر دارد و امر اتحاد نیروهای ملی و دمکراتیک را گام به گام به پیش ببرد.

مسلم است که سرمایه داری لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، میکوشد جنبش را در چهار چوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه‌های خلقی و مردمی آنرا تضعیف نماید. تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه، این سرمایه داری لیبرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با باقیمانده‌های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکش بکار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی مین ما هم همین پدیده‌ها رشد کند. حتی پیش از پیروزی انقلاب، سر و صداهائی حاکی از عدم رضایت این بخش از محتوی مترقی نظریات آیت الله خمینی در زمینه نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بگوش میرسید و این عدم رضایت روز بروز شدت پیدا میکند. این جناح میکوشد انقلاب را در چهارچوب رفرا ندیم برای اعلام جمهوری، انتخاب مجلس شورا و تأمین برخی آزادیهای دمکراتیک نگهدارد و در زمینه اقتصادی همان راه فلاکت بار سرمایه داری را ادامه دهد.

حزب ما باید در برابر پیدایش و رشد چنین پدیده‌ای، اتحاد همه نیروهای دمکراتیک متکی به طبقات زحمتکش و اقشار متوسط هوادار پیشرفت اجتماعی را، هر اندازه ممکن است، تقویت و پشتیبانی نماید. ما باید بکوشیم با اتکاء به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهر و روستا بویژه با نیروهای فعال انقلابی، که تحت رهبری آیت الله خمینی هستند، از جمله با سازمان مجاهدین خلق و همچنین با سایر نیروهای انقلابی مانند سازمان چریکهای فدائی خلق و گروههای مترقی روشنفکران و بخش دمکراتیک سرمایه داری ملی بر پایه یک برنامه مترقی و خلقی زبان مشترک پیدا کنیم و جنبه متحدی به وجود آوریم و این جنبه را به صورت سدی در برابر تلاشهای سازشکارانه جناح سرمایه داری لیبرال ایران قرار دهیم. تنها از این راه میتوان به این هدف رسید که همه مردم، و در درجه اول قشرهای دهها میلیونی مردم زحمتکش در کارخانه‌ها و

کارگاهها و روستاها و ادارات و مؤسسات از نتایج محسوس و مشخص انقلاب با خون خود به پیروزی رسانده‌اند، بهره‌مند شوند.

یک چنین برنامه‌ای باید در زمینه بازسازی نظام نوین سیاسی و اجتماعی، تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک، نوسازی اقتصادی، بهبود محسوس زندگی مادی، تأمین حقوق اجتماعی زحمتکشان شهر و روستا، سالم سازی فرهنگ اجتماعی بر پایه عینی آنچه که در مرحله کنونی جنبش انقلاب میهن ما عملی است، تهیه و با بحث و موافقت نیروهای نامبرده در بالا، بعنوان برنامه مشترک جبهه متحد خلق، طرح گردد.

در ارتباط با این تلاش ما باید از طرح شعارهایی که در مرحله کنونی جامعه ایران غیرواقعی هستند، مطلقاً خودداری کنیم و سایر نیروهای انقلابی را نیز از طرح اینگونه شعارها بر حذر داریم. طرح شعارهای غیرواقعی میتواند مورد سوء استفاده دشمن و محافل راست قرار گیرد و کار آنها را در زمینه تفرقه اندازی و جدا ساختن نیروهای پیشاهنگ از مردم آسان‌تر سازد.

بطور خلاصه، وظیفه مبرم حزب ما در زمینه فعالیت سیاسی، در مرحله‌ای که بلافاصله در برابر ما قرار گرفته، عبارتست از کوشش در ایجاد جبهه متحد خلق، برای آنکه وعده‌های اجتماعی و اقتصادی که آیت الله خمینی بعنوان وظایف جمهوری اسلامی مطرح کرده، بوسیله دولتها عملی گردد. ما باید کوشش کنیم تلاش بورژوازی لیبرال را که میکوشد در درجه اول حزب توده ایران و پس از آن دیگر سازمانهای انقلابی خلق را منفرد سازد و قشرهای وسیع زحمتکشان را بدنبال خود ببرد، با ناکامی روبرو سازیم و این تنها از راه برقراری اتحاد محکم با نیروهای واقعا انقلابی جنبش امکان پذیر است.

برای انجام این وظایف سیاسی، کار سازمانی حزب ما، در دورانی که بلافاصله در برابر ماست اهمیت تعیین کننده پیدا میکند.

در برابر حزب ما در شرایط کنونی وظایف سیاسی مهمی مانند شرکت در فرآیند و انتخابات مجلس مؤسسان و اظهار نظر درباره قانون اساسی جدید، شرکت در انتخابات مجلس آینده، مطرح است و پلنوم حاضر به هیئت اجرائیه جدید رهنمود میدهد که در مقابل این رویدادهای تاریخی موضع حزب و وظایف مشخص همه افرادی را که به سخن حزب ما گوش میدهند، روشن گردانند.

۲. وظایف سازمانی

روشن است که مهمترین وظیفه سازمانی حزب انتقال رهبری حزب به ایران، احیاء سازمانهای حزب در سراسر کشور، در شهر و روستا و آغاز وسیع فعالیت علنی حزب است. در این زمینه باید به دو نکته اساسی توجه کنیم، اول اینکه باید هر چه زودتر گروههای پراکنده حزب را در یک سازمان واحد سرتاسری، با مرکز رهبری واحد و مراکز رهبری محلی، بهم پیوند دهیم و با تمام قوا برای جلب و سازماندهی هزاران مبارز توده‌ای در کشور، که تاکنون با گروههای حزبی

رابطه نداشته‌اند، اقدام نمائیم. در عین حال باید تمام هشیاری خود را بکار بریم تا از ورود عناصر ناباب، عناصری که شایستگی و برآزندگی عضویت حزب طبقه کارگر را ندارند، به صفوف حزب جلوگیری نمائیم. حزب محل تجمع پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر و بهترین عناصر انقلابی سایر طبقات و اقشار دمکراتیک است. حزبی فشرده، ولی با کیفیت انقلابی، بر مراتب نیرومندتر از حزبی است با افراد زیاد، ولی با کیفیت انقلابی ضعیف. در ارتباط با این امر، ما باید بویژه به ترکیب طبقاتی حزب توجه درجه اول داشته باشیم. ترکیب طبقاتی حزب طبقه کارگر تأثیر مستقیم در خصوصیات انقلابی حزب دارد و عدم توجه به آن می‌تواند دشواریهای فراوانی ببار آورد. رعایت ترکیب طبقاتی حزب و توجه و بویژه به بخش کارگری آن تنها در مورد افراد حزب نیست، بلکه در مجموعه سازمان حزبی باید اکیدا مورد توجه قرار گیرد. حزب باید از همان آغاز سازماندهی نوین خود به این مسئله توجه درجه اول مبذول دارد. البته باید در این کار بیش از هر چیز به محتوی اهمیت داد نه به شکل ظاهری. بویژه در مورد برگزیدن و به پیش کشیدن کادرهای حزبی نباید تنها به تعداد و درصد قناعت کرد. با تمام قوا باید به امر آموزش سیاسی کادرهای کارگری پرداخت و در این زمینه از همه امکانات استفاده نمود.

نکته دیگری که باید مورد توجه رهبری و همه سازمانهای حزب قرار گیرد، عبارتست از این که لااقل برای یک دوران نسبتا طولانی تثبیت نظام دمکراتیک در ایران، حزب باید همیشه آمادگی داشته باشد که غافلگیر نشود، تا هنگامیکه نظام دمکراتیک در ایران مستقر نشده و بازگشت ناپذیر نگردیده است، همیشه خطر دستبردهای ارتجاعی وجود دارد. لذا حزب ما باید همیشه آماده باشد که به فعالیت سیاسی و انقلابی خود در هرگونه شرایط نامساعد ادامه دهد. مستگیری کار سازمانی ما باید این باشد که هرچه زودتر شرایط لازم را برای دعوت آنگره سوم حزب، یا کنفرانس سراسری حزب فراهم آوریم. حقوق و وظائف و اختیارات این کنفرانس در کمیته مرکزی حزب تعیین و تصویب می‌شود.

۳. کار توده‌ای

بموازات کار سازمانی برای احیاء سازمانهای حزب، ما باید توجه همه جانبه‌ای به کار توده‌ای مبذول داریم. جنبش انقلابی ایران دهها میلیون نفر از مردم شهر و روستا را به میدان عالیتربین نبردهای سیاسی کشانده و در مدت کوتاهی، در زمینه آگاهی سیاسی و اجتماعی، فرسنگها جلو آورده است. باید از این امکان مساعد بی‌نظیر و کم سابقه، برای متشکل ساختن توده‌ها در سازمانهای دمکراتیک، که مهمترین ضامن برقراری و پایداری نظام دمکراتیک جامعه خواهند بود، بهره‌برداری کرد.

طبقه کارگر قهرمان ایران که در پیشاپیش جنبش انقلابی، پرچم انقلاب را بر دوش کشید و به پیش برد و به پیروزی رسانید، همه امکانات را دارد که در سازمانهای صنفی دمکراتیک مستقل خود متشکل شود و حق آنرا دارد که از راه سازمانهای دمکراتیک صنفی خود

در تنظیم نظام اقتصادی کشور شرکت نماید. طبقه کارگر حق دارد در اداره امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی و از آنجمله در تنظیم برنامه تولید و برقراری تناسب عادلانه میان سود و دستمزد شرکت عملی و فعال داشته باشد.

وظیفه حزب است که طبقه کارگر ایران را در عملی ساختن این خواسته‌های بحقش همه جانبه پشتیبانی کند و در کار سازماندهی صنفی اش به او کمک برساند.

مسئله بر سر راه سازماندهی صنفی طبقه کارگر مشکلات بسیاری برپا خواهد شد. گروه‌های سیاسی انحصارطلب خواهند کوشید سازمانهای صنفی طبقه کارگر را زیر کنترل انحصاری خود درآورند. آنها خواهند کوشید پیشاهنگ انقلابی طبقه کارگر را از طبقه کارگر جدا سازند. این اقدامات همگی در جهت تجزیه و تقسیم و محدود ساختن آزادی سندیکائی طبقه کارگر است و ما باید بکوشیم کارگران را از نفوذ اینگونه گرایشها در صفوفشان بر حذر داریم. شعارگویی که در روزهای پر شور مبارزات انقلابی، هنگام یکی از راه پیمائی‌ها در پیشاپیش صفوف کارگران تهران در اهتزاز بود، «طبقه کارگر متحد همه چیز، متفرق هیچ چیز!» باید به شعار جنبش صنفی دمکراتیک کارگری سراسر ایران بدل شود.

تلاش برای کمک به فعالیت سازماندهی دمکراتیک صنفی سایر اقشار زحمتکش و بخشهای مردم باید در همین چهارچوب تنظیم گردد.

ما باید به زنان آزاده، به کارگران کشاورزی و روستائیان کم زمین و بی زمین، به جوانان و دانشجویان و دانش آموزان، به کارمندان دولت، کارکنان مؤسسات بخش خصوصی و خلاصه به تمام اقشار دمکراتیک جامعه، برای شکل و مبارزه صنفی خودشان همه جانبه کمک برسانیم.

رهبری حزب باید در همه این زمینه‌ها مطالعات همه جانبه بعمل آورد و این بخش بسیار مهم کار اجتماعی خود را طبق نقشه منظمی طرح ریزی کند و در عمل پیاده نماید.

۴. وظایف تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی

حزب ما حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. ما باید افراد حزب را با جهان بینی حزبمان - مارکسیسم - لنینیسم - عمیقاً آشنا سازیم. حزب باید بویژه در بالا بردن دانش علمی کادرهای جوانی که به حزب رو خواهند آورد، با تمام نیرو بکوشد. در این زمینه باید توجه داشته باشیم که آموزش مارکسیسم - لنینیسم باید در تمام بخشهایش در انطباق کامل و پیوسته با واقعیت تاریخی و امروزی جامعه ایران عملی گردد. در این زمینه از طرف حزب ما کارهای با ارزشی انجام گرفته، ولی باید اذعان کنیم که ما هنوز کمبود بسیار داریم و باید با بکار گرفتن همه امکانات این کمبودها را رفع نماییم.

در زمینه ترویج مارکسیسم در جامعه ایران، باید به این واقعیت شادی آور توجه کنیم که امروز با رشد بیسابقه کمی و کیفی طبقه کارگر در سالهای اخیر، با پیدایش یک

قشر نیرومند روشنفکران جوان و دانشجویان در جو انقلابی بیسابقه و بی نظیر جامعه ایران و زیر تأثیر پیروزیهای جنبشهای مارکسیستی - لنینیستی راستین در سراسر جهان، تشنگی برای آموزش مارکسیسم - لنینیسم بطور بیسابقه‌ای در ایران و کم سابقه در سراسر جهان شدت یافته است. ولی از سوی دیگر این تحول تاریخی شادی آور وظایف سنگینی را در برابر حزب ما قرار میدهد. ما باید به این تشنه لبان، آب گوارای مارکسیسم - لنینیسم را برسانیم. مسلماً در این زمینه کار ما آسان نیست. امپریالیستها، مرتدان از مارکسیسم و پرووکاتورهای چینی خواهند کوشید بنام مارکسیسم بازار کتاب ایران را از محصولات مخدوش و وازده پر کنند و از هر راه آبهای مسموم را به خورد تشنگان بدهند. ما باید ضمن اشاعه آثار واقعی مارکسیستی، آثار تحلیلی و انطباقی مارکسیسم - لنینیسم بر واقعیت جامعه ایران، بخش قابل توجهی از فعالیت ترویجی خود را برای افشای این دغلكاری دشمنان طبقه کارگر و جنبش جهانی کمونیستی بکار اندازیم. رفقای ما در این بخش کار بسیار سنگینی در پیش دارند.

در زمینه کار تبلیغاتی توجه حزب ما باید در این جهت باشد که در جامعه امروزی ما نسبت به جامعه پیروزی و دیروزی، تحولات ریشه‌ای فکری به وجود آمده است. حزب ما با آنچنان فضای سیاسی روبروست که در گذشته به این صورت هرگز در برابر ما قرار نداشته است. نظریات فلسفی و اجتماعی اسلام با زندگی سیاسی فشرده‌ای وسیع مردم شهر و ده بهم آمیختگی بی سابقه‌ای پیدا کرده اند و هیچ حزب جدی نمی تواند این واقعیت را در نظر نگیرد. این واقعیت به ما حکم می کند که در عین رعایت حد اعلای اصولیت در دفاع از نظر یاتمان در کار تبلیغاتی روزمره، از هرگونه برخورد غیر عقلانی با تمام نیرو پرهیز کنیم. ما باید در زمینه کار تبلیغاتی، در همه جبهه‌هایی که رفقای حزبی ما فعالیت می کنند، منتهای اصولیت در دفاع از عقاید خود را با منتهای نرمش و احترام در برابر نظریات گروه‌های دیگر خلق، بوژه گروه‌های مذهبی تلفیق نماییم. ما باید بکوشیم همیشه در درجه اول، روی آنچه که ما را بهم نزدیک می کند، تکیه کنیم. دستگاه تبلیغاتی حزب ما باید در این زمینه، یعنی در مشخص ساختن دقیق و علمی آنچه که در بخش مسائل اجتماعی، هواداران مذهب اسلام و هواداران سوسیالیسم علمی را به هم نزدیک می کند، کار وسیعی انجام دهد. باید کادرهای حزبی را در این باره به طور همه جانبه مجهز ساخت. هرگونه کم توجهی یا بی توجهی در این میدان نبرد فکری و عقیده‌ای می تواند زیان‌های جبران‌ناپذیر به بار آورد.

همین اصل را میتوان در زمینه تبلیغات سیاسی یادآوری کرد. در میدان نبرد تبلیغات سیاسی، حزب ما باید اصولی، با نرمش، خونسرد، عاقلانه، بدون شتابزدگی در قضاوت‌ها و دادن ارزیابی‌هایی، که هنوز دلائل کافی برای آنها وجود ندارد، بدون پرجسب زدن‌های احساساتی عمل کنیم و از زندگی در لحن جدا پرهیز نماییم.

تبلیغات ما باید ساده و قابل فهم برای توده‌ها باشد، قابل فهم نه تنها از لحاظ

سادگی زبان، بلکه از لحاظ محتوی. ما در کار تبلیغاتی باید مسائل را طوری مطرح کنیم که درک درستی ادعای ما برای توده‌ها، با تجربهٔ روزمرهٔ خودشان، امکان‌پذیر باشد. اینهاست آن کلی‌ترین نکاتی که بنظر ما باید ارگانهای تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی بطور پیگیر مراعات نمایند.

۵. لزوم تکمیل برنامه و اساسنامهٔ حزب

بحق میتوانیم ادعا کنیم که برنامهٔ مصوبهٔ پلنوم پانزدهم حزب، عالیت‌ترین سند سیاسی تاریخ حزب است. این برنامه بر پایهٔ عالی علمی مارکسیستی-لنینیستی تحلیل درستی از اوضاع ایران و جهان داد و احکام اساسی آنرا زندگی با روشنی تأیید کرد. ولی اوضاع کشور ما و جهان، از تاریخ تدوین این برنامه یا گامهای بلندی به جلو رفته و تحولات عظیمی در همهٔ جهان و بویژه در میهن ما بوجود آمده است. بخشی از آنچه که ما بعنوان هدفهای جنبش انقلابی ایران، در برنامه بدرستی طرح کرده بودیم، بهمت انقلابی خلقهای ایران جامهٔ عمل پوشیده است. به این ترتیب ضرورت نوسازی برنامه کاملاً مشهود است.

پیشنهاد ما اینست که پلنوم به هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب ما مأموریت دهد که در کوتاهترین مدت ممکن، این نوسازی را در متن برنامه تدارک ببیند و در اساسنامهٔ حزب متناسب با شرایط مشخص امروزی تغییرات لازم را وارد کند. اینکار باید هرچه زودتر انجام گیرد، زیرا تردیدی نیست که مهمترین سند سیاسی حزب، برای تبلیغات سیاسی، سندی که مارکسیسم-لنینیسم را با شرایط مشخص جامعهٔ کنونی ایران منطبق سازد، برنامهٔ حزب است.

پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

همه با هم در جبهه متحد خلق برای بارور کردن انقلاب ملی و دموکراتیک به سود زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه

هم میهنان عزیز، رزمندگان و مبارزان راه خلق!

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، با درک عمیق مسئولیت خطیر ملی و میهنی خویش، در این لحظات حساس تاریخی توجه شمارا به یک سلسله نکات مهم و اساسی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برون رفت کشور از بحرانی که طی ده ها سال فرمانروائی امپریالیسم ورژیم دست نشانده اش گریبانگیر میهن ما شده است، جلب می کند.

با سرنگونی رژیم فاسد سلطنتی و اعلام دولت موقت انقلابی، نخستین مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک ایران به پیروزی عظیم تاریخی دست یافت. در این انقلاب بزرگ، همه مردم، سوای گروه ناچیز خائن به منافع ملی، در یک جبهه متحد شرکت کردند و با جانبازی های کم نظیر خود صفحات درخشانی به تاریخ انقلاب های خلق های ستم زده جهان افزودند.

خلق قهرمان ایران، از همان نخستین روزهای گسترش پرشتاب جنبش انقلابی خویش، خواست های اساسی خود را به شرح زیرین مطرح ساخت:

— برانداختن نظام فاسد سلطنتی و در هم شکستن دستگاه خیانت، غارت، اختناق، جنایت و فساد.

— استقرار جمهوری متکی بر اراده خلق و تأمین کامل کلیه حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی دموکراتیک.

— پایان دادن به تسلط نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم.

— برچیدن بساط غارتگری بی بند و بار سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و زمین خواران و زمین داران بزرگ، باز گرداندن ثروت های غارت شده ملی به مالکیت همگانی خلق.

— ایجاد نظام عادلانه اقتصادی بر پایه بهره برداری معقول از ثروت های ملی و استفاده صحیح از نیروی کار انسانی برای تأمین پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی ده ها میلیون زحمتکش

شهر وروستا.

در هم کوفتن رژیم درنده و خون آشامی که هم خود تا بن دندان مسلح و هم از حمایت جدی بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان — امپریالیسم امریکا — برخوردار بود، و وارد کردن ضربات درهم شکن بر ارکان تسلط راهزنانه امپریالیسم بر میهن ما — چنین است دستاوردهائی که انقلاب خلق بدان رسیده است.

حزب توده ایران در این نکته با آیت الله خمینی کاملاً هم آوا است که این کامیابی، نخستین دستاورد در راه بسیار دشوار و پرخطری است که انقلاب خلق در سرآغاز مرحله دوم خود بدان رسیده است و مهم ترین وظیفه در شرایط کنونی تحکیم و تثبیت پیروزی به دست آمده و نوسازی اقتصادی و بازسازی اداری کشور است.

حزب توده ایران بر آنست که تحقق این هدف ها در گرو اقدامات قاطع و سریع برای انحلال پایگاههای نظامی و قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیسم و برانداختن کلیه بازمانده های ارتجاع است.

تاریخ انقلاب های اصیل نشانگر آنست که تنها با تأمین استقلال سیاسی و برکناری گروهی از تبه کارترین کارگزاران رژیم های کهنه نمی توان تسلط اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع را برانداخت.

دست نخورده ماندن مواضع اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع برای سرنوشت نهائی انقلاب خطرات جدی در بر دارد. فقط با درهم شکستن و برانداختن این مواضع است که می توان خواست های حقه میلیون ها انسان محروم و زحمتکش را تحقق بخشید، صنعتی کردن را بر وفق منافع ملی و فارغ از وابستگی به امپریالیسم سامان داد، کشاورزی را از وضع نابسامان کنونی بیرون آورد، زندگی زحمتکشان را با آهنگ سریع بهبود بخشید و فرهنگ ملی را شکوفان ساخت.

حزب توده ایران همه مبارزان راه خلق را فرا میخواند که هر چه زودتر بر اساس برنامه مشترکی که خواست های ده ها میلیون زحمتکشان و میانه حالان جامعه ایران را در بر گیرد، توافق کنند و این برنامه را پایه عمل مشترک و متحد خود در مبارزات آینده خویش برای تدوین قانون اساسی جدید، انتخاب مجلس مؤسسان، تصویب قانون اساسی و انتخاب مجلس ملی و دولت ملی قرار دهند.

امپریالیست ها و نیروهای ارتجاعی وابسته به آنان می کوشند با تمام نیرو با بستن اتحاد با بورژوازی لیبرال (که از گسترش جنبش انقلابی هر روز بیشتر به وحشت می افتد) با کمک خرابکارانه امثال بختیار و سرهنگ توکلی، از درون صفوف نیروهای انقلابی، این اتحاد دموکراتیک را غیر ممکن سازند و با افشاندن تخم نفاق و دودستگی در میان نیروهای راستین انقلاب، زمینه را برای تسلط مجدد خود فراهم کنند.

تنها بیداری، هشیاری، آمادگی و اتحاد نیروهای خلق بر بنیاد برنامه سیاسی و اقتصادی روشن و مبارزه متحد برای تحقق آن می تواند این نقشه های شوم و خطرناک را با ناکامی روبرو سازد.

براین اساس حزب توده ایران برنامه پیشنهادی زیرین را برای ایجاد جبهه متحد نیروهای خلق مطرح میسازد و در عین حال آمادگی جدی خود را برای توجه و بررسی پیشنهاد مشخص دیگری در این زمینه اعلام می دارد.

الف. در زمینه نظام سیاسی، حقوق و آزادی های سیاسی فردی و اجتماعی

- ۱- حزب توده ایران ابتکار حضرت آیت الله خمینی را در مورد اعلام جمهوری اسلامی در ایران تأیید می کند و برای تحقق آن از بذل هیچ گونه مساعی دریغ نخواهد ورزید.
- ۲- حزب توده ایران بر آنست که کشور ما برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی خویش باید دارای نیروهای مسلح دموکراتیک باشد. این نیروهای مسلح باید مجری اراده خلق باشند. به همین جهت حزب توده ایران از فکر ایجاد گارد مسلح ملی برای پاسداری انقلاب و مقابله با هرگونه توطئه محتمل جداً پشتیبانی می کند. نیروهای مسلح دموکراتیک خلق مطمئن ترین وثیقه حفظ دستاوردهای انقلاب پیروزمند ایران است. ما اعتقاد راسخ داریم که گارد مسلح ملی باید همه نیروهای اصیل ملی و میهن پرست داوطلب شرکت در آن را، بدون هیچ گونه پیشداوری، بدون هیچ گونه تبعیض و انحصارطلبی، دربرگیرد.
- ۳- نیروی حیاتی و شکوفائی جمهوری تنها در صورت شرکت آزاد و کارای همه خلق های میهن ما در زندگی سیاسی و اجتماعی و نیز در صورت احترام متقابل به مذاهب، آداب و رسوم، فرهنگ ملی و زبان همه خلق های کشور می تواند تأمین گردد.
- در جامعه ایران شرط لازم برای تحقق وحدت ملی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، واگذاری خود مختاری اداری و فرهنگی به همه خلق های کشور در چارچوب جمهوری واحد دموکراتیک ایران است.
- ۴- در جمهوری نو بنیاد ایران شرکت فعال توده های انبوه مردم در اداره امور کشور باید از طریق شوراهای استان، شهرستان، بخش و ده تأمین گردد. این شوراها باید به صورت ارگان های اعمال قدرت محلی با اختیارات و وظایف مشخص عمل کنند.
- ۵- تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک فقط زمانی میسر است که همه سازمان های اجتماعی و سیاسی و صنفی ملی و مترقی، بدون هیچ گونه محدودیت و تبعیض، امکان فعالیت آزاد برای نشر و تبلیغ نظریات خود داشته باشند و به هیچ گونه انحصارطلبی و اعمال فشار و تحمیل نظریات و تبعیض از سوی هیچ مقام و هیچ فردی راه داده نشود. حصول این مقصود مستلزم آنست که:
 - کلیه قوانین و مقررات منافعی با حقوق دموکراتیک و حاکمیت خلق ملغی شود، محاکمه و مجازات کلیه کارگزاران فاسد و جنایت کار رژیم سابق عملی گردد.

- آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تظاهرات و آزادی دفاع در محاکم تأمین گردد.
- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای همه شهر و ندادن کشور، صرف نظر از ملیت، جنس، تعلقات مذهبی و سواد، در کلیه مؤسسات انتخابی تأمین شود.
- حق کامل تشکیل سازمان های صنفی برای همه کارگران و زحمتکشان شهر و ده به رسمیت شناخته شود و این سازمان های صنفی در کلیه امور مربوط به تولید و شرایط کار و زندگی زحمتکشان حق دخالت داشته باشند.
- کلیه زحمتکشان شهر و ده از حق بی چون و چرای اعتصاب برخوردار باشند.
- زن و مرد در جامعه برابری حقوق واقعی داشته باشند.

ب. در زمینه سیاست خارجی

- ۱- دفاع از تمامیت ارضی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور.
- ۲- لغو کلیه قراردادهای نابرابر اقتصادی، سیاسی و نظامی علنی و یا سری که امپریالیسم و رژیم سرنگون شده به کشور ما تحمیل کرده اند.
- ۳- خروج فوری از پیمان تجاوز کار سنتو و لغو قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا.
- ۴- پیشنهاد عقد قرارداد دوستی و عدم تجاوز به همه کشورهای همسایه بویژه به عراق، ترکیه، افغانستان، اتحاد شوروی و پاکستان.
- ۵- اعلام بی طرفی ایران و پیوستن آن به جرگه کشورهای غیر متعهد.
- ۶- پشتیبانی از انعقاد پیمان امنیت دسته جمعی در منطقه خاورمیانه و نزدیک و سراسر آسیا.
- ۷- پشتیبانی مادی و معنوی همه جانبه از جنبش های انقلابی و آزادیبخش ملی ضد امپریالیستی و در درجه اول از جنبش آزادیبخش خلق قهرمان فلسطین.
- ۸- کوشش برای برقراری روابط دوستانه و همکاری مبتنی بر برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی با همه کشورهای جهان.
- ۹- دفاع از صلح جهانی و اجرای پیگیر اصول همزیستی مسالمت آمیز.

ج. در زمینه دفاع و حفظ امنیت کشور

- ۱- تصفیه کامل ارتش از تمام عناصر ضدملی و فاسد.

- ۲- دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش برای تبدیل آن به ارتش واقعاً ملی، دموکراتیک و خلقی از طریق تشکیل کمیته‌های ملی سربازان، درجه‌داران و افسران و تأمین حق شرکت همه افراد ارتش در حیات سیاسی کشور.
- ۳- کاهش بودجه و نفقات ارتش تا حد تأمین نیازمندی‌های واقعی دفاعی کشور.

د. در زمینه اقتصادی

- ۱- ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم از کلیه شئون اقتصادی کشور، از طریق الغای کلیه قراردادهای اسارت‌آور.
- ۲- ملی کردن کلیه مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی متعلق به انحصارها و دولت‌های امپریالیستی، ملی کردن بانک‌ها و مؤسسات بیمه خصوصی و واحدهای بزرگ صنعتی و کشاورزی که در دست کارگزاران و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده متمرکزند و به طور عمده با سرمایه‌های امپریالیستی پیوند دارند.
- ۳- ضبط همه ثروت‌های متعلق به اعضای خاندان پهلوی، کوشش در بازگرداندن ثروت‌هایی که توسط این افراد به خارج منتقل شده است. ضبط کلیه ثروت‌هایی که گردانندگان رژیم سابق و سایر کارگزاران امپریالیسم در طول بیش از پنجاه سال تسلط این رژیم به تاراج برده‌اند. مصادره زمین‌های متعلق به زمین‌خواران بزرگ و سفته‌بازان زمین‌های شهری و واگذاری آن به شوراهای شهرستان‌ها و شهرها و بخش‌ها برای ساختن خانه جهت زحمتکشان.
- ۴- الغای قرارداد تحمیلی کنسرسیوم بین‌المللی نفت، جلوگیری از افزایش نامعقول تولید نفت و کاربرد شیوه‌های فنی صحیح در زمینه بهره‌برداری از منابع نفت به منظور حفظ هرچه طولانی‌تر ذخایر گرانبهای نفت کشور، جلوگیری هرچه سریع‌تر از هدر رفتن گازهای طبیعی و فراهم ساختن شرایط لازم برای استفاده صحیح از این ماده گرانبها.
- ۵- الغای کلیه قراردادهای پر هزینه ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای و موافقت‌نامه‌های مربوط به دفن زباله‌های اتمی در خاک کشور ما.
- ۶- کاربرد برنامه‌ریزی علمی در کلیه شئون اقتصادی کشور.
- ۷- صنعتی کردن کشور، گسترش رشته‌های گوناگون صنایع سنگین و سبک بر پایه استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی دوران ما، با توجه به اولویت، امکانات و نیازمندی‌های واقعی جامعه.
- ۸- تمرکز رشته‌های اساسی صنعت، بانک‌داری و بیمه در دست دولت، دموکراتیزه کردن بخش دولتی و قرار دادن آن در خدمت خلق.
- ۹- اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، از طریق مصادره زمین‌های متعلق به زمین‌داران

بزرگ و ملی کردن مؤسسات بزرگ خصوصی کشاورزی، دایر کردن زمین های بایر به منظور تأمین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین و کشاورزانی که به عنوان کارگر در مزارع کار می کنند، تضمین مالکیت دهقانی، ملی کردن مؤسسات کشت و صنعت.

۱۰- بسط همه جانبه بازرگانی داخلی و کمک مؤثر به ترقی آن به منظور گسترش و تحکیم بازار داخلی، پایان دادن به سیاست تباهی آور درهای باز و ایجاد شرایط لازم برای تأمین فعالیت سودمند سرمایه داران ملی.

۱۱- تجدید نظر در توزیع درآمد ملی، بر مبنای تنظیم و تعدیل بودجه دولتی، با توجه به اولویت های اقتصادی، حذف کلیه هزینه های زائد و تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه جانبه اقتصاد، فرهنگ و آموزش عالی.

۱۲- اصلاح بنیادی سیستم مالیاتی به سود شاغلین کارهای جسمی و فکری در شهر و ده.

۵. در زمینه بهبود زندگی

۱. کارگران

- تأمین شرکت برابر کارگران در اداره امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی و از آن جمله در تنظیم برنامه تولید و برقراری تناسب عادلانه میان سود و دستمزد.

- تنظیم قانون کار بر بنیاد دموکراتیک.

- تأمین اشتغال و تلقی آن به مثابه حق مسلم شهروندان کشور، از میان بردن بیکاری در سراسر کشور.

- به رسمیت شناختن قراردادهای دسته جمعی و ایجاد تضمین های لازم برای اجرای آنها.

- افزایش فوری دستمزدها، متناسب با کار و نیازمندی های درجه اول مادی و معنوی زحمتکشان و خانواده های آنها، با توجه به نوسانات هزینه زندگی.

- کاهش ساعات کار در هفته در همه رشته های تولیدی و افزایش مدت مرخصی سالانه با استفاده از حقوق با توافق نمایندگان منتخب کارگران.

- تنظیم قوانین مترقی بیمه های اجتماعی به سود همه زحمتکشان و خانواده های آنها، تأمین خدمات پزشکی و دارویی رایگان برای آنان.

- تأمین مسکن مناسب برای کارگران.

- تجدید نظر در طبقه بندی مشاغل.

- افزایش مستمری کارگران بازنشسته.

۲. روستائیان

- واگذاری اعتبارات دولتی فوری، بذر و کود و کمک‌های فنی به دهقانان خرده‌پا و میانه‌حال.
- کمک همه‌جانبه به ایجاد شرکت‌های تعاونی تولیدی دهقانی، گسترش شرکت‌های تعاونی فروش و مصرف به سود دهقانان و خرید محصولات کشاورزی به بهای عادلانه.
- حل جدی مسئله آب به سود دهقانان.
- الفای وام‌ها و اقساط زمین و نسیبقات مادی دیگری که رژیم سرنگون شده به روستائیان تحمیل کرده است.

۳. زنان

- تأمین کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی زنان برابر با مردان.
- پرداخت مزد یکسان به زنان در برابر کار یکسان با مردان، منع کار کودکان.
- واگذاری مرخصی‌های دراز مدت، با استفاده از حقوق، برای زنان زحمتکش در دوران پیش و بعد از زایمان.
- ایجاد شبکه وسیع زایشگاه‌ها و شیرخوارگاه‌ها و کودکستان‌ها برای استفاده زنان زحمتکش.

۴. کارمندان

- تقسیم صحیح کار در ادارات، ترفیع براساس آموذگی و کیفیت کار و سوابق خدمت.
- تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیاد دموکراتیک و جلوگیری از هرگونه تبعیض در مورد آنان.
- تأمین مسکن متناسب برای کارمندان.
- شناسائی حق تشکیل سازمان‌های صنفی برای همه کارمندان مؤسسات و ادارات دولتی و خصوصی و تأمین حق اعتصاب.

۵. جوانان

- تجدید نظر بنیادی در نظام آموزشی.
- رایگان بودن آموزش از دبستان تا دانشگاه و پرداخت مدد معاش دولتی به فرزندان کارگران و کشاورزان و کارمندان کم‌درآمد.
- گسترش شبکه آموزش‌های حرفه‌ای رایگان.
- تأمین امکانات وسیع ورزشی و تربیت بدنی و توسعه مؤسسات ورزشی و ایجاد

باشگاه‌های فرهنگی در شهرها و روستاها.

— تأمین کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌های دولتی عمومی در سراسر کشور با حق استفاده رایگان از آنها.

۶. پیشه‌وران

— واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته‌های گوناگون پیشه‌وری.

— تشکیل اتحادیه‌های ویژه پیشه‌وری برای دفاع از خواست‌ها و منافع صنفی پیشه‌وران.

— تشویق کارهای دستی هنری ملی.

و. در زمینه فرهنگ

۱. ریشه کن ساختن همه آثار فرهنگ استعماری از زندگی روزمره مردم.
۲. گسترش شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور، رفع کمبود شدید دبستان و دبیرستان، ایجاد شبکه وسیع آموزشگاه‌های حرفه‌ای، مدارس عالی و دانشگاه‌ها.
۳. توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطق عقب نگاه داشته شده.
۴. ایجاد سیستم فرهنگ ملی برای خلق‌ها و اقلیت‌های ملی و تأمین آموزش به زبان مادری.
۵. ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکه وسیع پژوهش‌گاه‌های علمی و فراهم کردن شرایط لازم برای کار خلاق و ثمربخش دانشمندان.
۶. کمک مؤثر به گسترش و رشد مطبوعات و انتشارات مترقی دموکراتیک.
۷. تأمین شرایط لازم برای پیشرفت آفرینش هنری.
۸. تأمین آزادی برای نویسندگان و هنرمندان بر پایه خواست‌های حقه سازمان‌های صنفی آنها.

ز. در زمینه دفاع از حقوق زندانیان سیاسی،

محکومان رژیم سابق و خانواده‌های قربانیان علیه استعمار و استبداد

۱. اعلام بیدرنگ بی اعتبار بودن کلیه احکام دادگاه‌های نظامی علیه مبارزان ضد رژیم سابق و اعاده حیثیت از همه آنان.

۲. تشکیل فوری کمییونی با شرکت نمایندگان منتخب زندانیان سیاسی برای تعیین و جبران کلیه خساراتی که در نتیجه زندانی شدن به این مبارزان وارد آمده است. اختیارات و امکانات قانونی و مادی این کمیسیون برای جبران این خسارات باید از طرف دولت تأمین گردد.

۳. کمک فوری و در صورت لزوم تعیین مستمری به بازماندگان قربانیان رژیم سابق توسط کمیسیون خاصی با اختیارات قانونی و مادی لازم.

چنین است رئیس کلی برنامه ای که به نظر حزب توده ایران می تواند همه نیروهای مدافع انقلاب ملی خلق قهرمان ایران را - از مبارزان پیگیر راه آیت الله خمینی گرفته تا حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی چپ، در یک جبهه واحد و متحد گرد آورد - جبهه ای که بتواند تسلط امپریالیسم را در کلیه شئون براندازد، ثروت های ملی و قدرت اقتصادی را از چنگ عناصر غارت گر، یعنی سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیسم بیرون کشد و به سود خلق به کار اندازد.

فقط در پرتوی چنین جبهه متحد و تحقق چنین برنامه مشترکی است که می توان دستاوردهای انقلاب خلق ما را حفظ کرد و به خواست های خلق انقلابی جامعه عمل پوشانید.

حزب توده ایران همه نیروهای انقلابی و در درجه اول همه گروه های مبارز پیرو راه آیت الله خمینی، سازمان مجاهدین خلق، چریک های فدائی خلق و همه گروه های سیاسی و سازمان های ملی و دموکراتیک دیگر را به بررسی این پیشنهاد حزب توده ایران دعوت می کند. به نوبه خود حزب توده ایران آمادگی خود را برای بررسی هر پیشنهاد دیگری که در این زمینه مطرح گردد اعلام می کند.

هم میهنان، مبارزان راستین راه خلق!

انقلاب ایران راهی دشوار و سرشار از انواع مخاطرات، توطئه ها و دسیسه های دشمن در پیش دارد. دشمنان خلق هنوز نیرو و امکان فراوان در اختیار دارند. تاریخ انقلاب ها به ما می آموزد که پیروزی انقلاب به مراتب آسان تر از رساندن انقلاب به فرجام آنست. تجربه انقلاب های اجتماعی بزرگ به ما نشان می دهد که دشمن شکست خورده در دوران پس از انقلاب سرسختی و مقاومتش ده چندان می شود. دشمن مردم ایران - ارتجاع و امپریالیسم - درون کشور سرکوب شده ولی به هیچ وجه از پای در نیامده است. تنها با وحدت عمل و اتحاد کلیه نیروهای ملی و مترقی، با فداکاری و قاطعیت انقلابی در گزینش برنامه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی درست است که می توان بر این دشواری ها پیروز شد و دسیسه ها و توطئه های مخوف اشرار دشمن خلق را عقیم گذاشت.

حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق تمام نیرو و امکانات خود را به کار خواهد

برد.

■ پیروز باد انقلاب سترگ خلق دلاور ایران!

■ برقرار باد جبهه متحد خلق، نیرومندترین اهرم پیروزی بردشمن مشترک!

■ تابناک باد خاطره شهیدان راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی ایران!

پیام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم مبارز و قهرمان ایران

خواهران و برادران رزمنده و قهرمان!

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، پیروزی انقلاب بزرگ ملی و دموکراتیک ایران را بهمه شما، که در این انقلاب شرکت جسته و به تحقق پیروزی آن خدمت کرده اید، از پیر و جوان و کودک، زن و مرد، شهری و روستایی، روحانی و غیر روحانی، نظامی و غیر نظامی از صمیم قلب شادباش می گوید.

ما این پیروزی را همچنین به رفقا و هواداران وفادار حزب خود، که سالیان دراز علیه امپریالیسم و استبداد پهلوی با سرسختی و از خود گذشتگی مبارزه کرده اند و بخاطر این مبارزه آسیب های گوناگون دیده، حرمانهای رنگارنگ کشیده، و در جریان انقلاب کنونی در کنار دیگر نیروها و قشرهای جامعه ایران، دست به پیکار فداکارانه زده اند، تبریک میگوئیم.

پیروزی بر رژیم ددمنش، فاسد و دست نشانده استبداد سلطنتی پهلوی، که تا دندان مسلح و گریگ مردم خوار ساواک پاسدارش بود، کار آسانی نبود. درستی هدف، وحدت عمل، پیگیری و فداکاری در نبرد، هشیاری و آگاهی اعجاب آور اکثریت قریب بتمام مردم که در این انقلاب شرکت جستند، حادثه ای را ممکن ساخت که امپریالیسم و ارتجاع جهانی آنرا محال میدانستند.

انقلاب ملی و دموکراتیک ایران نه تنها فصل نوی را در تاریخ تکامل اجتماعی ما میگشاید و مهمترین رویداد تاریخ معاصر ایرانست، بلکه در مقیاس منطقه و در مقیاس جهانی دارای اهمیت خطیری است.

در جریان این انقلاب همه قشرهای میهن پرست و آزادیخواه جامعه ایران، هر یک در جای خود، نقش مهم و درخورد آفرینی داشته اند. از آنجمله باید از نقش کارگران و کارمندان مؤسسات دولتی و خصوصی نام برد که با ایجاد فلج در دستگاه استبدادی، انهدام آنرا تسریع

کردند. بویژه باید از نقش برجسته طبقه کارگر قهرمان ایران و درپیشاپیش آنها از نقش کارگران صنعت نفت یاد کرد.

در جریان این انقلاب از میان روحانیت مترقی و مبارز ایران، شخصیت مبرزی مانند آیت الله خمینی برخاست که با ابراز سرسختی و هشیاری در اجراء این وظیفه دشوار و بغرنج، احترام قاطبه نیروها را به خود جلب کرد.

در جریان این انقلاب و بویژه در درگیریهای فوق العاده حساس روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه مبارزان مسلح انقلابی خلق، دوشادوش سربازان، درجه داران و افسران انقلابی ارتش، موفق شدند کودتای ضد انقلابی را در نطفه و در مرحله تدارکی آن خفه کنند و شرایط را برای عقب نشینی و تسلیم سران ارتجاعی «ارتش شاهنشاهی» فراهم نمایند. مردم ایران نقش حساس این جانبازان انقلابی را هرگز از یاد نخواهند برد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در برابر همه شهیدان انقلاب در همه شهرها و روستاهای ایران، در مقابل همه شهیدانی که راه این انقلاب را با مبارزه سراسر ایثار خویش هموار ساختند، سر تعظیم فرود میآورد. تاریخ ایران هرگز این جان نثاران میهن، خلق و عدالت را از خاطره خویش نخواهد زدود.

پلنوم کمیته مرکزی بهمه زندانیان سیاسی که طی سالیان دراز عذابها و تحقیرهای جلادان و شکنجه گران رژیم شاه را دلاورانه تحمل کردند و اکنون انقلاب آنها را به فعالیت اجتماعی و سیاسی باز گردانده، با شور و علاقه فراوان، درود می فرستد.

تردیدی نیست که برانداختن رژیم فاسد، خائن، غارتگر و ستمگر پهلوی و منهدم شدن بسیاری از مواضع سیطره امپریالیستی کار عظیمی است که انجام پذیرفته است، ولی روشن است که این، هنوز همه کار نیست. هنوز تا پیروزی نهائی و مطمئن انقلاب، وظایف بس مهم و پیچیده ای در برابر مردم انقلابی کشور ما قرار دارد.

ریشه کن کردن قطعی ضد انقلاب و طرد کامل عمال آن، حفظ هشیاری دائمی در مقابل دسایس رنگارنگ امپریالیسم و عمالش، که مایل هستند بدین نحو یا بدان نحو، انقلاب ملی و دموکراتیک را با شکست روبرو سازند و مواضع از دست رفته و آسیب دیده خود را احیاء و ترمیم نمایند، ایجاد نظام جدید بر پایه نیل به استقلال واقعی، دموکراسی، رفاه عمومی، پیشرفت اجتماعی، هریک وظیفه ایست خطیر و دشوار که حل آنها کماکان در برابر ماست.

تنها و تنها با ادامه وحدت عمل و راه ندادن به تفرقه در صفوف انقلاب، با ادامه حد اعلاى فداکاری و هشیاری و احتراز از غفلت و خوشبختی، با ادامه مبارزه پیگیر در راهی که هنوز در پیش است میتوان انقلاب ایران را به سرانجام پیروزمندش رساند و از مسخ و سقط شدن و ناقص ماندن و شکست آن جلوگیری کرد. این درس مهمی است که تاریخ انقلابها در جهان و ایران به ما می آموزد.

ما اطمینان داریم مردمی که از عهده اجراء وظایف بسیار دشوار برانداختن سلطنت مستبد و منهدم کردن بسیاری از مواضع امپریالیسم، با دادن آنهمه قربانیها و ابراز آنهمه قهرمانیها برآمده اند، از عهده اجراء وظایف ایجاد نظام جدید، هر اندازه هم که این وظایف دشوار

و پیچیده باشد، برخوردارند آمد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنوبه خود، از همه خواهران و برادران هموطن از: کارگران، دهقانان، پیشه وران، دانشجویان و روشنفکران، کارمندان، روحانیت مرفعی، سرمایه داران ملی، ارتشیان انقلابی و میهن پرست، از همه حلقهای میهن ما، اعم از تعلق به هر مذهب یا هر نظریه و گروه سیاسی، دعوت میکند، در صف واحد، با حفظ سطح عالی آگاهی و هشاری نسبت به دسایس غدارانه و ابلسانه ضد انقلاب، برای رساندن انقلاب به سرانجام قطعی و پیروزمندش از پای ننشستند و درجه بالای رشد اجتماعی خود را به جهانیان نشان دهند و همه حسابهای امپریالیسم و ارتجاع را که میخواهند با توسل بهمه حربه ها از قساوت بربرمنشانه گرفته تا عوامفریبیهای لیبرال مآبانه، سیطره خود و دست نشانندگان خود را حفظ کنند، به هیچ و پوچ بدل سازند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهادهای مشخص خود را در کلیه زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی برای ایجاد تحولات و اصلاحات عمیق بسود قشرهای مختلف مردم، بهمه نیروها و سازمانهای انقلابی عرضه داشته است.

ما از همه هموطنان عزیز دعوت میکنیم، این پیشنهادهای مشخص را که چاپ و منتشر شده با دقت بررسی کنند. زیرا در مرحله بفرنج کنونی، داشتن تصور روشنی از مطالبات مشخص انقلابی در همه زمینه ها مهمترین شرط تجهیز معنوی جامعه و بسیج نیروها علیه ضد انقلاب است. اگر در مرحله کنونی سازندگی، انقلاب هدفهای خود را در هر زمینه بموقع و بروشنی نشناسد و مطرح نسازد و آنرا پیش نبرد، این امر موجب تفرقه میشود و خطر بزرگی برای دستاوردهای موجود انقلابی است.

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در خطاب بهمه هم میهنان میگوید: برای ایجاد ایرانی آزاد، آباد، مستقل، صلحدوست، مرفعی و دموکراتیک، برای عقیم گذاردن دسایس ضد انقلاب برای ایجاد شرایط مساعد یک تحول مثبت بسود اکثریت مطلق مردم ایران، همه با هم، در جبهه متحد خلق، به پیش!

پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران - اسفندماه ۱۳۵۷

حزب توده ایران به جمهوری اسلامی رأی مثبت می دهد

حزب توده ایران به سؤال مطرح شده در همه پرسی راجع به جمهوری اسلامی رأی مثبت می دهد.

هموطنان! حزب توده ایران برنامه خود را در باره ضرورت تحول بنیادی در جهت تحکیم استقلال ملی، دموکراسی و سالم سازی اقتصاد کشور، رفاه عمومی و پیشرفت اجتماعی بیان داشته و نظرش در این باره مشخص و روشن است.

ما مدت ها است که نظر خود را در باره ضرورت ایجاد یک جمهوری متکی بر اراده خلق بیان داشته ایم. بدیهی است که براساس مشی خود به سؤال مربوط به جمهوری یا سلطنت به سود جمهوری رأی میدهیم.

در مورد نام این جمهوری ما به همان ترتیب که آیت الله خمینی مسئله را مطرح میکند، یعنی «جمهوری اسلامی» (چنان که در گذشته نیز تشریح کرده بودیم) رأی مثبت می دهیم، زیرا اولاً اصل مطلب محتوی سیاست حکومت هاست، مردم مبارز ایران باید بکوشند تا قانون اساسی جدید بر پایه حفظ منافع اساسی جامعه ما، یعنی استقلال ملی، صلح و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی و رفاه عمومی تنظیم شود و دولت های ناشی از مجلس آینده پیگیرانه در جهت قانون اساسی جدید عمل کنند.

ثانیاً حفظ وحدت نظر و کلمه همه نیروهای ملی و دموکراتیک در شرایط کنونی یک امر حیاتی است.

ما همه هموطنان عزیز را به دادن رأی مثبت به جمهوری اسلامی در همه پرسی آینده فرا میخوانیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ اسفند ۱۳۵۷

از دادگاه‌های انقلابی حمایت کنیم

متوقف شدن کار دادگاه‌های انقلاب در مورد رسیدگی به جنایات عمال رژیم جنایتکار سابق حتی به صورت موقت مایه کمال تأسف است.

دستگاه جنایت پیشه رژیم سابق سرنگون شده ولی از میان نرفته است. اگر به جنایتکاران مجال داده شود، آنها یکبار دیگر کشور را به شکنجه گاه و کشتارگاه میلیون ها انسان شریف بدل خواهند کرد. نه تجربه ۲۸ مرداد و نه تجربه شیلی و کشورهای نظیر آن را نمی توان و نباید فراموش کرد.

آن قسمت از اقدامات قاطع کمیته های انقلابی که در مورد تعقیب و مجازات جنایت کاران رژیم سابق انجام می شود مورد تأیید همه مردم ایران و همه نیروهای ترقی خواه و دمکرات جهان بوده و اگر در این زمینه انتقادی وجود داشت عبارت از این بود که چرا این کمیته ها قاطع تر عمل نمی کنند و چرا عده ای از بزرگترین جانیان و خیانت کاران امکان یافته اند از مجازات برهند.

آن دسته از محافل خارجی که کار کمیته های انقلابی را تخطئه کرده و عملاً از جنایت پیشه گان آدم کش حمایت می کنند نماینده افکار عمومی مردم جهان نیستند، آنها از اربابان ساواک و خادمان سیا هستند، نمی بایست به حرف آنها توجه کرد. آنها می خواهند ساواک را حفظ کرده و در آینده باز هم به کشور مسلط کنند.

حزب توده ایران حمایت خود را از اقدامات انقلابی کمیته های امام علیه رژیم جنایت کار پهلوی و عمال آن اعلام میدارد و معتقد است که باید این اقدامات با قاطعیت باز هم بیشتر ادامه یابد. متوقف شدن آن و یا کند شدن آن به مثابه ترمز کردن انقلاب است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۸ اسفند ماه ۱۳۵۷

به رفقای گروه منشعب از سازمان چریک های فدائی خلق «وابسته به حزب توده ایران»

رفقای عزیز!

شما با قلبی آکنده از عشق به آزادی و سعادت خلق زحمتکش ایران در یکی از تاریک ترین ادوار تاریخ میهن عزیز ما به پا خاستید. عشق آتشین و اراده آهنین شما، صداقت و صمیمیت شما به امر طبقه کارگر و سایر زحمتکشان کشور ما، به استقلال و آزادی میهن ما توأم با روح جستجوگر و نقاد شما، راه رسیدن به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر را برایتان هموار ساخت. شما با دقتی موشکافانه به مطالعه و بررسی تاریخ حزب، هویت حزب و اهداف حزب پرداختید. پیش داوری های محدود کننده را کنار گذاشتید و در روزهایی که حزب توده ایران زیر ضربات عمال امپریالیسم و عوامل سر سپرده آن قرار داشت و دشمن از پرداختن به انواع اتهامات ناروا و پوچ برای بی اعتبار کردن این دژ مستحکم مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی از همه امکانات جهنی خود سود می جست، شما حرکت تدریجی ولی مطمئن خودتان را به سوی حزب ادامه دادید.

رفقا گرچه تازه وارد نیستید و مدت هاست زیر پرچم پرافتخار حزب توده ایران به پیکار سوسخت و نبردی دلیرانه مشغولید، این اقدام — اعلام ادغام سازمان شما در سازمان متمرکز حزب توده ایران — را صمیمانه تبریک می گوئیم و برای شما در مبارزه خستگی ناپذیرتان در حزب طبقه کارگر، به خاطر تحقق آرمان های والای طبقه کارگر، برای تأمین استقلال و آزادی میهن عزیزمان آرزوی موفقیت داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۸ اسفندماه ۱۳۵۷

درباره نوید

مطلبی که در این صفحه چاپ می کنیم از آخرین شماره نوید — وابسته به حزب توده ایران — گرفته شده است.

نوید طی چهار سال گذشته در شرایط بسیار دشوار نقش مهم سیاسی، سازمانی ایفا کرد و توانست نظریات حزب توده ایران را به مقیاس وسیعی منتشر کند و مورد تأیید و ستایش مرکز رهبری حزب قرار گیرد.

اینک نوید با این امید که وظیفه اصلی را به پایان برده و دیگر در کشور ما نیازی به روزنامه مخفی نیست، به انتشارش پایان می دهد. ما نیز در امید این رفقای مبارز شریک بوده و خرسندیم که آخرین شماره نوید مستقیماً به نخستین شماره های دوره جدید مردم پیوند می یابد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۸ اسفندماه ۱۳۵۷

پیروزی بزرگ مردم ایران

مردم ایران پیروزی بزرگی را که طی نبردهای دشوار و خونین انقلابی کسب کرده بودند با رأی مثبت خویش در رفراندوم تثبیت کردند. خبرهایی که تاکنون رسیده تعداد رأی دهندگان را بیش از ۱۸ میلیون و آراء مثبت به جمهوری اسلامی را— که قانون اساسی آن با رأی مردم تصویب خواهد شد— ۹۸ درصد قید کرده است. این یک پیروزی عظیم و قدرت نمایی نوین نیروی متحد خلق است.

اتفاق نظری سابقه ای که در طول نبرد انقلابی وجود داشت و در رفراندوم یکبار دیگر تجلی کرد، نشانه وجود خواست های مشترکی است که مردم زحمتکش ایران را صرف نظر از تفاوت های ملی، مذهبی و عقیدتی به هم می پیوندد. مهم ترین این خواست ها عبارتند از: به خاک سپردن کامل رژیم منفور چندهزارساله شاهی و استقرار جمهوری متکی بر اراده خلق، قطع کامل نفوذ امپریالیسم و تأمین استقلال ملی، محو دیکتاتوری و برقراری دموکراسی پی گیر و بالاخره انجام یک تحول بنیادی به سود زحمتکشان.

امام خمینی که نظر اکثریت شرکت کنندگان در رفراندوم را منعکس می کند پیروزی جمهوری اسلامی را در رفراندوم غلبه مستضعفین بر مستکبرین اعلام می کند و خواستار آنست که هر آنچه از رژیم طاغوتی برجای مانده زیرورو شود.

دیگر رهبران مذهبی و سیاسی نیز که در تأیید جمهوری اسلامی سخن گفته اند، تأکید کرده اند که منظور استقرار احکام مترقی و آزادی خواهانه ای است که به مراتب از دموکراسی های غربی فراتر خواهد رفت. همه آنان وعده تحول اساسی اجتماعی— سیاسی به سود زحمتکشان و در جهت طرد کامل نفوذ امپریالیسم داده و هیچ یک حمایت از طبقات استثمارگر را آشکارا به عهده نگرفته اند.

رأی ۱۸ میلیون ایرانی پشتوانه استوار چنین تحول بنیادی است؛ تحولی که استثمار شوندگان را بر استثمار کنندگان پیروز گرداند.

مقامات دولت موقت انقلاب اسلامی وعده‌ای از سایر رهبران انقلاب، انجام وعده‌های خود را معمولاً موکول به فرصت می‌کنند. در این که چنین فرصتی ضروری است نمی‌توان تردید کرد. زیور و کردن جامعه کهن و بنا کردن جامعه نوین— اگر چنین قصدی باشد— فرصت می‌خواهد. اما فرصت زمانی سودمند است که برنامه‌ای برای تحول بنیادی در میان باشد و انجام آن آغاز گردد. وگرنه فرصت به هدر خواهد رفت.

حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی است که موضع خود را در قبال رفراندوم روشن کرد و به جمهوری اسلامی رأی مثبت داد. حزب ما به همراه آن، ضرورت تحول بنیادی جامعه را نیز متذکر شد و برنامه خود را برای چنین تحولی تدوین نمود و منتشر کرد. ما معتقدیم که این برنامه علمی و روشن بهترین راه انجام تحولی است که وعده آن به مردم داده شده است. با این حال ما صادقانه آماده ایم تا هر پیشنهاد متقابلی را در این باره با دقت تمام بررسی کرده و روی برنامه مشترکی با همه نیروهای صدیق انقلابی به توافق برسیم و برای انجام این برنامه مشترک با **اتمام توان بکوشیم.**

اینک پس از پیروزی بزرگ مردم ایران در رفراندوم، زمان تدوین و تصویب قانون اساسی است. باید همه دستاوردهای انقلاب و خواست‌های مشترکی که میلیون‌ها ایرانی را به پای صندوق رفراندوم کشانید— از جمله و به خصوص استقلال، آزادی، تحول بنیادی به سود زحمتکشانش— در قانون اساسی منعکس شود و این قانون در فضای کاملاً آزاد و با شرکت وسیع توده‌های مردم تدوین شده و به تصویب برسد. ما برای مشارکت فعال در این امر آماده ایم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ فروردین ۱۳۵۸

مشکل بیکاری را با همکاری همه زحمتکشان می توان و باید حل کرد

بیکاری به یکی از بزرگترین مشکلات کنونی همه زحمتکشان میهن ما، دولت مسوقت... و تمام جامعه ما بدل شده است. طبق اطلاع رسمی بیش از $\frac{3}{5}$ میلیون نفر بیکارند و این رقم وحشتناک همچنان روبه فزونی است.

بیکاری، هم اریئه شومی است که از رژیم سرنگون شده برجای مانده و هم نتیجه اختلال ناگزیری است که در جریان انقلاب در اقتصاد کشور ایجاد گردیده است. ولی در هر حال آشکار است که بیکاری برای میلیون ها نفر از هموطنان زحمت کش ما به معنی فقر و گرسنگی است. متأسفانه دولت مسوقت... تاکنون هیچ اقدام جدی و فوری برای حل این مشکل نکرده است. و درست به همین جهت، نارضائی بیکاران از این وضع تحمل ناپذیر، به صورت اعتراضات، تظاهرات و تحصن ها بروز کرده و می کند.

مسلم است که بیکاری بیش از $\frac{3}{5}$ میلیون نفر را نمی توان بلافاصله از بین برد. ولی این هم مسلم است که گرسنگان را نمی توان به صبر و حوصله دعوت کرد. لذا دولت موظف است که هم با اقدامات فوری و هم با برنامه درازمدت، قاطعانه و پی گیرانه به مبارزه با بیکاری برخیزد. اقدامات فوری را از جمله می توان با پرداخت کمک منظم به بیکاران— تا اشتغال به کار— تا آن حد که بتواند زندگی حداقل آن ها را تأمین کند، به عمل آورد.

برنامه درازمدت را می توان با به کار انداختن فوری مؤسسات تولیدی، ساختمانی و خدمات، با شرکت مؤثر کارگران و سندیکاهای کارگری، با ملی کردن مؤسسات صنعتی و کشاورزی و مالی امپریالیستی و کارگزاران ایرانی آن ها و همچنین صنعتی کردن طبق نقشه کشور عملی ساخت. و همه این ها را نه با مقابله با کارگران و زحمت کشان، بلکه با همکاری آنان، بویژه از راه سندیکاهای کارگری، می توان و باید تحقق بخشید. تأکید این نکته بویژه از

این جهت لازم است که عوامل شناخته و ناشناخته امپریالیسم و رژیم سرنگون شده، با نقاب های گوناگون، می کوشند از مشکل بیکاری و از نارضایتی بیکاران برای منحرف کردن جنبش انقلابی مردم ایران از مبارزه در راه هدف های اصلی خود، برای ایجاد نفاق و تفرقه بین نیروهای خلق، بویژه بین کارگران و سایر اقشار و طبقات ملی و زحمت کش، سوء استفاده کنند. از اینجاست که ما به دولت موقت... هشدار می دهیم که هرگونه تأخیر و تعلل در مبارزه برضد بیکاری، در تحقق خواست های بحق و عادلانه بیکاران، در کوتاهی برای جلب همکاری کارگران و زحمت کشان و اتحادیه های صنفی آنان به منظور حل مسائل کارگری و بویژه حل مشکل حاد بیکاری، عملاً کمکی است به این عوامل. ما در همان حال به کارگران و زحمت کشان بیکار هشدار می دهیم که به هیچ عنوان و به هیچ شکلی نگذارند مبارزه بحق و عادلانه آن ها از جاده صحیح و اصولی خود خارج شود و اتحاد بین خود آن ها و اتحاد آن ها با سایر اقشار و طبقات خلق سست گردد. ما از همه هموطنان، از همه نیروهای ملی، دمکراتیک و مترقی می طلبیم که با همبستگی با کارگران و زحمت کشان بیکار با حفظ و تحکیم اتحاد نیروهای خلق، با انتقاد سازنده، سهم خود را در حل مشکل بیکاری ادا کنند.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، مانند همیشه تمام نیروی خود را در این زمینه به کار خواهد برد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۳ فروردین ۱۳۵۸

حزب توده ایران قانونی است

سخنگوی دولت آقای امیرانتظام طی مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشته است که قوانین مربوط به غیرقانونی بودن حزب توده ایران تا وقتی لغو نشده به قوت خود باقی است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بدین وسیله به اطلاع عموم می رساند که:

۱. هیچ گونه قانونی اختصاصاً دایر به غیرقانونی بودن حزب توده ایران موجود نیست و حزب توده ایران بیش از ۳۰ سال برخلاف قانون «غیرقانونی» تلقی شده است.

۲. قانون خرداد ۱۳۱۰ درباره فعالیت های اشتراکی نیز که دادگاه های نظامی رژیم شاه در برخی موارد علیه حزب توده ایران به آن استناد می جستند در سال های اخیر به اصطلاح تکمیل شده و شامل تمام کسانی شد که خواستار جمهوری باشند.

۳. کمیته مرکزی حزب توده ایران بی نهایت متأسف است که در زمانی که باید پایه های دموکراسی را در کشور تحکیم کرد و به اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی کمک نمود، سخنگوی دولت با اظهارات نادرست خود می کوشد دشواری های غیرضروری در کار جنبش به وجود آورد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران امیدوار است دولت موقت آقای مهندس بازرگان توجه کند که اگر قوانین رژیم سابق به اصطلاح تا وقتی لغو نشده به قوت خود باقی می بود، می بایست طومار انقلاب ایران را به طور کامل برچید؛ این قوانین برای همیشه لغو شده است و دولت موقت اسلامی نیز موجودیت خود را مدیون انقلاب است و نه محترم شمردن قوانین رژیم ساقط و ضدملی شاه.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۹ فروردین ماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران

کارگران وزحمت کشان ایران! برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه متحداً مبارزه کنید!

کارگران وزحمت کشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران را صمیمانه به شما شادباش می گوید. پس از ۲۵ سال ترور و اختناق رژیم پهلوی، برای نخستین بار جشن اول ماه مه در آزادی برگزار می شود. و کارگران وزحمت کشان ایران می توانند به خود بیالند که در به دست آوردن این آزادی نقش قاطع داشته اند.

همچنان که در رژیم پهلوی، بار سیاست ضدملی و ضددمکراتیک شاه سابق، بیش از همه بردوش کارگران وزحمت کشان سنگینی می کرد، در مبارزه برای سرنگونی این رژیم خائن، جنایت کار و فاسد نیز کارگران وزحمت کشان ایران در پیشاپیش صفوف خلق قرار داشتند. کارگران وزحمت کشان ایران با شرکت فعال در مبارزات پردامنه سیاسی تا حد اعتصابات همگانی سیاسی، که با فداکاری ها و قربانی های فراوان همراه بود، سهم شایسته خود را در سرنگونی رژیم پهلوی ادا کردند و رسالت تاریخی خود را در این مرحله از نبرد نیز به انجام رساندند. در این نخستین بهار آزادی، در برابر طبقه کارگر پیشاهنگ و قهرمان ایران سرتعظیم فرود می آوریم و خاطرۀ تابناک شهیدان راه طبقه کارگر را گرمی میداریم.

اینک، پس از پیروزی نخستین مرحله انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران، کارگران وزحمت کشان ایران در برابر وظایف جدیدی قرار گرفته اند. این وظایف جدید ناشی از وضع نوینی است که در کشور پدید آمده: به سلطه امپریالیسم در میهن ما ضربات سنگینی وارد آمده، ولی هنوز نفوذ امپریالیسم در تمام شئون زندگی ما قطع نشده است. رژیم پهلوی سرنگون شده، ولی درهم نشکسته است. ارضیه شوم رژیم پهلوی به صورت آشفتنگی اقتصادی، تورم پول، گرانی، بیکاری و بی خانمانی بروز کرده است. ضدانقلاب با اخلال، تفرقه افکنی، تحریک و

توطئه و با استفاده از تمام پایگاه‌ها و امکاناتی که هنوز در اختیار دارد، در تلاش آن است که سیر تکاملی انقلاب را متوقف سازد و در صورت امکان آن را به عقب برگرداند. در همین زمینه ضدانقلاب با تظاهر سالوسانه به دفاع از مطالبات حقه کارگران سعی در ایجاد محیط آشفته دارد و خوشبختانه کارگران ایران متوجه این تحریکات هستند. در چنین شرایطی، کارگران و زحمت کشان ایران وظیفه دارند که برای نیل به هدف‌های زیرین مبارزه را ادامه دهند:

— ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، به ویژه از راه لغو قراردادهای اسارت‌آورها کشورهای امپریالیستی و ملی کردن مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی امپریالیستی؛

— درهم شکستن رژیم سرنگون شده به ویژه از راه پاکسازی دستگاه دولتی، ارتش، شهربانی و ژاندارمری از عوامل رژیم سرنگون شده و عمال ساواک و تعقیب، محاکمه و مجازات خائنان به منافع ملی و غارت گران ثروت‌های ملی؛

— تأمین بدون قید و شرط حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به ویژه از راه تأمین آزادی بیان، عقیده، قلم، اجتماعات، احزاب و سندیکاها و تأمین حقوق ملی خلق‌های ایران؛

— سالم سازی اقتصاد ملی به ویژه از راه ملی کردن مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیسم و دارودسته غارت گر رژیم پهلوی و تنظیم برنامه صنعتی کردن به منظور تأمین استقلال اقتصادی کشور و رفاه عمومی؛

— بهبود زندگی کارگران و زحمت‌کشان به ویژه از راه تعیین حداقل دستمزد متناسب با حداقل هزینه زندگی، تأمین مسکن ارزان و مناسب، بهداشت و آموزش رایگان؛

— تغییر قانون کار و بیمه‌های اجتماعی به سود کارگران و زحمت‌کشان به ویژه از راه تأمین حق کار، دستمزد مساوی برای کار مساوی برای زنان، منع کار کودکان، کاهش ساعات کار، افزایش مرخصی سالانه، افزایش مرخصی برای زنان باردار و تأمین حق اعتصاب؛

— ایجاد سندیکاهای کارگری و مرکز واحد سندیکائی در تمام کشور و تأمین آزادی فعالیت سندیکائی؛

— حفظ و تحکیم همبستگی با کارگران و زحمت‌کشان سراسر جهان در مبارزه بخاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی.

چنین است مهم‌ترین خواست‌های صنفی و سیاسی کارگران و زحمت‌کشان ایران در شرایط مشخص کنونی.

کارگران و زحمت‌کشان ایران! تجربه انقلاب پیروزمند ضد امپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران نشان داد که مبارزه متحد نیروهای خلق، و پیش از همه مبارزه متحد کارگران و زحمت‌کشان، می‌تواند حتی بزرگ‌ترین و مستحکم‌ترین دژ امپریالیسم و ارتجاع را درهم شکند. اتحاد مقدسی که امپریالیسم و رژیم وابسته به آن را در میهن ما با شکست روبرو

ساخت، اینک، یعنی زمانی که می باید دستاوردهای انقلاب را تحکیم کرد و جامعه را از نوساخت، بیش از هر زمان دیگری لازم است. در جریان انقلاب، کارگران شعار می دادند: کارگر متحد همه چیز، کارگر متفرق هیچ چیز! این شعار که نشانه آگاهی طبقه کارگر قهرمان ایران است، می باید پرچم هر نوع فعالیت و مبارزه صنفی و سیاسی قرار گیرد. اتحاد کارگران و زحمت کشان در عین حال پایه مضمثنی است برای اتحاد همه نیروها در جبهه متحد خلق، وثیقه ای است برای سیر انقلاب ما به پیش، بسوی ایرانی مستقل، آزاد و آباد!

در نخستین جشن آزاد اول ماه مه، پیمان می بندیم که این اتحاد مقدس را مانند مردمک چشم حفظ کنیم.

- فرخنده باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران!
- زنده باد طبقه کارگر پیشاهنگ و قهرمان ایران!
- مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمت کشان ایران!
- زنده باد جبهه متحد خلق!

کمیته مرکزی حزب نوده ایران
۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان را هر چه با شکوه تر برگزار کنیم!

جشن اول ماه مه امسال، در دوران پیروزی نخستین مرحله انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران، در نخستین بهار آزادی برگزار می گردد. پیکار قهرمانانه و اتحاد کارگران و زحمت کشان ایران شرط ضرور برای این پیروزی و تحقق این آزادی بود. حفظ و تحکیم این اتحاد در شرایطی که می باید دستاوردهای انقلاب را تحکیم کرد و انقلاب را به پیش برد، در شرایطی که ضدانقلاب با تمام نیروی اهریمنی خویش و به اشکال گوناگون تفرقه افکنی می کند، تا مگر آب رفته را به جوی بازگرداند، مبرم ترین و بهترین وظیفه کارگران و زحمت کشان و همه مبارزان انقلابی است. با توجه به این وظیفه خطیر است که « کمیته برگزاری جشن اول ماه مه — کمیته منتخب سندیکا های کارگری ایران » تصمیم خود را در برگزاری جشن اول ماه مه اتخاذ کرده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با ابراز خرسندی از این تصمیم و شادباش صمیمانه، بمناسبت جشن اول ماه مه، به همه کارگران و زحمت کشان ایران، از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب دعوت می کند که در جشن اول ماه مه فعالانه شرکت کنند.

طبق تصمیم « کمیته تدارک برگزاری جشن اول ماه مه سندیکا های مستقل و شوراهای کارگری کارخانجات تهران » کارگران و زحمت کشان در میدان توپخانه جمع خواهند شد و سوی میدان امام حسین (فوزیه سابق) حرکت خواهند کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

تحلیلی از وضع کنونی انقلاب و ضد انقلاب در جامعه ما

با تحکیم اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی،
ضدانقلاب را هر چه قاطع تر افشا، منفرد و سرکوب کنیم.
دسیسه های فریبده سازشکاران را برملا کنیم و عقیم گذاریم.
دستاوردهای انقلاب را تحکیم کنیم
و در جهت خواست های اکثریت مردم گسترش بخشیم.

تلاش ضد انقلاب

در هفته ها و به ویژه در روزهای اخیر، در فضای سیاسی میهن ما حوادثی روی داده و جریاناتی جان گرفته اند که محتوی شان به طور روشن در جهت تضعیف دستاوردهای انقلاب تاریخی مردم است.

فعالیت آشکار نیروهای ارتجاعی و دست های ضدانقلاب در حوادث سئدج—نقده—
گنبد، توطئه ای که علیه آیت الله طالقانی بوجود آمد، تظاهرات وسیعی که به بهانه مقاله ای از
آیت الله خلخالی، در جهت تضعیف رهبری امام خمینی و جنبش، در تبریز و تهران و مشهد به راه
افتاد و... را نیز باید نمونه ای از این فعالیت ها به شمار آورد.

به دیگر سخن، از یک سو ما شاهد آن هستیم که نیروهای ضدانقلاب در داخل و خارج
کشور فعالیت های خرابکارانه خود را بطور چشمگیر گسترش می دهند و از سوی دیگر آن نیروهائی
که بنا بر انگیزه های طبقاتی شان در جریان گسترش جنبش انقلابی مردم ایران به طور ناپی گیر
و ناقاطع شرکت داشته اند، فعال تر شده و می کوشند از گسترش انقلاب در جهت خواست های
توده های میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا جلوگیری نمایند. نیروهای جهانی دشمن انقلاب
ایران، یعنی محافل امپریالیستی غرب و بویژه امپریالیست های آمریکائی و صهیونیست ها،
همه نیروی جهنمی خود را در جهان به کار انداخته اند تا جو نامساعد تبلیغاتی علیه انقلاب
ایران به وجود آورند. جاسوسان امپریالیسم در ایران، با همکاری با جنایت کاران ساواک و
پشتیبانی همه جانبه محافل وابسته به امپریالیسم در ایران، هر روز فعالیت خود را برای ایجاد
بحران های گوناگون و خرابکاری در راه عادی کردن و تجدید سازمان زندگی اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی، اداری و فرهنگی کشور و ناراضی ساختن و ترساندن از انقلاب گسترش می دهند و در این راه از هیچ جنایتی و هیچ بهانه تراشی برای برادرکشی میان خلق ها و ترور و آدمکشی مبارزان انقلابی روگردان نیستند.

ضد انقلاب به دست عناصر خود در دستگاه دولتی، در ارتش و سایر نیروهای انتظامی می کوشد. در راه عملی شدن یکی از عمده ترین ضرورت های تحکیم انقلاب، یعنی تصفیه این دستگاه ها از کارگزاران و وابستگان رژیم فاسد و ساواکی شاه کارشکنی نماید.

ضد انقلاب می کوشد با وارد کردن عناصر خود در صفوف نیروهای انقلابی، با ایجاد دسته ها و گروه های ضد انقلابی با ظواهری مردم فریب، گاه با رنگ های مذهبی افراطی و گاه با شعارهای ماوراء چپ انقلابی، در راه نزدیکی نیروهای راستین انقلابی سنگ اندازد و این نیروها را علیه هم تحریک کند و به خود مشغول دارد و تضعیف و متفرق نماید تا راه غلبه بر آن ها هموار گردد.

نیروی سازشکار

و اما نیروهای ناپی گیر و سازشکار همان نیروهائی هستند که در تمام دوران گسترش جنبش انقلابی می کوشیدند شور انقلابی مردم را خاموش کنند، مردم را به خانه نشینی فرا می خواندند و تلاش می کردند تا در زیر پوشش دفاع از قانون اساسی، بساط سلطنت را حفظ کنند و مهم ترین پایگاه قدرت رژیم، یعنی ارتش و پلیس و ژاندارمری ساواک زده و دست پرورده امپریالیسم و صهیونیسم را دست نخورده نگاه دارند و عمده ترین تعهدات رژیم شاه را به امپریالیست ها، با توسل به بهانه های مختلف پابرجا بگذارند.

این نیروها می کوشیدند پیشرفت جنبش ده ها میلیونی خلق را، که زیر رهبری پی گیر و قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی، با هدف گیری مشخص و بدون تزلزل در جهت برانداختن نظام فاسد و پوسیده سلطنتی، در راه ریشه کن کردن تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیست ها، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا و صهیونیست ها، از سراسر زندگی اجتماعی میهن ما، در راه تأمین کامل آزادی ها و ارزش های انسانی برای همه مردم محروم، در راه به کار انداختن ثروت های بیکران ملی برای پیشرفت اجتماعی و بهبود محسوس زندگی محرومان جامعه، با سرعتی بی نظیر گسترش می یافت، ترمز کنند و با پخش بذریع و ناامیدی، با بزرگ کردن نیروی رژیم شاه و حامیان امپریالیست و صهیونیستش، مردم را از ادامه مبارزه بازدارند.

ولی جنبش خلق مانند سیلی نیرومند، همه سدهائی را که این سازشکاران در سر راهش قرار می دادند، درهم شکست و راه خود را باز کرد، سنگرهای امپریالیسم و رژیم شاه را یکی پس از دیگری تسخیر کرد و با قیام تاریخی خود آخرین سنگر جهانی دشمنان، یعنی لشکر گارد را از پای درآورد.

هنگامی که دیگر معلوم می شد که رژیم شاه هر روز متزلزل‌تر می گردد و دیگر هیچ نیروی در داخل ایران توانائی جلوگیری از این پیشروی ظفرنمون جنبش خلق را ندارد، و روشن گردید که حامیان امپریالیستی و صهیونیستی رژیم شاه، باتوجه به نیروی عظیم دوستان و هواداران جنبش انقلابی ایران در صحنه جهانی، جرئت و جسارت دخالت نظامی در ایران را ندارند، این نیروها، بخشی صادقانه و بیگور و بخشی رباکارانه و تنها برای گرفتن مواضع قدرت، به جنبش پیوستند.

دو خط مشی در دوران سازندگی

جنبش انقلابی ایران، علی رغم ناپی گیری های جناح سازشکار، پیروز شد و زیر رهبری امام خمینی دولت موقت انقلابی تشکیل گردید. رژیم فاسد چند هزار ساله سلطنتی بزباله دان تاریخ افتاد، جمهوری اسلامی رسمیت یافت و دوران سازندگی نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نوین، نظام انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی آغاز گردید. ولی خیلی زود آشکار شد که همه آن نیروهائی که در آستانه انقلاب در صف واحدی برای پیروزی آن تلاش می کردند، برای ساختمان نظام نوین اجتماعی، نظر واحدی ندارند و بر پایه همین اختلاف نظر به طور مشخص دو خط اساسی برای پی ریزی دوران جدید پدیدار گردید: یکی خط انقلابی و پی گیر و دیگری خط سازشکارانه و ناپی گیر. ویژگی های سمت گیری انقلابی و پی گیر چنین بود که باید با سرعت و بدون تزلزل، پایه های رژیم فاسد شاه را درهم شکست، سازمان جهانی ساواک را نابود کرد، ارتش، ژاندارمری، پلیس و دادگستری را از کلیه وابستگان و سرسپردگان به رژیم کهنه تصفیه و نوسازی کرد، و در انتظار این نوسازی، گروه های مسلح خلق، پاسداران انقلاب را همه جانبه تقویت نمود، دادگاه های انقلاب را مأمور اجرای سریع خواست های انقلابی خلق در زمینه مجازات خائنین و جنایت کاران ساخت و از آن همه جانبه پشتیبانی کرد، جنایت کاران را بدون توجه به جنجال حامیان امپریالیستان به سختی مجازات نمود و به پلنگان تیز دندان مردم خوار هیچگونه ترحمی را زوا ننمود، آزادی های فردی و اجتماعی را برای همه مردم، با استثنای جنایت کاران و غارت گران رژیم سرنگون شده، تأمین کرد، قراردادهای اسارت آور سیاسی و نظامی و اقتصادی را با امپریالیست ها لغو کرد، از سنخ خارج شد، قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا و صدها قرارداد سری وابسته به آن را پاره کرد، ایران را به جرگه کشورهای غیرمتعهد وارد ساخت، از جنبش های رها بیخس ضد امپریالیستی در سراسر جهان و بویژه از جنبش رها بیخس خلق عرب فلسطین همه جانبه پشتیبانی کرد، حاکمیت کامل ملی را بر منابع نفت مستقر ساخت، درآمد نفت را برای به راه انداختن چرخ های اقتصاد کشور و بهبود زندگی محرومان جامعه به کار انداخت، اقتصاد کشور را از چنگال سرمایه های انحصاری امپریالیستی - صهیونیستی و سرمایه داران وابسته به آنان خارج ساخت، ثروت ها و سرمایه ها و

مؤسسات صنعتی و کشاورزی و بانکی متعلق به خاندان جنایت کار پهلوی و وابستگان و کارگزارانش، که تقریباً همه سرمایه داران و زمین خواران وابسته به امپریالیسم و رژیم را دربر می گیرد و اکثرشان با ثروت های بی حساب به خارج گریخته اند، ملی کرد و با دست توانای نیروهای خلق و با کمک اقتصادی دولت به راه انداخت، با تصمیمات قاطع در جهت لگام زدن به غارت گری سرمایه داران سودجو و سفته بازان و با بهبود وضع درآمد محرومان، توده های ده ها میلیونی مردم را از ثمره انقلابی که برای پیرویش آن همه فداکاری کردند، بهره مند ساخت.

این ها همه خواست های مبرم و بدون چون و چرای همه نیروهای انقلابی خلق، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران و بخش ملی و میهن پرست سرمایه داری ایران است، که به طور عمده سرمایه داران کوچک و متوسط را دربر می گیرد. این خواست ها در رهنمودهای بدون ابهام امام خمینی نیز به طور پی گیر بازتاب یافته و مورد پشتیبانی بدون چون و چرای همه سازمان ها و گروه های انقلابی راستین میهن ما قرار گرفته است.

در برابر این خط سیاسی پیگیر و انقلابی، از همان روزهای نخست پس از پیروزی، از طرف بخشی از گردانندگان دولت موقت، و هم چنین از طرف محافل وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران، موضع گیری هائی آغاز شد که کم کم به صورت یک مشی سیاسی سازشکارانه و ناپی گیر متبلور گردیده است.

عناصر عمده این خط را می توان چنین بیان کرد:

جنبش انقلابی ایران در همه زمینه ها زیاد بجلو رفته و باید آن را به سرحد «اعتدال» برگرداند! پیش از هر چیز نسبت به جنایت کاران و غارت گران رژیم گذشته باید با «رحم و شفقت» رفتار کرد! باید از «تقصیر» آنان گذشت! «در عفو لذتی است که در انتقام نیست»! قراردادهای اسارت آور را نمی توان به یکباره پاره کرد، باید حوصله کرد! مستشاران آمریکائی، یعنی جاسوسان امپریالیسم را نمی شود به یکباره بیرون ریخت، باید بخشی از آن را نگه داشت و بخشی دیگر را برگرداند! قراردادهای اسارت آور و جنایات شاه را نمی توان بر ملا کرد! مؤسسات صنعتی، مالی و کشاورزی متعلق به وابستگان به رژیم و امپریالیسم را نمی شود ملی کرد! باید به آن ها امکان داد و حتی کمک کرد که به غارت گری بی بند و بار ثروت های ملی و حاصل دسترنج زحمتکشان ادامه دهند!

ارتش را باید هر چه زودتر به دست همان افسران دست نشانده رژیم شاه بازسازی کرد، تنها به شرط این که تعهد خدمت به جمهوری اسلامی بپسارند! حتی ساواک را دوباره بصورتی برای مردم قابل هضم ساخت! اقتصاد کشور را تنها از راه کمک های مالی به سرمایه داران و کارخانه داران می توان به راه انداخت! به مؤسسات متعلق به انحصارهای جهانخوار امپریالیستی نمی شود دست زد! آزادی را نمی شود به همه داد! قوانینی که رژیم خیانت پیشه پهلوی علیه آزادی وضع کرده، در مورد آن نیروها و سازمان های سیاسی که طبق سلیقه زمام داران عمل نکنند، به قوت خود باقی است! احکام جنایت بار علیه مبارزان انقلابی که پنجاه سال با رژیم پهلوی

جنگیده اند، به قوت خود باقی است! قرارداد کاپیتولاسیون با استعمارگران آمریکائی هم به قوت خود باقیست!

کوتاه سخن، این خط سازشکارانه، که در مقابل خط انقلابی قد علم کرده و هر روز بیشتر شکل می یابد و متبلور می شود، خطی است در جهت جلوگیری از گسترش انقلاب ضد امپریالیستی، خلقی و دموکراتیک مردم، خطی است در جهت تبدیل رژیم وابسته به رژیم «نیمه وابسته» به امپریالیسم، خطی است در جهت برگرداندن دستانوردهای انقلاب. البته هنوز هیچ سازمان سیاسی بطور روشن این برنامه سازشکارانه و تسلیم آمیز را مطرح نکرده، زیرا هنوز جرئت مطرح کردن آن را ندارد، ولی این خط از لابلای سمت گیری ها و موضع گیری های شخصیت ها و گروه های سیاسی که نماینده جناح راست جنبش هستند و با طبقات حاکمه سابق، یعنی سرمایه داران و زمین داران وابسته به امپریالیسم و رژیم پیوند وابستگی دارند، خوانده می شود. این را هم باید عمیقاً مورد توجه قرار داد که این نیروها در بسیاری موارد با شعارهایی به کلی فریبنده، که هدفشان گمراه کردن خلق است، وارد میدان می شوند و دست به تبلیغات عوام فریبانه دامنه داری زده اند تا از احساسات و اندیشه مترقی مردم به سود پیشبرد مقاصد خویش استفاده کنند.

ضدانقلاب داخلی و خارجی، یعنی جاسوسان و عمال امپریالیسم، ساواکی ها و ساواک زده ها، که هنوز پایگاه های مهمی را در دستگاه دولتی و اداری و اقتصادی کشور در دست دارند، و با استفاده از عدم هشیاری کامل نیروهای انقلابی توانسته اند حتی در ارگان های اجرایی جنبش انقلابی رسوخ کنند، می کوشند با تمام نیرو، با ایجاد بلوا و آشوب در این گوشه و آن گوشه کشور، با خرابکاری در چرخ های اقتصادی، با ایجاد دشواری های جدید از راه احتکار گران کردن قیمت ها، با ایجاد نفاق و بدبینی و دشمنی در میان نیروهای انقلابی، راه را برای پیشرفت این خط سیاسی سازشکارانه و تسلیم آمیز باز کنند.

این نیروها با زبردستی و با کمک عناصر خود، در همه جا می کوشند از کوچک ترین نارسائی ها و اشتباهات فرعی در صفوف نیروهای انقلابی، در کار سپاه پاسداران انقلاب، در کار دادگاه های انقلابی، استفاده کنند، از گاهی کوهی بسازند و با توپخانه سنگین علیه این مواضع اصلی انقلاب آتش کنند.

جالب توجه است که چگونه تمام تبلیغات جهان امپریالیستی در این زمینه همیشه یار و پشتیبان آن ها است.

موقعیت دولت

در میدان برخورد این دو خط سیاسی، یعنی خط خلق انقلابی و خط سرمایه داران و زمین داران بزرگ دولت کنونی قرار دارد. اقدامات دولت موقت راه، از آغاز تا کنون، به طور کلی

ناپی گیر و غیر قاطع می توان ارزیابی کرد. با این ویژگی، که جنبه های محافظه کارانه و تسلیم آمیز آن هر روز شدت می یابد.

درست است که دولت با مشکلات عظیمی در زمینه بازسازی زندگی اقتصادی کشور روبه رو است؛ درست است که دولت کادر کافی و آزموده برای اداره همه مؤسسات از هم گسیخته ندارد؛ درست است که دولت موقت اقداماتی انجام داده که در جهت خواست جنبش انقلابی مردم است (مانند پایان دادن به فعالیت کنسرسیوم نفت، خروج از پیمان ستو، اخراج بخش عمده کارشناسان آمریکائی، لغو بخش عمده ای از سفارش های تسلیحاتی به کشورهای امپریالیستی، پایان دادن به فعالیت جاسوسی امپریالیست های امریکائی علیه کشورهای همسایه و برخی اقدامات دیگر) که همگی مورد پشتیبانی کامل نیروهای میهن پرست می باشد. ولی در مقابل این اقدامات، هم در زمینه سیاست داخلی و هم در زمینه سیاست خارجی، ناپی گیری ها و در موارد بسیاری موضع گیری های دولت در جهت خط دوم، یعنی خط سازشکارانه، بطور چشم گیری جلب توجه می نماید.

آقای نخست وزیر بطور روشن مخالفت خود را با یکی از عمده ترین دستاوردهای انقلاب، یعنی وجود و عمل سپاه پاسداران انقلاب و دادگاه های انقلاب بیان می دارد و در این میدان خود را از جنبش انقلابی جدا می سازد.

آقای نخست وزیر در زمینه نوسازی اقتصاد کشور، با تکیه نامتناسب به مشکلات موجود که قابل انکار نیست - از سمت گیری مشخص در جهت ریشه کن ساختن اقتصاد وابسته بامپریالیسم دوری می جوید و به این ترتیب خود را از جنبش انقلابی جدا می سازد.

آقای نخست وزیر برای حل مسائل اقتصادی مردم، تقریباً به طور یکطرفه روی تقویت سرمایه داران تکیه می کند و به لزوم حل مشکلات از راه خلقی آن، یعنی راه تکیه به نیروی خلاقه کارگران، مهندسمین و کارمندان و مدیران میهن پرست و ملی هیچگونه توجهی ندارد. سخن کوتاه، دولت موقت می کوشد کمی موفقیت خود را منحصرأ بر پایه مشکلات اقتصادی، خواست های غیرمنطقی! زحمتکشان، مشکلات! ناشی از فعالیت نیروهای انقلابی و برخی رهنمودهای غیرواقع بینانه! امام خمینی توجیه کند. در صورتی که برخورد درست به کار دولت همه میهن پرستان راستین را به این نتیجه می رساند که عدم موفقیت دولت موقت در حل مشکلات، بیش از هر چیز دیگر محصول سمت گیری غیر انقلابی، نداشتن نقشه همه جانبه خلقی برای حل مشکلات است.

اگر دولت بر پایه خط انقلابی، که مورد پشتیبانی اکثریت شکننده مردم است، نقشه های کوتاه مدت و درازمدتی را ارائه دهد، نقشه هایی که نه تنها با وعده های پرطمطراق و بدون محتوا، بلکه به طور روشن و قانع کننده به کارگران و دهقانان و پیشه وران و روشنفکران و کارمندان و سرمایه داری کوچک و متوسط راه برون رفت از وضع بحرانی کنونی و رسیدن به خواست های حقه شان را نشان دهد و اقدامات فوری و طولانی ضرور را مطرح سازد، نمیتوان

تردید داشت که مورد پذیرش و پشتیبانی همه نیروهای اصیل و میهن پرست و هوادار پیشرفت قرار خواهد گرفت.

ما تردیدی نداریم که زحمتکشان و سایر میهن پرستان ایران، در صورت ارائه چنین نقشه ای همان طور که در تمام جریان انقلاب نشان داده اند، آماده اند که با ابراز فداکاری و گذشت، اجرا و موفقیت چنین نقشه ای را تضمین کنند.

ولی با کمال تأسف ما شاهد آن هستیم که موضع گیری متزلزل و ناپی گیر دولت موقت، جنبش انقلابی میهن ما را با دشواری های بزرگی روبرو ساخته و بدون تردید ادامه آن، مشکلات بازهم بزرگ تری را به وجود خواهد آورد.

وظایف نیروهای انقلابی

در چنین شرایطی که دولت موقت، بر اثر ضعف خود در اتخاذ تصمیمات قاطع برای پیشبرد خواست های انقلاب، استفاده از همه امکانات را برای حل دشواری ها مشکل می سازد، وظایف شورای انقلاب و سازمان ها، گروه ها و همه نیروهای راستین انقلاب بیش از پیش سنگین می گردد.

در این شرایط مهمترین وظیفه ای که در برابر همه نیروهای انقلابی قرار می گیرد، این است که:

اولاً، با ارزیابی عقلانی و انقلابی، وضعی را که در لحظه کنونی، جنبش انقلابی ایران در آن قرار گرفته است، مورد بررسی همه جانبه قرار دهند و جهات عمده را از جهات فرعی جدا کنند و تمام کوشش خود را برای حل جهات عمده، که تعیین کننده سرنوشت انقلاب ملی، دمکراتیک و خلقی مردم است، به کار اندازند.

ثانیاً، دوربینی سیاسی را جانشین کوتاه بینی های ناشی از پیشداوری ها و برخورد های درست و یا نادرست در گذشته سازند. دوربینی سیاسی بما حکم می کند که تنها با گردهمائی همه نیروهای راستین انقلابی، که صادقانه در جهت رسیدن به هدف های اصیل انقلاب مبارزه می کنند، در یک جبهه واحد می توان دسائس ضد انقلاب را نقش بر آب کرد، دشمنان را سرکوب نمود و امکان سازش را از نیروهای متزلزل گرفت.

ادامه تفرقه در میان نیروهای اصیل انقلابی، ادامه جنگ های خانگی در جبهه مبارزان راه خلق، بزرگ ترین کمک به نیروهای ضد انقلاب است. در چنین جو بیچاره کارگزاران امپریالیستی، ساواکی ها و سایر دشمنان سوگند خورده جنبش انقلابی ایران می کوشند هواداران سوسیالیسم علمی را از صفوف میلیونونی مبارزانی که زیر پرچم اسلام در جنبش انقلابی شرکت دارند، جدا سازند، خلق های ایران را در برابر هم قرار دهند، شیعه و سنی را به جان هم اندازند، در درون صفوف هواداران سوسیالیسم علمی، با رخنه دادن ده ها «ایسم» قلابی، تخم نفاق و

دشمنی تا حد برادرکشی پباشند.

در چنین جو بیماری است که ضد انقلابیون حرفه ای و واژدگان جنبش انقلابی، همکاران نیکخواه ها و جعفریان ها، با پخش زهرهای گوناگون، با وارد کردن اتهامات بی پایه می کوشند تا محیط سیاسی و جو همکاری نیروهای راستین انقلابی را مسموم سازند و بر سر راه نزدیکی و به هم پیوستگی این نیروها سدهای رنگارنگی به وجود آورند.

سخن کوتاه: ضدانقلاب هرروز جسورتر و هارتر می شود، سازشکاران و نیمه راهان هرروز آشکارتر و فعال تر عرض اندام می کنند. حزب توده ایران، با بهره برداری از تجربیات گران بهای نزدیک به چهل سال مبارزه پی گیر و آشتی ناپذیر خود در راه استقلال ملی، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی زحمتکشان، و با آموزش از تجربه ده ها و ده ها جنبش انقلابی پیروزمند و ناکام در سراسر جهان، با احساس سنگین ترین مسئولیت تاریخی، همه نیروهای راستین انقلاب ملی، دمکراتیک و خلقی ایران رومی آورد و از آنان مصرانه می خواهد که در راه ایجاد شرایط لازم برای یک تبادل نظر فوری و بدون درنگ، همه امکانات خود را به کار اندازند.

به نظر حزب توده ایران، عمده ترین مسائلی که باید در این تبادل نظر مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار گیرند عبارتند از:

۱. پیدا کردن راههای عملی برای مقابله جمعی و هماهنگ علیه دسائس اهریمنی امپریالیسم، صهیونیسم، مانوئیسم و ارتجاع ایران؛
۲. تلاش هماهنگ برای فاش کردن و خنثی ساختن کوشش های سازشکاران در جهت تفرقه اندازی در جبهه متحد نیروهای انقلاب، کوشش هایی که در روزها و هفته های اخیر به طور آشکار و یا نهفته، موضع گیری های قاطع و پی گیر امام خمینی و رهبری سیاسی ایشان را به جنبش انقلابی مورد سؤال! و حمله مزورانه قرار داده اند؛
۳. تنظیم یک برنامه مشترک و متحد برای تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش شکوفان آینده آن در جهت خواست های مبرم و بنیادی خلق های ده ها میلیونی میهن ما؛
۴. تلاش متحد برای تدارک طرح قانون اساسی جدید، که بازتاب همه خواست های انقلاب ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی مردم ایران باشد؛
۵. تشکیل جبهه متحد برای تشکیل مجلس مؤسسانی که بدون چون و چرا این قانون اساسی را تصویب کند و نظام ملی، دموکراتیک و خلقی آینده ایران را پایه گذاری نماید؛
۶. کوشش دسته جمعی برای بوجود آوردن دولت ائتلاف ملی با شرکت همه نیروهای راستین انقلاب ایران، دولتی که می تواند یگانه ضامن اجرای قانون اساسی باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

ما ترور آیت الله مرتضی مطهری، عضو شورای انقلاب را به شدت محکوم می کنیم

شب چهارشنبه، آیت الله مرتضی مطهری، عضو شورای انقلاب و یکی از متفکران برجسته روحانی، ترور شد. این جنایت تازه، که بدون تردید جزئی از توطئه های جنایتکارانه امپریالیزم و محاسن ایرانی آن ها برضد انقلاب ایران است، بار دیگر به همه مردم، به همه نیروهای انقلابی و به دولت هشدار می دهد که می باید برضد توطئه های جنایت بار امپریالیزم و عمال ایرانی آن ها هوشیار بود، متحد شد و قاطعانه عمل کرد.

ما ترور خائنه آیت الله مرتضی مطهری را به شدت محکوم می کنیم، به خانواده ایشان صمیمانه تسلیت می گوئیم و مصرانه از دولت می طلبیم که به پیروی از رهنمودهای امام خمینی، توطئه گران جنایتکار را بی رحمانه افشا و سرکوب کند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۲/۱۲

عواملان واقعی ترور را در نیروهای ضد انقلابی جستجو و افشا کنید!

حزب توده ایران تأسف عمیق خود را از ترور آیت الله مرتضی مطهری اعلام می دارد و ترور و ترور ریسم را، بنا به اعتقاد اصولی خود، به شدت محکوم می کند!

به دنبال ترور سرلشگر قره نی، ترور آیت الله مرتضی مطهری، که یکی از همزمان نزدیک امام خمینی بود، به حق احساس اندوه و تأسف عمیق همه محافل ملی و دموکراتیک جامعه ما را برانگیخت. مردم ایران طی مراسم و راه پیمائی های نیرومندی، خشم و نفرت خود را از این شیوه غدارانه آدمکشان ضدانقلابی نشان دادند.

حزب توده ایران، بر حسب معتقدات اصولی خود، ترور و ترور ریسم را محکوم می کند و تأسف عمیق خویش را از این حادثه ابراز می دارد.

این که نیروهای ضدانقلابی، ترور ریسم را جانشین مبارزه سیاسی کرده اند، نشانه ضعف و انفراد آن ها است. آن ها با این عمل می خواهند محیط عدم امنیت، سوءظن و رعب ایجاد کنند و تصور می کنند که با ایجاد این محیط بهتر می توانند اقدامات تخریبی و ضد انقلابی خود را دنبال کنند، بهتر می توانند بین نیروهای انقلابی تفرقه بیندازند. این شیوه دائمی آن ها است و نظایر آن علیه کلیه انقلابهای معاصر دیده شده است.

در پس ترورهای اخیر، تشخیص چهره سياهكار سازمان های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی و دستگاه ورشکسته ساواک دشوار نیست. تنها این نیروها هستند که سود خود را در چنین تبه کاری هائی جستجو می کنند و بدین شیوه های بربرمنشانه دست می زنند. و درست همین نیروهای سياه هستند که می کوشند این شیوه بربرمنشانه را به نیروهای چپ و به کمونیست ها نسبت دهند و بدین ترتیب با یک تیر دو نشان بزنند: هم این توطئه جنایت کارانه را از خود دور کنند و هم نیروهای چپ و کمونیست ها را متهم سازند، و سرانجام باز هم به هدف

اساسی خود، یعنی تفرقه بین نیروهای انقلابی و در نتیجه تضعیف جنبش انقلابی دست یابند. متأسفانه نیروهای راست می‌گوشند نشانی تروریست‌ها را در جای دیگر، درست چپ نشان دهند و بدین وسیله به تبلیغات ضد کمونیستی دامن بزنند. این نیروها که می‌گوشند (از جمله در تظاهرات به مناسبت شهادت آیت الله مطهری) در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب، در مردم سر درگمی ایجاد کنند و دشمنان اصلی انقلاب مردم ایران را از زیر ضربه خارج سازند، درست در جهت خلاف نظریات و اعتقادات رهبر انقلاب، امام خمینی، عمل می‌کنند که بارها و بارها، از جمله در مورد ترورهای اخیر، تأکید کرده است که دشمن اصلی انقلاب مردم ایران، امریکا و عمال ایرانی آن است و بر ضد این‌ها است که می‌باید مبارزه کرد و این‌ها هستند که باید سرکوب شوند.

روشن است که نیروهای چپ و کمونیست‌ها، به معنای جدی و صدیق این کلمه، نه فقط سودی از تضعیف انقلاب و بازگرداندن جامعه زیر یوغ امپریالیسم ندارند، بلکه درست همان‌ها هستند که در صفوف پی‌گیرترین و مبارزترین نیروهای انقلابی، برای افشا توطئه‌های امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، سرکوب ضدانقلاب، حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش و تعمیق انقلاب سرسختانه پیشکار می‌کنند.

ما به همه نیروهای انقلابی، بار دیگر توجه می‌دهیم که موافق تأکید دائمی امام خمینی، که همه نیروهای انقلابی را به «وحدت کلمه» بر ضد دشمن اصلی انقلاب مهم ایران، امریکا و عمال ایرانی آن‌ها، فرا می‌خواند و تصریح می‌کند که باید استدلال منطقی بین این نیروها جانشین حربه افتراء دشمنان گردد، در همین راه اصولی گام برداشته شود.

ما به نوبه خود از دولت و همه ارگان‌های انقلابی خواستاریم که در مقابل اقدامات جنایت کارانه ضدانقلاب، کلیه تدابیر لازم اتخاذ گردد و به وسیله رسانه‌های گروهی شیوه‌های ضدانقلاب تحلیل شود و افکار عمومی در جهت صحیح علیه آن بسیج گردد.

جامعه ما به «وحدت کلمه»، به اتحاد همه نیروهای انقلابی علیه دشمن اصلی و دیرین خود، امپریالیسم و ارتجاع، نیاز حیاتی دارد و تنها این شیوه است که می‌تواند انقلاب را بازگشت ناپذیر کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

دروغپردازان و شایعه سازان انتشار داده اند که روزنامه «آهنگر»، که گویا به جای «چلنگر» منتشر می شود، وابسته به حزب توده ایران است.

بدینوسیله به اطلاع همگان می رساند که روزنامه «آهنگر» هیچگونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد و نمی تواند داشته باشد، به این دلیل ساده که مشی سیاسی روزنامه «آهنگر» آشکارا مخالف با مشی سیاسی حزب توده ایران است.

لازم به یادآوری است که روزنامه «آهنگر» به ناحق و نادرست از نام «چلنگر» و محمدعلی افراشته، شاعر توده ای و ناشر روزنامه «چلنگر» به اشکال گوناگون استفاده می کند، که این روش به نوبه خود به شایعات مبنی بر وابسته بودن آن به حزب توده ایران دامن می زند. این روش ناروای ناشران «آهنگر» نیز مورد اعتراض جدی حزب توده ایران است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

مردم در انتظار واکنش عملی سخت دولت موقت نسبت به مداخله آهانت آمیز دولت آمریکا در امور داخلی ایران هستند

مردم خواهان بسیج نیروها در جبهه متحد خلق برای مقابله با امپریالیسم آمریکا هستند

قطعنامه ۱۷ ماه مه سنای آمریکا حلقه ای از سلسله مداخلات بی پرده و خشن امپریالیسم آمریکا در امور داخلی کشور ماست. در این قطعنامه، اعدام جنایت کاران در ایران «تقیح» شده، از صدور احکام مجازات دادگاه های انقلابی نسبت به تبه کاران ضد انقلابی ابراز «انزجار» شده، تهدید به عمل آمده که در صورت ادامه مجازات شکنجه گران و آدمکشان حرفه ای «روابط دوستی و نزدیکی» بین دولت آمریکا با ایران به مخاطره خواهد افتاد و از دیگر دولت های امپریالیستی دعوت شده که در این کارزار با سنای آمریکا بر ضد انقلاب ایران، همصدا شوند.

صدور چنین قطعنامه ای از جانب سنای آمریکا، تنها انعکاس فنان انحصارهای امپریالیستی دلسوخته ای نیست که کشور ما را بدتر از دزد سرگردنه غارت می کردند، تنها زوزه تشنج طلبان و جنگ افروزان و تجاوزگران به حقوق ملت ها نیست که یکی از مهم ترین پایگاه های نظامی خود را از دست داده اند، تنها بازتاب افسوس «سیا» و دستگاه جاسوسی و پنتاگون نیست که ایران را به قرارگاه دسائس خطرناک خود در منطقه بدل ساخته بودند، تنها نمودی از درد دل «صهیونیسم» نیست که «متحدی» را از دست داده است.

صدور چنین قطعنامه ای، علاوه بر این ها، هدف معینی را دنبال می کند. دستگاه دولتی ایالات متحده آمریکا این قطعنامه را صادر کرده، تا تمام عناصر انقلابی را که در ایران عمل می کنند و تمام نیروهای جهانی را که بر ضد انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایرانند، تشویق به ادامه و تشدید فعالیت نماید.

قطعنامه در واقع می گوید که آمریکا سنگر مبارزه را ترک نکرده، حامی و مددکار نیروهای ضد انقلاب ایران، چه در داخل کشور و چه در خارج آنست. قطعنامه می گوید که

عناصر و نیروهای ضد انقلابی می توانند به پشتیبانی امریکا دلگرم باشند، می توانند به آشتی ناپذیری امریکا با انقلاب ایران مطمئن باشند.

واکنش خلق ستمدیده ایران باین مذاخلات بی شرمانه امریکا در امور داخلی ایران، شدید، گسترده و طبیعی بود. امام خمینی، در بیان اراده قاطع خلق، به تهدید امریکا در زمینه به «مخاطره افتادن روابط امریکا با ایران»، پاسخ دقیق و دندان شکنی داد:

«روابط ما با امریکا روابط یک مظلوم با ظالم است. روابط یک غارت شده با یک غارتگر است، ما روابط با امریکا را می خواهیم چه کنیم؟».

از طرفی نیز وزارت خارجه ایران در یادداشتی اعلام داشت که «ادامه چنین رویه خصمانه ای از جانب مقامات مسئول امریکا، باعث خواهد شد که دولت ایران زیر فشار افکار عمومی خلق ستمدیده مجبور شود در روابط خود با امریکا در جهت محدود نمودن آن تجدید نظر نماید».

اینک برای قطع امید امپریالیسم، صهیونیسم و ضدانقلاب داخلی باید اقدام کرد. دولت نباید به تهدید اکتفا کند. در مقابل این توهین بی پروا و گستاخانه امپریالیست ها و صهیونیست ها، مردم بی تابانه در انتظارند که دولت جمهوری اسلامی ایران تودهنی سختی به امپریالیسم جهان خواریانکی بزند.

به نظر ما، تملل و مسامحه دولت در لغو قراردادهای نابرابر و اسارت آور، که از طرف امپریالیسم امریکا به وسیله شاه مخلوع بر کشور ما تحمیل شده اند، خود یکی از عللی است که امپریالیسم را گستاخ نمود، چنان که هنوز خود را مالک ایران می داند و بزبان ارباب با رعیت با ما سخن می گوید. سه ماه و اندی از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران می گذرد، ولی ما هنوز قراردادهائی با امریکا داریم نظیر قرارداد دو جانبه نظامی، که هیچ دولتی اگر برای خود احترام و حق حاکمیتی قائل باشد، نمیتواند آن را تحمل کند. ما هنوز قراردادهای پر شمار دیگری با انواع انحصارهای امریکائی داریم، همه غارت گرانه و اسارت آور، که تعداد آن ها چنان که گفته شده - در حدود هزار فقره است.

مردم در انتظارند و قویا می خواهند که همه این قراردادهای نابرابر حقوق با امریکای غارت گر و اسارت گری درنگ لغو شود. مردم در انتظارند و قویا می خواهند که دولت با اقدامات قاطع، به امپریالیسم جهان خوار امریکا بفهماند که دیگر برای داشتن رابطه با ایران فقط یک راه وجود دارد و بس و آن احترام کامل به حق حاکمیت ماست. روابط با ایران فقط و فقط می تواند بر مبنای برابری کامل حقوق برقرار باشد، راه دیگری وجود ندارد. اقدام قاطع در این زمینه، وظیفه عاجل دولت است و انجام آن، امید ضدانقلاب داخلی، امپریالیسم و صهیونیسم را به بازپس گرفتن «بهشت گمشده» قطع خواهد کرد و راه را برای پیشرفت انقلاب ملی و دموکراتیک ما هموار خواهد ساخت.

مردم ما انتظار دارند که تمام نیروهای راستین انقلابی، تمام احزاب، سازمان ها و گروه

های سیاسی ملی و دموکراتیک و مترقی بسیج شوند و در یک جبهه متحد به مقابله با امپریالیسم
تجاوز کار و غارت گر امریکا پردازند.
تنها پاسخ درست و لازم به تهدید و تجاوز و دخالت امپریالیسم امریکا، عمل قاطع و
متحد خلق انقلابی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

ما توطئه علیه جان حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی را محکوم می کنیم!

ما خواستار مقابله با توطئه خطرناک نیروهای متحد امپریالیسم و ارتجاع هستیم! یکبار دیگر عمال امپریالیسم ورژیم گذشته، به سرکردگی امپریالیسم امریکا مرتکب جنایت تازه ای شده اند و این بار حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی را هدف قرار داده اند. ما درعین اینکه از نجات جان حجة الاسلام رفسنجانی از چنگ این توطئه خائنانه شادمانیم، معتقدیم که این حادثه یک بار دیگر ما را باید متوجه آن دسائس وسیعی سازد که امپریالیسم و ارتجاع ایران، به سرکردگی امپریالیسم امریکا سازمانده آن هستند. این نیروها از هزار راه می کوشند تا انقلاب را از مسیر ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی خود خارج سازند و نیروهای انقلابی را بجان هم بیاندازند و با توسل به تفتین، توطئه، شایعه افکنی، تهمت زنی، ترور، تفرقه اندازی و امثال این نوع شیوه های ابلیسی، جو زهر آگینی ایجاد کنند و مانع آن شوند که مردم ایران در فضای سالمی قانون اساسی نوینی بر پایه ملی و دموکراتیک تنظیم نمایند. ما از رهبری انقلاب، شورای انقلاب و دولت به نوبه خود خواستاریم که اقدامات خود را برای عقیم گذاردن توطئه عظیم و خطرناک نیروهای متحد امپریالیستی و ارتجاعی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، ده چندان کنند. ما از همه نیروهای انقلابی می طلبیم که برای مقابله با توطئه های امپریالیسم و ارتجاع به سرکردگی امپریالیسم امریکا، متحد شوند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۳/۵

به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، به دادگاه انقلاب در باره رفقای شهید گمشده، سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده

رفقای حزبی ما سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده توسط مأموران جنایتکار ساواک شاه مخلوع، سر به نیست شده اند و متأسفانه تمام کوشش ما برای پیدا کردن ردپائی از آنان و چگونگی شهادتشان و عاملین قتل تا کتون به جانی نرسیده است. از دولت موقت و از دادگاه انقلاب می طلبیم که در این راه ما را یاری دهند.

در دوران رژیم شاه سابق رفقای مبارز، رزمی و معصوم زاده با دستور حزب، در شرایطی بسیار دشوار و خطرناک، برای ادامه نبرد علیه رژیم سلطنتی ایران فروش و اربابان امپریالیستش، از مهاجرت اجباری سیاسی به میهن بازگشتند. پس از دو سال کار در ایران، هنگامیکه خیانت عباس شهریاری، مأمور ساواک، آشکار گردید اثری از این رفقا پیدا نشد. در همانزمان حزب ما تلاش فراوانی برای آگاهی از سرنوشت آنان بکار برد، ولی متأسفانه هیچ اثری از این رفقا پیدا نشد، اما تمام شواهد حاکی از این بود که رفقا رزمی و معصوم زاده را ساواک، بهمان شیوه ای که بسیاری از مبارزان را سر به نیست کرده، این رفقا را نیز نابود کرده است. ولی چگونه، در چه موقع، توسط چه کسانی؟ در آئینمان برای این پرسشها پاسخی بدست نیامد.

طی چند ماهی که از فعالیت آزاد حزب توده ایران میگذرد، حزب ما برای پیدا کردن پاسخ به این پرسشها تلاش فراوانی بکار برده، ولی متأسفانه این پرسشها همچنان بدون پاسخ مانده است. از اینجاست که از دولت موقت و دادگاه انقلاب، که مسئولیت و امکانات بیشتری در این زمینه دارند، برای پاسخ دادن به این پرسشها یاری می طلبیم.

آنچه مسلم است اینست که رفقا سرگرد حسن رزمی و مهندس محمد حسین معصوم زاده، آنچنانکه شایسته یک توده ای است، تا پای جان به آرمانهای والی میهن پرستانه و

آزادیخواهانه حزب خویش وفادار مانده اند. حزب ما این رفقا را در فهرست بس طولانی و افتخار آفرین شهیدان قهرمان خود، که شهیدان همه خلق در نبرد ضد امپریالیستی و ضد استبداد سلطنتی هستند، جای داده است. همه توده ایها بخود می بالند که در دامان حزبشان، فرزندان چنین قهرمان و از خود گذشته پرورش یافته اند، که بهیچ بهائی داغ ننگ همکاری با رژیم شاه مخلوع و تسلیم را نپذیرفته و با ایشار جان خود، استقامت و امیدواری توده ای ها را بار دیگر ثابت کرده اند. **خاطره تابناک رفقا رزمی و معصوم زاده جاودان باد!**

این را هم باید دانست که هر شهیدی، صرفنظر از عقاید خود، شهید همه خلق است. هر مبارز جانبازی مایه افتخار همه انقلابیون راستین است. لذا ما از دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و از دادگاه انقلاب و مقاماتی که مامور ردیابی و کشف جنایات ساواک شاه مخلوع هستند، می طلبیم که به حزب ما در مورد کشف جزئیات این جنایت و مجازات شکنجه گران، قاتلان و سر به نیست کنندگان، یاری دهند.

■ **عمال ساواک و شکنجه گران و درخیمان شاه خائن را در همه سطوح افشا کنیم! ضد انقلاب را در همه ابعاد آن سرکوب کنیم!**

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۳/۷

از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب
و همه افراد مترقی و ضد امپریالیست
برای شرکت در راه پیمایی
به مناسبت سالگرد «پانزدهم خرداد ۱۳۴۲»

حزب توده ایران، از همه رفقای حزبی، همه هواداران حزب، همه افراد مترقی و ضد امپریالیست دعوت می کند در مراسم راه پیمایی بزرگی که بیاد روز تاریخی پانزدهم خرداد انجام میگیرد، همراه دیگر گروههای سیاسی شرکت جویند.

ارزیابی ما در مورد جنبش ضد استعماری و ضد استبدادی و خلقی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، از همان روز وقوع حادثه، بشهادت اسناد و مدارک متعدد روشن است. دشمنان و مخالفان حزب ما میکوشند به حزب ما افترا بزنند و چنین جلوه دهند که گویا حزب توده ایران جنبش ضد استبدادی و ضد استعماری پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را، که تحت رهبری امام خمینی صورت گرفته، در موقع خود تخطئه کرده و آنرا یک حادثه «ارتجاعی» دانسته است.

روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب، در ضمیمه خاص مورخ شنبه ۱۲ خرداد ماه ۱۳۵۸ تحت عنوان «حزب توده ایران و جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ - اسناد سخن میگویند»، فتوکپی مقالات متعدد منتشره در روزنامه «مردم» مورخ اول تیرماه ۱۳۴۲، پانزده خرداد ۱۳۴۳، پانزده آذرماه ۱۳۴۳ و مجلات دنیا مورخ بهار ۱۳۴۳ و بهار ۱۳۴۴ را، در دفاع از جنبش پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ و در پشتیبانی از امام خمینی تکثیر کرده است. اینها اسناد کوبنده ایست که افترا گویان را بمشابه عناصر مغرض و بی مسئولیتی که از هیچ دروغ بزرگ پروا ندارند، برملا میکند. ما از خوانندگان گرامی مصرأ خواستاریم که این ضمیمه را، که در مقیاس وسیع پخش شده است، بدست آورند و بخوانند و به گوشه ای از بهتانهای گستاخانه دشمنان و مخالفان حزب ما پی ببرند.

از آنجا که ضدانقلاب در پرده و بی پرده میکوشد تا در مقابل رهبری قاطع امام خمینی صف بندی کند و این رهبری را تضعیف و منفرد نماید، و از آنجا که به عقیده راسخ حزب ما،

تقویت این رهبری ضد امپریالیستی و خلقی، در شرایط کنونی، ضرورتی است انکارناپذیر، لذا حزب ما تصمیم گرفته است که بجای دست زدن به راهپیمائی جداگانه، با شرکت در راهپیمائی دعوت شده از جانب گروههای اسلامی، همبستگی خود را با پیروان مشی انقلابی امام خمینی متجلی سازد.

ما به همهٔ اعضاء، هواداران و دوستان حزب و عناصر مترقی و ضد امپریالیست، که به ندای حزب ما گوش قبول فرا داده و در راهپیمائی روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ شرکت خواهند ورزید، هشدار میدهیم که در مقابل انواع تحریکات ضد انقلاب در پرده و بی پرده، که در آن روز انجام خواهد گرفت، حد اعلاى خونسردى و متانت و بصارت خود را حفظ کنند. طبیعى است که کسانی خواهند کوشید بنام «اسلام» در این تظاهرات شعارها و روشهای اخلاکگراانهٔ خود را وارد کنند. در مقابل این افراد باید با هشيارى و بيدارى سياسى عمل کرد و به مفسده جوئى میدان نداد.

اقدام حزب ما برای شرکت در نمایش پانزده خرداد ۱۳۵۸، همراه دیگر نیروهای اسلامی هوادار امام خمینی، یکی دیگر از نمودارهای سیاست خردمندانهٔ این حزب در تقویت وحدت صفوف انقلابیون ایران علیه امپریالیسم و دست نشاندهگان آنست.

دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۹ خرداد ۱۳۵۸

به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی،
دموکراتیک و خلقی ایران
در باره ضرورت درنگ ناپذیر اتحاد
برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب
و پیدا کردن راه حل انقلابی مشکلات کنونی

هم میهنان عزیز!

مبارزان راه پیروزی انقلاب ایران!

همه مردم ایران و همه مبارزان ضد امپریالیست و آزادیخواه در سراسر جهان در این ارزیابی شریکند که، انقلاب مردم ایران به پیروزی تاریخی کم نظیری در جهان نایل گردیده است.

در جریان این انقلاب، همه مردم ایران، بجز اقلیت کوچکی خائن و مزدور و غارتگر، فعالانه شرکت داشتند. مردم با همبستگی و همکاری خود، یکی از محکمترین دژهای تسلط امپریالیسم و ارتجاع را در هم شکستند، ولی همانطور که امام خمینی بارها یادآور شده اند، وزنه اساسی این نبرد زندگی و مرگ بر دوش زحمتکشان شهر و روستا و مبارزان جان بر کف انقلابی قرار داشته است، که با نثارده ها هزار قربانی، پایه های کاخ استبداد امریکا - اسرائیل - شاه - ساواک را متزلزل ساختند و با ضربه نهائی آن را فرور بختند.

انقلاب پیروزمند ایران، با دستاوردهای بسیار چشمگیری که در همین دوران کوتاه داشته، توانسته است تناسب نیروها را در منطقه و در سراسر جهان، بطور محسوس بسود جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد نژاد پرستی تغییر دهد.

فروریزی نظام جهانی استبداد سلطنتی سرنگون شده، استقرار جمهوری اسلامی، با هدفهای والاّی که در راه تأمین استقلال ملی، آزادی، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و پیشرفت همه جانبه اجتماعی در پیش گرفته است، از هم پاشیده شدن سازمان جنایت کار ساواک، مجازات خائنین به منافع ملی و آزادیهای فردی و اجتماعی، در هم شکسته شدن ماشین نظامی تجاوز کار امپریالیسم امریکا، اخراج دهها هزار مستشار امریکائی که همه شریانهای

حیاتی زندگی اجتماعی ما را قبضه کرده بودند، لغو قراردادهای اسارت آور کاپیتولاسیون، سنتو، خرید میلیاردها دلار جنگ افزار و تأسیسات صنعتی غیر ضروری، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال های حریص و خون آلود انحصار های نفتی امپریالیستی، بازخواندن ارتش ایران از ظفار، قطع مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن، امتناع فروش نفت به اسرائیل و تژاد پرستان جنوب افریقا— اینها همه دستاوردهای چشمگیر و با اهمیت انقلاب ایران در این مدت کوتاه است.

وظیفه مردم قهرمان ایرانست که از این دستاوردها با تمام نیرو پاسداری کنند، آنها را تثبیت و تحکیم نمایند و پیش از پیش در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ملی گسترش دهند.

در عین حال نباید فراموش کنیم که انقلاب ایران یکی از دشوارترین دورانهای تحکیم و تثبیت پیروزی خود را می گذراند و بر سر این روند تحکیم و تثبیت، با دشواری های بسیار جدی روبرو شده و می شود.

از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که با کمال تأسف، در زمینه شناخت این دشواریها و راه از بین برداشتن شان، در میان نیروهای ملی دید یگانه ای وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمی گیرد. تردید نمی توان داشت که با ادامه این وضع، خطرات جدی مهمترین دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار می دهد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی می کوشد ارزیابی خویش را از وضع کشور در لحظه کنونی، در اختیار همه نیروهای راستین هوادار پیروزی انقلاب ایران قرار دهد و همه این نیروها را به اهمیت حیاتی و درنگ ناپذیر وحدت نظر و اتحاد عملی، علیه دشمنان رنگارنگ انقلاب فرا خواند.

بنظر ما و یژگیهای لحظه کنونی در کشور چنین است که:

— عوامل گوناگون بحران در همه زمینه های زندگی اجتماعی شدت می یابد.
— ضد انقلاب (یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی) با بهره برداری از نابسامانیها هر روز گستاخ ترمی گردد.

— سازشکاران، نبرد نیروهای انقلابی خلق را علیه ضد انقلاب فلج می کنند.
— تفرقه اندازان و انحصار طلبان مبارزه مردم را از سمتگیری اصلی منحرف می سازند.
— بخشهای مهمی از نیروهای راستین انقلاب ضروریات حیاتی و عمده پیروزی انقلاب را یا فراموش کرده اند و یا بدان کم بها می دهند و خود را با مسائل فرعی و درجه دوم مشغول می سازند.

همه اینها، همراه هم، موجبات ضعف جنبش انقلابی میهن ما را فراهم آورده است. تنها از راه شناخت درست ریشه های بحران کنونی و گروههای عمده آن و با تلاش، برای خنثی ساختن پیامدهای زیانبخش شان، میتوان راه تثبیت پیروزی های انقلاب را هموار ساخت.

بنظر حزب توده ایران، پیش از آنکه به تحلیل جوانب گوناگون و یژگیهای بالا پردازیم، ضرورت دارد روشن شود که دشمنان اصلی انقلاب ایران کیانند، هدفهایشان چیست و چه شیوه‌هایی را در لحظه کنونی برای رسیدن به این هدفها بکار می‌برند. این امر از آنجهت ضرورت درجه اول دارد که درباره‌اش، متأسفانه، میان نیروهائی که خود را هوادار انقلاب ایران می‌دانند، اختلاف نظر عمیق وجود دارد. برای نمونه میتوان به ارزیابی‌های گوناگون برخی از اعضا دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، درباره دخالت گستاخانه امپریالیسم امریکا در امور داخلی ایران، اشاره کرد که جهت‌گیری روشن آن، کنار گذاشتن امپریالیسم امریکا، نه تنها بعنوان دشمن اصلی، بلکه حتی بعنوان یکی از دشمنان اصلی انقلاب ایران است. این ارزیابی‌ها، با ارزیابی اکثریت مطلق مردم ایران، با ارزیابی مکرر امام خمینی، که با شدت تمام در تظاهرات چند میلیونی روزهای اخیر در سراسر کشور بازتاب یافته است، در تضاد آشکار است. از اینروست که بنظر مامهمترین مسئله مورد توجه باید همین امر مشخص ساختن دشمنان اصلی انقلاب ایران، هدفها و شیوه‌های عمل آنها برای رسیدن باین هدفها باشد.

دشمنان انقلاب ایران

بنظر ما دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم متجاوز امریکا و همدستان ایرانی آنان، یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیستها است. هرگونه تلاش برای منحرف ساختن افکار عمومی مردم انقلابی ایران از سمتگیری بدون تزلزل علیه این دشمن اصلی، چه آگاهانه باشد و چه بر پایه ارزیابی و یا شناخت نادرست از واقعیت، به زیان جبران ناپذیری برای جنبش میهن ما تمام می‌شود.

امپریالیسم جهانی (که امپریالیسم آمریکا در راس آن قرار دارد) تا پیش از پیروزی انقلاب کبیر در روسیه، سراسر جهان را با چکمه‌های بخون‌آغشته خود لگد مال می‌کرد. امپریالیسم با آنکه در دوران ۶۰ ساله اخیر در قبال جنبش عظیم و جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، مواضع زیادی را از دست داده است، هنوز اساس ارتجاع سیاه جهانی است. امپریالیسم جهانی، یعنی انحصارهای نفتخواه انحصارهای جهانی تولیدکننده جنگ افزارها، بانکهای غارتگر امپریالیستی، انحصارهای جهانی و باصطلاح مافوق ملی در همه رشته‌های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی و ترابری و...

این امپریالیسم جهانی، که نیرومندترین هسته آنرا امپریالیسم امریکا تشکیل می‌دهد، برای برقراری تسلط جهانی خود، ابزار و جنگ افزار بسیار گوناگونی را در اختیار دارد و بر حسب شرایط سیاسی، زمانی، جغرافیائی، ملی و غیره، این یا آن ابزار را بکار می‌اندازد. تجاوز آشکار با نیروهای نظامی (مانند ویتنام)، توطئه‌های کودتائی (مانند ایران) — در ۲۸ مرداد

۱۳۳۲-، اندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر آسیا و آفریقا و امریکای لاتین)، خریدن خائنین (مانند مصر و سودان) و تحریکات از راه استفاده از جریان های «سیاسی» و «مذهبی» و «ملی گرائی» خاص مانند فراماسونری، صهیونیسم، بهائیکری، سازمان های فاشیستی و سازمانهای نژاد پرست و دهها و دهها جریان سیاسی و مذهبی رنگارنگ دیگر همه اینها ابزارهای گوناگون امپریالیسم جهانی هستند.

و در کشور ما ایران، از همان آغاز استیلای خاندان پهلوی، پایه های تسلط امپریالیسم جهانی گذاشته شد و، صرفنظر از دورانهای بسیار کوتاه تزلزل، هر روز این پایه ها مستحکمتر گردید. اگر این تسلط امپریالیستی در دوران پیش از جنگ دوم جهانی و سالهای اول پس از آن، با برخی رقابتها بین امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و آلمانی همراه بود، پس از کودتای ۲۸ مرداد این تسلط امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، بطور مشترک و جمعی مستقر شد و مین ما به غارتگاه بی بند و بار همه امپریالیستها، که صهیونیسم یکی از اجزاء متشکله آنست، بدل گردید. غارت ثروتهای عظیم نفتی مین ما، تحمیل میلیاردها جنگ افزار زائد و بی فائده، و ادار کردن دولت دست نشانده به خرج میلیارد ها دلار از ثروت ملی برای تدارکات نظامی استراتژیک امریکا، صدور بی بند و بار کالاهای مصرفی گران قیمت، صدور تأسیسات صنعتی چند برابر قیمت های بین المللی، تحمیل بی تناسب صنایع مونتاژ بجای صنایع مادر، تبدیل ایران، بموازات اسرائیل، به دومین پایگاه تجاوز امپریالیستی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و میانه، تبدیل ایران به بزرگترین پایگاه جاسوسی و تدارکی تجاوز علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای ضد امپریالیست در منطقه، تحمیل دهها و دهها هزار کارشناس «نظامی» و «فنی» و «اقتصادی» و غیره، نابود کردن کشاورزی ایران و وابسته کردن تمام زندگی روزمره مین ما به اقتصاد امپریالیستی- اینها همه و همه طبق نقشه مشترک و هماهنگ همه امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا بوده است.

انقلاب ایران به منافع حیاتی اقتصادی و استراتژیک نظامی همه این امپریالیستها و طبقه حاکمه وابسته به آنان، ضربه سهمگین و دردناکی وارد ساخت و ما شاهد آن هستیم که زوزه این گرگهای درنده زخم خورده علیه دستاوردهای انقلاب ایران در سراسر جهان طنین انداخته است و تحریکات محافل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در ایران هر روز دامنه دارتر می گردد.

نیروهای امپریالیستی هنوز در کشور ما پایگاه های نیرومندی را اختیار دارند. این پایگاه ها در دستگاه دولتی، در بازماندگان مخفی و علنی ساواک، در اقتصاد کشور و در میان گروههای وابسته به طبقات حاکمه فراری و بلند گویان «روشنفکر» نمای شان است. از این پایگاهها است که جبهه متحد امپریالیستها و درپیشانی شان امپریالیست های امریکائی و صهیونیست ها و محافل ارتجاعی ایران، که در امریکا و اروپای غربی و اسرائیل

لنگر انداخته اند، علیه انقلاب ایران توطئه می کنند.

هدف این نیروهای امپریالیستی اینست که، انقلاب ایران را با شکست روبرو سازند و به این یا آن شکل، اوضاع گذشته را، با نقاب و یا بدون نقاب، باز گردانند. وسائل و شیوه هائی که دشمنان انقلاب در این توطئه خطرناک بکار میبرند، همان وسائل و شیوه های شناخته شده توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی در تاریخ طولانی مبارزات خلقها است، یعنی:

۱- جلوگیری از تثبیت اوضاع اقتصادی و ایجاد دشواریهای ساختگی تازه در این میدان، جلوگیری از بکار افتادن کارخانه ها، کارگاهها، دامن زدن به هرج و مرج اقتصادی و بالا بردن قیمت های خواربار و وسائل مصرفی مورد احتیاج مردم.

۲- جلوگیری از تثبیت اوضاع اجتماعی و دامن زدن به هرج و مرج، مشغول کردن مردم به مبارزات خانگی و منحرف کردن مردم از مبارزه علیه دشمن اصلی.

۳- ترویج ناامنی، ترور، کشتار، دزدی، غارتگری و پخش مواد مخدر قاچاق.

۴- بجان هم انداختن احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی و ایجاد تفرقه.

در این میدان، مفسده جوینان، که متأسفانه بر اثر غفلت نیروهای انقلابی، در بسیاری از نقاط رخنه کرده و سنگرهای حساسی را در دست گرفته اند، نقش تخریبی خطرناکی را ایفا می کنند. اینان گاه مانند پالیزبان ها علناً به سازماندهی نیروهای سیاه آدمکش میپردازند و گاه با ماسک «روحانی» (مانند حماسی ها، که از همکاران ساواک بوده و ماهرانه خود را در میان هواداران نزدیک امام خمینی جا داده بودند) بدین منظور که مناسبات برادرانه آنها را با روحانیون میهن پرست و انقلابی تیره سازند، نیروهای میهن پرست چپ را مورد حمله قرار میدهند، گاه با ماسک «روشنفکر ماوراء انقلابی» و «هواداران انقلاب کارگری»، جبهه امپریالیسم و ارتجاع را به فراموشی سپرده، ناجوانمردانه حزب توده ایران را بیاد تهمت و افترا میگیرند و گاه بصورت «هواداران آزادی»، نیروهای انقلابی روحانی و مذهبی را هدف عمده و اساسی مبارزات «انقلابی» خود قرار می دهند.

بهیچوجه زیاده روی نیست اگر ادعا کنیم که بازماندگان رژیم سرنگون شده و کارگزاران سیای امریکا و انتلیجنس سرویس انگلیس و موساد اسرائیل و مائوئیستهای سوگند خورده و سایر سازمانهای تبهکار، در همه این لباسها مشغول خرابکاری علیه انقلاب ایران هستند. موضعگیری نسبت به این جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران و برخورد با شیوه هائی که بکار میبرند، در جهت گیری کلی، برای مقابله با مشکلات موجود بر سر راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن، در جهت منافع و خواستهای توده های دهها میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا، دارای اهمیت تعیین کننده است.

ولی با کمال تأسف این موضعگیری و این برخورد یکسان نیست. بطور کلی ۳ برخورد زیرین در میدان سیاست در ایران دیده می شود:

۱- برخورد نیروهای راستین انقلابی

برای این نیروها، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران است و باید همه نیروها را در جهت برانداختن تسلط نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری این دشمن اصلی بکار انداخت. صهیونیسم یکی از مهمترین ابزارهای تسلط و توطئه های امپریالیستی و مسلما فعالترین دشمن انقلاب ایران در منطقه است و باید با تمام نیرو در راه درهم شکستن این سنگر عمده دشمن در منطقه تلاش کرد. این برخورد، که بطور روشن و پیگیر در ارز یابیهای امام خمینی بازتاب یافته و می یابد، مورد تأیید کاملی حزب توده ایران است.

۲- برخورد نیروهای راست وابسته به سرمایه داری لیبرال ایران

این نیروها معتقدند که امپریالیستهای امریکائی و همدستان اروپائیشان دیگر خطری برای ایران نیستند. خطر برای انقلاب ایران، در درجه اول، از طرف نیروهای خلق است که خواستار امتیازات «زیادی» (!) هستند. باید اقتصاد ایران را بر پایه توسعه همکاری با کشورهای غرب، بر پایه تقویت همان قشر سرمایه داران وابسته باز سازی کرد. زحمتکشان در انقلاب چیزی از دست نداده اند. «ضرر عمده» متوجه سرمایه داران و تجار شده است. این نیروها هر گونه تحریک و ناامنی و خرابکاری و توطئه را، بدون هیچ پرواى به نیروهای انقلابی خلقی و توده ای نسبت می دهند.

این موضعگیری خطرناک، که عملا در سیاست دولت موقت بازتاب یافته است، تا آنجا می رود که در اظهارات بسیاری از مقامات رسمی، بزحمت و بسیار کمیاب از تحریکات عمال امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و حتی عمال ساواک میتوان ذکرى یافت.

۳- برخورد نیروهای افراطی راست و چپ

این نیروها در عین اینکه امپریالیسم و کارگزارانش را در ایران دشمن اصلی می شمارند، ولی در عمل جهت گیری عمده را از دست داده اند و عمده تلاش خود را یا در جهت نادرست و یا در جهات فرعی بکار می برند. از یکطرف ما با قشریهای مذهبی روبرو هستیم که می کوشند تسلط انحصاری خود را بر همه زمینه های زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور برقرار سازند، و چون در این راه با مقاومت نیروهای برخورد می کنند که با انحصار طلبی مخالفت دارند، به شیوه های تهمت و افترا متوسل می شوند.

نمونه بارز این شیوه برخورد در مراسم دفن و یادبود آیت الله مطهری بطور چشمگیری دیده شد. همه می دانیم که امام خمینی بارها در اظهار نظرهای روشن خویش تأیید کرده اند که توطئه قتل آیت الله مطهری و سرلشگر قرنی، بدون تردید عمل امپریالیستهای امریکائی،

صهیونیستها و ساواکیها بوده است. ولی علیرغم این سمت‌دهی روشن امام خمینی، نیروهای افراطی راست قشری، دشمن اصلی، یعنی امریکا و اسرائیل را، بکلی در سایه فراموشی گذاشتند. و توده‌های وسیعی را، که بر اثر از دست دادن یکی از رهبران خود بحق برافروخته بودند، علیه نیروهای چپ (یعنی یک دشمن اختراعی، که کوچکترین ارتباطی با این جنایت و اینگونه جنایتها نمی‌توانند داشته باشند) منحرف ساختند. ولی زندگی واقعی نیرومند تر از هر اتهامی است. تحریف واقعیت، هر قدر هم که مردم فریب باشد، بالاخره فاش میشود. ما شاهد آن هستیم که مردم میهن پرست کشور ما، دشمن واقعی آزادی و استقلال خود را، از میان گرد و غبار تاریکی آور منحرف کنندگان، به درستی می‌شناسند.

نظیر این برخورد هم از سوی دیگر نیروهای افراطی، یعنی از سمت چپ کاملاً مشهود است. در بسیاری از موضعگیریهای سیاسی و اجتماعی نیروهای جوان انقلابی، زیر پرچم چریکهای فدائی خلق و همچنین در عمل سیاسی روشنفکران میهن پرستی که زیر پرچم عمومی «مبارزه در راه آزادی‌های دموکراتیک» درآمده‌اند، چنین برخورد نادرستی مشهود است. در اینگونه برخوردها، «عمده» جای خود را به مسائل «فرعی» واگذار می‌کند و پی‌آمدهائی بیارمی آورد که درست در جهت عکس خواست عمده روز جنبش انقلابی ما است، یعنی نه در جهت گرد آوری همه نیروها علیه دشمن اصلی، بلکه در جهت تفرقه افکنی و بجان هم اندازی این نیروها.

سخن کوتاه، بنظر ما موضعگیری نادرست و در مواردی نارسای نیروهای افراطی راست و چپ در مسئله مرکزی، یعنی شناخت دشمنان اصلی انقلاب و برگزیدن سمت گیری عمده مبارزه روز برای منفرد ساختن و خنثی کردن دسیسه‌های دشمن اصلی، بزیان جدی جنبش انقلابی است و ناخواسته موجبات تفرقه و پراکندگی را در صفوف مبارزان خلق فراهم می‌سازد و به کامیابی دسیسه‌های دشمن اصلی کمک می‌رساند.

جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، و صهیونیسم و ارتجاع ایران با مبارزه علیه «کمونیسم» از یک سو و جانشین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع با مبارزه علیه «آخوندیسم» از سوی دیگر، موجب تفرقه نیروهاست و به طور عینی آبی است که به آسیاب دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع سیاه ایران ریخته می‌شود.

حزب توده ایران بر آنست که در هیچ صورت، هیچ عاملی، هیچ تحریکی و هیچ فشاری نباید نیروهای انقلابی را از مواضع اصولی خود در مبارزه علیه دشمنان اصلی انقلاب ایران روگردان سازد.

نیروهای انقلابی باید تمام کوشش خود را متوجه آن سازند که برای دشواریهای اجتماعی عظیمی که بر سر راه تثبیت و تمهیق دستاوردهای انقلاب ایران قرار دارد و هر روز بوسیله دشمنان انقلاب قرارداد می‌شود، راه‌حلهای اصلی و علمی و درست پیدا کنند.

در ارتباط با این وظیفه اصلی انقلاب کشورمان در لحظه کنونی، حزب توده ایران نظر خود را در زمینه پنج بخش عمده زندگی اجتماعی کشور، یعنی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ملی بیان می دارد و از همه نیروها و احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای سیاسی می خواهد که نظر خود را در این زمینه با روشنی و صراحت در پیشگاه افکار مردم قرار دهند.

۱. مسائل سیاسی

عمده وظیفه نیروهای ملی و انقلابی در زمینه مسائل سیاسی در لحظه کنونی عبارت است از پاره کردن همه بندهای اسارت امپریالیستی، که بدست جنایتکار شاه خائن و دستیارانش بر مین ما تحمیل شده و تبدیل ایران به کشوری مستقل و غیر متعهد. روشن است که این کار تنها با «اعلام» درست نمی شود و به اصطلاح مردمی، با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی گردد؛ باید قرار دادهائی را که این اسارت ملی را «چهار میخه» کرده اند، از هم درید و به تمهیدات تحمیلی امپریالیستی خاتمه داد.

نیروهای راستین انقلابی خواستار آنند که این قراردادها بلافاصله علنی شوند و محتوی جنایت بار آنها با اطلاع مردم برسد، غیر قانونی بودن آنها رسماً اعلام گردد و برای احقاق حقوق مردم ایران، که بر پایه این قرار دادهای تحمیلی، از دست رفته اند، دولت ایران، با اتکاء به پشتیبانی نیرومند مردم ایران و نیروهای ضد امپریالیستی سراسر جهان، وارد میدان مبارزه گردد. برخورد نیروهای سازشکار بکلی غیر از این است. شیوه عمده این نیروها پنهانکاری، بزرگ کردن اشکالات (!) کار و در نتیجه بدرازا کشاندن تصمیمات است. همه مردم می دانند که اسارت بارتترین قراردادهای تحمیلی به مردم ایران قرارداد خائنانه کنسرسیوم نفت و قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا، و به گفته سخنگویان دولت، نزدیک به هزار قرارداد اسارت بار دیگر وابسته به آنست. نیروهای مین پرست ایران حق دارند نسبت به این روش پنهانکاری و حل و فصل مسائل در پشت پرده استتار ابراز سوء ظن نمایند. مردم ایران در یک نبرد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم امریکا و رژیم دست نشانده اش گام گذاشتند و دهها هزار کشته دادند، تا از راه انقلابی، مسائل حیاتی سرنوشت خویش را حل کنند، نه اینکه با پنهانکاری و عدم قاطعیت، فرصتهای تاریخی از دست برود و امکان داده شود که گرگهای خون آشام پوستهای بره برتن کنند و با ماسک دوست به مردم ایران جا زده شوند.

درست است که در زمینه حل برخی مسائل سیاسی، تا کنون از طرف دولت یکرشته اقدامات مثبت انجام گرفته است، ولی در زمینه حل عمده ترین مسئله سیاسی، یعنی مناسبات با امپریالیسم امریکا، دولت آقای مهندس بازرگان در مواضعی قرار گرفته، که نمی تواند مورد

تایید نیروهای انقلابی و ملی قرار گیرد.

آیا ضرور بود قطعنامه سنای امپریالیستی و صهیونیستی ایالات متحده امریکا صادر شود تا این نیروها یادشان بیفتد که باید مردم را علیه مداخلات امپریالیسم آمریکایکاهمدستانش در امور داخلی ایران تجهیز کرد؟ آیا ما هر روز و هر لحظه شاهد این گونه دخالت‌های بیش‌زمانه امپریالیسم امریکایکا و سایر امپریالیستها نیستیم؟ برخی از مقامات دولتی جسته و گریخته می‌گویند که محافل اقتصادی غرب ما را تحت فشار غارتگرانه قرار داده اند، کشتی‌های بازرگانی ایران را توقیف می‌کنند و اعتبارات ما را محدود می‌سازند. چرا دولت موقت این فشارها را فاش نمی‌کند و از مردم انقلابی ایران برای مقابله با آن کمک نمی‌خواهد.

در این امر حیاتی موضعگیری نیروهای راست و چپ افراطی نیز شایان توجه است. انگار که برای این نیروها یک چنین امر مهمی در زندگی سیاسی میهن ما وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نیست. آیا شایان توجه نیست که در تظاهرات گوناگون، چه بمناسبت ترور آیت الله مطهری و چه بمناسبت صدمین سال زادروز دکتر مصدق، از این مسئله مهم، که با سرنوشت انقلاب ایران پیوند دارد، یادی بعمل نیامد؟ آیا این برخورد، گویای این واقعیت نیست که این نیروها مطلب عمده را فراموش کرده اند و مردم را به جزئیات و یا بسوی سراب‌ها متوجه می‌سازند.

۲. مسائل اقتصادی

بدون تردید سرنوشت انقلاب ایران، در درجه اول و بطور تعیین کننده، وابسته به حل دشواریهای اقتصادیست که اکنون میهن ما با آن روبرو و دست بگریبان است. حل درست، یعنی حل ملی و خلقی این دشواریها، پیروزی انقلاب را تثبیت می‌کند و دستاوردهای آنرا در جهت تامین منافع اکثریت دهها میلیونی مردم زحمتکش گسترش می‌بخشد، و برعکس، کوشش برای حل این دشواریها در چهار چوب منافع سرمایه داری بزرگ و وابسته، انقلاب را عقیم کرده سرنانجام با ناکامی روبرو خواهد ساخت.

اساسی ترین راهها برای گشودن گره‌های آن کلاف سردرگمی که بر اثر مختل شدن نظام اقتصادی وابسته در کشور ما پدید آمده است، عبارتند از:

الف- براه انداختن چرخ اقتصاد فلج شده، و در ارتباط مستقیم با آن، حل مسئله دردناک بیکاری.

ب- تبدیل ریشه‌ای اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی.

پ- تبدیل اقتصاد مبتنی بر غارت بی بند و بار ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان به اقتصاد متکی به منافع خلق.

در ارتباط با این مسائل عمده اقتصادی، ما به چهار برخورد که نماینده چهار گرایش سیاسی مشخص جامعه ماست، روبرو هستیم:

۱- ضد انقلاب، در درون کشور، از یکسوی دستهای زیاد و نیرومندی که در سازمان دولتی و در محافل بالای اقتصادی دارد، در هر گونه راه حل منطقی کارشکنی می کند و کوششهای عناصر انقلابی و دلسوز را فلج می نماید، و از سوی دیگر با کمک عوامل بی شمار ساواک و وابستگان آن، که در همه گروههای سیاسی چپ و راست و حتی در ارگانهای اجرائی انقلابی، رخنه کرده و ریشه دوانده اند، می کوشد با دادن شعارهای تند از راست و «چپ»، در همه جا محیط را متشنج سازد و کامیابی هر گونه تلاش عقلانی را، حتی برای پیدا کردن راه حلهای موقت و محدود، غیر ممکن گرداند.

محافل امپریالیستی غارتگر می کوشند با استفاده از وابستگی همه جانبه اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی، از راه وارد آوردن فشارهای اقتصادی، از مشکلات موجود به سود خود حداکثر بهره برداری راکندند. در این زمینه عدم قاطعیت انقلابی و بی نقشه بودن دولت موقت، برای آنها کمک بزرگی است. عمل این محافل صد در صد با عمل ضد انقلاب در ایران هماهنگ و دارای هدف مشترک است.

هدف این محافل امپریالیستی، دست بدست با ضد انقلاب در ایران، اینست که روند بازسازی اقتصادی میهن ما را فلج سازند و از این راه نارضائی مردم را دامن زنند و آتش هرج و مرج وطنیان را برافروزند و با آن، شرایط را برای بقدرت رسیدن رژیم وابسته ای، از نوع قدیم یا از نوع جدید آماده سازند.

۲- محافل سازشکار وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران می کوشند مشکلات اقتصادی را در چهار چوب تامین و تثبیت منافع خود حل کنند. راه حل پیشنهادی آنان، در درجه اول برای براه انداختن چرخ فلج شده اقتصادی و حل مسئله بیکاری، پوست کنده اینست که: دولت همه امکانات مالی خود را در اختیار مقاطعه کاران و سرمایه داران بزرگ بگذارد و با استفاده از روشهای سخنگیرانه علیه زحمتکشان و محدود ساختن خواستههای بحق شان، همه راهها را برای براه انداختن «چرخ های اقتصادی» (!)، یعنی برای براه انداختن چرخ های غارت بی بندوبار، مانند گذشته، هموار سازد. این سمتگیری در اظهارات آقای نزیه، رئیس شرکت ملی نفت ایران، در کنگره حقوقدانان با روشنی بازتاب یافت.

پیش بینی پیامد این راه پیشنهادی محافل سرمایه داری بزرگ ایران دشوار نیست. دولت با شرایط بسیار مناسب اعتبارات وسیعی را، که از درآمد نفت بدست می آید، به مقاطعه کاران و سرمایه داران وابسته و صاحبان تاسیسات بزرگ کشاورزی واگذار می کند. اکثر این گروه ها، همانطور که در گذشته عمل کرده اند، بخش عمده این اعتبارات را از راههای گوناگون به بانکهای خارجی منتقل خواهند ساخت و پس از چندی، دوباره با کیسه های خالی، در مقابل خزانه دولت صف خواهند کشید و با تهدید به خواباندن چرخهای اقتصادی، خواستار وامها و

اعتبارات جدیدتر خواهند شد.

درست است که دولت آقای بازرگان، تا کنون به بهانه موقتی بودن خود، هیچگونه نقشه همه جانبه ای برای بازسازی اقتصادی، برای تبدیل اقتصاد وابسته به اقتصاد ملی، برای تبدیل اقتصاد غارتگرانه به اقتصادی خلقی ارائه نکرده است، ولی آنچه که از تصمیمات و اظهار نظرهای اخیر رئیس دولت میتوان استنباط کرد، سیاست دولت فعلی تنها متوجه گره اول است و راهی نیز که دولت برای گشودن این گره برگزیده، همان راه بی سرانجام محافل راست سرمایه داری ایران است.

بنظر ما، پافشاری دولت در ادامه این سمت گیری، گره مشکلات را باز نخواهد کرد و برعکس آنرا پیچیده تر و دشوارتر خواهد نمود.

۳- نیروهای متکی به خلق خواستار آنند که گره پیچیده مشکلات اقتصادی، با سمت گیری دفاع از منافع ملی در برابر تجاوزات امپریالیستی و منافع توده های میلیونی زحمتکشان شهر و ده در برابر تجاوزات غارتگرانه طبقات حاکمه سرمایه دار و زمین دار بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده و امپریالیسم باز گردد.

برداشت ما از محتوی نظریات اقتصادی امام خمینی و هواداران ایشان، که از یک سمتگیری دفاع از خواست های بحق «مستضعفین» در برابر تجاوزات «مستکبرین» پیروی می کنند، در همین چهارچوب است.

اگر بخواهیم این چهارچوب را در زندگی اقتصادی روزمره پیاده کنیم، به نتایج مشخص زیرین، که یگانه راه گشایش گره های پیچیده مسائل اقتصادی و یگانه ضامن تثبیت پیروزی انقلاب است، خواهیم رسید.

الف- کلیه تأسیسات صنعتی، مالی، بازرگانی و ترابری متعلق به امپریالیستها و به وابستگان رژیم سرنگون شده، یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به انحصارهای امپریالیستی و رژیم سرنگون شده، را باید بی درنگ مصادره و ملی کرد و اداره این تأسیسات را به گروههای برگزیده شده از سوی کارگران و کارمندان و مهندسان و مدیران واگذار نمود و اعتبارات کافی در اختیار آنان گذاشت و کمکهای فنی و مادی لازم را به آنها رسانید.

ب- در مورد تأسیسات عونتاز، که براه افتادن آنها با رسیدن مستقیم قطعات از کشورهای تولید کننده اصلی در ارتباط است، باید با تجدید نظر در قراردادهای موجود، شرایط آغاز فوری کار را فراهم کرد و با تنظیم نقشه های دراز مدت، شرایط فنی و مادی ضرور برای تبدیل این تأسیسات را به تأسیسات خود کفا و بدون وابستگی به امپریالیسم آماده ساخت و در صورت لزوم تغییر کامل رشته تولیدی این تأسیسات را برنامه ریزی نمود و عملی کرد. باید کارگران و کارکنان فنی و اداری را، که برای نان روزمره خود علاقمند به براه افتادن چرخهای تولید هستند، در اداره این تأسیسات از راه سازمانهای صنفی کارگران و شوراهای انتخابی همه کارکنان، شرکت داد و متعهد ساخت و به آنان اعتماد کرد. اینست راه ملی و خلقی گشایش

ب- در مورد صنایع و تأسیسات کشاورزی و کارگاههای ساختمانی متعلق به سرمایه داران ملی غیر وابسته، نظر حزب توده ایران اینست که دولت باید برای براه انداختن هر چه زودتر آنها، اعتبارات ضروری و کمکهای همه جانبه مبذول دارد، با این شرط که این اعتبارات و کمکها صرفاً برای براه انداختن تولید مصرف گردد، و برای تحقق این امر نیز یک کنترل دو جانبه، از جانب دولت و از جانب سازمان های صنفی کارگران و کارمندان این موسسات ضروری است.

ت- در مورد بیرون آوردن اقتصاد کشاورزی از بحران کنونی، یگانه راه، ملی کردن تأسیسات بزرگ کشاورزی متعلق به سرمایه های امپریالیستی و وابستگان رژیم سرنگون شده و اداره آنها با کمک مدیریت مورد اعتماد سازمانهای صنفی کارگران و همکاری شوراهای انتخابی از طرف همه کارکنان، مصادره اراضی کشاورزی بزرگ متعلق به زمین داران بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان بی زمین و کم زمین، کمک به ایجاد شرکتهای تعاونی تولید و مصرف برای این کشاورزان و رساندن کمکهای فنی و کود به آنان و ایجاد یک سیستم دولتی خرید عادلانه و جمع آوری سریع محصولات از واحدهای کوچک و متوسط تولید کشاورزی است. اینست بنظر ما آغاز برون رفت از بحران عمیقی که اقتصاد کشاورزی کشور را فرا گرفته است.

در این زمینه، نقش سازمانهای واقعی صنفی زحمتکشان شهر و روستا اهمیت تعیین کننده ای دارد و هر گونه تلاش برای فلج کردن و یا تجزیه این سازمانها و یا محدود ساختن تأثیر آنها در جریان باز سازی اقتصاد و نوسازی آن در جهت دفاع از منافع زحمتکشان، زیانهای جبران ناپذیر به روند تثبیت پیروزی انقلاب وارد می سازد و راه را برای دسیسه های خرابکارانه ضد انقلاب هموار می کند.

تنها از این راه است که میتوان، در مدت کوتاه، با اعتبارات کمتر، به بهترین کیفیت و بالاترین کمیت، چرخهای اقتصاد را براه انداخت، برای مشکل بیکاری راه حل عملی پیدا کرد، شرایط را برای تبدیل ریشه ای اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی آماده نمود و به غارتگری بی بند و بار ثروتهای ملی و محصول کار زحمتکشان بوسیله سرمایه های امپریالیستی و سرمایه های وابسته لجام زد.

ث- نکته مهم دیگری که در زمینه مسائل اقتصادی مطرح است، موضوع تأمین زندگی مناسب تر برای زحمتکشان شهر و روستا است. تردیدی نمی توان داشت که توده های میلیونی کارگران و سایر زحمتکشان، که فعالانه در انقلاب شرکت کردند و جانبازی نمودند، انتظار داشتند که نظام انقلابی به غارتهای امپریالیستی و رژیم سرمایه داری وابسته به آن پایان دهد و برای زحمتکشان شرایط روز بروز بهتر و مناسبتری را برای کار و برای برداشت از محصول کارشان فراهم نماید. درست است که با دشواریهای پیدا شده بر اثر فروریزی نظام غارتگر، برآوردن همه خواستههای زحمتکشان بلافاصله و حتی در زمان کوتاه ممکن نیست، ولی ما

اطمینان داریم که زحمتکشان ایران، در صورتیکه، نه تنها با وعده های توخالی و پوچ، بلکه با ارائه نقشه های روشن و قابل دفاع قانع شوند که روند سیاست دولت در حل مشکلات اقتصادی، روندی است که بر پایه دفاع از منافع زحمتکشان در مقابل غارتگران استثمارگر استوار است، آماده خواهند بود که باز هم محرومیت ها را تحمل کنند و با تمام نیروی خود برای ساختن نظامی که خواسته های بحق آنها را برآورده نماید، عملاً و بی دریغ همکاری کنند. این وظیفه احزاب و سازمانهای سیاسی پشتیبان انقلاب است که با همکاری وسیع در یک «جبهه متحد خلق» چنین نقشه همه جانبه ای را برای لجام زدن به بحران اقتصادی موجود و بیرون آمدن از آن، طرح ریزی کنند و برای پیاده کردن آن متفقاً همه نیروهای خلق را تجهیز نمایند.

با کمال تأسف باید یاد آوری کرد که نیروهای افراطی چپ و راست، در عین اینکه به اهمیت حل مسائل اقتصادی، بعنوان مهمترین مشکل دوران تثبیت پیروزی انقلاب آگاهند، در عمل نه تنها برای پیدا کردن و دفاع پیگیرانه از راه حل عقلانی کوششی نمی نمایند، بلکه بر عکس، در جریان تلاش برای رسیدن به هدفهای محدود و تنگ نظرانه و انحصار طلبانه سیاسی، باز هم «عمده» را با «فرعی» جابجا می کنند.

بهترین گواه برای صحت این ادعای ما اینست که، هیچیک از این دو نیرو تا کنون نه تنها هیچ نقشه مشخص و روشنی برای باز کردن گره های پیچیده اقتصاد فلج شده کشور پیشنهاد نکرده اند، بلکه هرگز آمادگی نشان نداده اند که در یک گفتگو و تبادل نظر برای بررسی پیشنهادهای مشخص حزب ما شرکت جویند. آنها تنها می کوشند که این موضعگیری خود را پشت پرده ای از افترا و دشنام (آنها متأسفانه اغلب در سطوحی بسیار پائین و ناشایست) بپوشانند.

تصادفی نیست که برای این نیروها، از یکسو حادثه روزنامه «کیهان» و از سوی دیگر مسائلی پیرامون روزنامه «آیندگان»، به مسئله عمده سیاست روز تبدیل می شود، ولی حل مهمترین مسئله ای که جامعه ما با آن روبرو است، اصلاً جانی را در تبلیغات و اقدامات سیاسی آنان اشغال نمی کند.

البته این «بی توجهی» و «فراموشی» از طرف گروههای راست و «چپ» سیاسی وابسته به سرمایه داری ایران قابل درک است، زیرا آنان، بدون اینکه بخواهند علناً به آن اعتراف کنند، راه حلی جز آنچه محافل راست سرمایه داری سازشکار ایران پیشنهاد می کنند، ندارند. ولی آنچه قابل درک نیست، موضعگیری آن نیروها نیست که خود را هوادار نابود کردن «استثمار فرد از فرد» معرفی می کنند. پرسش ما از این دوستان اینست که چه برنامه ای برای این منظور خود دارند؟ و چه رشته از اقدامات ضرور و گام به گام را برای رسیدن به این هدف پیشنهاد می کنند؟

باز هم سخن کوتاه، بنظر حزب توده ایران، «مشکل اقتصادی»، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کنونی پس از انقلاب اخیر میهن ماست. سرنوشت انقلاب ایران به سرانجام حل

این مشکل بستگی کامل و همه جانبه دارد. نیروهای راستین انقلابی و ملی ایران باید توجه اساسی و عمده خود را به پیدا کردن راه حل عقلانی و عملی این مشکل معطوف دارند.

۳. مشکل اجتماعی

با انقلاب ایران نظام سلطنت استبدادی وابسته به امپریالیسم فروریخت و پی ریزی نظام جدید ملی و ضد استبدادی در چارچوب جمهوری اسلامی در جریان است. همه نیروهائی که در این انقلاب فعالانه شرکت داشتند، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، پیوند ناگسستی خود را با اصول آزادی، بعنوان پایه اساسی نظام جدید، اعلام داشته و می دارند. درست است که امروز مردم ایران از آزادی های بسیاری برخوردارند، ولی بهیچوجه نمی توان نادیده گرفت که نیروهای تاریکی که این آزادی ها را بشدت مورد تهدید قرار می دهند، با نقابهای گوناگون، آشکار و نهان، گرم فعالیتند. هم اکنون می توان گفت که این آزادی هنوز تحکیم نیافته، از همه سو، یعنی از سوی ضد انقلاب، از سوی افراطیون راست و افراطیون چپ مورد تهدید جدی قرار گرفته است.

ضد انقلاب با بهره برداری از آزادی موجود، بهر وسیله ای دست می یازد تا زیشه نهال آزادی را خشک سازد. ضد انقلاب بدست عناصر خود همه جا می کوشد آزادی را، از یکطرف بصورت هرج و مرج و از طرف دیگر بصورت عامل فلج کننده در آورد، و از این دوره مردم را از آزادی روگردان سازد.

شایان توجه اینست که عمال ضد انقلاب، این مبارزه علیه آزادی را، ماهرانه بنام دفاع از مذهب انجام می دهند، همانطوریکه توطئه های تروریستی خود را علیه رهبران مذهبی و سیاسی زیر پرده هواداری از مذهب اسلام انجام دادند.

مردم ایران از یاد نبرده اند که رژیم شاه - ساواک هم بخش عمده ای از سیاست ضد ملی، ضد دموکراتیک و ضد خلقی خود را زیر پوششی از مذهب نمایی و به دست گروهی روحانی نمای مزدور عملی می ساخت.

مبارزان توده ای بارها شاهد آن بوده اند که بگروه های مانوئیستی، زیر پوششی از جملات مارکسیستی، همان شعارها و شیوه های عمل ضد انقلاب را در ایجاد تحریک و تفرقه، در پی هم زدن تظاهرات ضد امپریالیستی به کار برده اند و، هرروز با نمونه ای تازه از این تحریکات مواجه می شویم.

با کمال تأسف باید گفت که عمل گروههای افراطی راست و چپ هم، در مبارزه علیه آزادیهای فردی و اجتماعی، کمتر از عمل ضد انقلاب زاینخش نیست، آنها آزادی را در چهار چوب آزادی مطلق برای خود و محدود کردن آزادی برای مخالفان و یا رقیبان سیاسی خود می

پذیرند و برای تحمیل این «آزادی» از توسل به شیوه های نادرست و حتی مخالف و مغایر آزادی خودداری نمی کنند.

از بسیاری از شهرها و روستاها و حتی نقاط مختلف تهران خبر می رسد که گروههای بی مسئولیت، فعالیت آزاد احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی و فرهنگی را مورد تهاجم قرار می دهند، کلوبهای سازمانهای مخالف خود را بنام دفاع از جریانات «قشری» ویران میسازند، کیوسکها و کتابفروشی هائی را که روزنامه ها و نشریات سازمانها و گروههای سیاسی چاپ را بفروشد، آتش می زنند، کتابسوزان راه می اندازند، چاپخانه ها را تهدید می کنند و زیر نام «حزب الله» به تظاهرات میهن پرستانه و ضد امپریالیستی با چوب و چماق حمله می کنند. از جمله در خرم آباد بدانشگاه حمله کرده و کتابخانه دانشگاه را نابود ساخته اند.

حزب توده ایران ضمن اینکه نمی خواهد به این پدیده های ارتجاعی، که بدون شک سرخ آخری آن بدست عمال امپریالیسم و ساواک است، بیش از آنچه که هست، بها دهد، یاد آور می شود که اگر این عملیات خرابکارانه از طرف مراجع رهبری انقلاب بطور جدی محکوم نگردد و از طرف مقامات دولتی و سایر مراجع حفظ نظم و امنیت اجتماعی بطور جدی و پیگیر جلوگیری نشود، پدیده های هرج و مرج، که دشمن آزادی واقعی است، هر روز بیشتر بروز خواهند کرد.

بنظر حزب توده ایران، خنثی کردن دسیسه های ضد انقلاب علیه آزادی، تنها از راه اتحاد و مبارزه مشترک همه هواداران راستین آزادی واقعی و مشخص - نه آزادی انتزاعی - یعنی آزادی بیان، قلم، احزاب، سندیکاها، اجتماعات و غیره در راه تثبیت و گسترش و پیشبرد دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک و خلقی ممکن است.

بنظر ما هر گونه کوشش برای محدود کردن این آزادی، همانقدر محکوم است که هر گونه کوشش برای سوء استفاده از آزادی برای ایجاد تفرقه، گمراه کردن و منحرف ساختن افکار عمومی و توجه مردم از مسائل عمده انقلاب اجتماعی در ارتباط با این تجاوزات به آزادی و برخی پیش آمدهای دیگر، در هفته های اخیر در محافل سیاسی روشنفکران ایران سرو صدای پر دامنه ای درباره «خطر فاشیسم» مذهبی بلند گردید و همه مسایل عمده اجتماعی ایران را تحت الشعاع خود قرار داد. در این باره ما با صراحت اعلام می داریم که با وجودیکه حرکات مشخصی، از طرف برخی گروههای انحصار طلب و راست گرای قشری برای محدود کردن آزادی در این گوشه و آن گوشه دیده می شود، در لحظه کنونی خطر عمده علیه آزادی در ایران از این سمت نیست، بلکه بطور عمده از سوی ضد انقلاب است که می کوشد، با فلج کردن روند بازسازی جامعه، شرایط را برای بازگشت خود بقدرت آماده سازد. باید این توطئه ها را در همه چهره هایش شناخت و باشکست روبرو ساخت. ضد انقلاب می کوشد نارضائی حاصله از اینگونه زیاده رویها را (که بدون تردید بخشی از آنها را خود تدارک می بیند، و ماهرانه بروی صحنه می آورد) علیه رهبری سیاسی امام خمینی، که با قاطعیت و پیگیری در مواضع پیشین خود در جهت ریشه

کن ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع و در جهت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا ایستاده است، متوجه سازد. امپریالیسم در گستردن اینگونه دامها بر سر راه مبارزان جوان و کم تجربه استادیست کهنه کار.

شرط اساسی برای تحکیم و تثبیت آزادیهای دموکراتیک، تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی نظام جدید ملی، دموکراتیک و خلقی است. همه نیروهای ضد امپریالیست باید هم خود را بر این بگمارند که این قانون هر چه زودتر تهیه و به بررسی همگانی گذاشته شود، با نظریات اصلاحی مردم تکمیل گردد و به تصویب مجلس مؤسسان برسد. تنها همکاری همه نیروهای ملی و آزادیخواه متکی به منافع خلق می تواند این قانون اساسی را بصورت یک سند تضمین کننده تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ملی، دموکراتیک و خلقی خلق ما پی ریزی نماید.

حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را در مورد ضرورت فوری یک گرد همائی همه نیروهای آزادی دوست، ضد امپریالیستی و خلقی، بمنظور اتخاذ یک روش هماهنگ در این زمینه مطرح می سازد و امیدوارست که روشن بینی سیاسی برپیشداوریها و اختلاف نظرهائی عقیدتی غلبه نماید.

در این زمینه، باز هم با روشنی اعلام می داریم که آنچه برای حزب توده ایران دارای اهمیت تعیین کننده است، محتوی واقعی هر پدیده، هر نظام اجتماعی است، نه پوسته خارجی و نامگذاری آن. اگر محتوی یک نظام اجتماعی از منافع ملی ما علیه امپریالیسم و از منافع توده های زحمتکش و رنجبر کشور علیه غارتگران دفاع کند، و آزادی همه مردم را صرفنظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی و فکریشان تضمین نماید، کشور ما را به کشوری مستقل، و صلح دوست، مبدل کند و آن را در جرگه کشورهای غیر متعهد وارد سازد، در سیاست جهانی از مبارزات خلقهای محروم علیه امپریالیسم جهانخواه و متجاوز، علیه رژیمهای فاشیستی و نژاد پرست پشتیبانی نماید، یک چنین نظامی مورد پشتیبانی کامل ماست.

۴. مشکلات در زمینه حقوق ملیت ها

یکی از مشکلات انقلاب ایران مشکل ملی است، که حل درست و عقلانی آن، می تواند جامعه ما را یک گام بزرگ جلو ببرد، و جلوگیری از آن، می تواند به ایجاد کانونهای تفرقه و ناامنی و دسیسه های استعماری میدان دهد.

استفاده از زبان مادری برای تکلم و آموزش، استفاده از فرهنگ ملی برای زندگی هر روزه و استفاده از آزادی برای برگزیدن اداره کنندگان زندگی اجتماعی، از حقوق اولیه هر خلق آزاد است.

حزب توده ایران، از همان اولین روزهای موجودیت خود، دفاع از این حقوق را برای همه اقلیت های ملی، که در سرزمین ایران زندگی می کنند، بدون تزلزل در برنامه سیاسی خود جای داده و همواره بطور پیگیر از آن دفاع کرده و می کند.

حزب توده ایران احترام و شناسائی این حقوق ملی، یعنی خود مختاری اداری و فرهنگی برای خلقهای غیر فارسی زبان ایران را، بهیچوجه مغایر با اصل دفاع از وحدت ملی ایران در چهار چوب خدشه ناپذیر تمامیت ارضی کشور نمی داند، بر عکس، احترام به حقوق ملی را، یکی از مهمترین پایه های تأمین وحدت واقعی داوطلبانه و ملی می شمارد.

در عین حال ماصراً اعلام می کنیم که هر قدر حل این مشکل به طول انجامد، امکان بهره برداری زیان بخش و فساد انگیز از آن بدست دشمنان ملی ما، یعنی عمال سرسپرده امپریالیسم و صهیونیسم و وابستگان رژیم سرنگون شده، بیشتر و بیشتر خواهد شد. امپریالیسم و ارتجاع می کوشند مشکل ملی را، بعنوان یکی از جنگ افزارهای زهر آلود خود علیه نظام ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی بکار اندازند، تنها حل عقلانی و منطقی مسئله ملی است که میتواند زمینه را برای تحریکات عوامل دشمن نامساعد سازد و اتحاد همه خلقهای سرزمین ایران را در روند بازسازی و نوسازی کشور تأمین نماید.

با کمال تأسف باید پذیریم که هم اکنون، در نتیجه تعلل و ناپیگیری دولت موقت در حل این مسئله مبرم، در کردستان، خوزستان، بلوچستان و در میان خلق ترکمن و همچنین در میان دیگر گروههای ملی در ایران، بدست عوامل سرشناس امپریالیسم و رژیم سابق تحریکات پر دامنه ای سازمان یافته و یا در حال سازمان یافتن است. ضد انقلاب در این زمینه با تمام نیرو مشغول تلاش است و این میدان را یکی از مساعدترین میدانها برای فعالیت مخرب خود می داند.

حزب توده ایران آنقدر برای گشودن هر چه سریعتر این گره اهمیت قائل است که پیشنهاد می کند، بی درنگ وزارتخانه ویژه ای برای حل مسئله ملی تأسیس گردد. تاریخ سراسر جهان نشان داده است که حل این دشواری، جز از راه تفاهم نیروهای مترقی و خلقی از هیچ راه دیگری میسر نیست. با استفاده از نسخه های کهنه و پوسیده اعمال قهر و دادن رشوه سیاسی به «متنفذین» و «طبقات حاکمه» می توان داروی مسکن برای زمان کوتاهی تهیه کرد، ولی درمان درد از این راه مطلقاً میسر نیست.

در عین حال، حزب توده ایران توجه نیروهای ملی و انقلابی را، که هوادار راستین حل مسئله ملی در چهار چوب انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران هستند، باین واقعیت جلب می کند که در لحظه کنونی، جهت عمده مبارزه همه نیروهای انقلابی ایران، علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی است و حلقه اساسی این نبرد، بازسازی اقتصادی و تأمین آزادی و امنیت اجتماعی است. باید با تمام قوا از آن پرهیز کرد که در این مبارزه حیاتی، مسائل مربوط به تأمین حقوق ملی، که با وجود اهمیتشان، در تناسب با مسئله

عمده انقلاب در مرحله کنونی، جنبه فرعی دارد، به مسئله عمده مبدل شود و در جبهه متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران شکاف بوجود بیاورند و در بدترین حالت، نیروهایی را که باید متحداً برای تثبیت و تعمیق عمده ترین دستاوردهای انقلاب در صف واحدی مبارزه نمایند، بجان هم اندازند.

۵. امنیت ملی و امنیت اجتماعی

همه نیروهای فعال اجتماعی کشور، در این ارزیابی هم‌زبان هستند که امر امنیت اجتماعی و امنیت ملی یکی از گره‌های درهم و پیچیده‌ایست که در برابر همه مردم قرار گرفته است. در این ارزیابی نیز اکثراً هم زبانند که دولت موقت هنوز سر نخ این کلاف سردرگم را پیدا نکرده است و با سمت‌گیری سیاسی و اجتماعی که پیش گرفته، مسلماً سر نخ را پیدا نخواهد کرد.

همه میدانیم که ضمن اینکه در کشور آزادی وجود دارد، امنیت اجتماعی برای بهره‌گیری از این آزادی بسیار محدود است. عوامل سرسپرده ضدانقلاب از راه ترور و آدمکشی، از راه تجهیز خودفروختگان و ساده‌باوران، زیرماسک‌های ماوراء چپ مائوئیستی و یا ماوراء راست قشری، برای حمله به تظاهرات میهن‌پرستانه و ضد امپریالیستی، به مراکز فعالیت نیروهای راستین انقلاب، آتش زدن کتابفروشی‌ها، و غیره و غیره امنیت اجتماعی را مختل می‌سازند. گروه‌هایی زیرماسک‌های گوناگون با اعمال قهر امنیت فعالیت سیاسی و مطبوعاتی را از مخالفان خود سلب می‌کنند. ما شاهد آن هستیم که این گونه عملیات تحریک‌آمیز روز بروز وسعت بیشتری پیدا می‌کند. ضرورت اقدامات جدی برای تأمین امنیت اجتماعی هر روز بیشتر احساس می‌شود.

واقعیت اینست که نظام جنایت‌پیشه استبداد سلطنتی درهم فرو ریخت و نظام نوین ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی در دست پی‌ریزی است، این پرسش برای همه مطرح است که: آیا میشود بر روی همان پایه پوسیده، که تار و پودش به امپریالیسم و استبداد سیاه وابسته است، یک نظام انسانی و خلقی را برپاساخت؟

تمام مردم مبارز ایران به این پرسش پاسخ منفی می‌دهند. تجربه همه انقلاب‌های جهان، و از آن جمله تحولات اجتماعی کشور خودمان، این موضع‌گیری مردم را تأیید می‌کند. مسلماً آن نیروها و شخصیت‌های سیاسی که سنگ‌گیری خود را برای حل این مشکلات بر پایه بازسازی نیروهای انتظامی کشور، بر بنیای همان کادر دوران رژیم سرنگون شده مشخص کرده‌اند، نمی‌توانند فراموش کرده باشند که در دوران مبارزه برای ملی کردن نفت هم، دکتر مصدق همین سیاست را در پیش گرفت و تصور میکرد که تنها با واگذاری چند پست فرماندهی در ارتش و

پلیس و ژاندارمری وابسته به امپریالیسم و سلطنت استبدادی، به افراد میهن پرست و آزادی دوست و مورد اعتماد، این سازمانها بعکس خود، یعنی نیروهای خادم مردم بدل خواهند شد.

ما دیدیم که در آلمان، با اینکه همین تیمسار سرلشگر ریاحی رئیس ستاد بود، با اینکه سرتیپ امینی و سرتیپ دفتری، که از معتمدین دکتر مصدق بودند ریاست کل شهربانی و ژاندارمری کشور را در دست داشتند، با اینکه سرهنگ ممتاز فرمانده تپ زرهی مرکز بود و از خانه دکتر مصدق نگهداری میکرد، با اینکه سایر دوستان و همراهان سیاسی این افسران، یعنی افسران وابسته به جبهه ملی، تقریباً تمام پستهای فرماندهی واحدهای عمده ارتش و پلیس و ژاندارمری را در دست داشتند (باتوجه به اینکه در آن زمان هنوز سازمان مخوف ساواک و شاخه های سازمانهای مخفی سیای آمریکا و موساد اسرائیل باندازه امروز ریشه ندوانده و متشکل و مجهز نبودند) چه پیش آمد و چگونه ارتش و سایر نیروهای انتظامی آلت اجرای کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد گردیدند و کودتاچیان، زیر نظر فرماندهان متعهد، دسیسه جهنمی و خائنانه خود را سازمان دادند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساختند.

در آتروزها، و حتی تا ساعت ۱۲ صبح ۲۸ مرداد، علیرغم همه بیدارباشهای مکرر و مؤکد حزب ما در مورد خطر بلافاصله کودتا، دوستان و همراهان دکتر مصدق در نیروهای انتظامی به او «اطمینان» دادند (ما تردید نداریم که مسلماً خودشان هم باور داشتند) که از ناحیه ارتش، پلیس و ژاندارمری خطری وجود ندارد. و این همان اطمینانی است که به آقای بازرگان داده میشود و آقای بازرگان هم به مردم میدهد.

این تجربه تاریخی ۲۸ مرداد، که اینقدر گران تمام شد، بمردم میهن پرست و آزادی دوست ایران بیدارباش میدهد که به اینگونه وعده ها (با اینکه در صداقت وعده دهندگان تردید نمیکنیم) اعتماد ننمایند و به پیشنهادهای آنان درباره نوسازی نیروهای انتظامی بر پایه همان پی های پوسیده گذشته، با عدم اطمینان نگاه کنند. این تفاوت را هم باید در نظر گرفت که در پی پیروزی انقلاب، برخلاف دوران دکتر مصدق، عناصر وابسته به امپریالیسم و رژیم سیاه شاه مخلوع، بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقائی و سروری» خود را از دست داده اند و مورد بغض و نفرت میلیونها مردمی هستند که دهها هزار نفر از جوانانشان بدست این سرسپردگان بخاک و خون غلطیده اند.

از سوی دیگر کسانی که بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقائی و سروری» خود را از دست داده اند، نسبت به نظام انقلابی نوین کینه تسکین ناپذیری دارند و آنرا پنهان هم نمی کنند.

به همه اینها باید افزود که بخش مهمی از نیروهای سیاه دست نخورده رژیم سرنگون شده، با همه امکانات گذشته خود باقی مانده اند. همه میدانند که هزاران مأمور جنایتکار ساواک با اسلحه، وسائل ارتباطی، رادیو و اتومبیل های ضد گلوله خود در سراسر ایران پراکنده اند، بوسیله مأموران مخفی سیای آمریکا، سازمان داده میشوند و هم اکنون تمام

خرابکاری‌ها را اداره می‌کنند و خود را برای خرابکاری‌های وسیع‌تری آماده می‌سازند.

همه میدانند که گروه‌هایی از افسران وابسته به رژیم در ارتش، پلیس و ژاندارمری، هم اکنون سازمانهای پنهانی بوجود آورده‌اند و خود را برای «لحظه تاریخی» یعنی لحظه وارد آوردن ضربه ناگهانی به نظام انقلابی آماده می‌سازند. برخورد با این سرسپردگان رژیم شاه مخلوع، و شاگردان مکتب سیا و موساد و ساواک نشان میدهد که آنها با چه کین و نفرتی از انقلاب ایران و از رهبران اسلامی و نیروهای انقلابی چپ یاد میکنند و چه نقشه‌های جهنمی در سر می‌پروراند.

دولت آقای مهندس بازرگان میخواهد با همین نیروها، همین سرهنگان و سرگردان «شاه‌زده» نیروهای انتظامی را بازسازی کند و آنها را به سرنوشت انقلاب ایران مسلط سازد. این اشتباه تاریخی بزرگی است که اگر بموقع، و بطور قطع تصحیح نشود، برای انقلاب ایران و حتی برای خود آنهاستیکه این اشتباه را به مردم ایران تحمیل میکنند، بسیار گران تمام خواهد شد. بر پایه این دوربینی و واقع بینی سیاسی است که همه نیروهای راستین انقلاب ایران، صرفنظر از اعتقادات مسلکی و سیاسی خود، یک‌زبان خواستار پاکسازی هرچه سریعتر نیروهای انتظامی و در درجه اول ارتش، از هواداران رژیم سرنگون شده از شاگردان مکتب امپریالیسم آمریکاستند. بدون این پاکسازی موانع جدی در راه جنبش انقلابی بوجود خواهد آمد.

حزب توده ایران میدانند که در میان افسران و درجه داران و نیروهای انتظامی رژیم شاه مخلوع، عناصر میهن پرست و آزادیخواه کم نیستند. بعلاوه عده زیادی از این گونه افسران، که از خدمت برکنار شده‌اند، امروز آماده خدمت به انقلاب هستند. باید این عناصر میهن پرست و آزادیخواه را از سرسپردگان به رژیم سرنگون شده جدا کرد و از ترکیب عناصر میهن پرست و آزادیخواه با عناصر انقلابی، که در جریان انقلاب جان برکف علیه رژیم شاه مخلوع جنگیدند، پایه‌های نیروهای انتظامی ملی و خلقی را پی‌ریزی کرد. این البته کار است دشوار و پرمسئولیت و تنها در چهارچوب همکاری بی‌شائبه همه نیروهای انقلابی، میتواند عملی گردد.

حزب توده ایران، با سایر نیروهای انقلابی و میهن پرست، که خواستار نگهداری و تقویت سپاه پاسداران انقلاب و ایجاد یک سازمان ملی و خلقی برای مبارزه با بقایای ساواک‌اند هم‌زبان است و عقیده دارد که برای ایجاد این سازمانها باید از همه نیروهای مبارز خلقی کمک گرفته شود.

یک چنین سازمانهای خلقی، هنگامی میتوانند از دستبرد عناصر دشمن در امان قرار گیرند، که متکی به «جبهه متحد نیروهای انقلابی خلق» باشند و در درون آنها زمینه مساعدی برای افشاندن تخم نفاق و چند دستگی، تخم تمایلات انحصارطلبی و تسلط جوئی وجود نداشته باشد. میدان دادن به نفاق، انحصارطلبی، خصومت با آنهاستیکه بنحو دیگری فکر میکنند، همیشه زمینه را برای دسیسه کاری نفاق افکنان و عوامل دشمن فراهم می‌سازد.

این است نظر حزب توده ایران درباره عمده‌ترین مسائل و مشکلات جنبش انقلابی

ایران در لحظه بسیار دشوار، پیچیده و پرمشولیت کنونی.

ما یکبار دیگر خلاصه میکنیم:

۱- دشمنان انقلاب ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با بکار انداختن همه ابزارهایشان یعنی (عوامل صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده) و طبقات و قشرهای زخم خورده حاکمه (یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیسم) بدست گروههای مجهز خرابکار ساواک، بدست گروهی از هواداران خود در فرماندهی نیروهای انتظامی، بدست عوامل خود که در همه سازمانهای دولتی پایگاههای محکمی دارند و حتی در سازمانهای انقلابی رخنه کرده اند، با تمام نیرو توطئه میکنند و میکوشند روند تثبیت، بازسازی و نوسازی نظام نوین انقلابی را در میهن ما، فلج و مردم را ناراضی کنند و آنها را به دامهای رنگارنگ ضد انقلاب بکشانند.

۲- در چنین شرایطی، تنها از راه ایجاد همبستگی همگانی همه نیروهای انقلابی، همه نیروهای ضد امپریالیست، هوادار استقلال، تمامیت ارضی، آزادی و پیشرفت اجتماعی میتوان این دسیسه های ضد انقلاب را نقش بر آب کرد و راه را برای پیشروی و گسترش انقلاب تاریخی مردم ایران هموار ساخت.

۳- حزب توده ایران عقیده دارد که یک چنین همبستگی همگانی نیروهای انقلابی، در لحظه کنونی، عملاً تنها در زیر رهبری امام خمینی امکان پذیر است، که به پاس پیگیری و قاطعیت تاریخی خود در تجهیز نیروهای خلق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع، به پاس ایستادگی در جهت هدفهای اساسی انقلاب ایران، از بالاترین اعتبار و نفوذ در میان مردم ایران برخوردارند.

۴- حزب توده ایران همه گروههای راستین هوادار انقلاب ایران را فرا میخواند که با کنار گذاشتن همه پیشداوریها، با دست کشیدن از انحصارطلبی و تسلط جوئی، با کنار گذاشتن مسائل فرعی و غیرعمده، تمام تلاش خود را برای بوجود آوردن یک چنین همبستگی همگانی نیروهای میهن پرست بکار اندازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تهران - خرداد ۱۳۵۸

سالروز شهادت پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را باشکوه هرچه تمام تر برگزار کنیم!

بمناسبت ششمین سالروز شهادت پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز جمعه ۲۵ خرداد، از ساعت ۹ صبح، در چمن دانشگاه تهران، مراسمی برگزار میگردد. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و از همه عناصر میهن پرست، آزادیخواه و مترقی دعوت میکنیم که با شرکت خود در این مراسم، خاطره تابناک پرویز حکمت جو را گرامی دارند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۳/۲۲

دربارهٔ پیش نویس قانون اساسی

به ریاست محترم هیات دولت موقت جمهوری اسلامی ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران بنابر وظیفه ملی و میهنی خود و با توجه با اهمیت خطیری که در شرایط کنونی تصویب سریع قانون اساسی در تحکیم پیشرفت امر انقلاب داراست، پیش نویس متن پیشنهادی قانون اساسی را که در جراید انتشار یافته، بلافاصله مورد مطالعه و بررسی قرار داد. و اینک خرسند است که میتواند نتایج بررسیهای خود و پیشنهادهائی را که بنظر کمیته مرکزی حزب ما میتواند کمک مؤثری به تکمیل طرح مورد پیشنهاد در جهت هدفهای انقلاب ایران بنماید، تقدیم دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران خرسند است مقدمتاً باستحضار عالی برساند که پیش نویس طرح قانون اساسی آنچنانکه در مطبوعات انتشار یافته، در خطوط کلی خود خواستهای مشروع و حقه مردم ایران را منعکس میسازد و از این جهت مورد تأیید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته است.

پیشنهادهائی که در برگیرهای پیوست تقدیم میشود، صرفاً مربوط به مسائل عمده ای است که بنظر ما تصریح آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ تثبیت دستاوردهای انقلاب و پیشرفت کشور در دوران سازندگی جامعه نوین، نقش مؤثری ایفا خواهند نمود. بهمین سبب از بسیاری پیشنهادهای درست دیگری، که بعقیده کمیته مرکزی حزب ما جنبه فرعی دارند، صرف نظر شده است.

در خاتمه، کمیته مرکزی حزب توده ایران وظیفه خود میدانند که آمادگی خویش را برای شرکت و اداء توضیحات، از جمله دربارهٔ پیشنهادهای اصلاحی دیگر که جنبه فرعی دارند، در

هر جلسه ای که مسائل مربوط به قانون اساسی را مورد بررسی قرار میدهد، اعلام دارد. با امیدواری باینکه پیشنهاد های سازنده حزب ما مورد توجه کامل قرار خواهد گرفت، خواهشمندیم مراتب احترامات عمیق ما را بپذیرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۲ تیر ماه ۱۳۵۸

اصلاحات مورد پیشنهاد حزب توده ایران در باره پیش نویس قانون اساسی

۱- حزب توده ایران ضرور میدانند که در قانون اساسی فصلی به نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، مشعر بر خطوط عمده این نظام تخصیص داده شود. بعقیده حزب توده ایران، خطوط عمده نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را میتوان بقرار زیرین تصریح نمود:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی و برنامه ریزی منظم دولتی قرار دارد. سه بخش مزبور طبق نقشه های اقتصادی مصوب مجلس شورای ملی، بصورت بهم پیوسته ای در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور، تحکیم و ترقی قدرت اقتصادی و مالی مملکت و بهبود و ارتقاء مستمر سطح زندگی مردم بویژه زحمتکشان، با یکدیگر همکاری میکنند.

بخش دولتی عمده عامل اقتصاد کشور و وسیله اساسی پویائی آنست و در پیشرفت و انجام هدفهای انقلاب نقش درجه اول ایفا میکند. بخش دولتی کلیه رشته های صنایع کلیدی و مادر، بانکداری، بیمه و بازرگانی خارجی، منابع زیرزمینی و دریائی کشور، وسائل تولید نیرو، سدها، شبکه های عمومی تأمین آب و آبیاری، راه آهن، راه ها، هواپیمائی و کشتی رانی و وسائل ارتباطی، مؤسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری، جنگل ها، مراتع عمومی و زمینهای خالصه ای را که هنوز میان دهقانان تقسیم نشده است، بصورت مالکیت عموم خلق در دست دولت متمرکز میکند.

وسائل تولید، مؤسسات و اموالی که شرکتهای تعاونی تولید و مصرف دهقانی و دیگر سازمانهای تعاونی شهری و روستائی برای انجام وظایف اساسنامه ای خود در اختیار دارند یا

خواهند داشت، ملک جمعی تعاونیهای مزبور بشمار میروند و مجموعاً بخش تعاونی اقتصاد را تشکیل میدهند. استفاده مجانی از زمینهایی که دولت در اختیار تعاونیها قرار میدهد، مورد تضمین است.

دولت موظف است سهم بخش دولتی و تعاونی را در مجموع اقتصاد کشور بطور مستمر گسترش دهد.

بخش خصوصی آن رشته هائی از صنعت، کشاورزی و بازرگانی و بطور کلی آن قسمت از فعالیتهای اقتصاد کشور را، که طبق قوانین در عداد فعالیت بخش دولتی و تعاونی اقتصاد قرار نگرفته است، در بر میگیرد. مالکیت در بخش خصوصی اقتصاد، تا آنجا که موجب تحکیم و تقویت استقلال و موجب رشد و پیشرفت اقتصادی کشور و برآوردن نیازمندیهای مصرفی و خدماتی مردم است و طبق قوانین و نقشه های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار میگیرد، از حمایت قانونی برخوردار است.

بکار بستن اصول برنامه ریزی، سازماندهی و اداره علمی رشته های مختلف اقتصاد در عداد وظایف اساسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است. نقشه اقتصادی دولتی باید تکامل همه پیوند و هماهنگ کلیه مناطق کشور و همه بخشهای فعالیت اقتصادی را تأمین نماید. در تنظیم نقشه اقتصادی، همه مردم ایران از طریق شوراهای منتخب خود در مقیاس ده، بخش، شهر، شهرستان و استان و هم چنین بوسیله اتحادیه های کارگری و دهقانی و دیگر سازمانهای صنفی و اجتماعی خلق شرکت خواهند نمود.

۲- حزب توده ایران پیشنهاد میکند که اصول اساسی سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران بشرح زیرین در قانون اساسی خلاصه شود:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدم تعهد، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی، بر اساس حفظ صلح و امنیت بین المللی، عدم تجاوز به خاک کشورهای دیگر، حسن همجواری با همسایگان، همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاریهای بین المللی و گسترش مناسبات دوستانه میان دولتها، بر مبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، قرار میگیرد. همبستگی و پشتیبانی از حقوق ملتها و خلقهایی که علیه استعمار، نواستعمار، امپریالیسم، صهیونیسم، فاشیسم و تبعیض نژادی برخاسته اند، در زمره اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بشمار میرود.

۳- پیشنهاد میشود که درباره حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن به نظریات زیرین

حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال می کند و شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده، که از طرف اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که به تصویب مجلس شورای ملی می رسد، نسبت بامور داخلی قلمرو خود و در حد مسئولیت ها و وظایف خود حاکمیت خلق را اعمال می کنند.

تقسیمات کشوری باید بر پایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال می کنند، که حدود آنها قانون تعیین می کند. زبان مورد تکلم در هر واحد ملی، در جنب زبان فارسی، برای آموزش، مکاتبات و اسناد رسمی ادارات محلی، مذاکرات شوراهای و محاکمات رسمیت دارد.

۴- حزب توده ایران پیشنهاد می کند که در مورد حقوق زنان نکات زیرین تصریح شود:

قانون اساسی حقوق کامل سیاسی، اقتصادی، اداری، مدنی، اجتماعی و فرهنگی زن را تضمین می کند. تأمین برابری حقوق زن و مرد شرط اساسی تحول بنیادی جامعه و ترقی آنست.

۵- پیشنهاد می شود که ذیل اصل ۴۸ پیش نویس قانون اساسی درباره انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی، حکم زیرین وارد گردد:

کرسیهای نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای، به نسبت آرائی که بهر یک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع میشود.

۶- پیشنهاد می شود که اصلاحات لازم در طرح قانون اساسی در ارتباط با مسائلی که ذیلا ذکر شده است، انجام گیرد:

هر یک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق باید بوسیله دولت تأمین گردد. تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای چه در سطوح کارگاهی و حرفه ای و چه در مقیاس

سراسری کشور، حق مسلم کلیه کارگران و زحمتکشان شهروده است. چگونگی شرکت واقعی اتحادیه ها در کلیه اموری که مربوط به فعالیت تولیدی و شرایط کار و زندگی زحمتکشان است، بوسیله قانون و یژه ای تأمین می شود.

همه افراد کشور حق آموختن دارند. آموزش مجانی است، و در حدودی که قانون معین می کند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر را برای همگان تأمین می کند و امکان دسترسی همه را به آموزش و پرورش، آموزش حرفه ای و فرهنگ سازمان می دهد. داشتن یک مسکن مناسب برای زندگی حق طبیعی افراد کشور است. دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید، و براساس اولویت زحمتکشان روستائی و شهری، تدریجاً طبق نقشه سنجیده ای، برخورداری همه افراد را از این حق فراهم سازد.

۷- در قسمت مربوط به شکنجه نکات زیرین تصریح گردد:

هر گونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی نسبت باشخاص، چه بدستور مقامات دولتی و قضایی باشد و چه خود سرانه از جانب ماموران دولتی اعمال گردد، شدیداً مستحق تعقیب و مجازات است.

اعتراف یا شهادتی که با شکنجه، تنبیه، اکراه و اجبار گرفته شده باشد، فاقد ارزش و خالی از هر گونه اعتبار است. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می کند.

در جستجوی رفقای شهید در نبرد مسلحانه بهمن ۵۷

در قیام مسلحانه بهمن ماه ۱۳۵۷، عده ای از رفقای ما مسلحانه شرکت داشته و جمعی از آنها شهید شده اند. بعلمت شرایط کار مخفی، متأسفانه نام برخی از این شهیدان توده ای با وجود تلاشهایی که تا کنون از جانب حزب انجام گرفته، بدست نیامده است. بهمین جهت ما بناچار از همه در این زمینه کمک می طلبیم؛ باشد که با کمک مردم و مبارزان انقلابی، رد پای این شهیدان راه آزادی و استقلال ایران پیدا شود.

صحبت بر سر یک گروه شش نفری و رابط آنهاست. مشخصات رابط بقرار زیرین است: نام مستعار وی «عباد» بوده است. وی اهل خوزستان بوده و در سال ۱۳۵۳ در رسته توپخانه، در مرکز توپخانه اصفهان خدمت سربازی کرده است. او یکماه قبل از قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ دستگیر و سپس آزاد شده است. در تهران شغلش کفاشی بوده است. وی همراه با گروه شش نفری رفقای مسلحانه در قیام بهمن ماه شرکت کرده است. در بجهت نبرد مسلحانه، یکبار رابط خود را دیده و گفته است که، شش رفیق دیگر شهید شده اند. پس از قیام بهمن ماه از خود او نیز دیگر اثری نیست.

از هرکس که در این زمینه اطلاعی دارد، خواهشمند است که به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران مراجعه کند.

با سپاس
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳ تیر ماه ۱۳۵۸

نظر حزب توده ایران درباره انتخابات مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی

هموطنان عزیز!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، طی نامه سرگشاده ای، پیش نویس قانون اساسی را در مجموع مثبت ارزیابی کرده و نظر خویش را درباره اصلاح و تکمیل و رفع نقائص پیش نویس قانون اساسی بتفصیل اعلام داشته است.

اینک مجلس بررسی نهایی پیش نویس قانون اساسی تشکیل میشود و قرار است انتخابات این مجلس در مرداد ماه انجام پذیرد.

انقلاب بزرگ مردم ایران هدفهای زیرین را در برابر خود قرار داده بود:

ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژیک، سرنگون ساختن رژیم سلطنتی وابسته پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی، تأمین و تضمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک، سالم سازی و نو سازی اقتصاد ملی در جهت تأمین استقلال اقتصادی کشور و بهبود زندگی مردم، تأمین و تضمین حقوق ملی خلقهای ایران و اتخاذ سیاست خارجی مستقل، غیر متعهد، صلحجویانه و برابر حقوق.

پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران، بقیمت قهرمانیها و فداکاریهای کم نظیر توانسته است تا کنون به دستاوردهای بزرگی بشرح زیرین نائل آید:

سرنگونی رژیم سلطنتی وابسته پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی، محاکمه و مجازات عده ای از عمال تبه کار و خیانتکار رژیم گذشته، مصادره بخشی از اموال غارتی خانواده پهلوی که در ایران باقی مانده بود، ملی کردن بانکها و بیمه های خصوصی، ملی کردن صنایع متعلق به سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، خروج از پیمان تجاوزکارانه سنتو و وارد ساختن ایران در

جرگه خلقهای غیر متعهد، بر چیدن پایگاههای نظامی امریکائی از ایران و اخراج بخش بزرگی از مستشاران امریکائی و انگلیسی، خودداری از فروش نفت به اسرائیل و افریقای جنوبی، استقرار روابط سیاسی با جنبش رهائی بخش فلسطین، قطع رابطه با رژیم سادات، تأمین آزادی احزاب، سندیکاها، مطبوعات و اجتماعات، اقداماتی بسود قشرهای زحمتکش جامعه و غیره.

هیچ انقلابی در ایران، در گذشته، به چنین دستاوردهای بزرگی نائل نیامده بود. در تثبیت این دستاوردهای مهم و گسترش آن، حزب توده ایران رهبری قاطع و بصیرانه امام خمینی را دارای سهمی انکار ناپذیر میدانند.

ضدانقلاب می کوشد تا با ایجاد توطئه های رنگارنگی از «چپ» و راست در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر انقلاب ایران و دستاوردهای مهم آن سایه بیفکند و تا آنجا که بتواند رهبری انقلاب را تضعیف کند، از تبلور نتایج عملی انقلاب جلوگیری بعمل آورد و آن را مسخ و دم بریده سازد. ضدانقلاب تمام مساعی خویش را برای توطئه گری علیه تصویب هر چه سریعتر قانون اساسی و مثله و مسخ کردن آن در جهت ضد خلقی بکار میبرد.

بر پایه دفاع از دستاوردهای انقلاب و مبارزه بخاطر تثبیت و گسترش آن و برای عقیم ساختن توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی مربوط به «مجلس بررسی نهائی» شرکت میجوید و بنوبه خود از نیروهای سیاسی و اجتماعی دعوت میکند که در این جهت صحیح عمل کنند.

حزب توده ایران پشتیبانی از دستاوردهای انقلاب و مبارزه برای تثبیت و گسترش آن و پشتیبانی از رهبری امام خمینی را از شرایط اساسی یک نامزد شایسته «مجلس بررسی نهائی» میشمرد و آمادگی خود را برای مشورت با احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی بمنظور تعیین چنین نامزدهائی اعلام میدارد و برای اینکار عملاً نیز اقدام خواهد کرد.

حزب توده ایران آماده است تمام مساعی خود را در راه تنظیم یک قانون اساسی در خورانقلاب ایران و خلقهای فداکار این سرزمین بکار برد و به اهمیت عظیم تاریخی این مسئله نیک واقف است.

همه با هم در راه یک قانون اساسی ملی، دمکراتیک، خلقی و مترقی، که بتواند در جامعه عدالت را برقرار کند و آن را بسوی استقلال، دمکراسی، ترقی و رفاه همگانی سوق دهد و نام میهن کهنسال ما را در جهان باز هم بلند آوازه تر سازد!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۶ تیرماه ۱۳۵۸

روزی که اتحاد نیروهای خلق، توطئه ننگین امپریالیسم و دربار را خرد کرد

روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ نمایش عظیم و جانبازانانه مردم به دفاع از حکومت ملی دکتر مصدق که در سازماندهی آن حزب توده ایران سهم مهمی داشت، توطئه ننگین مشترک امپریالیستهای امریکا و انگلیس و دربار خائن پهلوی را در هم شکاند، حکومت دست نشانده قوام السلطنه را به استعفا و ادار ساخت و شاه را مجبور کرد بار دیگر دکتر محمد مصدق، رجل میهن پرست و رهبر جنبش ملی کردن صنایع نفت را، مأمور تشکیل کابینه کند. این روز در تاریخ مبارزات مردم ایران، روزی است بزرگ که جاودانه خواهد درخشید.

از جهت ظاهر امر، سیر حوادث بدین شکل بود که شاه مخلوع، محمد رضا پهلوی، پیشنهاد بجا و قانونی دکتر محمد مصدق را درباره واگذاری وزارت جنگ بدولت، با وقاحت ذاتی خویش رد کرد. سلسله پهلوی همیشه اصرار داشت که ارتش را مانند قرقگاه خاص در دست خود نگاه دارد و آنرا وثیقه حفظ امتیازات فرعونی خاندان راهزن و اربابان امپریالیستی خویش سازد.

دکتر مصدق در قبال این گستاخی قانون شکنانه محمد رضا پهلوی، معترضانه استعفا داد. شاه مخلوع این استعفا را با شتاب پذیرفت و احمد قوام، کهنه جاسوس امپریالیسم را مأمور تشکیل کابینه ساخت.

احمد قوام با اعلام «کشتیان را سیاستی دگر آمد» مهار قدرت را در دست گرفت و با اتخاذ لحن عتاب و خطاب، در صدد مرعوب ساختن مردم و سرکوب جنبش برآمد.

در قبال این وضع، حزب توده ایران، جبهه ملی و دیگر نیروهای ملی دست به تظاهرات وسیعی زدند که در تاریخ کشور ما تا آندوران کم سابقه بود.

آنچه که خصیصه برجسته این تظاهر عظیم است، آنست که علیرغم تلاش های همه

روژه تفرقه افکنان حرفه ای (از قبیل مظفر بقایی، خلیل ملکی و دیگران) توده ای و مصدقی ها برای نخستین بار در کنار هم عمل کردند، همراه هم دست به مبارزه زدند، با هم خون خود را نثار راه استقلال و آزادی ایران ساختند. با هم به ظفرمندی رسیدند و با هم در این پیروزی شادی کردند.

شاه دژخیم به ارتش دستور تیراندازی و کشتار وسیع داد تا تظاهرات خلق سرکوب شود و اراده شوم استعمار طلبان امریکا و انگلیس و دربار فائق گردد.

شایان یادآوری است که این جریان پس از انجام بست و بندین شرکت های امریکائی، انگلیسی و فرانسوی نفت انجام گرفت و زمانی بود که امپریالیسم امریکا، که تا مدتی مزورانه از تضادها برای تسلط بر نفت ایران استفاده میکرد، تماماً در موضع سرنگون ساختن حکومت ملی دکتر مصدق قرار گرفت.

نکته قابل توجه در جریان سی ام تیر، صرف نظر از اتحاد بی نظیر توده ها، بروز تزلزل در ارتش بود. برخی از افسران ارتش بر صحت دستور دربار برای کشتار مردم تردید کردند و از تیراندازی خودداری ورزیدند. با اینحال، بر اثر تیراندازی هائی که صورت گرفت، جمع کثیری از نمایش دهندگان توده ای و مصدقی و دیگر افراد میهن پرست در خون خود غلطیدند.

تعیین تعداد این شهیدان دشوار است و تنها نام و نشان جمعی از آنها روشن شده. هم چنین تعداد بزرگی از اعضای حزب توده ایران و جبهه ملی و دیگر نیروهای میهن پرست در این حادثه زخمی و مضروب شدند.

نمایش عظیم و متحد سی ام تیر اثرات خویش را بخشید. حکومت قوام مجبور به استعفا شد. توطئه با شکست روبرو گردید. اتحاد خلق به پیروزی رسید. مصدق باردیگر در میان شادی و خرسندی عمومی قدرت را به دست گرفت.

اهمیت تاریخی این حادثه در آن است که امروز نیز درس بزرگ سی ام تیر فعلیت و حاد بودن خود را کماکان حفظ کرده است.

اکنون ضد انقلاب به رهبری امپریالیسم امریکا و چاکر سرنگون شده اش شاه مخلوع و به انکاء عمال رنگارنگ راست و چپ نما در صدد هستند انقلاب ایران به رهبری امام خمینی را عقیم سازند. آنچه که امروز مطرح است، از جهت برد و بعد تاریخش، به مراتب از آنچه روز سی ام تیر ۱۳۳۱ مطرح بود، بزرگتر است. انقلاب ایران یکی از رویدادهای شگرف تاریخ معاصر بشری است. و پیروزی یا عدم پیروزی آن دارای دامنه بین المللی است.

تنها و تنها راه شکست قطعی و نهایی ضد انقلاب، که دمبدم پرخاشجو ترمی شود و در گستره های مختلف سیاسی، اقتصادی، اداری، و فرهنگی سنگربندی و موضع یابی می کند و با دست زدن به آدمکشی، خرابکاری، آتش سوزی، ترکاندن لوله های نفت، تحریک موزیانه احساسات ملی، تشویق کوچ مغزها، ایجاد روحیه هراس و تردید، تفتین بین نیروها، ایجاد آشفتنگی اقتصادی در تولید و توزیع و هزاران عمل ابلیسی دیگر، سعی دارد انقلاب بزرگ مردم

ایران را با شکست روبرو سازد، اتحاد همه نیروها، احزاب و سازمانها و پشتیبانی آنها از موضع گیری قاطع و پیگیر رهبری امام خمینی در مبارزه علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده شاه خائن است.

این یک نسخه امتحان داده و قطعی است که در مرحله اول انقلاب منجر به براندازی رژیم جابرپهلوی شد و در مرحله کنونی می تواند این پیروزی را تحکیم کند.
ما، در این لحظات تاریخی، با یادآوری از رویداد بزرگ سی ام تیر ۱۳۳۱، به خون پاک شهیدان این قیام، سوگند یاد می کنیم:

که در دفاع از انقلاب بزرگ خلق ایران پیگیر باشیم.

که در راه اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم.

که در مقابله با توطئه های آشکار و پنهان ضد انقلاب هشیاری نشان دهیم.

که مشی انقلابی و خلقی رهبری انقلاب ایران را در همه تجلیات مردمی آن مورد پشتیبانی قرار دهیم.

ما از حوادث دیروز نه تنها به خاطر عظمت آن، بلکه به خاطر امروز و فردای میهنمان یاد می کنیم، نه تنها خاطره شهیدان سی ام تیر و یاد دکتر محمد مصدق رئیس دولت ملی کشورمان را تجلیل می کنیم، بلکه از همه جانبازان طریق پرافتخار استقلال و دموکراسی درس می آموزیم و می کوشیم پیروان راه آنها باشیم.

■ جاوید باد خاطره قهرمانان خلق در دفاع از استقلال و آزادی!

■ نایوباد امپریالیسم و ارتجاع توطئه گر!

■ پیروز باد انقلاب بزرگ خلق ما!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۴ تیرماه ۱۳۵۸

درباره تظاهرات و راهپیمایی سه شنبه

حزب جمهوری اسلامی از همه نیروهای اسلامی و ضد امپریالیستی دعوت کرده است که در روز سه شنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۵۸ در یک راه پیمائی برای ابراز وحدت نیروهای خلق در دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب شرکت کنند.

با کمال تأسف، حزب جمهوری اسلامی اعلام داشته است که نیروهای شرکت کننده در این راهپیمائی، هیچگونه نشان و شعاری که معرف احزاب، سازمانها و گروهها باشد، همراه نیاورند. در حالیکه به نظر حزب توده ایران اتفاقاً برای بیان اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و ضد امپریالیست، صحیح تر این بود که این نیروها در عین حفظ نشان و شعار خود، زیر یک شعار واحد، یعنی دفاع از انقلاب و رهبری انقلاب در این راه پیمائی شرکت میکردند.

در هر حال، حزب توده ایران به پیروی از مشی اصولی و پی گیر خود، بار دیگر آمادگی خویش را برای مبارزه در راه اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک به منظور تأمین استقلال ملی، تأمین حقوق و آزادی های دموکراتیک، برای سالم سازی و نوسازی اقتصاد ملی و بهبود زندگی زحمتکشان اعلام میدارد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۴/۲۴

حزب توده ایران در کارزار انتخاباتی

برای تشکیل مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی،
در این اقدام مهم برای دموکراسی و استقلال ایران،
شرکت می کند

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

کارزار انتخاباتی برای مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) آغاز شده است. حزب ما از نظر امام خمینی در باره ضرورت تشکیل هر چه سریعتر مجلس خبرگان پشتیبانی کرد، زیرا مانند وی معتقد است که تصویب هر چه زودتر قانون اساسی، برای تثبیت رژیم جمهوری اسلامی، یک امر حیاتی و تاخیر ناپذیر است.

ما نظر خود را در باره پیش نویس قانون اساسی، ضمن سند کمیته مرکزی حزب و ضمن مقالات تفصیلی منتشره در ارگان مرکزی حزب، بیان داشته ایم. حزب توده ایران تنها سازمان سیاسی موجود است که بشکل منظم و با صراحت و دقت، نظر خویش را در باره نکات مختلف پیش نویس قانون اساسی ارائه داده است.

متأسفانه این عمل از طرف سازمانهای دیگر انجام نگرفته و بهمین دلیل مردم ایران، در آستانه انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، نمیدانند کسانی را که انتخاب می کنند، در کدام موضع فکری نسبت به پیش نویس قانون اساسی قرار دارند و در مجلس آینده باین پیش نویس چگونه برخوردی خواهند داشت.

ارزیابی کلی ما در باره این پیش نویس آنست که، این سند (که بعنوان زمینه و پایه بحث، رضایت بخش است) باید در جهت انقلابی، خلقی و ضد امپریالیستی بهبود یابد، تکمیل شود و نقائص آن بر طرف گردد.

ما در عین حال، طی نامه سرگشاده ای شنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۵۸، از همه نیروهای سیاسی خواستار شدیم که برای نیل به یک نظر مشترک در مورد پیش نویس و یک روش مشترک در انتخابات مجلس خبرگان، برخورد مشورتی انجام گیرد. متأسفانه به این پیشنهادها توجهی نشد. حزب توده ایران برای شرکت مجدانه در انتخابات مجلس خبرگان، در نقاط معینی از کشور

نامزدهای خود را معرفی می کند، و در عین حال از آن نامزدهایی پشتیبانی خواهد نمود، که بر اساس سوابق مبارزاتشان، می توان به این نتیجه رسید که به پیش نویس قانون اساسی از دیدگاه نادرست و ارتجاعی برخورد نخواهند کرد.

پشتیبانی حزب ما از نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی دیگر، بار دیگر مظهر تلاش مشخص ما برای وحدت عمل نیروهای مترقی و انقلابی، در راه ایجاد یک نظام خلقی و آزاد در کشور ما و تبدیل دوران گذار و لاجرم آشفته کنونی، بیک نظام مترقی تثبیت شده بسود اکثریت قریب بتمام مردم ایران است.

حزب توده ایران فهرست نامزدهای انتخاباتی را در سند جداگانه ای نشر خواهد داد. نامزدهای انتخاباتی حزب از میان کارگران و روشنفکران سرشناس و مبارزی تعیین شده اند که هر یک پیشینه بزرگی از فعالیت سیاسی دارند و بدین سبب در محیط خود مورد احترام معنوی هستند.

زندگی نامه این نامزدها، نبرد طولانی و پررنج و پراز فداکاری آنها را علیه امپریالیسم و رژیم استبدادی دست نشانده پهلوی و ایثار بدون توقع آنها را در راه مردم ایران، ژرفای میهن پرستی و مردم دوستی آنها را نشان می دهد.

ما از کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران، بازرگانان میهن پرست، دانشجویان و جوانان، از همه مردم ایران، از زن و مرد، از همه کسانی که دارای شرایط انتخاب کردن هستند، دعوت میکنیم:

به نامزدهای حزب توده ایران برای مجلس خبرگان رأی دهید!
مطمئن باشید که آنها پیگیرترین سخنگویان منافع شما در این مجلس خواهند بود،

مطمئن باشید که آنها همیشه به منافع خلق، به استقلال و دموکراسی ایران، چنانکه زندگی آنها نشان میدهد، وفادار خواهند بود و از استقلال و دموکراسی ایران دفاع کرده و خواهند کرد.

حزب توده ایران را، علیرغم کارزار بهتان و افتراء دشمنان و مخالفان، با رأی خود همه جانبه تقویت کنید.

ما از رهبری انقلاب، از شورای انقلاب و از دولت خواستاریم، موافق وعده ای که داده اند، موافق موازین آزادی و دموکراسی، از حقوق حقه سیاسی و مدنی حزب ما برای شرکت آزادانه در انتخابات، استفاده آزادانه از رادیو و تلویزیون، استفاده آزادانه از مطبوعات، حرکت آزادانه در کشور و غیره دفاع کنند و به ضد انقلاب اجازه ندهند که با ایجاد فضای ارباب و تهدید و افتراء و دشنام مانع تحقق این حقوق شود.

ما از تمام سازمانها و گروههای سیاسی موجود، از همه مطبوعات توقع داریم، با احترام حقوق دموکراتیکی که برای خود قائلند، به حقوق دموکراتیک حزب ما احترام بگذارند، چنانکه ما

بنوبه خود با پی گیری کامل به حقوق دمکراتیک آنها احترام میگذاریم.

مردم ایران!

در انتخابات مجلس خبرگان، به نامزدهای حزب توده ایران، بعنوان پی گیرترین مدافعان منافع مردم، رأی دهید!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تهران — اول مرداد ۱۳۵۸

به نخست وزیر، دادستان دادگاه‌های انقلاب. رئیس کمیته مرکزی امام

حتماً اطلاع دارید که از چندی پیش عناصر مشکوکی به مراکز حزب توده ایران و دفاتر «مردم» ارگان مرکزی حزب ما و کتابفروشی‌ها و دک‌های روزنامه فروشی در شهرستانها، که نشریات و مطبوعات حزب ما را عرضه می‌دارند، هجوم می‌برند و ضمن دادن شعارهای دشنام‌گونه به حزب توده ایران، شیشه‌ها را می‌شکنند. نشریات، روزنامه‌ها، پوسترها و عکسهای شهیدان را پاره می‌کنند، خسارت مالی وارد می‌سازند و حتی پول موجود در کتابفروشیها و دک‌های روزنامه فروشی را بغارت می‌برند.

در چند روز اخیر هجوم این عناصر مشکوک شدت یافته است. آخرین نمونه آن، هجوم عناصر مشکوک به راه پیمائی اعضاء و هواداران حزب توده ایران در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸، بمناسبت سالگرد شهیدان سی ام تیرماه ۱۳۳۱، در این بابویه بود که منجر به زخمی شدن چهار نفر گردید. در روز یکشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۵۸، این عناصر مشکوک کار گستاخی را بجائی رساندند که برای نخستین بار جلو دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر «مردم» در تهران جمع شدند و با دادن شعارهای دشنام‌گونه به حزب توده ایران و سخنرانیهای تحریک آمیز و افترا آمیز علیه حزب ما، مدتی راه رفت و آمد را به دبیرخانه کمیته مرکزی و دفتر «مردم» سد کردند.

در تمام این موارد، مسئولین حزبی، جریان امر را به مقامات مسئول دولتی و به کمیته‌ها اطلاع داده و خواستار رسیدگی شده‌اند.

با اینکه مقامات مسئول دولتی و کمیته‌ها از این جریانات «ابراز تأسف» کرده و این اعمال ضد انقلابی را «تأیید نکرده‌اند»، ولی با کمال تأسف و تعجب تا کنون عملاً هیچگونه اقدامی برای جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی بعمل نیاورده‌اند.

بنظر ما، این تحریکات، که پشت سر آن مسلماً ضدانقلاب قرار دارد، جز تشدید تفرقه

بین نیروهای راستین انقلابی و سرانجام تضعیف انقلاب و باز کردن راه برای ضد انقلاب هدفی ندارد، و بی توجهی و سهل انگاری مقامات مسئول دولتی و کمیته ها در اقدام جدی و قاطع و فوری برای جلوگیری از این اعمال ضد انقلابی نیز، چه بخواهند و چه نخواهند، چه آگاه باشند و چه نباشند چیزی جز تشویق ضد انقلاب به ادامه و تشدید اعمال ضد انقلابی نیست.

اینکه تا کنون تحریکات و خرابکاریهای عناصر مشکوک به درگیری و فاجعه تبدیل نشده، فقط محصول هشیاری، خونسردی و انضباط اعضا و هواداران حزب ماست، که با اتکا به مشی اصولی و انقلابی حزب، نمیخواهند و نمیگذارند بدست عناصر مشکوک و ضدانقلابی برای نیل بهدقهای شوم آنها بهانه داده شود.

ولی ما به شما هشدار میدهم که مسئولیت عواقب ناگواری که ممکن است با ادامه این تحریکات و اعمال ضد انقلابی پیش آید، بعده عاملین این تحریکات و اعمال ضد انقلابی، و همچنین مقاماتی است که جلوی این تحریکات و اعمال ضد انقلابی را نمیگیرند.

ما از شما مصرأ میطلبیم که قاطعانه و بیدرنگ تدابیر لازم را برای جلوگیری از تکرار این تحریکات و حفظ امنیت مراکز حزب و دفاتر «مردم» و جان مسئولین و افراد حزب ما اتخاذ کنید.

ما از همه نیروهای راستین انقلابی، از همه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصینهای ملی، دمکراتیک و مترقی نیز میطلبیم که باین تحریکات و اعمال ضدانقلابی اعتراض کنند و عاملان آنرا افشا نمایند. ما اعتقاد راسخ داریم که جبهه متحد همه نیروهای ضد امپریالیست و دموکراتیک میتواند توطئه ها و تحریکات گوناگون ضد انقلاب را عقیم سازد.

در پایان، این واقعیت را هم یادآور میشویم که هر کس با تاریخ معاصر ایران، که با تاریخ حزب توده ایران آمیخته است، آشناست، میداند که هیچکس، با هیچ نیرو و با هیچ وسیله ای قادر نیست حزب توده ایران را از مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع، از پیکار برای استقلال، آزادی و پیشرفت میهن ما باز دارد.

با تقدیم احترام

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

اول مرداد ماه ۱۳۵۸

به همه مردم ایران، به همه سازمان‌ها و گروه‌های
هوادار انقلاب، به شورای انقلاب و دولت موقت،
به رهبر انقلاب امام خمینی

خطر بسیار جدی، دستاوردهای انقلاب را تهدید می‌کند

انقلاب بزرگ مردم ایران روزهای بسیار حساس و نگرانی آوری را میگذراند. از یکسو دستاوردهای انقلاب بطور چشمگیری گسترش پیدا میکند. شورای انقلاب، به پیروی از خواست اکثریت مردم و بویژه نیروهای ضد امپریالیستی و میهن دوست و مترقی، گامهای مهمی در جهت ریشه کن ساختن تسلط غارتگران امپریالیستی و خائنین وابسته به آنان بر میدارد و از سوی دیگر ضد انقلاب، مرکب از عوامل وابسته به امپریالیسم و بویژه وابستگان به امپریالیسم امریکا، انگلیس و صهیونیسم، با کمک ارتجاع داخلی در تمام جبهه‌ها به حادثه آفرینی، دسیسه سازی، نفاق افکنی، آتش افروزی و خرابکاری دست زده اند و هر روز دامنه فعالیت خود را گسترش میدهند.

محافظ وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران، که از گسترش دستاوردهای انقلاب در جهت منافع خلق (مانند ملی شدن بانکها و شرکتهای بیمه، ملی شدن بخشی از کارخانه‌های بزرگ و صنایع کلیدی و مصادره بخشی از اموال غارتگران و دزدان و خائنین) و از گسترش دستاوردهای انقلاب در سمت مبارزه با رباخواری و تراکم ثروت، سفته بازی زمین و غیره ناخشنود است، میکوشد تا از شتابگیری بیشتر این روند کلی جلوگیری کند و در صورت امکان آن را بمقرب برگرداند. این تلاش، در عمل، آگاهانه یا ناآگاهانه، بسود ضد انقلاب است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در تحلیلی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، از آینده گسترش پیشامدها داد، این وضع را بدرستی پیش بینی کرد. در گزارش هیئت اجراییه کمیته مرکزی به پلنوم ۱۶، در اسفند ماه ۱۳۵۷ در این زمینه چنین گفته شده است:

«... جنبش، با مسائل بسیار بفرنجی زو برو است. امپریالیسم و ارتجاع ایران، که هنوز سنگرهای مهمی را در دستگاههای دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در

اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب تازه بر چهره زده اند و از در آشتی با جنبش خلق در آمده اند تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جا بزنند و اهرم های فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دوباره با یک توطئه خانانانه جنبش را غافلگیر کرده و سرکوب نمایند...

مسلم است که بورژوازی لیبرال، که تا کنون با جنبش همراه بوده، میکوشد جنبش را در چارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگهدارد و جنبه های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواستهای طبقات و قشرهای محروم جامعه، بورژوازی لیبرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با باقیمانده های نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آنرا برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان بکار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم همین پدیده ها رشد کنند.»

با کمال تأسف باید پذیرفت که غیر از نیروهائی که آگاهانه برای جلوگیری از گسترش انقلاب و تثبیت دستاوردهای آن گام بر میدارند، گروهها و نیروهائی از خلق هم هستند که با عمده کردن جهات فرعی از خواستهای خلقی و یا لاقط جهات غیر عمده در لحظه کنونی، با ارزیابی نادرست از لحظه ای که ما در آن قرار گرفته ایم و یا با پافشاری و تلاش برای برقراری سلطه انحصاری طرز فکر جامد و قشری خود، مسائل و خواستهائی را مطرح میکنند و یا دست به اقداماتی میزنند که مورد بهره گیری از سوی ضد انقلاب قرار میگیرد. این گروهها و نیروها، که در جناحهای افراطی راست و چپ جنبش قرار گرفته اند، با تلاشها و اقدامات انحصار طلبانه قشری و یا با موضعگیریها و اقدامات ناسنجیده سیاسی، ناآگاهانه به ضدانقلاب وسیله و امکان میدهند که فوراً عوامل خود را با پرچم های افراطی آنان به میدان وارد کنند، آنها را بجان همدیگر بیندازند و آتش جنگهای داخلی را در جبهه نیروهای انقلابی برافروزند، آنهم درست در لحظه ای که امپریالیسم امریکا میکوشد، تا با دستیاری عوامل خود، گام بگام مواضع از دست رفته را دوباره بدست آورد و مواضع باقیمانده را حفظ و محکم کند.

در چنین جوی ممکن میشود که یک گروه ساواکی، هم شعار «مرگ بر کمونیسم»، «مرگ بر توده ای خائن» و هم شعار «مرگ بر خمینی» را روی دیوارها بنویسد.

حزب توده ایران تا کنون پیوسته با پیگیری کوشیده است تا زمینه اتحاد همه نیروهای انقلابی را برای ادامه سمتگیری واقعی انقلاب ایران، یعنی پیشروی بدون تزلزل بسوی هدفهای اساسی این انقلاب بوجود آورد و عمل همه نیروهای میهن پرست را در جهت ریشه کن ساختن تسلط غارتگرانه امپریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، ریشه کن ساختن نفوذ صهیونیسم، تأمین استقلال همه جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی میهن ما، تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی در چهارچوب انقلاب خلق، تأمین عدالت اجتماعی، کوتاه کردن دست غارتگران و بهبود بنیادی شرایط زندگی ده ها میلیون مردم زحمتکش و محروم شهر و ده سوق دهد. ما با اراده خستگی ناپذیر این کوشش را دنبال میکنیم و با احساس مسئولیت تاریخی، وظیفه خود میدانیم که هرچندی یکبار، نظر روشن خود را در اختیار همه نیروهای راستین انقلابی و همه علاقمندان

به استقلال و تمامیت ارضی و آزادی میهن و پیشرفت اجتماعی و بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان شهر و ده و سایر محرومان جامعه بگذاریم.

در لحظه کنونی سه عامل مهم در جهت تضعیف انقلاب عمل میکنند. این سه عامل عبارتند از:

- ۱- فعالیت همه جانبه ضد انقلاب،
- ۲- اقدامات مخرب افراطیون راست و چپ،
- ۳- ضعف دولت در مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات اقتصادی و اجتماعی.

۱ امپریالیسم و ارتجاع در همهٔ جبهه‌ها مشغول حادثه آفرینی، توطئه چینی و خرابکاری هستند

حزب تودهٔ ایران با ارزیابی روشن امام خمینی موافق است که، امریکا را بعنوان دشمن و دسیسه کار شماره یک علیه انقلاب ایران افشا می کنند. در واقع انقلاب ایران، حتی بر پایه همان دستاوردهائی که تا کنون بآن رسیده است، اساس حاکمیت و سلطه امپریالیسم امریکا و صهیونیستهای اسرائیل را در منطقه خاورمیانه و نزدیک به شدیدترین وجهی بخطر انداخته است. در عین اینکه دولت امریکا اعلام میکند که میخواهد مناسبات عادی دوستانه با جمهوری اسلامی ایران برقرار کند، ولی با تمام نیرو، همه عوامل را که به شکلی از اشکال بتوانند برای هدفهای سیاست امریکا سودمند باشند، بکار انداخته است تا از تثبیت جمهوری اسلامی ایران، حتی در چهارچوب دستاوردهای کنونی اش، جلوگیری کند و چرخ تاریخ را به عقب برگرداند و ایران را مجبور به تسلیم به خواستهای تجاوزکارانه و غارتگرانه خود سازد.

اقدامات امپریالیسم امریکا، از تهدید و فشار و شانتاژ سیاسی، حتی بصورت تدارک هجوم نظامی به مناطق نفت خیز خلیج فارس، آغاز میشود و از دهها راه تاریک ترورهای سیاسی، تفرقه افکنی، نفاق اندازی، خرابکاری در ادارات و مؤسسات اقتصادی، فشارهای اقتصادی، تجهیز باندهای دزد و غارتگر و آشوبگر و تحریک بوسیله مطبوعات مزدور عبور میکند و بسوء استفاده مودیانه و مزورانه از اختلافات ایدئولوژیک، سیاسی، ملی و طبقاتی و همچنین بهره برداری خرابکارانه از تمایلات قدرت طلبی و انحصار جویی گروهها و شخصیت های مذهبی و سیاسی میرسد. طیف دسیسه های امپریالیستی، که بر تجارب ابلیسانه زیادی مبتنی است، بسیار وسیع است.

مأموران ساواک، وابستگان به رژیم سرنگون شده شاه خائن، وابستگان به سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیسم، افسران برکنار شده ارتش و پلیس و ژاندارمری و آن دسته از عوامل رژیم سابق، که هنوز بر رأس پستهای حساس قوای مسلح هستند، او باش و اراذل

از نوع شعبان بی مخ ها و منصور باقریان ها، زیر رهبری کارشناسان امریکائی خرابکاری و خیانت و آدمکشی، آزادانه مشغول گسترش هر روز بیشتر فعالیت خویش علیه انقلاب هستند. بخش مهمی از این عوامل، که در گذشته، در تمام سازمانهای دولتی، پستهای حساس را داشته اند، این پستها را همچنان نگهداشته اند و از دیر زمانی، برای اشغال پستهای کلیدی، ماسک «مذهبی» بخود زده اند و زیر پوشش «مبارزه با کمونیسم» میکوشند انقلاب را از دستگیری علیه دشمنان واقعی اش، یعنی امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و دارودسته شاه خائن منحرف سازند و قشرهای ساده انقلابی را علیه نیروهای انقلابی چپ در ایران و علیه کشورهای سوسیالیستی، که یگانه دوستان واقعی جنبش های راستین ضد امپریالیستی در سراسر جهان هستند، برگردانند.

سیاست دشمنی با کمونیست ها

درست مانند زمان شاه مخلوع، سیاست «دشمنی با کمونیستها» و «دشمنی با حزب توده ایران» و «دشمنی با کشورهای سوسیالیستی» و بویژه «دشمنی با اتحاد شوروی»، بصورت مهم ترین وسیله تبلیغاتی امپریالیسم و ضدانقلاب برای تضعیف جنبش انقلابی ایران در آمده است و چه بسا عناصر صادق انقلابی، که بر اثر ناآگاهی، در این دام خطرناک می افتند.

محافل وابسته به امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده شاه خائن، از یکسو بدست عمال ساواک و سیا و موساد، زیر نام گروه «فرقان» شخصیت های مذهبی را بخون میکشند و از سوی دیگر در میان مردمی که بحق بر اثر این توطئه های جنایت آمیز عصبانی شده اند بوسیله عمال دیگر خود، شعار «مرگ بر کمونیسم»، «کمونیستها اعدام باید گردند» را پخش می کنند.

همین محافل، بدست عناصر و گروه های ماسکدار خود از قبیل مائوئیستها از یکسو «ساواکهای تازه مسلمان شده» از قماش «تهرانی» هائی که آزادانه در خیابانها میگردند، از سوی دیگر، نیروهای چپ و راست افراطی را علیه هم تحریک میکنند. در همین میان نازنجکی را در مسجد خرمشهر منفجر میکنند و بعد در اطراف آن چنان جو تبلیغاتی بوجود می آورند که حتی کسی مانند آیت الله منتظری، با آن همه تجربه زندگی، در دام میافتد و اظهار نظری آنقدر نا عادلانه ابراز میکند. همین ساواکها در روستاها خرمنها را آتش میزنند، کارگران را تحریک میکنند، بوسیله مطبوعات وابسته به رژیم سابق، که در اختیار آنهاست، زیر ماسکهای گوناگون هواداری از «چپ»، هواداری از «دموکراسی» فضای سیاسی را مسموم میسازند و بعد بوسیله عناصر خود در راست، با همین بهانه ها یک جو ضد نیروهای راستین انقلابی، ضد کشورهای سوسیالیستی، که کوچکترین ارتباطی با همه این جریانات ندارند، بوجود میآورند. عناصر ضد انقلاب و موساد و ساواک، از یکسو از راه کشورهای ارتجاعی عربی، از راه

پاکستان و خلیج فارس اسلحه به ایران وارد می کنند، که بخشی از آنها سلاحهائی است که اسرائیل از خلع سلاح چند ارتش مصری در صحرای سینا بدست آورده، یعنی همان سلاحهائی که اتحاد شوروی به جمال عبدالناصر برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم داده بود، و از سوی دیگر، مستقیم و غیر مستقیم، بوسیله عوامل خود در رادیو و تلویزیون و مطبوعات، بوسیله مأموران خود در میان گروههای افراطی راست، این افسانه را شایع میکنند که چون بخشی از این سلاحها ساخت شوروی است، پس اتحاد شوروی این سلاحها را پخش میکند و چون اتحاد شوروی پخش میکند، پس کمونیستها هستند که گویا در این توطئه ها دخالت دارند! امپریالیستها آنقدر ماهرانه این بازی جهانی را روی صحنه میآورند که گاه حتی عناصر با حسن نیت را دچار تردید میسازند.

سخن کوتاه، امپریالیسم، صهیونیسم، و بازماندگان رژیم شاه مخلوع، نیروهای بهم ریخته و فراری خود را هر روز بیشتر گرد هم میآورند، متشکل میسازند، مجهز میکنند و از راه های مختلف برای ترور، خرابکاری، آتش سوزی، فلج کردن اقتصاد، دامن زدن به ناخرسندیهای مردم، نفاق افکنی، تفرقه اندازی، برپا کردن جنگهای برادر کشی خانگی و... وارد میدان عمل میسازند و هر روز گستاخ تر میشوند.

۲. مجموعه اقدامات زیان بخش گروه های افراطی راست و چپ و پیامدهای خطرناک آن، دومین عامل را تشکیل می دهد که به وسیله آن، ناآگاه آب به آسیاب دشمنان انقلاب ایران ریخته می شود

ما بر حذر باشای امام خمینی را تأیید میکنیم که هر روز و تقریباً در هر برخورد با دیدارکنندگان، روی اهمیت تاریخی وحدت همه نیروهای ضد امپریالیست و مدافع منافع خلق های زحمتکش تکیه میکنند.

نیروهای افراطی راست و چپ، بنظر ما، آگاهانه وابسته به امپریالیسم و رژیم گذشته نیستند، ولی بعلت کومه نظری در سیاست، همه چیز را تنها از دریچه های تنگ افکار قشری راست و یا چپ خود میبینند و «صحت» نظر خود را مطلق میسازند و با هر آنچه عیناً با آن انطباق نداشته باشد، از در ستیز در میآیند و میکوشند با اعمال بی رویه و غیر منطبق با اصول آزادی و برابری، نظریات خود را بر دیگران تحمیل نمایند. پیامد عمل این افراطی های راست و چپ این است که، مسائل فرعی برای آنها، حتی درحسام ترین لحظات خطرناک برای مجموعه جنبش، اهمیت درجه اول پیدا میکند و در نتیجه توجه شان به مهمترین جهات مبارزه انقلابی

نظریات افراطی های مذهبی بر خلاف نظریات امام خمینی است که عقیده دارند، برخی روحانی نماهای نادرست حتی از ساواکیها هم بدترند. افراطیهای مذهبی معتقدند که هر کس، در هر جای، به راست زیر پرچم اسلام و یا به دروغ با ماسک اسلام عملی کرد، بحق است، ولی هر کس، در هر جای، نظریات اجتماعی و فلسفی دیگری را، هر قدر هم انسانی و عادلانه باشد، دنبال کرده، ناحق است و باید نابود گردد. برای این قشریون راست دشمن عمده، امپریالیسم امریکا نیست. ما شاهد آن بوده ایم که در تظاهرات گوناگون، این قشریون کوشیده اند شعار گویای «مرگ به سه مفسدین: کارتر و سادات و بگین»، را مسکوت گذارند و شعار «اسلام پیروز است، کمونیسم نابود است» را طنین انداز سازند. یعنی شعاری که امریکا و صهیونیسم را فراموش میکند و هدفش منحرف کردن سمتگیری اصلی انقلاب همه خلقهای محروم جهان، یعنی سمتگیری ضد امپریالیسم و صهیونیسم است، شعاری که از جمله مستقیماً علیه مبارزه خلق فلسطین است.

پیامد این موضعگیری اینطور میشود که برخی از همان کسانی که علیه تسلط امپریالیسم و تحریکات صهیونیسم در ایران مبارزه کرده و میکنند، خون داده و آماده جان دادن هستند، از رژیم ارتجاعی نظامی پاکستان، که تارو پودش با امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع بهم پیوسته است، پشتیبانی نمایند، از توطئه رژیم ساواکیها و ملاکان خون آشام افغانستان علیه رژیم خلقی آن کشور (تنها بر این پایه که این خرابکاران بدروغ و به ریا ماسک تزویر آمیز مبارزه در راه اسلام را بر چهره خود زده اند) حمایت کنند و بیلیون بیلیون پول زحمتکشان و مستضعفین ایران را برای پشتیبانی غارتگران رژیم پوسیده سلطنتی افغانستان بپردازند.

توسعه نفاق بین نیروهای ضد امپریالیستی و خلق

بطور کلی عمل نیروها و گروههای افراطی راست، که در بسیاری از احزاب و گروههای مذهبی هم جا گرفته اند و در سیاست آنها تاثیر میگذارند، بطور عمده در جهت توسعه نفاق در میان نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی، هم در درون جامعه ایران و هم در میان جبهه ضد امپریالیستی در مجموعه منطقه است. پیامد این سیاست، آبی است که ناآگاهانه به آسیاب دشمنان انقلاب ایران ریخته میشود.

و اما پیامد سیاست قشری و کوتاه بینانه گروههای افراطی چپ هم از این کمتر زیانبخش نیست. این گروهها، که ما در صداقتشان تردید نداریم، چه در گذشته، با توسل به شیوه های نادرست مبارزات تروریستی و چه پس از انقلاب، با توسل به شیوه های وحدت شکنانه گروهی و قشری، بصورت مانعی در راه تفاهم نیروهای راستین انقلابی مذهبی و هواداران سوسیالیسم علمی در آمده اند و با موضع گیریهای نادرست خود در عمده ترین مسائل

سیاسی در لحظه کنونی، نقش مؤثری در رشد نهادهای نفاق افکنانه در میان نیروهای را داشته و دارند که بالقوه به جبهه متحد خلق تعلق دارند، جبهه ای که هدفش در لحظه کنونی ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و همدستانش و نابود ساختن بقایای رژیم سرنگون شده شاه خائن، تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک و ایجاد تغییرات بنیادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران است.

این گروههای افراطی چپ، با ارزیابی نادرست خود از این نیروهای بالقوه و از دوستان و دشمنان واقعی انقلاب ایران در دوران پس از انقلاب، عملاً در زمینه مهمترین مسائل، در کنار نیروهای وابسته به ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفته اند. تصادفی نیست که مقالات این گروهها در درجه اول از طرف آن روزنامه های مورد پشتیبانی بی قید و شرط قرار می گیرد که صاف و ساده گردانندگانشان از وابستگان شناخته شده ساواک هستند و آگاهانه به امپریالیسم و رژیم سرنگون شده شاه خائن خدمت کرده اند. تصادفی نیست که تا کنون تمام تیزی تبلیغاتی این گروههای افراطی چپ، همراه با همان روزنامه ها، علیه حزب توده ایران بوده است. تصادفی نیست که موضعگیری ها و فعالیت سیاسی این گروهها تا همین اواخر در بسیاری از موارد — اگر نگوئیم در همه موارد — (از جمله در مورد تحریم رفتار دوم برای جمهوری اسلامی) منطبق یا بموازات موضعگیریها و اقدامات سیاسی گروهکهای چپ نما مانند گروهکهای مانوئستی و ترونسکیستی و نظایر آنها بوده است، که همگی شان به انحاء و اشکال مختلف با امپریالیسم و ضد انقلاب همکار و همگامند.

می خواهند مشکلات غیر قابل حل به وجود آورند

یک رشته موضعگیریها و اقدامات گروههای چپ افراطی و ملی گرا در کردستان، خوزستان و گرگان و با ویژگیهای خاص در بلوچستان را نیز باید در همین چهار چوب مورد قضاوت قرار داد. در این میدانهای مبارزه، امپریالیسم و ارتجاع می کوشند نارضائیهای ناشی از سیاست رژیم گذشته را در زمینه حقوق حقه خلقهای غیر فارس ایران، با اختلافات مذهبی شیعه و سنی و همچنین اختلافات ناشی از مبارزات طبقاتی قشرهای محروم و زحمتکش علیه ملاکان و خانهای عشایر و سرمایه داران غارتگر، در کلاف سردرگمی بیچاندن و از آن مشکلی غیر قابل حل بوجود آورند. در چنین معرکه ای، هر اشتباه کوچک — چه رسد به اشتباهات بزرگ — نیروهای راستین انقلابی، به نیروهای افراطی راست امکان و بهانه میدهد که با ماسکهای گوناگون، مبارزه را از عرصه ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی اش خارج سازند و از سوی دیگر به امپریالیسم و ارتجاع امکان میدهد که از آب گل آلود ماهی بگیرند و با وارد ساختن عناصر خود در صفوف نیروهای راستین انقلابی، با دسیسه و تحریک، هر روز درگیریها را بفرنج تر بسازند و آتش نفاق و چند دستگی را بیشتر شعله ور کنند.

بنظر حزب توده ایران، در لحظه کنونی مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش این بخش از نیروهای انقلابی ایران، یعنی نیروهای صدیق افراطی مذهبی و افراطی چپ و ملی گرا است. ادامه این افراط گرایی زیانهای جبران ناپذیری به عمده ترین وظیفه روز همه نیروهای راستین انقلابی، یعنی تلاش در ایجاد جبهه متحد خلق علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم شاه مخلوع وارد می سازد. بنظر حزب ما، وظیفه تاریخی این نیروهاست که هر چه زودتر و بدون تأخیر، مجموعه سیاست خود را مورد تجدید نظر نقادانه قرار دهند و اشتباهات جدی خود را بشناسند و سمت گیری سیاسی خود را با خواست های عینی لحظه کنونی انقلاب ایران منطبق سازند. چنین موضع گیری انقلابی تنها با ابراز شهامت انقلابی امکان پذیر است.

۳. سومین عامل تضعیف کننده جنبش انقلابی، ناتوانی دولت در مقابله و مبارزه با مشکلات اجتماعی و اقتصادی است

این همان ضعفی است که بارها از طرف امام خمینی یادآوری شده است و در همه زمینه ها، یعنی در زمینه سیاست خارجی، سیاست داخلی، سیاست نظامی و سیاست اقتصادی چشمگیر است.

بدون تردید مشکلاتی که اکنون در مقابل انقلاب ایران قرار گرفته اند و گسترش آن را ترمز می کنند، سرچشمه های گوناگون دارند. این مشکلات بسیار زیاد و جدی هستند و در مجموع خود از ۴ منبع سرچشمه میگیرند:

اول: اریبه وحشتناک و درد آور رژیم غارتگر، جنایت پیشه و خائن سرنگون شده شاه مخلوع، یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم، و به سخن دیگر مشکلات ریشه کن ساختن وابستگی به امپریالیسم،

دوم: مشکلات ناشی از دوران مبارزه خلق علیه رژیم متغور پهلوی،

سوم: مشکلات ناشی از خرابکاری های پر دامنه دشمنان خارجی و داخلی انقلاب ما، یعنی امپریالیسم امریکا و همدستانش، بازماندگان رژیم خائن شاه سابق و محافل ارتجاعی ایران،

چهارم: مشکلات ناشی از تلاشهای نیروهای سازشکار وابسته به سرمایه داری بزرگ ایران، که گسترش انقلاب را در جهت تأمین منافع طبقات زحمتکش، مخالف منافع سودجو یانه خود میدانند و با تمام نیرو در صدد ترمز کردن گسترش خلقی انقلابند.

اینها مشکلات عظیمی است. میهن پرستان و مبارزان راستین انقلابی ایران خوب

میدانند که همه این مشکلات از امروز تا فردا حل شدنی نیستند. ولی آنچه مردم ایران خواستارش هستند، و متأسفانه تا کنون دولت نتوانسته است آن را انجام دهد، اینست که قانع شوند دولت، با بهره گیری از همه امکانات موجود، همه نیروهای خلق را برای رفع این مشکلات تجهیز می کند و بکار میاندازد.

درست در همین زمینه است که دولت تا کنون که نزدیک به شش ماه از پیروزی انقلاب می گذرد، ضعف و ناپیگیری و عدم قاطعیت نشان داده است. شش ماهی که گذشت، شش ماه حساس و دوران سازش از انقلاب بود، شش ماهی که شور انقلابی مردم و آمادگیشان برای کار سازنده، برای فداکاری در عالیترین سطح قرار داشت. شش ماهی که ارتجاع و امپریالیسم به علت از هم پاشیدگی دستگاههایشان، هنوز فرصت تجدید سازمان و آغاز حمله نداشتند.

در این شش ماه دولت، که از پشتیبانی امام خمینی و از حمایت اکثریت مطلق مردم برخوردار بود، اگر بشیوه های انقلابی به حل مشکلات برخورد می کرد و میتوانست در هر لحظه عمده را از غیر عمده جدا سازد، اگر دولت می توانست، بدون پیشداوریهای ذهنی، از همه نیروها و امکانات مادی و انسانی درون جامعه ما و امکانات عظیم مساعد جهانی بسود جنبش انقلابی ایران بهره گیری کند، انقلاب ایران میتوانست اکنون به دستاوردهائی به مراتب عظیم تر بیابد.

ما از آن دوریم که بخواهیم ادعا کنیم که در دوران ۶ ماهه پس از انقلاب کاری انجام نگرفته است. برعکس، بنظر ما دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران توانسته است در همین مدت کوتاه به بخش چشمگیری از آماج های خود برسد.

زیان هایی که به رشد جنبش انقلابی وارد آمده است

بحث ما درباره آن چیزهاییست که هم لازم بود و هم ممکن بود در این فاصله زمان انجام گیرد و تنها به علت ناتوانی دولت در برگزیدن شیوه های انقلابی، که یگانه شیوه مؤثر در دورانهای انقلاب است، انجام نگرفته و زیانهای بسیاری به رشد جنبش انقلابی ما در راه ریشه کن ساختن استعمار و استبداد وارد ساخته است.

این ناتوانی بطور عمده ناشی از موضعگیری روشن طبقاتی دولت است، سیاست دولت بطور عمده در چهارچوب خواستهای «سرمایه داری لیبرال» ایران حل میشود و روشن است که این خواستها بطور ریشه ای با خواستهای مجموعه جنبش انقلابی ایران، که بنا بگفته امام خمینی، انقلاب مردم زحمتکش شهر و روستا، یعنی کارگران و دهقانان و پیشه وران و دانشجویان و فروشندهگان خرده پا بوده است، تفاوت دارد.

انقلاب ایران چهار هدف عمده دو مقابل خود قرار داد، این چهار هدف که در راهنمائیهای امام خمینی بازتاب یافته اند، عبارتند از:

اول: برانداختن رژیم غارتگر، جنایت پیشه و خائن شاه،
دوم: ریشه کن کردن تسلط غارتگرانه و استیلا جویانه امپریالیسم و صهیونیسم و
بویژه امپریالیسم امریکا، که امام خمینی، بعنوان زبان گویای همه میهن-
پرستان ایران، آنرا دشمن شماره یک مردم ایران اعلام کردند،
سوم: تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای همه مردم ایران از زن و مرد و همه
خلق های ایران و حق تعیین سرنوشت برای ملت های ساکن کشور ایران،
چهارم: تأمین عدالت اجتماعی بسود محرومین جامعه، یعنی خاتمه دادن به غارتگری
چپاولگران رنگارنگ ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان و بهبود همه
جانبه زندگی مردم محروم و بویژه کارگران و دهقانان زحمتکش،
مسلمانا رسیدن به این هدفها کار آسانی نبود و هنوز هم نیست. برای رسیدن به این هدفها،
که تمام زندگی سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و فرهنگی میهن ما را، با همه پیچیدگی ها و
بفرنجی هایش، دربرمیگیرد، یک برخورد عمیقاً انقلابی و خلقی ضرورت دارد.
این برخورد باید برپایه تأمین منافع خلق، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران،
روشنفکران انقلابی و سرمایه داران کوچک و متوسط میهن پرست بنا شود. سیاست دولت در
برخورد با حرکت جنبش بسوی همه این آماج ها نیز غیر قاطع، ناپیگیر و متزلزل بوده و هنوز هم
ادامه دارد. مثلا در مورد ریشه کن کردن تسلط سیاسی - نظامی امپریالیسم امریکا، دشمن
شماره یک مردم ما، قرارداد دو جانبه ایران و امریکا، که بزرگترین سند خیانت رژیم شاه
مخلوع و سنگین ترین زنجیر اسارت بردست و پای خلق ما بود، هنوز بقوت خود باقیست و دولت
به بهانه های بکلی ناوارد، ازپاره کردن آن سرباز می زند. تا بحال در تمام تاریخ چند صد ساله
اخیر جهان دیده نشده است که خلقی از راه مماشات و سازش زنجیرهای اسارت استعماری و
امپریالیستی را پاره کرده باشد. هواداران سیاست امریکا در ایران، با استفاده از این روش
ماشات و سازشکارانه دولت، بخود امید میدهند که دوباره راه را برای بازگشت مستشاران
امریکائی به سربازخانه های ایران باز کنند و از این راه باز هم اولین ستونهای شبه کودتاها و
کودتاهای ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و ۲۵ تیر ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را با قیافه های
تازه ای پی ریزی نمایند.

ماشات با بازماندگان رژیم سابق در زمینه های اقتصادی

نمونه دیگر این سیاست ماشات دولت با بازماندگان رژیم سابق را، در زمینه اقتصادی
می بینیم. از همانروز پیروزی انقلاب روشن بود که بانکهای خصوصی یکی از عمده ترین
پایگاههای اقتصادی برای غارتگری انحصارهای مالی امپریالیستی و رژیم سرنگون شده وابسته
بان هستند و لذا لازم بود بیدرنگ تحت کنترل دولت انقلاب قرار گیرند.

دولت برای انجام این کار پنج ماه وقت گذاشت و پس از آنکه این بانکها، همانطور که هر کس میتواند پیش بینی کند، میلیاردها تومان به جیب سرمایه داران بزرگ و سایر غارتگران ریختند، با دستور شورای انقلاب به زیر کنترل دولت درآمدند.

این روش معاشات با غارتگران در همین زمینه باز باین صورت ادامه دارد که مدیران بانکها، تقریباً از میان همان کسانی انتخاب شده اند که در گذشته گرداننده این بانکها بوده اند، تنها با این تفاوت که آنها را کمی برزده اند و از این بانک به بانک دیگری منتقل ساخته اند.

نمونه دیگر را در برخورد دولت به مسئله ارضی می بینیم. وزارت کشاورزی پس از شش ماه که از انقلاب میگذرد و اینهمه در باره لزوم توجه به مسئله کشاورزی سخن پراکنی میشود، مانند کوهی بلرزه در میآید و موشی میزاید و بیک کلام «حفظ وضع موجود» را بعنوان محصول انقلاب ایران به میلیونها دهقان کم زمین و بی زمین وعده میدهد! واقعیت هم اینست که چگونه ممکن است یک زمین دار بزرگ حل مسئله ارضی را بسوزد دهقانان کم زمین و بی زمین حل کند.

آقای مهندس بازرگان تا کنون ناتوانی دولت را تنها به نداشتن اختیار و مداخله کمیته های امام در امور اجرائی و اختلاف نظر موجود بین رهبری و شورای انقلاب و دولت مربوط میکرد. مسلم است که وجود دو مرکز اجرائی در گذشته موجب مشکلاتی بوده است. ولی بنظر ما تصمیمات مربوط به ملی کردن بانکها و بیمه و بخشی از صنایع و یا اعدام انقلابی عده ای از جنایتکاران و گردانندگان رژیم گذشته و ساواکیها همه از مرکز دوم اجرائی، یعنی از شورای انقلاب و کمیته مرکزی انقلاب سرچشمه گرفته است و دولت در همه این زمینه ها نه تنها نقش مبتکر و فعال نداشته، بلکه در مواردی نقش جدی ترمز کننده را ایفا کرده است.

در هر حال با تصمیمات آخر تیرماه و ادغام شورای انقلاب و دولت، این بهانه دیگر وجود ندارد و آینده نشان خواهد داد که این ناتوانی در درجه اول ناشی از ماهیت طبقاتی دولت است — آنطور که تا کنون بثبوت رسیده — یا علل دیگری دارد.

منافع سرمایه داری لیبرال

این ناتوانی دولت در مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات عظیمی که در مقابل انقلاب ایران قرار گرفته، بطور عمده ناشی از اینست که سیاست دولت در چهارچوب منافع سرمایه داری لیبرال ایران محدود میشود. این قشر در انقلاب شرکت کرده، ولی هدفهایش با هدفهای مجموعه جنبش انقلابی، که در درجه اول متکی به طبقات محروم و زحمتکش جامعه است، تفاوتهای بنیادی دارد.

همه ضعفها و ناتوانیهای دیگر دولت در همه زمینه های عملکردش ناشی از همین وابستگی است. اینکه دولت در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا قاطعیت نشان نمیدهد، اینکه

دولت در مسئله تأمین آزادی های فردی و اجتماعی و تأمین حقوق خلقها سستی نشان میدهد و در مبارزه علیه گورکنان آزادی (بازماندگان رژیم سرنگون شده) مماشات میکند، اینکه دولت حتی از انتشار فهرست کارگزاران ساواک، که برخی از حساسترین پست های دولتی و اجتماعی و رسانه های گروهی را در دست دارند و با تمام نیرو از امکانات خود علیه انقلاب بهره گیری میکنند، خودداری میکند، اینکه افرادی از دولت بجای آنکه نیروی خلق، نیروی پاسداران و نیروهای دولتی در حال تجدید سازمان را برای مبارزه علیه ضد انقلاب، علیه عوامل امپریالیسم امریکا و اسرائیل و شاه مخلوع و علیه خرابکاران سیا و موساد و ساواک تجهیز کنند و آماده سازند، تنها تلاششان، تجهیز این نیروها علیه نیروهای انقلابی و میهن پرست داخلی است که با تمام جان در انقلاب شرکت کرده اند و از آن پشتیبانی می کنند و علیه کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی است که از انقلاب ایران پشتیبانی کرده و میکنند، اینکه در سیاست خارجی، از ترس اینکه مبادا «قلب لطیف» امپریالیسم امریکا جریحه دار شود، مثلاً هنوز از برسمیت شناختن کوبای انقلابی طفره میروند، اینکه دولت در مسئله بکار انداختن کارخانه ها از مراجعه به نیروی سازنده خلق، از بکار گرفتن بخش مهمی از میهن پرستان، بدلائل عقیدتی، خودداری میکند، آری همه اینها پیامد همان بیماری اصلی، یعنی موضعگیری طبقاتی دولت کنونی است.

این ناتوانی دولت، مقابله و مبارزه انقلابی با مشکلات، یکی از سه عامل عمده تضعیف کننده جنبش انقلابی در مرحله کنونی است و میتواند در کنار عوامل دیگر، موجب پیامدهای ناگوار و دردناک برای انقلاب شود. این ناتوانی دولت مستقیماً موجب تقویت عامل اول، یعنی فعالیت ضد انقلاب میشود و به آن امکان میدهد که هر روز بیشتر از نارضائیهای حاصله از این سیاست دولت بهره گیری کند.

جبهه متحد خلق: تنها راه

بنظر حزب توده ایران، یگانه راه چیره شدن سریع بر مشکلات عظیمی که در مقابل جنبش انقلابی میهن ما قرار دارد، بوجود آوردن جبهه متحد خلق از همه نیروهائی است که بدون چون و چرا خواستار رسیدن به چهار هدف اصلی انقلابند و دفاع از منافع مشترک توده های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و ده، یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران، روشنفکران میهن پرست و سرمایه داران کوچک و متوسط و ملی را در سراسر ایران پایه سیاسی و عملی خود قرار میدهند.

تنها تشکیل چنین جبهه ای میتواند همه نیروهای خلق را برای باز سازی و نوسازی اقتصادی و اجتماعی ایران مجهز کند، عناصر افراطی را منفرد سازد و دسیسه های امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را نقش بر آب نماید، دستاوردهای انقلاب را بازگشت ناپذیر کند و انقلاب را

با گامهای پرتوانتر و پر شتاب تر به پیش برزد. و چنین جبهه‌ای تنها بر پایه پذیرش یک برنامه روشن انقلابی میتواند بوجود آید.

حزب توده ایران تا کنون، در موارد گوناگون، بطور مشروح نظر خود را در باره برنامه حداقل یک چنین جبهه‌ای بیان داشته و پیوسته آماده است که با همه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی میهن پرست و مدافع منافع خلق برای پی ریزی این جبهه، با همه نیرو همکاری کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

تهران - دوم مرداد ۱۳۵۸

پیام تسلیت حزب توده ایران

به سازمان آزادیبخش فلسطین به مناسبت شهادت زهیر محسن

برادر هانی الحسن نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین!

ترور خائانه برادر مبارز، زهیر محسن، شخصیت انقلابی سازمان آزادیبخش فلسطین برای ما موجب نهایت تأسف و تأثر شد.

حزب توده ایران این اقدام ننگین را توطئه ای کثیف از جانب امپریالیسم، صهیونیسم و دست نشاندهگان رسوای آنان علیه جنبش رهائی بخش و انقلابی خلق فلسطین میداند.

حزب توده ایران با ایمان به پیروزی انقلاب خلق فلسطین بر رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین مراتب تسلیت و همدردی خود را به شما و به وسیله شما به برادر مبارز، یاسر عرفات، اعلام میدارد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۵/۷

همبستگی با خلق قهرمان فلسطین و وظیفه همه نیروهای انقلابی است

برادرهانی الحسن نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین!

امام خمینی، طی پیامی، آخرین جمعه ماه رمضان را روز همبستگی بین المللی در حمایت از حقوق ملی و قانونی خلق قهرمان فلسطین اعلام کرده اند.

این ابتکار رهبر انقلاب، در شرایطی که امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی یورش وحشیانه علیه خلق قهرمان فلسطین را بیش از پیش شدت میدهند و از هیچ عمل تبهکارانه ای برای ضربت زدن به سازمان آزادیبخش فلسطین و به انقلاب خلق زجرکشیده فلسطین روی گردان نیستند، اهمیت فراوان کسب میکند.

جنایت فجیع اخیر، که موجب شهادت زهیر محسن، یکی از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین گردید، و نیز نقشه ای که امپریالیسم امریکا طرح کرده است تا با همکاری سادات و بگین، یک خودمختاری دروغین را «حل عادلانه» مسئله فلسطین جلوه دهند، فقط جزئی از توطئه های جدید امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی علیه نهضت آزادیبخش مردم فلسطین است.

حزب توده ایران، که همگام با تمام نیروهای ضدامپریالیستی و آزادیخواه جهان، از بیکار عادلانه خلق عرب فلسطین در راه احیای حقوق ملی و تاریخی خود و بازگشت به وطن و تعیین آزاد سرنوشت و تشکیل دولت مستقل خویش، همواره بطور پی گیر پشتیبانی کرده است، از همه نیروهای ضدامپریالیست و آزادیخواه دعوت میکند که با شرکت فعال در این مراسم، باردیگر مراتب خشم و نفرت خود را نسبت به امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی و همبستگی انقلابی خود را با خلق قهرمان فلسطین ابراز دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۹ مردادماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران فعالیت سازمانی خود را در کردستان ایران آغاز می کند

حزب توده ایران، از بدو تأسیس خود، مبارزه برای برانداختن هرگونه محرومیت ملی را برای خلق های غیرفارس، که در سرزمین میهن ما زندگی می کنند، یکی از مهم ترین مواد برنامه سیاسی خود قرار داد.

حزب توده ایران از همان آغاز بر آن بود که وحدت ملی در کشوری که خلق های متعددی در آن زندگی میکنند، تنها و تنها بر پایه احترام متقابل این خلق ها بیکدیگر امکان پذیر است. این احترام متقابل می طلبد که در چارچوب تمامیت ارضی و مرکزیت دولتی کشور واحد، هر یک از این خلق ها بتوانند خودمختاری اداری و فرهنگی خود را تحقق بخشند، بزبان مادری خود تحصیل کنند و در تمام شؤون زندگی اجتماعی بزبان مادری خود تکلم کنند و آداب و رسوم و معتقدات دینی و اجتماعی خود را آزادانه و بدون هیچگونه قیدی که از تحمیلات خلقی به خلق دیگر سرچشمه بگیرد، بکار برند.

حزب توده ایران بر این عقیده بوده است که از بین رفتن محرومیت های ملی خلق های غیرفارس در ایران تنها در چارچوب مبارزه مشترک همه خلق های ایران علیه تسلط جنایت باز و غارتگر امپریالیسم، علیه استبداد سلطنتی، علیه غارت طبقات چپاولگر حاکمه و بورژوازی بزرگ سرمایه داران و زمین داران وابسته به امپریالیسم امکان پذیر است. بنظر حزب ما، در این مبارزه عمومی، مبارزه علیه تسلط امپریالیسم و استبداد، در مرحله کنونی، مبارزه علیه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ضدانقلاب متکی به بقایای رژیم سرنگون شده شاه مخلوع، در درجه اول اهمیت قرار گرفته است.

بدانکاه به این اصول و موضع گیری های سیاسی، حزب توده ایران، همیشه بر آن بوده است که بین هدف های حزب طبقه کارگر و جنبش های اصیل خلق های محروم کشور ما

برای از بین بردن محرومیت های ملی در اساس توافق کامل وجود دارد. از همین رو حزب توده ایران همیشه کوشیده است که با جنبشهای اصیل خلقهای محروم ایران، بر پایه سیاست و برنامه مشترکی، نزدیکترین همکاری را بوجود آورد. حزب توده ایران جنبشهای اصیل خلقهای محروم میهنمان را برای برانداختن محرومیت های ملی جزء تفکیک ناپذیر جبهه متحد خلق برای ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم، نو استعمار، بقایای رژیم استبدادی، تأمین آزادیها و حقوق دمکراتیک و بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشانش میدانند و به این اصل بطور تزلزل ناپذیر وفادار است.

با اتکاء به همین اصول بود که در سال ۱۳۲۴، بر پایه برنامه مشترکی، جبهه ائتلافی حزب توده ایران، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان بوجود آمد. و تاریخ نشان داد که تشکیل این جبهه نقش مهمی در گسترش دامنه مبارزات دمکراتیک و ملی در سراسر ایران ایفاء کرد.

با اتکاء به همین اصول بود که حزب توده ایران، پس از شکست سال ۱۳۲۵، که منجر به از هم پاشیدگی نیروهای ملی و دمکراتیک در آذربایجان و کردستان گردید، بازم زنده کردن سازمانهای فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان را بعهده گرفت، و حتی پس از آنکه بر اثر توطئه بهمن ماه ۱۳۲۷، امکان فعالیت علنی محدود هم از حزب ما گرفته شد، حزب توده ایران همه نیروی خود را در این راه بکار برد. این کوشش حتی در دورانی که سازمانهای حزب ما در ایران متلاشی شد و مرکز فعالیت حزب به مهاجرت انتقال یافت، ادامه یافت.

بر پایه همین اصول و برخیزد علمی به تشکل انقلابی نیروهای پیشگام طبقه کارگر است که حزب توده ایران همیشه هوادار وحدت سیاسی و سازمانی کلیه نیروهای بوده و هست که، صرف نظر از وابستگی به خلقهای گوناگون در سراسر ایران، هوادار راه طبقه کارگر، آماده برای شرکت در حزب طراز نوین طبقه کارگرند.

در تمام این دوران، نظر حزب توده ایران این بود که وحدت و بهم آمیختگی حزب توده ایران با فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان در یک حزب واحد سراسری طبقه کارگر ایران، درست ترین و بهترین راه حل برای تمرکز فعالیت همه نیروهای انقلابی در جهت هدفهای واحد و مشترک است.

در نتیجه کوشش طولانی، بالاخره امر وحدت حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در کنفرانس وحدت، در ۱۳۳۹، بطور موفقیت آمیزی سرانجام یافت. این امر در همان زمان مورد تأیید بسیاری از مبارزان کرد قرار گرفت که یا در صفوف حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان فعالیت میکردند و یا در خارج آن، در جبهه متحد انقلابی ضد رژیم شاه و امپریالیسم قرار داشتند. محتوی اساسی آن موافقت و این تأیید، این بود که در سراسر ایران، حزب فراگیر طبقه کارگر، با تمام حزب توده ایران باشد و در آذربایجان و کردستان سازمانهای ایالتی حزب

توده ایران، با نام فرقه دمکرات آذربایجان و حزب دمکرات کردستان فعالیت کند.
متأسفانه برخی از دوستان کرد، از همان آغاز تجدید فعالیت، تحت تأثیر انحراف
مصطفی بارزانی و عوامل خارجی دیگر سمت گیری نادرستی را در سیاست داخلی و عمومی خود
اتخاذ کردند و به موافقت در جهت تشکیل حزب واحد سراسری طبقه کارگر ایران، آنطور که در
بالا گفته شد، پشت پا زدند و چه در سالهای فعالیت در مهاجرت و چه پس از سرنگونی رژیم
استبدادی محمدرضاپهلوی و آغاز فعالیت علنی، راهی را برگزیدند، که در سمت گیریهای
عمده، با راهی که حزب توده ایران در آن دوره و در لحظه کنونی درست میدانسته و میداند،
اختلافات جدی داشته و دارد.

تمام کوشش ما برای یکی کردن سمت گیریهای عمده در عمل سیاسی و گام گذاردن
در راه وحدت سازمانی دو حزب، با کمال تأسف ما، به نتیجه ای نرسید.

اکنون حزب توده ایران در مقابل این واقعیت قرار گرفته است که از یک سو کردستان
ایران بصورت یکی از حساس ترین مناطق کشور درآمده، که در آن عوامل گوناگونی وارد میدان
نبرد سیاسی شده اند و وضعی بوجود آمده است که هر روز بغرنجتر میشود. از سوی دیگر این
ضرورت هر روز بیشتر احساس میشود که نظریات حزب توده ایران بطور منظم در میان خلق کرد
انتشار یابد و نیروهای انقلابی، که برنامه، سمت گیری و موضع گیری سیاسی حزب را تأیید
میکند، برای ترویج بیشتر آنها میان مردم مجهز و متشکل شوند. در ارتباط با این واقعیت و این
ضرورت، کمیته مرکزی حزب توده ایران به این نتیجه رسیده است که، فعالیت سازمانی حزب
توده ایران را در کردستان ایران آغاز کند.

کمیته مرکزی، از همه هواداران حزب در کردستان ایران انتظار دارد که تمام ابتکار و
نیروی خود را برای متشکل کردن گروهها و افراد پراکنده حزبی در سازمانهای پایه ای، برای
پخش برنامه پیشنهادی حزب، برای تشکیل جبهه متحد خلق، برای توزیع نشریات مرکزی حزب
بزبان کردی و فارسی، برای روشن کردن خلق کرد به هدف های حزب توده ایران بکار اندازند.
حزب توده ایران با اعتقاد کامل بدرستی پیشنهاد خود برای وحدت سیاسی و سازمانی
همه نیروها و سازمانهای انقلابی، که خود را هوادار راه طبقه کارگر میدانند، در آینده نیز، مانند
گذشته، از هیچ کوششی برای تحقق این وحدت فروگذار نخواهد کرد و همیشه آماده است درباره
همه مسائلی که با این امر مهم و حیاتی برای جنبش کارگری و تمام جنبش انقلابی ایران ارتباط
دارد، با همه مبارزان و سازمانهای مبارز راستین راه طبقه کارگر، وارد تبادل نظر گردد و برای از
میان برداشتن سدهائی که بر سر این راه قرار گرفته، با آنان، بر پایه توافق های مشترک، همکاری
کند.

پیروزیاد مبارزه مشترک همه مردم ایران در راه استقلال ملی، تثبیت
آزادیهای دمکراتیک، بهبود زندگی زحمتکشان و برانداختن همه محرومیت

های ملی در چارچوب خودمختاری اداری و فرهنگی!
■ مستحکم باد اتحاد همهٔ خلقهای ایران در مبارزهٔ مشترکشان علیه دسیسه
های امپریالیسم، صهیونیسم و توطئه‌های ضدانقلاب!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۲۰ مردادماه ۱۳۵۸

درباره انتخابات مجلس خبرگان

هموطنان!

انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان پایان یافت و انجمن مرکزی نظارت، انتخاب شدگان را معرفی کرد. هیئت وزیران نیز آئین نامه کار یکماهه مجلس خبرگان را تدوین کرده است. اینک زحمتکشان و همه محرومین جامعه انتظار دارند که در سزموعد، پیش نویس قانون اساسی کشور، با اصلاحاتی در جهت تأمین کامل حقوق آنان در زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آماده گردد و برای تصویب نهائی به همه پرسی گذاشته شود.

حزب توده ایران، از آنجا که به اهمیت و لزوم تصویب هرچه سریعتر قانون اساسی اعتقاد دارد، از آنجا که نمایندگان مجلس خبرگان در اکثریت خود با رأی مردم انتخاب شده اند، با وجود ایرادات جدی به جریان انتخابات— از همان مرحله تشکیل انجمن مرکزی نظارت و انجمنهای محلی و روش گروههای مؤتلفه در جریان معرفی کاندیداها و جریان رأی گیری و جریان شمارش و خواندن آراء— در مجموع خود در مورد این انتخابات موضع تأییدی نمیگیرد. در عین حال این موضعگیری تأییدی مانع از این نیست که ما با کمال صراحت تأسف و نگرانی خود را ابراز نداریم: تأسف از اینکه چرا باید اولین انتخابات پس از انقلاب حماسه آمیز مردم ایران بر اثر روش دولت و گروههای انحصارطلب معیوب باشد، تا جائی که حتی رهبر حزبی که اکثریت مطمئن آراء را در تهران و شهرستانها بدست آورده است، مجبور شود به جریان معیوب انتخابات اعتراف کند؛ و نگرانی از اینکه مبادا این روش معیوب، در جریان انتخابات آینده، تکرار گردد.

ما کوشش می کنیم که در زیر مهمترین ایرادات خود را درباره کلیه جریان این انتخابات بیان داریم:

۱- انتخاب انجمن مرکزی نظارت - نقش انجمن مرکزی نظارت و انجمنهای فرعی اهمیت فوق العاده در تأمین درستی جریان انتخابات دارد. در این باره هرگونه بحثی زائد است. ولی آیا در برگزیدن این انجمن مرکزی و تعیین انجمنهای فرعی، این اصل مراعات گردید که نمایندگان همه احزاب و گروههای سیاسی، صرفنظر از اینکه در اکثریت باشند یا در اقلیت، شرکت برابر حقوق داشته باشند و بتوانند با شرکت فعال خود از اقدامات نادرست در جریان انتخابات جلوگیری کنند؟ باید اعتراف کرد که اینطور نبود. انجمن نظارت مرکزی و انجمنهای فرعی در انحصار تقریباً مطلق گروه مؤتلفه حزب جمهوری اسلامی قرار داشت. چنین وضعی نمیتواند اعتماد احزاب و گروههایی را که در انجمن نظارت شرکت داده نشدند، تأمین نماید و عملاً هم به ثبوت رسید که این عدم اعتماد بجا و درست بوده است.

۲- تضيیقات در فعالیتهای انتخاباتی - در جریان انتخابات دولت و وزارت کشور موظفند که امکان برابر برای معرفی کاندیدها و تبلیغات انتخاباتی برای همه احزاب و گروههای سیاسی تأمین نمایند. با کمال تأسف باید گفت که نه تنها از طرف گروههای افراطی و ضدانقلاب، بلکه از طرف افراد وابسته به گروه اکثریت هم آنقدر در جهت ایجاد تضيیقات علیه سازمانهای سیاسی دیگر، بویژه علیه حزب توده ایران، زیاده روی شد، که آیت الله طالقانی نیز قاطعانه این اعمال را خدمت به دین ندانست.

این افراد با بی پروائی وزیر حمایت مأمورین دولت و حتی برخی از کمیته‌ها، اعلانات تبلیغاتی حزب ما را پاره میکردند، مبارزان حزب ما را وحشیانه مضروب و مجروح میساختند، مانع فروش روزنامه‌ها و اوراق تبلیغاتی حزب توده ایران میشدند و... این عملیات را نه میتوان اسلامی نام نهاد و نه دمکراتیک. اینها روشهای ارتجاعی است که از طرف همه هواداران آزادی و از آنجمله مسلمانان مبارز و انقلابی و انساندوست محکوم شده است. با این شیوه‌ها میتوان حریفان را در مراحل معینی از تاریخ از میدان بیرون کرد، ولی همانطور که سراسر تاریخ نشان داده است، نظامی که پایه قدرت خود را به این شیوه‌ها استوار سازد، سرانجام با ناکامی روبرو خواهد شد. ما امیدواریم که با پند گرفتن از این رویدادهای دردآور، دولت و رهبران سیاسی و مذهبی اکثریت، که خود را هوادار راه امام خمینی میدانند، این شیوه‌ها را نه تنها در گفتار بلکه در کردار سیاسی و اجتماعی خود محکوم و مطرود سازند.

۳- اعمال نفوذ در جریان رأی گیری - اگر در مورد دوم میتوان تقصیر درجه اول را متوجه گروه‌های بی مسئولیت، مأمورین ساواک و ضدانقلاب و خرابکاران مانوئیست و گروههای افراطی راست دانست، در این مورد نقش هواداران گروه مؤتلفه اکثریت بچشم می خورد. این روشها و اقدامات ضددمکراتیک چنان بود که حتی رهبر اکثریت برنده انتخابات، آقای دکتر بهشتی، مجبور شد که به آن اعتراف کند. و اگر قبول داریم که ایشان مسلماً به جزء کوچکی از واقعیت اعتراف کرده‌اند، باید به این نتیجه برسیم که جریان بطور جدی معیوب بوده است. ما نمیتوانیم در اینجا وارد جزئیات بشویم. ولی این مهم است که بسیاری از مراکز گرفتن

رأی بصورت مرکز فعالیت وابستگان به گروه اکثریت درآمد، در نوشتن آراء برای هواداران این گروه اعمال نظر و نفوذ بعمل آمد، آراء بسیاری از رأی دهندگان که به گروه اکثریت رأی نداده اند، به صندوق ریخته نشد و در مواردی پاره شد. و بجای آن رأی دیگری به نفع کاندیداهای اکثریت بصندوق انداخته شد.

در انجمنهای دوردست، در سراسر ایران، از بی نظمی های بمراتب بیشتری از تهران گزارش شده است. گزارشهایی حاکیست که افراد دست چپین شده انجمن های نظارت نه تنها از این بی نظمی ها جلوگیری نکرده اند، بلکه در موارد بسیاری آنرا مورد تأیید و تشویق قرار داده و در آن شرکت جسته اند.

اینها همه نشان میدهد که وظیفه احزاب و سازمانهای هوادار آزادی و دموکراسی، برای تدارک انتخابات آینده، بسیار دشوار و پرمشغولیت است و از هم اکنون باید برای آن آماده گردید.

۴- شمارش و خواندن ثبت آراء- بطوریکه همه شواهد نشان میدهد، در این قسمت، که مستقیماً زیر نظر انجمن های نظارت انجام گرفته، بی ترتیبی و اعمال نظر جدی به زیان کاندیداهای اقلیت صورت گرفته است. شواهد گویائی دال بر آنستکه لااقل در آنچه که مربوط به حزب توده ایران است، بخش قابل توجهی از آراء کاندیداهای حزب، در بسیاری از انجمنهای نظارت در تهران، حومه و شهرستانها خوانده نشده و بحساب نیامده است. بعضی شواهد گویا را یادآور می شویم:

در کرمانشاه برای کاندیدای حزب توده ایران، که فقط ۳ روز قبل از انتخابات در محل خود را به مردم معرفی کرد، نزدیک به ۵ هزار رأی خوانده شده است. در مقابل در تهران، که همه شاهد میتینگ چند ده هزار نفری انتخاباتی حزب ما در زمین چمن دانشگاه تهران بودند و همه میدانند که در این میتینگ تنها بخشی از هواداران حزب ما شرکت داشته اند و بدون تردید بسیاری از هواداران حزب توانسته اند با تبلیغ چند نفر را برای دادن رأی به لیست کاندیداهای حزب آماده سازند- برای رفیق عباس حجری، مبارز پایداری که مقاومت ۲۵ ساله وی در زندان شاه خائن احترام اکثریت مبارزان، حتی مخالفان حزب ما را بخود جلب کرده است، تنها ۱۶ هزار رأی خوانده شده است!

بدینسان، تردیدی نیست که بخش مهمی از لیست های کامل کاندیداهای حزب توده ایران قرائت نشده و یا از بین برده شده است.

بنظر ما، البته این تبعیض و بی صداقتی تنها درباره لیستهای حزب توده ایران نبوده، بلکه سایر احزاب و گروه های اقلیت هم مشمول این تبعیض و بی عدالتی شده اند.

باید گفت که اگر همه این بی نظمی ها و دست اندازی ها هم نبود، لیست گروه اکثریت انتخاب شده، با بهره گیری از نام پراحترام امام خمینی، باز هم پروزنه بیرون می آمد، ولی در این حال، این پیروزی مسلماً کمتر آسیب پذیر و تردید آمیز میبود.

بهر حال امیدواریم این تجربه، که مسلماً دامن آزادی نویناد ایران را لکه دار کرده

است، در آزمایشهای آینده تکرار نگردد.

اینک مجلس خبرگان، علیرغم عیوبی که در انتخابات آن وجود داشته است، تشکیل شده است. همه مردم ایران انتظار دارند که نمایندگان مجلس خبرگان با تصویب آنچه قانون اساسی که بازتاب روح و اهداف انقلاب ضدامپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران باشد، این عیوب را بدست فراموشی بپارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۱ مردادماه ۱۳۵۸

تحریکات و توطئه‌های ضد انقلاب را باید بیدرنگ و قاطعانه افشا کرد نیروی متحد خلق تنها وسیله سرکوب ضدانقلاب است

هموطنان!

میهن ما لحظات بسیار حساس و دشوار و بغرنجی را میگذراند، از یک سو به همت انقلابی مردم ایران و قاطعیت رهبری انقلاب، انقلاب بسوی تثبیت پیش می‌رود. و این ضدانقلاب را بیش از پیش نگران میکند. از سوی دیگر در تصمیمات و اقدامات ارگانه‌های مختلف حکومت عدم قاطعیت، اهمال و اغماض مشاهده میشود. و این به ضد انقلاب دل می‌دهد. این هردو عامل موجب شده و می‌شود که ضد انقلاب فعالیت خود را در تمام زمینه‌ها، به ویژه در جهت ایجاد افتراق بین نیروهای انقلابی، گسترش دهد و تشدید کند.

هشدارهای مکرر حزب توده ایران در این زمینه، در روزهای اخیر بار دیگر اهمیت و صحت خود را بشبوت رسانده است. محافل ضدانقلابی انقلابی نما، چپ نما، کمونیست نما و آزادیخواه نما میکوشند تا به هر وسیله ممکن خود را به نیروهای راستین انقلابی بچسبانند و آنها را زیر ضربه قرار دهند. نیروهای مجهول‌الهویه‌ای هم— که بدون تردید بوسیله ضدانقلاب هدایت میشوند— کوشیده‌اند و میکوشند که اعمال این محافل را آگاهانه بحساب همه نیروهای راستین انقلابی، همه نیروهای اصیل چپ، همه کمونیستهای واقعی و همه آزادیخواهان حقیقی بگذارند و همه را یکجا بکوبند. انقلاب را بدنام کنند و از شدت نبرد آن علیه ضدانقلاب بکاهند، حوادث روزهای اخیر تأییدی است بر این مدعا.

با اینکه حزب توده ایران با صراحت و قاطعیت پاکسازی در مطبوعات را از عوامل ضدانقلاب بارها طلب کرده و توقیف آیندگان و جراید نظیر را در این چارچوب درست دانسته است، با اینکه عمده نیروهای راستین چپ— از حزب توده ایران تا سازمان چریکهای فدائی خلق— نه فقط در تظاهرات یکشنبه دعوت شده از جانب برخی گروهها، از جمله «جبهه

دمکراتیک ملی» برای «اعتراض» به توقیف روزنامه آیندگان، شرکت نداشته‌اند، ولی در حین و پس از تظاهرات و همچنین روز دوشنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸، افراد مجهول الهویه‌ای، که طبق شواهد مسلم از جانب عوامل ضدانقلاب و کارکنان «آزاد» ساواک از جمله «نیکزاد»، شکنجه‌گر معروف، رهبری می‌شدند، این تظاهرات را بهانه قرار دادند و کوشیدند زیر شعارهای ضدچپ و ضدکمونیستی، همه نیروهای راستین انقلابی و چپ را مورد حمله قرار دهند. آنها در دانشگاه تهران نشریات مترقی و چپ را پاره کردند و سوزاندند، به افراد وابسته به چپ حمله کردند و عده‌ای را مضروب و مجروح ساختند، تلاش کردند که به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، حمله کنند— که خوشبختانه بر اثر حفاظت پاسداران انقلاب موفق نشدند— بمرکز سازمان چریکهای فدائی خلق هجوم بردند— و متأسفانه به اشغال این مرکز موفق شدند. و این تحریکات، هجوم‌ها و اقدامات ضدانقلابی و ضددمکراتیک همچنان ادامه دارد، و با محیطی که ایجاد شده، اگر اقدام قاطع، جدی و فوری برای جلوگیری از این تحریکات و توطئه انجام نگیرد، امکان آن هست که این فعالیت ضدانقلابی ادامه یابد و تشدید شود.

از جانب دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تمام این حوادث بلافاصله بمقامات مسئول، دولت، کمیته مرکزی امام، کمیته‌های محلی، پاسداران اطلاع داده شده و خواسته شده است که اقدامات لازم، جدی و فوری برای جلوگیری از توسعه تحریکات و توطئه‌های ضدانقلاب، برای افشا و سرکوب تحریکات و توطئه‌های ضدانقلاب، برای تأمین امنیت مراکز و افراد وابسته به احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی صورت گیرد.

با کمال تأسف، برخی از مقامات مسئول در قبال این حوادث ناگوار و خطرناک و در برابر هشدارها و خواستهای بجا و بحق حزب ما، نه فقط قاطعیت لازم را بخرج نمیدهند، نه فقط اهمال میکنند و اغماض نشان میدهند، بلکه با گفتار و کردار خود در ایجاد ابهام در شناخت دوست و دشمن واقعی انقلاب، عملاً به ایجاد محیط آشفته و ناامن، به تشدید افتراق بین نیروهای انقلابی و سرانجام به ضد انقلاب کمک میکنند.

لازم به تأکید نیست که چنین روشی چه عواقب خطرناکی برای انقلاب و مجموعه جنبش انقلابی مردم ایران دارد. و مسئولیت چنین عواقبی مسلماً با کسانی است که چنین روشی را دنبال کرده‌اند و میکنند.

حزب توده ایران، باردیگر، با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران، هشدار خود را در مورد فعالیت شدت یافته ضدانقلاب تکرار میکند و مصرانه می‌طلبد که مقامات مسئول به وظیفه خود در دفاع از انقلاب و مبارزه با ضدانقلاب عمل کنند، تحریکات و توطئه‌های ضدانقلاب را افشا و سرکوب کنند و تدابیر جدی و فوری برای امنیت مراکز و افراد وابسته به احزاب، سازمانها و گروه‌های سیاسی اتخاذ نمایند.

هموطنان! در این لحظات حساس که انتخابات مجلس خبرگان پایان رسیده و تصویب

قانون اساسی برای تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب در دستور روز است، در زمانیکه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم با تمام قوا برای تحریک و توطئه در خلیج فارس و تمام منطقه‌ها در خاورمیانه تلاش میکنند، حفظ هشیاری انقلابی و جلوگیری از هرگونه تفرقه اهمیت حیاتی دارد.

حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که با نیروی متحدخلق، با تقویت رهبری امام خمینی، میتوان ضدانقلاب را سرکوب کرده و راه پیشروی جنبش انقلابی مردم ایران را برای تثبیت یا تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب هموار ساخت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۳ مردادماه ۱۳۵۸

از تکرار جنایات امپریالیسم و عمال آن فقط با مبارزه متحد خلق می توان جلوگیری کرد

هموطنان عزیز!

یک سال پیش، در چنین روزی، وقتی که نخستین موجهای خشم توده ها، تخت خونین سلطنت پهلوی و پایگاه اقتدار امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را به لرزه انداخته بود، رژیم جنایت پیشه آریامهری دست به یکی از ننگین ترین جنایات بشری زد. کارگزاران رژیم غارت و شکنجه با اجرای توطئه ای بیرحمانه و ددمشانه، ابتدا راههای فرار را بستند و آنگاه با فرستادن گاز مخصوصی، که از اسرائیل آورده بودند، سینمائی را که ۱۰۰۰ زن و مرد و پیرو جوان در آن سرگرم تماشای فیلمی بودند، به آتش کشیدند. آدمکشان شاه مخلوع به دستور اربابان امپریالیست خود، و در رأس آنها امپریالیست های جهانخوار آمریکائی که تازه لباس خدعه و فریب «حقوق بشر» را به تن کرده بودند، فقط برای یک مقصود کوره آدم سوزی سینمارکس را برپا کردند؛ آنها بیش از هزار نفر، از مردم ستم دیده ایران را به ذغال مبدل کردند تا با انداختن مسئولیت این فاجعه جنایتکارانه بدوش مبارزان ضد امپریالیسم، و ضد رژیم شاه مخلوع، بین صفوف متحد خلق فاصله بیندازند.

سال پیش در چنین روزی، صف میلیونی توده ها، مشت واحدی شده بود که در کار فروپاشی نظام سلطنتی وابسته بود. تنها راه نجات رژیم جنایتکار شاه مخلوع جدا کردن صفوف مردم بود، برای رسیدن به چنین هدفی، نقشه آتش زدن سینمارکس اجرا شد و بلافاصله، درست در همان هنگام که بلندگوهای رژیم قصد بهره برداری از آن را داشتند، صدای ضجه زنانه که شوهرانشان در آتش ذغال شده بودند و بانگ گریه مادران فرزند از دست داده، از فضای طوفانی ایران گذر کرد و به خشم و سرود مبدل شد. خشمی که صف ها را متحدتر میکرد و سرودی که پیروزی را نوید میداد.

نیروهای خلقی، از جمله حزب توده ایران، در نشریه توید این جنایت شاه مخلوع را فاش کردند و مردم را به اتحاد عمل بیشتر خواندند. اتحاد عمل نیروها، آنچنانکه تجربه تاریخ بارها و بارها به اثبات رسانده، بسیار زود ثمر داد و چندماه بعد رژیم ضدخلق را سرنگون کرد.

هموطنان!

اکنون، یک سال بعد از جنایت سینمارکس آبادان، ما در ایران آزاد با شما سخن میگوئیم. ایرانی که سلطنت را به خاک سپرد و رژیم آدمکش شاه مخلوع را سرنگون کرد، اما هنوز با خطر روبرو است. یک لحظه هم این خطر را نباید فراموش کرد. این خطر امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست، که تا وقتی کاملاً از ایران ریشه کن نشده همواره ایران را تهدید میکند.

هموطنان!

اکنون، امپریالیسم با تمام قوا فعالیت دارد. لذا هنوز هم، مانند یک سال پیش، اتحاد نیروها تنها راه مقابله با امپریالیسم و نابودی آن است. امپریالیسم می کوشد با انواع حيله‌ها و جنایات و حتی جنایاتی موحش تر از سینمارکس آبادان، نیروها را بهم بدبین کند و بین آنها تفرقه بیاندازد. تنها راه مقابله با این نقشه شیطانی اتحاد همه نیروها در جبهه متحدخلق است. در روزی که یادشیدان سینمارکس را گرامی میداریم، در حالیکه تأسف عمیق خود را از اینکه مسببان این فاجعه هنوز دستگیر نشده و به مجازات نرسیده‌اند، ابراز میداریم و خواهان پی گیری پرونده این جنایت فجیع و مجازات عاملان آن هستیم، در حالیکه در اندوه بازماندگان این قربانیان بیگناه رژیم آدمکش شاه مخلوع شریکیم، در برابر آن گروه عظیم زن و مرد و پیرو جوان و کودک، که در آتشی که امپریالیسم برافروخته بود، سوختند، پیمان می بندیم که با وحدت نیروها در جبهه متحدخلق، تا نابودی امپریالیسم نبرد را ادامه دهیم و از پای ننشینیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۵/۲۶

مسأله کردستان باید در چارچوب دفاع از انقلاب ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود

حوادث ناگوار و خطرناکی در کردستان میگذرد. در این منطقه گره بسیار در هم پیچیده‌ای بوجود آمده است. واقعیت اینست که توده های وسیع مردم کردستان، مانند همه خلقهای کشور، خواستار پیروزی انقلاب بزرگ تاریخی میهنمان هستند و آماده اند در این راه، دوش بدوش سایر مبارزان، در نبرد مقدس برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیست‌ها و در پیشاپیش آنها امپریالیست های امریکائی و صهیونیست ها و وابستگان رژیم شاه شرکت کنند. در چارچوب این آمادگی برای مبارزه و سازندگی، خلق کرد مانند همه خلق های ایران، خواستار رفع محرومیت‌های ملی است.

حزب توده ایران، با بهره گیری از تجربیات بسیاری که در زمینه تلفیق این دو جهت مبارزه در میهن ما و در سایر کشورهای نظیر ایران وجود داشت، از همان آغاز معتقد بود، که در شرایط ویژه انقلاب ایران، باید از طرف همه نیروهای وفادار به آماج های انقلاب، نهایت درایت و آمادگی برای تفاهم و اجتناب از تأثیر تلاشهای دشمنان انقلاب، برای حل این مسئله دشوار بکار رود.

حزب توده ایران مسافرت آیت الله طالقانی را به کردستان و نتایجی که از این مسافرت گرفته شد، استقبال کرد.

با کمال تأسف این اقدامات بجای و مثبت به نتیجه نرسید. ضد انقلاب با بکار انداختن همه نیروهای خود، از همه جهات به ایجاد این گره دشوار، که اکنون به خونریزی انجامیده است، دست زد. امپریالیسم و صهیونیسم، دشمنان اصلی خلق های محروم، دوستی بین خلق های کشور ما را بزیران خود میدانند و میکوشند با دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و زبانی، هر اندازه ممکن است محیط را متشنج سازند. عمل امپریالیسم و صهیونیسم تنها از راه

عوامل و گروه‌های وابسته به خود، مانند پالیزبانها و سالارچاف‌ها و عناصر نظیر آنها در منطقه نیست. آنها بدست عمال خود میکوشند همه را بجان هم بیندازند: شیعیان را علیه سنی‌ها، کردها را علیه آذربایجانیها و فارسها، متعصین مذهبی را علیه گروههای چپ و چپ‌های افراطی را علیه نیروهای مذهبی تحریک کنند و خلاصه همه را بجان هم بیندازند و بدینسان مواضع خود را علیه انقلاب ایران محکمتر سازند.

در چنین شرایط بغرنجی، حزب توده ایران معتقد بود و هست که مسئله کردستان باید در چارچوب دفاع از انقلاب ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود. براین اساس هرگونه گرایش تجزیه طلبانه، نفاق افکنانه و پایمال کردن حقوق ملی خلق کرد، یعنی همه آن چیزهایی که میتواند از جانب عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی دامن زده شود و مورد سوءاستفاده قرار گیرد و در نهایت هم به منافع انقلاب ایران در مجموع و هم به حقوق خلق کرد لطمه زند، محکوم است.

حزب توده ایران، معتقد بود و هست که ضمن محکوم کردن چنین گرایشهایی، میباید نقش عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی را، که مناسفانه توانسته اند هم در بین نیروهای انقلابی سر درگمی بوجود آورند و هم درگیریهای خونین بوجود آورند، که بهای آن را در آخرین تحلیل خلق کرد باید پردازد، قاطعانه افشا و سرکوب کرد.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که همه نیروهای انقلابی، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی خود و همه خلقهای ایران، اعم از فارس و کرد و آذربایجانی و ترکمن و بلوچ و عرب، میباید در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی ایران از حق خودمختاری اداری و فرهنگی برخوردار شوند.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که ضمن سرکوب ضد انقلاب در واحدهای ملی - از جمله در کردستان - باید حساب مردم را با ضد انقلاب بدرستی جدا کرد. ضمن سرکوب قاطع ضد انقلاب، مسائل این واحد ها را میباید با خونسردی و خردمندی و از راه مسالمت حل کرد. از جمله تشکیل شوراهای پیشنهادی آیت الله طالقانی - که بموقع خود مورد پشتیبانی حزب ما قرار گرفت - می تواند به حل این اختلافات کمک کند.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که در این لحظات تاریخی، فقط اتحاد نیروهای انقلابی و درک عمیق مصالح و منافع انقلاب ایران و همه خلقهای ایران قادر است توطئه های امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارتجاع را عقیم گذارد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۷ مردادماه ۱۳۵۸

به شورای انقلاب اسلامی ایران،
به دولت موقت جمهوری اسلامی،
به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران

آقایان محترم!

چنانکه مسلماً به استحضارتان رسیده است، روز ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، دادستانی انقلاب مرکز، روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، را توقیف و پاسداران کمیته مرکزی انقلاب نه تنها محل روزنامه مردم، بلکه مجموعه دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران و مرکز «شرکت سهامی نشریات توده» را مهر و موم کرده و به این ترتیب امکان فعالیت حزب ما را، که تازه پس از ۳۰ سال محرومیت، با روشی سازنده و متین، زندگی سیاسی قانونی خود را باز یافته بود، شدیداً محدود ساخته است. اخباری که از شهرستانها میرسد حاکیست که در اکثر شهرهای ایران، یعنی تقریباً در هر جا که مرکز حزب توده ایران و یا دفتر انتشار روزنامه مردم و یا دفاتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران وجود داشته است، به وسیله گروههای تحریک شده و بدون مسئولیت مورد هجوم و تخریب و در بعضی موارد کتاب سوزی و آتش سوزی قرار گرفته اند و بسیاری از افراد حزب توده ایران هیچگونه امنیت جانی ندارند.

در بوشهر، اصفهان، رشت، تبریز و... این رویدادهای ناگوار زبانههای بسیاری به حزب وارد ساخته است. در کرمانشاه این هجوم نتایج وحشتناکی به بار آورده است. دو نفر از افراد حزب توده ایران که مطلقاً هیچ گونه تماس و همکاری با جریانات موجود در کردستان نداشته اند، در منزلشان بازداشت شده و پس از یکساعت، بدون کوچکترین دلیل، تیرباران شده اند. این حکم آنقدر غیر عادلانه بود که حتی بسیاری از مسئولین شهر را، که این افراد را بعنوان عناصر پاکدامن، شریف و میهن پرست میشناخته اند، دچار حیرت کرده است.

تعجب ما از این جهت است که طی نزدیک به هفت ماه که از انقلاب ایران میگذرد، حزب توده ایران، همواره با روش متین و واقع بین خود، در جهت سمت گیری انقلاب گام

برداشته است. عناصر عمده این سمت گیری، آنطور که از طرف امام خمینی در رهنمودها و وعده هایشان برای سیاست جمهوری اسلامی داده شده بود، عبارت بودند از: اتحاد همه نیروها در مبارزه آشتی ناپذیر برای پایان دادن به تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امپریالیستها و در درجه اول امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی، در مبارزه به خاطر ریشه کن کردن بقایای رژیم منفقور سلطنتی، در مبارزه برای تأمین آزادی برای نیروهای گوناگون ملی و میهن پرست، در مبارزه برای برانداختن غارتگری بیرحمانهٔ چپاولگران وابسته به رژیم شاه و امپریالیستها و بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان شهر و ده، برابری حقوق همه افراد و همه اقوام و اقلیت های ملی و مذهبی در چهارچوب ایرانی واحد و مستقل و متحد و آزاد.

تعامی فعالیت حزب تودهٔ ایران در نزدیک به ۷ ماهی که از انقلاب گذشته است، شاهد این واقعیت انکار ناپذیر است که حزب ما با پیگیری و بدون تزلزل و بدون کوچکترین انحراف در این سمتگیری گام برداشته است. بیانیه ها، نامه های سرگشاده، مقالات روزنامه مردم و سایر نشریات حزب ما شاهد این ادعای ما هستند. حزب توده ایران کوشیده است که با انتقاد سازنده کمبودهای کار اجرایی را نشان دهد، با زیاده روی های افراطی از «چپ» و از راست مبارزه نماید، قیافهٔ زشت ضد انقلاب و نفاق اندازان وابسته به آن را نشان دهد، مردم را از افتادن به دام دسیسه های رنگارنگ ضد انقلاب بر حذر دارد، در جهاد سازندگی فعالانه شرکت جوید و در چهارچوب طرز اندیشه و جهان بینی خود، راهنمایی های امام خمینی را در همه زمینه های یاد شده در بالا، در زندگی روزمره پیاده نماید.

به این ترتیب حتی در یک مورد هم نمیتوان به حزب توده ایران ایراد گرفت که از آزادیهای داده شده، سوء استفاده کرده و یا در جهت تحریک و تشویش اذهان و تضعیف جمهوری اسلامی عمل کرده است.

تمام فعالیت سیاسی و اجتماعی حزب توده ایران و همهٔ سازمانهای وابسته به آن، درست در جهات معکوس این اتهامات بوده و هست. حزب ما با تمام نیروی خود تنها و تنها در جهت تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران مبارزه کرده و میکند و درست به همین جهت است که در تمام دوران تسلط رژیم منفقور پهلوی مورد شدیدترین کینه و بغض آن رژیم قرار داشته و درست ۳۰ سال از امکان فعالیت قانونی محروم بوده است.

آقایان محترم!

بر پایه همین واقعیات است که ما به خود اجازه میدهیم از شما مصرانه بخواهیم به وعده هائی که دربارهٔ تأمین آزادی اندیشه و فعالیت سیاسی در چهارچوب تثبیت و تقویت جمهوری اسلامی داده اید، عمل کنید و به تضییقاتی که نسبت به فعالیت حزب تودهٔ ایران معمول می گردد، پایان دهید و از روزنامه مردم رفع توقیف به عمل آورید.

آزادی فعالیت سیاسی حزب تودهٔ ایران با سیاست انقلابی و سازنده اش مسلماً موجب

تحکیم اتحاد نیروهای ملی برای رسیدن به هدفهایی است که انقلاب تاریخی میهن ما در برابر خود قرار داده است.

با تقدیم احترامات

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۳۰ مرداد ماه ۱۳۵۸

به مناسبت حوادث اخیر کشور

هم میهنان گرامی!

با کمال تأسف، شاهد آن هستیم که در هفته های اخیر چرخشی در اوضاع سیاسی درون کشور پدیدار شد و با این چرخش ضربه دردناک و هراس انگیزی به امر اتحاد و یگانگی نیروهای ملی و آزادیخواه وارد آمد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نامه سرگشاده مورخه سوم مردادماه ۱۳۵۸ خود، با تحلیل جریانات سیاسی در حال رشد آن روز، این چرخش را پیش بینی کرد و هشدار داد و با احساس مسئولیت تاریخی از همه نیروهای وفادار به هدفهای انقلاب خواست که در راه جلوگیری از چنین چرخش زیان بخشی متحد شوند. با کمال تأسف این ندای حزب ما بی پاسخ ماند.

امروز هم ما با جرأت می گوئیم که اگر نیروهای وفادار به هدفهای انقلاب موفق نشوند به آن نیروهای ارتجاعی که این وضع را به وجود آورده اند، لگام بزنند و روند انقلاب ایران را به راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی، که در مبارزه برای رسیدن به هدف های ضدامپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب استوارند، بازگردانند، کمک بزرگی به کامیابی نقشه های خانمان برانداز دشمنان انقلاب به عمل آمده است. ما همیشه در همین جهت کوشیده ایم، و اگر چنین واقعتی تاکنون تحقق نیافته، علی رغم فیل ما بوده و مسئولیت آن با کسانیست که در این راه گام مؤثر برنداشته اند.

دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیست ها، و در پیشاپیش آنها امپریالیسم غدار آمریکا، صهیونیست ها و همدستان ایرانی آن ها— یعنی بازماندگان رژیم سیاه پهلوی و سرمایه داران و زمین داران وابسته، که بخشی از امتیازات غارتگرانه خود را از دست داده و بخشی

دیگرش را در معرض خطر می بینند— همیشه تلاششان در این جهت بوده و هست که با ایجاد چنددستگی و اختلاف و برخورد، تا حد برافروختن جنگ خانگی و تحریک گردان های گوناگون جنبش انقلابی به زدوخورد و برادرکشی، جنبش انقلابی میهن ما را تقسیم کرده و از سمت گیری اصلیش، یعنی مبارزه علیه دسیسه های امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع داخلی منحرف سازند و اعتبار و حیثیت انقلاب را متزلزل و شرایط را برای بازگشت ضدانقلاب آماده سازند.

ما در نامه سرگشاده نامبرده یادآور شدیم که ضدانقلاب تمام تلاش های جنایت بار خود را از یکسو زیرپوششی از عوام فریبی مذهبی و از سوی دیگر زیر ماسکی از چپ نمائی و سوء استفاده از مسئله حقوق ملی خلق ها در ایران متمرکز ساخته است و با برنامه ای دقیق می کوشد نیروهای ضدامپریالیستی را از این دو سمت به جان هم اندازد. متأسفانه باید اذعان کرد که بسیاری از نیروهای وفادار به انقلاب به جای تمرکز نیروها در جهت سمت گیری اصلی انقلاب، مسائل فرعی را مطرح ساختند.

رویدادهای هفته های اخیر نشان میدهد که ضدانقلاب در راه رسیدن به هدف های خائنانه خود به کامیابی بزرگی رسیده و توانسته است جنبش انقلابی میهن ما را با بحرانی جدی روبرو سازد و به خود مشغول کند.

به هر تقدیر، ما امروز در مقابل این واقعیت هستیم که از یک سو حمله وسیعی از طرف نیروهای انحصارطلب راست برای سرکوب آزادی و در درجه اول آزادی نیروهای راستین انقلابی چپ و حتی بخشی از نیروهای انقلابی که زیر پرچم اسلام مبارزه می کنند، آغاز شده و از طرف دیگر کردستان به صحنه ای از جنگ داخلی و برادرکشی مبدل گشته است.

در آن بخش که مربوط به جلوگیری از انتشار قسمتی از مطبوعات و محدود کردن فعالیت عده ای از گروه های سیاسی است، این طور گفته می شود که گویا این حمله برای جلوگیری از فعالیت ضدانقلاب است. متأسفانه واقعیت مؤید کامل این ادعا نیست. درست است که درباره بخشی از روزنامه های توقیف شده و گروه های سیاسی هوادارشان، دعاوی دادستان تهران صدق می کند، ولی در مورد بخش دیگری از این مطبوعات و سازمان های سیاسی، از جمله حزب توده ایران و روزنامه مردم و سایر روزنامه های وابسته به حزب توده ایران، واقعیت درست در جهت مخالف این دعاوی است. حمله وسیع به سازمان های حزب توده ایران در سراسر ایران، توقیف روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب ما، بازداشت، شکنجه و ضرب و جرح دهها نفر از هواداران حزب توده ایران در قصر شیرین و کرمانشاه و شهرهای دیگر غرب، بازداشت و اعدام بی رسیدگی و محاکمه دوتن از هواداران حزب توده ایران که به تصدیق اکثریت مردم کرمانشاه کوچکترین رابطه ای با گروه های افراطی و جریانات کردستان نداشته اند، همه نشان می دهد که هدف واقعی نیروهای انحصارطلب راست به هیچ وجه ضدانقلاب، یعنی عمال امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع سیاه رژیم شاه نیست.

حزب توده ایران همواره پی گیرترین مبارز علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع سیاه پهلوی بوده است. ما افتخار می کنیم که در دوره ای طولانی، حزب ما یگانه سنگر مبارزان ضد امپریالیسم آمریکا بوده است. محدود کردن فعالیت چنین حزبی کمکی است در جهت بازکردن راه برقراری مجدد تسلط امپریالیسم آمریکا بر ایران. تاریخ نشان داده است که آغاز تسلط همه جانبه امپریالیسم آمریکا بر کشور ما، از کشتار در آذربایجان و کردستان و غیرقانونی کردن حزب توده ایران آغاز گردید.

در این زمینه ما خواستار آن هستیم که به کلیه تضییقات علیه حزب توده ایران پایان داده شود، از روزنامه مردم و سایر روزنامه های وابسته به حزب توده ایران و مراکز حزب رفع توقیف به عمل آید، به دادستان های انقلاب و مسئولین دیگر شهرستان ها دستور داده شود که فعالیت حزب توده ایران را مورد حمایت قانونی قرار دهند و از حملات و تجاوزات گروه های افراطی و عناصر ساواک و ارتجاع جلوگیری به عمل آورند. ما خواستار اجرای کامل رهنمودهای امام خمینی در اطلاعیه یازده ماده ای مورخه ششم شهر بورماه ۱۳۵۸ درباره تأمین آزادی و فعالیت های سیاسی و اجتماعی هستیم.

بخش دیگر مربوط به کردستان است. به نظر ما مسئله کردستان ایران، مسئله دیروز و امروز نیست. مسئله کردستان ایران یک مسئله بفرنج تاریخی، جغرافیائی و ملی است. حزب توده ایران اولین حزب سیاسی ایران است که پس از سرنگونی دیکتاتوری سیاه رضاخان، پایان دادن به محرومیت های ملی خلق های غیرفارس را در ایران، به عنوان یکی از گره های مهم سیاست داخلی ایران، مطرح ساخت و یگانه راه عقلانی گشودن این گره را که واگذاری خودمختاری فرهنگی و اداری در چهارچوب رعایت کامل و بدون خدشه تمامیت ارضی، وحدت ملی و مرکزیت قدرت دولتی است، نشان داد. حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که خلق کرد در ایران تنها در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل می تواند به محرومیت های ملی خود پایان بخشد. هرگونه کوشش برای پیدا کردن راه حلی خارج از چهارچوب مبارزه عمومی همه مردم ایران برای بدست آوردن استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی، راهی است خطا، پررنج، پرتلفات و بی نتیجه. اکنون دهها سال است که مردم کردستان برای پایان دادن به محرومیت های ملی و اجتماعی مبارزه می کنند و در این راه تلفات و قربانی های فراوان و سنگینی داده اند. تجربه همین مبارزات و مبارزات ملی در سایر کشورها به خوبی نشان می دهد که از بین رفتن محرومیت های ملی خلق های محروم در کشوری نظیر ایران تنها در جریان مبارزه برای تأمین استقلال و آزادی برای همه مردم کشور امکان پذیر است.

حزب توده ایران برآن است که خلق های محروم ایران تنها از راه هماهنگی با سایر نیروهای ضد امپریالیستی، آزادیخواه و خلقی، تنها از راه تلاش برای ایجاد جبهه متحد نیروهای خلق، از راه مبارزه متحد پیروزمند ضد امپریالیستی و دمکراتیک می تواند به محرومیت های ملی موجود پایان بخشد.

حزب توده ایران برآنست که از راه سرکوب و کشتار ممکن است «آرامش» برقرار ساخت، ولی نمیتوان مسئله ملی را نه در کردستان و نه در سایر نقاطی که در آن ها محرومیت های ملی مطرح است، حل نمود.

حزب توده ایران برآن است که در حوادث کردستان علاوه بر خواست های مشروع خلق کرد برای پایان دادن به محرومیت های ملی و عقب افتادگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، که محصول رژیم سیاه وابسته به امپریالیسم «شاهنشاهی» است، تحریکات عوامل رنگارنگ امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع نقش مهمی داشته و دارد. این عوامل هم اکنون دست اندرکارند که هر لحظه بحران را شدیدتر سازند، با اقدامات تحریک آمیز و حادثه آفرینی از یک سو و با اشاعه اخبار دروغ و تهییجی از سوی دیگر بر وخامت اوضاع بیفزایند، راه حل های مسالمت آمیز را غیرممکن سازند، آب را گل آلود کنند و خود از آب گل آلود ماهی بگیرند. باید این نقشه شیطانی عوامل ضد انقلاب را، در زیر هر ماسکی که عمل می کند، به دقت دید و خنثی ساخت. وظیفه تاریخی رهبر انقلاب و همه نیروهای راستین هوادار انقلاب است که بین این دو جریان خط فاصل دقیق بکشند و این دو جریان را که یکی خلقی، مشروع و به حق است و دیگری خصمانه، ضدانقلابی و جنایت بار، از هم جدا سازند و در مورد هر کدام روش سیاسی جداگانه ای برگزینند. این است موضع گیری اصولی ما. بر پایه همین موضع گیری اصولی حزب توده ایران با توجه به اهمیت موضوع، ضمن ابراز آمادگی در بکار بردن تمام کوشش و امکانات خود برای حل و فصل مسالمت آمیز مسئله کردستان، پیشنهاد می کند:

۱- بی درنگ و همزمان، به عملیات نظامی از دو طرف پایان داده شود و آتش بس اعلام گردد؛

۲- محاکمه و صدور رأی در دادگاه های انقلاب کردستان متوقف گردد؛

۳- مذاکرات به منظور پیدا کردن راه حل سیاسی برای رسیدن به هدفهای مبرم زیر آغاز شود:

الف- تأمین خواست های به حق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت های ملی.

ب- تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن و نابود کردن عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و سراسر ایران.

به نظر حزب توده ایران این بگانه راهی است که به تحکیم، تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران کمک موثر می رساند و آن را به سمت گیری اصلی خود، یعنی سمت گیری علیه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، و صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده - یعنی همان سمت گیری که امام خمینی چه پیش از پیروزی و چه پس از آن همواره برآن تکیه کرده اند - بازمی گرداند و شرایط لازم را برای اتحاد همه نیروها، اتحادی که امام خمینی

همیشه به عنوان شرط عمده برای پیروزی قطعی انقلاب یادآور شده‌اند، فراهم می‌سازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۶ شهریور ۱۳۵۸

به مناسبت سالگرد ۱۷ شهر یور— جمعه خونین

هموطنان عزیز!

یک سال از جمعه خونین می گذرد. این روز در تاریخ مردم ایران، در تاریخ جنبش انقلابی ایران فراموش نشدنی است. این روز تاریخی چهره های گوناگونی دارد. این روز بیانگر جنایت بارتترین و اکنش رژیم ددمنش پهلوی در برابر خلقی است که با دست خالی برای استقلال و آزادی خود رزمیده. این روز نمودار قهرمانی خلقی است که چون تن واحد برای سرنگون ساختن رژیم دست نشانده پهلوی پیکار کرده. در این روز کشتار جمعی، در این روز شهادت خلقی، مبارزان راه استقلال، آزادی، عدالت، شرافت و ترقی در برابر عاملان وابستگی، اسارت، ظلم، فساد و عقب ماندگی قرار گرفتند. این زورآزمایی به بهای جان هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق تمام شد، ولی در همان لحظاتی که پیکر آزادگان در زیر رگبار گلوله اسارتگران درهم می شکست، تاریخ حکم پیروزی خلق و شهیدانش، حکم شکست دشمنان خلق و دژخیماناش را صادر کرد. و دیری نگذشت که انقلاب بزرگ مردم ایران، به رهبری امام خمینی، بر این حکم صحنه گذاشت. درود بی پایان بر زنان و مردانی که خون خود را وثیقه این حکم تاریخی قرار دادند!

هموطنان عزیز!

فرزندان دلیر میهن ما، در جمعه خونین و روزهای نظیر برای آن بخاک و خون غلطیدند، همه زنان و مردان میهن پرست و آزاده ما برای آن رزمیدند که میخواستند رژیم دست نشانده، خائن، ظالم و فاسد پهلوی سرنگون شود، سلطه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع از میهن ما ریشه کن گردد. دست سرمایه داران بزرگ وابسته و مالکان

بزرگ از غارت ثروت ملی و نتیجه دسترنج مردم زحمتکش ما کوتاه شود و مردم مبهن ما، پس از اینهمه ظلمی که بر آنها رفته است، از استقلال و آزادی و عدالت و رفاه و ترقی برخوردار گردند. و اینک، در زمانی که سالگرد جمعه خونین را برگزار میکنیم، باردیگر در برابر یکی از حساسترین، بغرنجترین و پرمسئولیتترین لحظات تاریخ خود قرار گرفته ایم، زیرا دستاوردهای انقلاب بزرگ ما، خواست مردم قهرمان ما، آرزوی شهیدان جانباز ما، در معرض خطر عظیمی قرار گرفته است.

رژیم سرنگون شده ولی نابود نشده، امپریالیسم ضربت دیده ولی از پای درنیامده و با تمام نیروی اهریمنی خود و با تمام وسائل و امکاناتی که با کمال تأسف هنوز باندازه کافی در اختیار دارند می کوشند آن تن واحدی را، که درست به علت وحدت خود حماسه آفرید و دشمن قدرتمند را بزانو درآورد، پاره پاره کنند، صفوف متحد خلق را از هم جدا سازند، نیروهای انقلابی را به جان هم اندازند، و براین زمینه، که چیزی جز تضعیف جنبش انقلابی مردم ایران را بدنبال ندارد، آب رفته را بجوی بازگردانند.

از زیر ضربه خارج کردن امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی و واقعی مردم ایران، پیش کشاندن خطر واهی کمونیسم، برافروختن جنگ برادرکشی در کردستان و عواقب دردناک آن، هجوم به آزادیهای دمکراتیک، مهم ساختن وزیر ضربه قرار دادن نیروها و سازمانهای اصیل انقلابی و ضد امپریالیستی— از جمله حزب توده ایران— توطئه، تحریک، اخلال و خرابکاری در تمام شئون اجتماعی بمنظور فلج کردن، بدنام کردن و منحرف ساختن انقلاب، مکمل این نقشه اهریمنی است.

هموطنان عزیز!

در سالگرد جمعه خونین، در تجلیل از خاطره تابناک شهیدان، صف متحد و ندای استقلال طلبانه و آزادیخواهانه آنان را بیاد آوریم و با تمام نیروی خود بکوشیم که نقشه اهریمنی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی را در تفرقه افکنی بین نیروهای انقلابی، در زیر پا گذاشتن دستاوردهای انقلاب خشی سازیم. با خواست تشکیل جبهه متحد خلق برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، برای ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و نابود ساختن بقایای رژیم پهلوی، برای تأمین و تضمین استقلال ملی و آزادیها و حقوق دمکراتیک، برای نوسازی اقتصاد ملی در جهت تحکیم استقلال اقتصادی و بهبود زندگی زحمت کشان، برای تأمین و تضمین حقوق ملی خلفهای ایران در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی کشور— یعنی همان خواستهائی که از جانب امام خمینی به عنوان محتوای جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است— در مراسمی که به مناسبت یادبود ۱۷ شهریور— جمعه خونین— برگزار می شود، شرکت کنیم.

جآودان باد خاطرۀ تابناک شهیدان ۱۷ شهر یور!
برقرار باد جبهۀ متحد خلق در دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ شهر یور ماه ۱۳۵۸

به مناسبت درگذشت نابهنگام آیت الله العظمی سید محمود طالقانی

آیت الله العظمی سید محمود طالقانی، دانشمند بزرگ، مجاهد نستوه، رئیس شورای انقلاب از میان ما رفت و جامعه ما را در غمی بزرگ فرو برد. تاریخ ایران چنین سوگواری عظیم و پردردی را بیاد ندارد. در تاریخ جهان نیز چنین سوگ بزرگ و عمیقی کم نظیر است.

علت این همه محبت مردم به آیت الله طالقانی چیست؟ پاسخ این پرسش را باید در عقاید و اندیشه های روشن طالقانی و در صداقت و پی گیری او در جهاد بخاطر معتقداتش جست و جو کرد. او تمام عمر در راه مردم، علیه هرگونه استبداد و استعمار رزمید. او اهمیت واقعی اتحاد نیروهای انقلابی را زیر رهبریهام خمینی درک کرد و باتمام قوا کوشید تا این نیروها را بهم نزدیک سازد، پلی میان آنها ببندد، حلقه رابط و تحکیم کننده اتحاد نیروها باشد. آیت الله طالقانی یکی از روشن بین ترین رهبران انقلاب کنونی ایران بود که معنای انقلاب را با عمق تمام درک کرده، حاضر نبود خود را با کلیات دل خوش کند. او می گفت:

«همه می گوئیم انقلاب اسلامی. پیرسید هدف چیست؟ هنوز مشخص نشده است... برنامه علی برنامه قبل از انقلاب مدینه بود. نه مثل ما مسلمان ها که اول انقلاب کردیم و حالا می نشینیم که برنامه معین کنیم.»

خود آیت الله طالقانی از کسانی نیست که ندانند هدف انقلاب چیست. او برنامه انقلاب اسلامی را از قبل برای خود روشن ساخته و سالها با پی گیری آنرا دنبال کرده بود. او خواستار استقرار جامعه «عدل و قسط» بود. او می خواست که:

«نظامات فاسد و فاصله ها فرو ریزد... ترکیب اجتماعی جلیهدی بوجود آید، یعنی اجتماعی انقلابی، اجتماعی پیش رو...»

برای طالقانی همه این مفاهیم معنای دقیق و روشن اجتماعی داشت. او در باره تاریخ تکامل

جامعه بشری می گفت:

«سررشته پول که به دست طبقه ای می آید، سررشته های سرمایه انسانی و طبیعی و حکومت هم به دنبال آن بدست همین طبقه قرار می گیرد... وحدت و یگانگی اجتماعی مبدل به تفرقه و اختلاف و طبقات متضاد می گردد. طبقه محروم و بی نوا در برابر طبقه مالک و متصرف در اموال و نفوس، که حکومت را در دست دارند، صف بندی می کنند.»

طالقانی این «صف بندی» طبقاتی و قیام مردم محروم را تأیید می کرد و حتی قیام مانی و مزدک را می ستود. در نظر او همه قیام های طبقات محروم و ملل ستم دیده در هر نقطه جهان و صرف نظر از این که زیر چه پرچمی باشد، اسلامی است:

«هر انقلاب علیه ظلم و استبداد و علیه استثمار، در هر جای دنیا که باشد، همیشه در نظر ما یک انقلاب اسلامی است.»

در این انقلاب اسلامی که به گفته طالقانی موافق برنامه علی بن ابی طالب است: «خودخواهانی که برگرده مردم سوارند باید به زیر کشیده شوند، مستکبرین خودخواه و سرمایه داران غارتگر باید دنبال کارشان بروند، گرچه طلحه و زبیر باشند.»

در «ترکیب جدید اجتماعی» جایی برای این سرمایه داران غارتگر و ملاکین و مستکبرین نیست. آیت الله طالقانی از «قدرت کارگری» که «دردل دستگاه صنعتی نطفه می بندد و به یک قدرت فعال بدل می شود» سخن می گفت. در جامعه اسلامی مورد نظر آیت الله طالقانی قدرت باید در دست مردم باشد، مردمی که در شوهاها متشکل می شوند:

«مسئله شوهاها یکی از اساسی ترین مسائل اسلامی است... بگذارید مردم مسئولیت پیدا کنند. این مردم هستند که کشته داده اند.»

جامعه مورد نظر آیت الله طالقانی جامعه ای است آزاد، که در آن جایی برای هیچ نوع استبداد و خفقان نیست. او با احساس درد به یاد می آورد که:

«ادیان پس از انحراف از اصول دعوت داعیان به حق و دور شدن از سرچشمه تعالیم پیغمبران به حق، وسیله ای برای ستمگری و ظلم و حق کشی شده اند.»

او هشدار می داد که حساب این تعالیم را از سوء استفاده کنندگان جدا کنیم و مراقب باشیم که امروز یک باردیگر چنین نشود:

«اگر برنامه علی در انقلاب اسلامی ما پیش نرود، باید به طور یقین بدانید که به جای اول بر خواهیم گشت.»

طالقانی می گفت:

«اسلام دین سه صدر و بینش وسیع است، کتاب ما برای همه بشر است.»
اما نا آگاهان کار را خراب می کنند. طالقانی در خطبه ای که روز هفدهم شهریور در بهشت زهرا خواند و باید گفت که وصیت نامه اوست، از «استبدادی که زیر پرده دین» عرضه می شود، نالید و آن را «خطرناک ترین تحمیلات» نامید و گفت:

«هنوز مردم مستضعف ما باور نمی کنند که رسالت اسلام و انقلاب ما آزادی است. چون کم تر عمل دیده اند.»

آیت الله طالقانی در آنچه درباره سعه صدر اسلام می گفت نیز مانند همه موارد دیگر صادق و صمیمی بود و در زندگی بدان عمل می کرد. او خود آثار مارکسیستی را می خواند و می گفت:

«ما در نفی استعمار و استعمار و دفاع از آزادی با مارکسیست ها عقاید مشترکی داریم. آنچه قبول نداریم اصالت ماده است.»

و در مواردی هم که عقاید مشترک نباشد، طالقانی بحث و تبادل نظر را ممکن و سودمند می شمرد و می گفت:

«من نظرهای انتقادی خود را (در باره اقتصاد مارکسیستی) عرضه می دارم و انتظار دارم که اگر اشتباه در فهم و نقد پیش آید هدایت کنند.» و پس از ابراز نظر، اضافه می کرد:

«جواب روشن محققین جهان بینی مارکسیسم را انتظار داریم.»

چنین بود بزرگواری و سعه صدر دانشمندی که به عقاید خویش و صداقت بیانش اعتماد داشت.

یکی از برجسته ترین خصوصیات آیت الله طالقانی، که محبت و احترام عمیق همه مبارزین راستین انقلابی را بر می انگیزخت، اعتقاد عمیق او به ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی بود. او نه در حرف، بلکه در عمل تمام نیروی شگرف خود را علیه تفرقه اندازان، از هر طرف که باشند، چه چپ نماهای خرابکار و چه راست گرایان افراطی، به کار می برد و با اشاره به وصیت علی بی ابی طالب می گفت:

«مردم نادان این قدر سربه سر هم نگذارید. تفتیش عقاید نکنید. کسی که به شما و اسلام سلام می کند، نگوئید مسلمان نیست... کاری نکنید که آگاهانه و یا ناآگاهانه از دین اسلام عزیز، اسلامی که همه را از شرکت در پلیدی نجات می دهد، برای ما خرده گیری کنند. گروهی که به نام دین به جوامع و اجتماعات حمله می کنند، آن هایی که کتاب ها را آتش می زنند... یا مسلمان های ناآگاهند و یا آلت دست.»

طالقانی تأکید می کرد:

«اهداف احزاب و جمعیت ها چیست؟ چرا باید مقابل هم قرار گیریم. این مقابله ها و موضع گیری ها، هر چند با حسن نیت باشد پشت سر آن دست استعمار است... اسلامی که ما می شناسیم اسلامی که از قرآن و سنت پیغمبر سرچشمه گرفته، هیچ گونه آزادی را محدود نمی کند.»

اعضاء و رهبران حزب توده ایران، که سال ها در زندان های رژیم مغز پهلوی با آیت الله طالقانی هم زنجیر بوده اند، همواره به این خصوصیت پاک و انقلابی وی ارجح می گذاشتند.

آنان از علاقه صمیمانه آیت‌الله طالقانی به اتحاد همه نیروهای انقلابی و احتراز از تفرقه، که «شُرک» است خاطرات روشنی دارند.

آیت‌الله طالقانی فقط به داخل کشور نظر نداشت، او قبل از هر چیز، اهمیت نفوذ فلاکت‌بار امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را درک می‌کرد. تمام عمر پربار او ملامت از نبرد علیه امپریالیسم است. طالقانی به روشنی تمام درک و اعلام می‌کرد که: «سرنوشت مردم ایران همان سرنوشت مردم کوبا، سرنوشت مردم فلسطین و سرنوشت همه کشورهای اسلامی است... آنچه نگرانی ایجاد می‌کند مربوط به عقده‌های چرکینی است که امپریالیسم به نام اسرائیل و صهیونیسم و آفریقای جنوبی در مناطق حساس جهان، مستقر کرده است.»

طالقانی می‌خواست که جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی ضد امپریالیستی داشته و حامی همه جنبش‌های رهایی‌بخش باشد. او صادقانه هوادار صلح بود و جنگ را جز در مقام دفاع در برابر تجاوز امپریالیستی جایز نمی‌شمرد: «مملکت ما کشور علی است... تمام جنگ‌های علی دفاع بود. آیا این نباید سرمشق برای ما مسلمان‌ها باشد که به کسی تهاجم نکنیم.»

با کمال تأسف و تأثر آیت‌الله طالقانی دیگر در میان ما نیست. او در یکی از حساس‌ترین روزها و لحظات انقلاب ایران با چشمی نگران ما را ترک گفت. ما این ضایعه بزرگ و جبران‌ناپذیر را به همه مردم ایران و به رهبر انقلاب، امام خمینی، و به بازماندگان فقید سعید صمیمانه تسلیت می‌گوئیم. در شب قدر، که آن قدر برایش عزیز بود، طالقانی از شدت هیجان و با احساس خطر نزدیک فریاد برآورد:

«می‌خواستم گریه کنم، همان ملتی که آن یگانگی و وحدت و شوری را که داشت، بتدریج تبدیل به خصومت، جبهه‌گیری و عداوت می‌کند.»

اینک که این بزرگ‌مرز صدیق و روشن بین انقلاب ایران را از دست داده‌ایم، بکوشیم تا یگانگی و وحدت را به صفوف خود برگردانیم و از جبهه‌گیری و عداوت پرهیزیم. ما بارها تصریح کرده‌ایم که رکن اصلی مشی انقلابی حزب توده ایران، تحکیم صفوف نیروهای انقلابی در برابر خطر ضد انقلاب و تحریکات و توطئه‌های امپریالیسم، صهیونیسم و عمال آن‌هاست. ما بارها تصریح کرده‌ایم و باز هم تصریح می‌کنیم که پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق، که حزب ما مطرح می‌کند، خصلت زودگذر تاکتیکی ندارد. میان نظریات ما و نظریات رهبرانی چون طالقانی وجوه مشترک فراوانی موجود است که امکان همکاری عملی و صادقانه را برای حفظ، تحکیم و گسترش انقلاب فراهم می‌کند.

ما از جانب خود با تمام قوا در این راه می‌کوشیم و یک بار دیگر دست اعتماد خود را به سوی تمام نیروهای صدیق انقلابی، به سوی تمام پیروان آیت‌الله طالقانی و به سوی کسانی که به رهبری قاطع امام خمینی در نبرد برضد امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و

صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی و برای استقلال و آزادی و عدالت در میهن ما معتقدند، دراز می‌کنیم. بیایید روی آنچه که میان ما مشترک است، تکیه کنیم و صفوف خود را در برابر توطئه‌های امپریالیسم و برای دفاع از انقلاب ایران متحد سازیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ شهریورماه ۱۳۵۸

به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

سال تحصیلی جدید آغاز می شود. سالی به کلی بی سابقه. برای نخستین بار دانش آموزان و دانشجویان ایرانی در حالی به کلاس درس قدم می گذارند که مردم ایران در یک نبرد عظیم انقلابی ضد امپریالیستی و ضد سلطنت فاسد استبدادی پیروزی های بزرگ به دست آورده اند. امسال دیگر نوکران شاه مخلوع، یعنی عاملین امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و چپاولگری و تحمیق فرهنگی و اشاعه فساد زنگ آغاز سال تحصیلی را به صدا در نخواهند آورد و دیگر، هرگز، ترهات شاه مخلوع به نام «پیام»، فضای نخستین روزهای تحصیلی را زهر آگین و تلخ نخواهد کرد. اکنون دیگر هر جوان و نوجوان ایرانی، که به مدرسه و دانشگاه گام می نهد، می تواند این امید الهام بخش را در دل پیروانند که در راه خدمت به استقلال و آزادی میهن، در راه خدمت به خلق محروم و برای بهروزی به تحصیل خواهد پرداخت و می تواند این آینده روشن را مجسم کند که ثمره کوشش هایش در راه کسب علم و فن نصیب انحصارهای خارجی و غارتگران داخلی، خانواده متفقر پهلوی و ایادی آن و زائوهای اجتماع نخواهد شد.

بی شک ابرهای تیره ای که نشانی از خطر است، در افق پیداست. ولی قلب و مغز جوانان و نوجوانان ما، که در به ثمر رساندن انقلاب بزرگ خلقی، سهم شایسته و گرانقدری داشته اند، به آن اندازه آبدیده و غنی، پرشور و پرشور است که این ابرهای تیره را یأس انگیز و خوف بار نخواهد دید، بلکه هشدار دهنده و تجهیز کننده خواهد یافت.

آری، آغازی بی سابقه است و این را خود جوانان دانشگاهی و نوجوانان محصل ما به خوبی می دانند، می دانند که در این پیروزی دوران ساز دانش آموزان و دانشجویان چه سهم بزرگ و غرور آفرینی دارند. از ۲۵ سال تسلط جهنمی و مرگبار محمد رضای فاسد حتی یک

سال را نمی توان شاهد آورد که دانشگاه ها خاموش مانده باشد و سنگر دانشکده ها و مدارس از مجاهدان و مبارزان خالی. سنت های نبرد دانشگاهی ما در این سالهای خفقان و استبداد، بحق مایه فخر و سربلندی همه مردم ایران است. دانشجویان و دانش آموزان ما در تمام این مدت با شایستگی بیان گر خواست های خلق های محروم ایران شدند و هر مهراه و آغاز سال تحصیلی را، هر آذرماه و سالگرد ۱۶ آذر تاریخی را، هر بهمن ماه و یادبود پیروش به دانشگاه را و هر خاتمه سال تحصیلی را به مناسبت هائی برای پیکار مقدس و خستگی ناپذیر خود علیه رژیم سلطنتی دست نشانده و اربابانش و ایادیش بدل می کردند. طاغوتیان هر بار، لرزه بر اندام و ترسان از جنبش افشاگر دانشجویی، انواع تدابیر و راه از خونین ترین سرکوب ها تا ظریف ترین فریب ها، اتخاذ می کردند. ولی هر بار با شکستی مفتضحانه روبرو می شدند. در سال فراموش نشدنی انقلاب، دانشگاه ها و مدارس از مهمترین، شعله انگیزترین و پرتداوم ترین کانون های انقلاب بودند. یاد آنهمه قربانی و فداکاری و ایثار را، خلق ایران، و تاریخ ایران هرگز فراموش نخواهد کرد. نقش جوانان و نوجوانان دانش پژوه ما در این انقلاب بزرگ جاودانه بر سینه ها، بر عقول و بر صفحه تاریخ ثبت است.

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی تازه ای آغاز می شود. از یک سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در برابر همه ماست و لزوم دفاع از آنها، تثبیت و تحکیم و گسترش آنها، از سوی دیگر فعالیت های خطرناک ضد انقلابی و چرخش به راست و خطر محو یا محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت هشیاری هر چه ژرف تر و اتحاد هر چه محکمتر به خاطر رفع خطر.

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی تازه ای را در برابر جوانان و نوجوانان در سیال تحصیلی جدید قرار می دهد. باید همه کوشش خلاقه و نوآورانه، اصولی و پرنرمش را به کار برد تا در شرایط جدید، برداشت کهنه نداشت و با وسایل گذشته عمل نکرد. باید تحلیل مشخص وضع جدید را در تغییر دائمی آن و مسایل جدیدی که هر روز زائیده می شود و شیوه های جدید برخورد با آنها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعهد و مسئول باشد.

وظیفه ماست که متوجه باشیم محافل راست گرای انحصار طلب در سال تحصیلی جدید خواهند کوشید از برخورد آزادانه عقاید و افکار جلوگیری کنند، جو و یژه و محدودی را بر محیط دانشکده ها و دبیرستان ها تحمیل نمایند، با دستاویزهای تازه ای جلوی آزادی فعالیت و عمل اجتماعی و مشارکت و مشورت در امور را بگیرند، اصل تحمل عقاید دیگران را نادیده بگیرند. ضد انقلاب هم آشکار و پنهان از این تلاش پشتیبانی می کند. این گرایش که آستن خطرات بسیاری است، با توجه به سنت های درخشان گذشته، بی شک راه به جایی نخواهد برد، ولی می تواند مانع جریان عادی امور تحصیلی و مشارکت اجتماعی دانشجویان و دانش آموزان ما باشد و در نهایت امر به اهداف انقلاب و تحکیم آن زیان های جدی وارد سازد.

وظیفه ماست که متوجه باشیم هرگونه هرج و مرج و تندروی های بی موضوع و

پرخروش، اما بی محتوی و سبکسرانه، می تواند بهترین وسیله برای دادن بهانه هم به ضد انقلاب و هم به محافل راست گرای انحصار طلب باشد، می تواند بجای آن که کوشش اساسی را در جهت اتحاد همه گروه ها و گرایش های انقلابی و مؤمن به نبرد ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه متمرکز کند، به سوی نفاق و چند دستگی بکشانند، نیروها را هرز دهد و به جان هم بیاندازد و از جهت دیگری مانع جریان عادی امور تحصیلی و شرکت فعال و مؤثر در نبرد ضرور اجتماعی به خاطر پیشبرد راستین انقلاب شود.

باید متوجه و به هوش باشیم تا بتوانیم سال تحصیلی تازه را به سال اتحاد نیروهای واقعی انقلابی و مترقی، به سال انفراد قطعی و نهائی ضد انقلابیون آشکار و پنهان و خدمت گزاران آشکار و پنهان امپریالیسم بدل سازیم. براسنی دانشگاه ها و مدارس ما، که سالهای سال ندای نبرد متحد ضد شاه و ضد استعمار سر می دادند، چرا حالا نتوانند نمونه ای برای وحدت عمل همه گروه ها و گرایش های سیاسی و اجتماعی که دارای هدف مشترک ضد امپریالیستی و خلقی هستند، به دست دهند؟

بهوش باشیم و به انحصار طلبی و به هرج و مرج میدان ندهیم. بلوغ نسل جوان و دانش پژوه را در این دوره بفرنج گذار انقلابی ثابت کنیم. مردم زحمتکش ایران نگران آنند که در وضع بسیار بفرنج و پیچیده کنونی، چگونه دانشجویان و دانش آموزان ایرانی رشد اجتماعی خود را نشان خواهند داد. به یاری انقلاب خواهند شتافت، با بلوغ و درایت، پختگی و روشن بینی از یک سو هر چه جدی تر و مصممانه تر در راه کسب علم و فن و نیل به استغنائی فرهنگی و علمی کشور و در نتیجه تحکیم پایه های استقلال میهن خواهند کوشید و از سوی دیگر در صحنه اجتماعی، بیدار و آگاه، به سود انقلاب و پیشبرد آن عمل و مشارکت خواهند نمود.

بار دیگر در این نخستین روز مهر پس از سرنگونی رژیم استبدادی دست نشانده امپریالیست های جهانخواه، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، خاطره جاودانه دانش آموزان و دانشجویان پرشوری را که در پیکار دلیرانه خود به خاطر استقلال و آزادی میهن شربت شهادت نوشیدند، گرامی بداریم و سال تحصیلی را با هوشیاری، با جدیت، با حس مسئولیت، با تعهد آگاه آغاز کنیم! روشن بینانه، آرام و قاطع با دشواری ها و بفرنجی ها روبرو شویم تا شایستگی خود را برای انجام وظایف جدید و رسالت های نونشان دهیم!

متحد باشیم و در راه اتحاد بکوشیم! اتحاد ما ضامن پیروزی مبارزه ما در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ما خواهد بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اول مهرماه ۱۳۵۸

درباره مسأله کردستان

پس از حوادثی که در کردستان گذشت، اکنون محافل مختلف سیاسی و اجتماعی کشور به پاسخ این سؤال می اندیشند که چه باید کرد تا به جنگ برادرکشی پایان داده شود، مسئله بطور بنیادی حل شود و امکان بروز حوادث دیگر در کردستان از میان برخیزد؟

حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که از دهها سال پیش تاکنون، چگونگی برخورد انقلابی و اصولی به مسئله حقوق ملی خلقهای ایران را با پیگیری ارائه داده است. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که پس از انقلاب پیروزمند مردم ایران، بموقع درباره آنچه که در کردستان میگذشت، هشدار داد. حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است که پس از بحران کردستان، راه حل انقلابی و اصولی این بحران را در بیانیه کمیته مرکزی حزب، بمناسبت حوادث اخیر کشور مورخ ۶ شهریور ماه ۱۳۵۸ عرضه داشت. لذا بار دیگر و با تفصیل بیشتر، علل بروز بحران کردستان و راه حل آن را بیان داریم.

در آغاز طرح مسئله خود را از تذکر یک رشته واقعیات ناگزیر میدانیم. پایه این واقعیات عبارت از این است که در ایران خلقهای ستمدیده ای وجود دارند، که یکی از آنها خلق کرد است. این خلق طی قرون و اعصار متمادی تاریخ در میهن خود، ایران، دوش بدوش همه خلقهای برادر زیسته، در ایجاد فرهنگ غنی ایران شرکت نموده و در راه آزادی و استقلال ایران جانبازیها کرده و قربانیها داده است. تاریخ شاهد آنست که خلق کرد در دورانهای در صف مقدم همه خلقهای مسلمان قرار گرفته، و بسرکردگی مردانی چون صلاح الدین ایوبی، از استقلال و آزادی این خلقها و از تمدن و فرهنگ آنها علیه مهاجمان صلیبی دفاع کرده و حق بزرگی بگردن جنبش رهائی بخش این منطقه جهان نهاده است.

پس از برقراری تسلط امپریالیسم و استبداد بر میهن ما مضم ملی به بخشی از سیاست

دولتهای دست نشانده و استبدادی مبدل شد و خلقهای محروم ایران زیر ستم مضاعف قرار گرفتند.

منظره عمومی اعمال این ستم و نتایج آن در کردستان چنین بود که در سرتاسر دوران حکومت خاندان پهلوی، حق انتخاب انجمن‌های ایالتی و ولایتی مخصوص در قانون اساسی سابق، از خلق کرد نیز، مانند دیگر مردم ایران، سلب شده بود. خلق کرد حق مداخله در امور صرفاً محلی را نیز نداشت و همه مأموران و استانداران و فرمانداران و رؤسای ادارات از طرف شاه و دولت وی فرستاده میشدند، که در اینجا نیازی به توصیف اعمال و خواص آن ابلیس صفات نیست. اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شورایملی، گماشتگان دربار و ایادی امپریالیسم و استعمار بودند و خلق کرد در «انتخاب» آنها کمترین دخالتی نداشت. مأموران کشوری و لشکری و ساواکی، همدست با خوانین و دیگر گردنکشان محلی و مرکز نشینان طاغوتی، این خلق محروم را می‌چاپیدند. به جای آبادی و فرهنگ و بهداشت، به کردستان تانک و توپ و پلیس میفرستادند. هرگاه کاسه صبر این خلق لبریز میشد و سر با اعتراض بر میداشت، در نهایت قساوت و بیرحمی و بعنوان مبارزه با «قطاع العریق» و «متجاسر» و «تجزیه طلب» وی را سرکوب میکردند. بارها و بارها در کردستان سیل خون مردم بیگناه براه افتاد. مردم کرد زیر ساطور مأموران شاه مخلوع قتل عام میشدند و امکان رساندن حرف خود ب مردم ایران و دادخواهی از وجدان پاک هم میهتان خود را نداشتند. خلق کرد از حق تحصیل بزبان مادری، که شرط اساسی برای از بین بردن بیسوادی و بالا بردن سطح فرهنگ عمومی است، محروم بود. فرهنگ و هنر ملی و مردمی خلق کرد، که یکی از ارکان بزرگ منویات و پرا تشکیل میدهد، راهی برای رشد نییافت. و بطور تصنی و اجباری، با رکود و فراموشی وافول مواجه میگردد. هویت و موجودیت ملی خلق کرد مورد نفی و انکار و اهانت قرار میگرفت. درباره رشد صنعت و کشاورزی و بازرگانی و راهسازی و آبادانی و آموزش و پرورش و بهداشت و غیره اصولاً سخنی نمیتوان گفت، زیرا رژیم پهلوی کردستان را از این مواهب و نعمات محروم ساخته بود، بطوریکه از این لحاظ کردستان، در ایران محروم و عقب مانده، در ردیف عقب مانده‌ترین و محرومترین مناطق کشور بود.

این بود گوشه‌ای از منظره واقعی آن کردستانی که شاه مخلوع ریاکارانه آنرا «مهد تمدن آریائی» مینامید. کلیه آنچه گفته شد (که بخشی از آن جزو ستم همگانی بود که بر همه مردم ایران وارد میگردد، و بخش دیگر آن، ستم ملی و مختص کردها و دیگر خلقهای ستمدیده ایران بود) زندگی را برای مردم کردستان به جهنم واقعی مبدل کرده بود.

این سیاست و این وضع تا انقلاب پیروزمند مردم ایران ادامه داشت. خلق کرد در سیمای این انقلاب رمز رهایی و سعادت خود را مشاهده میکرد، و لذا با تمام توانائی در آن شرکت کرد. مردم همین مهاباد و سقز و مریوان و پاوه دوش بدوش مردم تهران و قم و تبریز و مشهد و اصفهان، زیر رهبری امام خمینی، علیه رژیم پهلوی قد علم کردند و هزارها قربانی

پس از پیروزی انقلاب، خلق کرد، مانند همه مردم رنج‌دیده ایران؛ انتظار آن را داشت و دارد که نظام جمهوری اسلامی ایران، کلیه سیاستها و برخوردها و مناسبات طاغوتی گذشته را، که منظره کلی آن در بالا ترسیم شده، از بیخ و بن ریشه کن سازد و دروازه‌های روشن آزادی و عدالت را بروی وی بگشاید. خلق کرد از صمیم قلب آرزوی آنرا داشته و دارد که اولین حکومت ایران، که برای نخستین بار در تاریخ، زنجیر ستم ملی را از گردن وی برداشته، حقوق ملی وی را تأمین خواهد کرد، حکومت جمهوری اسلامی ایران باشد. خلق کرد، ایران را طبیعی‌ترین وطن و مطبوع‌ترین مکانها برای خود میدانند و آنچه میخواهد جدا شدن از ایران نیست، بلکه فقط این را خواسته و میخواهد که در چهارچوب این وطن، که از ماکوتا چاه‌بهار و از آبادان الی سرخس، همه نقاطش برای او یکسان عزیز و گرمی است، در خانواده پرمهر و محبت همه برادران ایرانی خود آزاد و بی‌زنجیر زندگی کند، و تا حدودی که امروز منافع همگانی انقلاب و مردم ایران اجازه میدهد، بوی اختیار اداره کردن امور صرفاً محلی اعطا گردد.

اینها بخشی از واقعیاتی بود که توجه بآنها میتواند به حل عقلانی مسئله کمک کند. بنظر ما شرح مختصری که در بالا، در مورد کنه مطلب دادیم، کمک جدی به روشن شدن اذهان عمومی و طرح مسئله است، زیرا این واقعیات روشن میسازد که مسئله کردستان مسئله امروز و دیروز و بیست سال و سی سال قبل نیست، بلکه مسئله ایست دارای ریشه‌های عمیق تاریخی و از احتیاجات مبرم توده‌های وسیع خلق کرد سرچشمه میگردد.

بسیاری از ناظران بر حوادث در این نظر متفق القولند که مسئله کردستان بمراتب عمیق‌تر از آنست که بتوان علت آنرا تنها با تأثیر تحریکات ضد انقلاب توضیح داد. شک نیست که آن خط مشی، که کار کردستان را به مقابله سیاسی و نظامی گشاید، یک خط مشی ضد انقلابی بود و طراحان این خط مشی، امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و بقایای رژیم متفوق پهلوی بوده و هستند. ولی وجود توطئه و عمل ضد انقلاب، بهیچوجه نمیتواند و نباید موجب آن گردد که واقعیت اصلی، یعنی موجودیت خلق ستمدیده کرد و خواستها و نیازمندیهای بحق و عادلانه وی از مرکز توجه دور شود و بعنوان مبارزه با ضد انقلاب، این خواستها و نیازمندیها نفی گردد.

در نهایت تأسف باید بگوئیم که گرهی که میتوانست براحتی با ناخن باز شود، به دندان حواله شد و کمترین بهائی که برای این چرخش ناگوار تاکنون پرداخته شده اینست که همه شاهد آنیم: سنگربندی برادر علیه برادر، ریختن خون برادر بدست برادر و مسموم گشتن محیط سیاسی کشور، محیطی که— بگفته امام خمینی— به آرامش و تفاهم، حد اعلاى احتیاج را دارد.

ولی تاریخ هرگز راه را بروی خرد انسانی نمی‌بندد. آنانکه جز خدمت به خلق هدف دیگری ندارند، همواره شجاعت آنرا نیز در خود مییابند که جو یای راه خلهای درست‌تری باشند.

رهبر انقلاب بارها و با لفظ «کردستان بزرگ» و «کردستان عزیز» خلق کرد را مورد خطاب قرار داده است و بروی وحدت کلمه و لزوم آرامش و تفاهم تکیه خاص میکند. روزنامه «امت» معتقد است که بعوض اتکای صرف به نیروی نظامی و مبارزه با معلولها، باید بمردم کردستان تکیه نمود و با قاطعیت علیه ریشه‌ها و علل ایجاد کننده بحران مبارزه کرد.

توده‌های مردم کردستان میگویند: ما ایرانی هستیم و با تجزیه یک وجب از خاک ایران و کاستن یک کلوخ از مرز و بوم این خاک با تمام وجود مخالفیم. ما تنها خواستار حقوق حقه ملی خود هستیم. ما از انقلاب بزرگ مردم ایران، که در راهش قربانیهای بسیار داده‌ایم، انتظار داریم که این خواسته‌های مشروع و عادلانه را برآورده سازد. ما خواستار از بین رفتن فقر و محرومیت و عقب ماندگی هستیم. ما میخواهیم که حیثیت انسانی ما خدشه‌دار نگردد. ما میخواهیم این حق طبیعی بما داده شود که در چهارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و مرکزیت قدرت دولتی، از خودمختاری اداری و فرهنگی برخوردار باشیم.

بدین ترتیب بروشنی دیده میشود که علیرغم اصرار برخی از مقامات در ادامه سیاست سرکوب نظامی، در عقول و قلوب همگان، یک زمینه مردمی و معقول درباره مسئله کردستان وجود دارد. ما با احساس مسئولیت و تعهدی که در مقابل میهن، خلق و انقلاب داریم و با درک بغرنجی مسئله ملی و با فهم اینکه خرابیهای رژیم گذشته را نمیتوان یک شبه مرمت کرد و این کار به برنامه‌ریزی، سازماندهی، تهیه کادر، وسائل و بالاخره به زمان و محیط مساعد احتیاج دارد، میخواهیم پیشنهادهای مشخص خود را، که هدف آن خارج شدن از بن بست و قرار دادن مسئله کردستان در مسیر سالم و صفا و اتحاد است، بار دیگر مطرح سازیم.

دولت باید این واقعیت بی چون و چرا را قبول کند که مسئله کردستان یک مسئله نظامی نیست تا از طریق نظامی قابل حل باشد، بلکه همانطور که در بالا شرح داده شد، یک مسئله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. لذا دولت باید سیاست خود را در کردستان بر مبنای راه حل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دهد. راه حل نظامی در بهترین حالت فقط مسکن است و نه علاج، آن هم مسکنی که پس از آنکه تأثیرش سپری شد، ممکن است دردهای بس شدیدتری را بدنبال داشته باشد، که ما در گذشته بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم.

لذا به دولت پیشنهاد میکنیم: بی‌درنگ به عملیات نظامی پایان دهد، آتش بس اعلام کند، محاکمه و صدور رأی در دادگاههای انقلاب را متوقف سازد و آمادگی خود را برای مذاکره و حل مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان اعلام نماید.

توده‌های آگاه و روشن بین خلق کرد باید این واقعیت بی چون و چرا را، که خود برآن واقفند، امروز عمیق‌تر درک کنند که سرنوشت خلق کرد بطور ناگسستنی با سرنوشت همه مردم ایران بستگی دارد و آزادی این خلق از زیر یوغ ستم ملی و اجتماعی در گرو پیروزی قطعی و

نهائی انقلاب ایران است. جستجوی آزادی و عدالت در خارج از این صراط مستقیم زحمتی است بیهوده، که جز سرگردانی و گمراهی و فاجعه چیزی به بار نمی آورد.

لذا به توده‌های آگاه و روشن بین خلق کرد پیشنهاد میکنیم: با تمام نیرو و ابتکار انقلابی و شجاعت معنوی خود از درگیری با نیروهای دولتی و پاسدار احتراز کنند و برای پایان دادن به محیط مسموم و بحران‌زای ناشی از حوادث ناگوار اخیر برای ایجاد محیط سالم و آرام بمنظور مذاکره و حل مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان، یافتن زبان مشترک و تفاهم با دولت جمهوری اسلامی ایران و سرانجام تحقق حقوق حقه ملی خود، از هر امکان و فرصت و وسیله مسالمت‌آمیزی استفاده کنند.

خلاصه آنکه، ما به دو طرف پیشنهاد میکنیم: بیدرنگ و همزمان به عملیات نظامی پایان دهند و آمادگی خود را برای مذاکره و یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان اعلام دارند.

مذاکره برای یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان برای رسیدن به هدفهای مبرم زیرین است:

۱- تأمین خواسته‌های بحق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت‌های ملی.

۲- تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن عوامل امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و در سراسر ایران.

بنظر ما، تشکیل شوراها-آنطور که فقید سعید آیت‌الله طالقانی پیشنهاد میکرد و بتصویب امام خمینی و شورای انقلاب هم رسیده بود- میتواند زمینه مناسبی برای مذاکره بمنظور نیل به هدفهای فوق باشد.

چنین است پیشنهادهای ما، که البته میتواند، بکمک پیشنهادهای سایر نیروهای انقلابی، کاملتر، عمیق‌تر و کاراتر شود. ما با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم ایران، خلق کرد و انقلاب ایران، با واقع‌بینی انقلابی و اصولی این پیشنهادها را طرح کرده‌ایم و همانطور که در بیانیه کمیته مرکزی حزب بمناسبت حوادث اخیر کشور، مورخ ۶ شهر یور ۱۳۵۸، تأکید شده است، آماده‌ایم تمام نیرو و امکان خود را برای حل مسالمت‌آمیز و عادلانه مسئله کردستان بکار بریم. ما امیدواریم این پیشنهادها و سایر پیشنهادهای ناشی از حس تعهد و مسئولیت، مورد قبول مقامات دولتی و مسئول قرار گیرد. در آن صورت آب بر آتش پاشیده و سنگرها برچیده خواهد شد و برادران به آغوش هم باز خواهند گشت. در آن صورت عمال امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ایادی شاه مخلوع منفرد و برملا و بدست خود خلق سرکوب خواهند شد، دیگر زمینه و بهانه و دستاویزی برای تحریک و توطئه نخواهند یافت.

مسئله کرد یک واقعیت خلقی و انسانی است. ضد انقلاب میکوشد از آن علیه انقلاب

سوء استفاده کند. دلیلی ندارد که انقلاب از این واقعیت بسود خود حسن استفاده نکند و یا قبول حقوق عادلانه یک خلق، آنرا بسر باز وفادار خود مبدل نسازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲ مهر ماه ۱۳۵۸

درباره انتخابات شوراهای شهر

روز اول مهرماه ۱۳۵۸، وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای ۱۵۶ شهر در روز ۱۹ و ۲۰ مهرماه ۱۳۵۸ انجام خواهد شد. روز ۴ مهرماه ۱۳۵۸ متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر انتشار یافت. در همان روز وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای شهر در تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان و اهواز به تعویق می افتد، زیرا به علت شرایط خاص این شهرها باید آئین نامه جداگانه ای برای انتخابات شوراهای این شهرها تنظیم شود. روز ۵ مهرماه ۱۳۵۸ وزیر کشور ضمن توضیحاتی درباره انتخابات شوراهای شهر، تعیین اختیارات و وظایف شوراهای شهر را بینه موکول کرد.

حزب توده ایران هنگام اعلام نظر خود درباره پیش نویس قانون اساسی، در مورد نظام شورائی در کشور پیشنهادی بشرح زیرین ارائه داد:

«حاکمیت خلق از طریق مجلس شورای ملی و شوراهای محلی منتخب مردم اعمال میشود. مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان منتخب تمام اهالی کشور، قدرت مرکزی را اعمال میکند و شوراهای استان، شهرستان، شهر و ده که از طرف اهالی هر یک از بخشهای مذکور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی که بتصویب مجلس شورایی ملی میرسد، نسبت به امور داخلی قلمرو خود و درحد مسؤلیت ها و وظایف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند. تقسیمات کشوری باید بر پایه خصوصیات ملی انجام گیرد. در واحدهای ملی، شوراهای حقوق اداری و فرهنگی ملی را اعمال میکنند که حدود آنها قانون تعیین میکند...»

شبه این پیشنهاد، که ماهیت آن تأمین و تضمین شرکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش است، از جانب بسیاری از محافل و شخصیت های انقلابی و مترقی نیز ارائه شد، که در این زمینه، قبل از همه، باید از نظام شورائی پیشنهادی روانشاد آیت الله طالقانی یاد کرد.

متأسفانه نه فقط این پیشنهادها مورد توجه مقامات مشول قرار نگرفته است، بلکه تصمیم وزارت کشور درباره انتخابات شوراهای شهر نشان میدهد که دولت تصمیم دارد تشکیل شوراهای شهر را جانشین نظام شورائی پیشنهادی آیت الله طالقانی سازد. و این نخستین و مهمترین انتقاد است که ما به این تصمیم داریم، زیرا، از پیشنهاد حزب توده ایران در این زمینه که بگذریم، نظام شورائی پیشنهادی آیت الله طالقانی بمراتب از متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر، که توسط وزارت کشور انتشار یافته، کاملتر، منسجم تر و دمکراتیک تر است. از این انتقاد اصولی و اساسی که بگذریم، نقائص جدی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، که مهمترین آن بشرح زیرین است:

۱) در هر انتخاباتی، از جمله انتخابات شوراهای شهر، باید آزادیهای دمکراتیک: آزادی بیان، قلم، مطبوعات، احزاب، سندیکاها، اجتماعات، تظاهرات و... همه جانبه و اکیداً تأمین و تضمین گردد، تا هم رأی دهندگان بتوانند با آگاهی و آزادی کامل در تعیین سرنوشت خویش شرکت کنند و هم نامزدهای انتخاباتی بتوانند با آزادی کامل و با استفاده از تمام امکانات برنامه خویش را به مردم ارائه دهند.

در شرایطی که بسیاری از احزاب، سازمانها، گروهها و مطبوعات ملی و دمکراتیک یا از فعالیت آزادانه و قانونی ممنوع اند یا فعالیت آنها محدود شده است، در شرایطی که جو نامساعدی برای ابراز نظر و فعالیت سیاسی، بویژه برای نیروهای راستین چپ، ایجاد کرده اند، چگونه میتوان از تأمین و تضمین شرکت آگاهانه و آزادانه مردم - اعم از رای دهندگان و نامزدهای انتخاباتی - در انتخابات شوراهای شهر سخن گفت؟

۲) وزارت کشور، پس از آنهمه تأخیر در آغاز کار، با تصمیمات خود در مورد انتخابات شوراهای شهر، این محدودیت را باز هم محدودتر کرده است. زیرا چگونه مردم میتوانند فقط طی یک هفته (نامزدهای انتخاباتی باید در ۱۲ مهر خود را معرفی کنند) با نامزدهای انتخاباتی و برنامه های آنان آشنا شوند؟ چگونه نامزدهای انتخاباتی میتوانند طی این مدت کوتاه مردم را با خود و برنامه های خود آشنا کنند؟ علاوه بر این، تعویق انتخابات ۶ شهر، به این علت که «باید آئین نامه جداگانه ای برای انتخابات شوراهای شهر تنظیم شود»، نشانه آشکاری است از فقدان مطالعه کافی، از وجود شتاب برای بسرانجام رساندن این امر مهم است. ولی این عجله برای چیست و چه سودی دارد؟

۳) بدون اینکه بخواهیم در اینجا وارد جزئیات متن لایحه انتخابات شوراهای شهر بشویم، باید در اینجا هم به عدم رعایت یک اصل دمکراتیک در مورد تشکیل انجمن نظارت انتخابات اشاره کنیم. اعتقاد ما اینست که در هر انتخاباتی، از جمله در انتخابات شوراهای شهر، انجمن نظارت انتخابات باید از نمایندگان احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی تشکیل شود، زیرا رعایت این اصل بهترین وسیله برای تأمین صحت انتخاب است. ولی این اصل در مورد تشکیل انجمن نظارت انتخابات شوراهای شهر رعایت نشده است.

۴) وزارت کشور انتخابات شوراهای شهر را اعلام کرده، ولی اختیارات و وظایف شوراهای شهر را مشخص نکرده و تعیین آنرا بعد موکول ساخته است. چگونه مردم میتوانند در انتخاباتی شرکت کنند که حدود اختیارات و وظایف ارگانهای انتخاب شونده آن هنوز مشخص نیست؟ علاوه بر این، تعیین اختیارات و وظایف شوراهای شهر بعهده وزارت کشور و هیئت وزیران، یعنی قوه مجریه گذاشته شده است و این با محتوای دموکراتیک نظام شورائی مغایرت دارد.

حزب توده ایران با توجه به ایرادات اصولی و اساسی که به تصمیم وزارت کشور در مورد انتخابات شوراهای شهر وارد است، و همچنین فقدان مطالعه کافی و شتابزدگی که در این امر مهم مشاهده میشود، از دولت و همه مقامات مسئول میطلبد که اولاً انتخابات شوراهای شهر را در تمام کشور به تأخیر اندازند. ثانیاً در رفع این ایرادات اصولی و اساسی بکوشند، تا شوراها با محتوای واقعی دموکراتیک تشکیل شود و حق مردم برای تعیین سرنوشت خویش تأمین گردد. حزب توده ایران از همه نیروهای انقلابی، ملی و دموکراتیک نیز میطلبد که در این راه مجدانه بکوشند.

شایان ذکر است که با توجه به ایرادات اصولی و اساسی فوق، نتایج انتخابات شوراهای شهر از هم اکنون روشن است، نتایجی که نمیتوان آنرا کاملاً دموکراتیک و منطبق با خواستهای اکثریت مردم دانست. با اینهمه، اگر وزارت کشور در اجرای تصمیم خود پافشاری کند، حزب توده ایران، با حفظ انتقادات اصولی و اساسی خود، در انتخابات شوراهای شهر شرکت میکند، زیرا معتقد است که بدینوسیله اولاً میتوان مردم را با نقائص این قانون آشنا ساخت. ثانیاً میتوان مردم را با حقوق و وظایف آنها در این زمینه آشنا کرد. ثالثاً میتوان - در همان حدی که ممکن است - نمایندگان واقعی مردم را به شوراها فرستاد. رابعاً میتوان در حد همین قانون ناقص هم در شوراها از حقوق مردم دفاع کرد.

حزب توده ایران در عین حال آماده است که با تمام احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای انقلابی، ملی و دموکراتیک در زمینه قانون انتخابات شوراهای شهر، اختیارات و وظایف شوراهای شهر، تنظیم برنامه مشترک و لیست مشترک، بمنظور شرکت در انتخابات شوراهای شهر، به تبادل افکار بپردازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۷ مهرماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

سی و هشت سال نبرد پیگیر در راه به دست آوردن استقلال ملی، آزادی و تأمین خواست های زحمتکشان!

سی و هشت سال از زندگی پر تلاش حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران، گذشته است و سی و نهمین سال این زندگی، با همان تلاش و پیگیری و تزلزل ناپذیری، در شرایطی بسیار بغرنج آغاز میگردد. پس از سی سال محرومیت از فعالیت آزاد و تحمل جنایت بارترین ضربات از طرف رژیم وابسته ضد خلقی محمدرضا پهلوی، امسال حزب ما سی و هشتمین سالگرد تأسیس خود را در شرایط پرتلاطم و بغرنج نخستین سال پیروزی انقلاب تاریخی ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی میهن عزیز ما ایران، جشن میگیرد.

حزب ما در مسیر این دوران دراز تاریخی با اینکه در نبردهای نابرابر با دشمن، ناکامیها و شکستهای دردناکی را تحمل کرده، معذالک میتواند با سربلندی کارنامه ای پراز ایثار و فداکاری در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد عرضه کند.

حزب ما تنها حزبی است که طی نزدیک به چهل سال از پرتلاطم ترین دورانهای تاریخ کشورمان، طوفانها و سیل های مهیبی را از سر گذرانده، ولی به برکت راه درستی که در پیش گرفته، بدون تزلزل بر روی بنیادهای اصولی خود، پا برجا و استوار باقیمانده و راه پر رنج ولی افتخار آمیز خود را دنبال کرده است.

دشمنان اصلی و واقعی مردم میهن ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع وابسته به آنان، یعنی سرمایه داران بزرگ وابسته و زمین داران کلان، غارتگران و در راس آنها خاندان ننگین پهلوی، از همان نخستین روز پیدایش حزب ما، آن را درست شناختند و پی بردند که این حزب پیگیرترین و روشن بین ترین سازمان سیاسی دشمن آنها و آشتی ناپذیرترین مدافع منافع ملی و خواستهای توده های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و حقوق ملی همه خلقهای ایران است، که در راه رسیدن بهدفعهای خود، یعنی کسب استقلال

ملی و آزادی و تامین خواستهای بحق توده ها و خلقهای محروم، از هیچ فداکاری فروگذار نخواهد کرد.

درست به علت همین ماهیت و خصلت، حزب ما پیش از هر سازمان سیاسی دیگر مورد کینه محمد رضا پهلوی و رژیم جنایتکارش قرار داشت. محمد رضا پهلوی و پشتیبانان امپریالیستی اش خوب میدانستند که برای درهم شکستن مقاومت همه نیروهای ملی مخالف خود، باید پیش از همه سنگر حزب توده ایران را درهم شکست.

تصادفی نیست که هیئت حاکمه خائن رژیم منحوس سلطنتی محمد رضا پهلوی، در تمام دوران موجودیتش، هر بار خواست به مردم ایران خیانت کند، تدارک این خیانت را با حمله ای برای درهم شکستن مقاوم ترین سنگر خلق یعنی حزب توده ایران آغاز میکرد.

درست بر پایه همین اصولیت و پایداری است که حزب ما همواره مورد کینه گروههای سازشکار و قانون شکن قرار داشته است، زیرا آنها خوب دریافته اند که نیروی افشا کننده حزب ما، نقاب ریا و تزویر و مردم فریبی را از هم میدرد و چهره زشت فریبکاران سیاسی را عریان میسازد. باین ترتیب تصادفی نیست که این گروهها هم حزب ما را نخستین آماج حملات دشمنانه و کینه توزانه خود قرار میدهند و از هیچگونه اتهام و افتزای ناجوانمردانه ای برای بی اعتبار کردن حیثیت مبارزان توده ای، که روشن بینی سیاسی و اراده راسخ برای دفاع از منافع ملی و آزادی و حقوق زحمتکشان، یگانه ثروت آنها در زندگی است فروگذار نمیکنند.

حزب توده ایران افتخار میکند که در تمام دوران موجودیت خود پرچمدار مبارزه علیه فاشیسم هیتلری، علیه امپریالیسم غارتگر انگلیس، علیه امپریالیسم تازه نفس و منجاوز امریکا بوده و در مراحلی از این دوران، به تنهایی سنگر مقاومت علیه دشمنان خلق و زحمتکشان میهنان را نگهداری کرده و این پرچم را در سخت ترین شرایط افراشته نگهداشته است. مبارزه بی امان دشمنان ملی ما، یعنی امپریالیسم و رژیم محمد رضا پهلوی، علیه حزب ما، تنها از راه تهمت و افتراء، ضرب و جرح، بازداشت و شکنجه و اعدام نبود. این دشمنان خوب میدانستند - و تجربیات شبیه در کشورهای دیگر جهان و در خود میهن ما به آنها آموخته بود - که با وجود توسل به همه این شیوه ها، نمیتوان حزبی را که در درون خلقهای میهن ما، در درون طبقات زحمتکش آن ریشه دارد و از حقوق آنها دفاع میکند، از بین برد و ریشه کن ساخت. از اینرو آنها از همان آغاز تأسیس حزب ما، بموازات توسل همه جانبه به شیوه های یاد شده در بالا، شیوه مودبانه و خرابکارانه متلاشی ساختن حزب از درون را نیز، بعنوان یکی از شیوه های اساسی مبارزه خود علیه حزب ما، بکار بردند. دشمنان حزب همیشه کوشیده اند تا با کمک عناصری که آگاهانه بدورن سازمان ما فرستاده اند و یا با کمک نیمه راهبان و واژدگانی که به آمال و آرزوهای خود خواهانه خود نرسیده و نتوانسته بودند حزب را بعنوان نردبان ترقی خود مورد بهره گیری قرار دهند، حزب توده ایران را از درون منفجر سازند.

تاریخ نزدیک به چهل سال زندگی پر رنج، ولی پر افتخار حزب ما ثابت کرد که این

دشنة زهر آلود دشمن، هر قدر هم ماهرانه بكار برده شود، بربدن روئين تن حزب ما كاري نيست و آن را از پا در نمي آورد. مبارزه ايندولورژيك حزب ما عليه انحرافات راست و «چپ» و در دفاع از پاكيزگي جهان بيني انقلابي و علمي خود يكي از صفحات درخشان تاريخ حزب توده ايران است. حزب ما پس از هرتوطنه، هرخيانت، هر انحراف نيزومند تر از گذشته برپا ايستاد، زخمها را درمان كرد و بهبود بخشيد و راه دشوار خود را ادامه داد.

خدمت تاريخي حزب توده ايران تنها در اين نيست كه دشمنان ملي ما را به روشن ترين وجهي به مردم شناساند و آنانرا براي مبارزه عليه اين دشمنان تجهيز كرد، بلكه در اين هم هست كه دوستان واقعي مبارزات ملي و خلقی مردم ايران را نيز شناخت و به مردم شناساند.

يكي از مهمترين افتخارات حزب توده ايران اينست كه طی نزديك به چهل سال به بهترين و عاليترين شكل اصل ميهن دوستي راستين را با اصل همبستگي و دوستي با همه خلقهاي محروم و مبارز جهان عليه امپرياليسم و ارتجاع تلفيق كرد و اين پرچم را حتى يك لحظه هم بر زمين نگذاشت. حزب توده ايران بموازات تلاش خستگي ناپذير خود براي تجهيز نيروهاي ملي و اتحاد و همكاري آنان در نبرد با دشمنان اصلي خود، يعني امپرياليسم جهاني و فرزندان ناميمونش، صهيونيسم و رژيمهاي غارتگر و جنائتكار وابسته به امپرياليسم در ايران و كشورهاي استعمار زده ديگر، همواره به مردم ايران آگاهي داد كه مبارزه آنها در راه بدست آوردن استقلال ملي، آزادي و زندگي بهتر، با مبارزه همه خلقهاي محروم جهان عليه دشمنان مشترك، يعني امپرياليسم و ارتجاع خودي مبارزه همه زحمتكشان براي برانداختن تسلط غارتگرانه سرمايه داري امپريالستي، مبارزه همه خلقهاي آزاد شده از قيد امپرياليسم و استثمار و در پيشاپيش آنان مبارزه كشورهاي سوسيالستي عليه امپرياليسم جهاني، پيوند ناگسستني دارد. حزب ما هميشه و بدون تزلزل از اين مبارزات، در هر گوشه جهان كه بود بيدار و پشيماني كرد و نشان داد كه پيروزي آنان بخشي از پيروزي خلق، عليه دشمنان اوست و مبارزه او را آسانتر مي سازد.

ما با سربلندي امروز شاهد آن هستيم كه پيگيري حزب ما در اين موضع گيري درست، هر روز بار آورتر مي شود و بخشهاي جديدي از نيروهاي راستين انقلابي ايران، چه از ميان آن گردانهائي كه زير پرچم اسلام مبارزه مي كنند و چه آنهائي كه خود را هوادار سوسياليسم علمي ميدانند، گام بگام و هر روز با روشن بيني بيشترى به درستي مشي ما پي ميرند.

يكي از مهمترين خدمات حزب ما اينست كه همواره با اعتقادي تزلزل ناپذير از لزوم تجهيز توده هاي ميليوني براي نبرد عليه امپرياليسم و ارتجاع و اتحاد اين توده هاي ميليوني و سازمانهاي سياسي كه خود را نماينده و مدافع منافع اين توده ها ميدانند، دفاع كرده و آن را شرط اصلي براي پيروزي دانسته است. حزب ما از همان اولين روزهاي موجوديت خود تا كنون، همواره مدافع اتحاد نيروهاي ملي در مبارزه عليه دشمن مشترك بوده و بويژه روي لزوم همكاري تاريخي نيروهائي كه زير پرچم مبارزه براي استقلال ملي، آزادي، پيشرفت اجتماعي و زندگي

بهرتر برای زحمتکشان مبارزه میکنند با نیروهائی که با جهان بینی های دیگر، در راه رسیدن به همین هدفها پا در میدان نبرد اجتماعی نگذاشته اند. نه تنها برای یک دوران کوتاه مدت، بلکه برای آینده دراز مدت تکیه کرده است.

بر اساس اعتقاد بر همین اصل است که حزب ما از همان آغاز مبارزه نیروهای خلقی، زیر رهبری امام خمینی، بطور پیگیر برای همکاری با این نیروها و همه گردانهای دیگر مبارزان راستین ضد امپریالیسم و رژیم پهلوی تلاش کرده است.

حزب توده ایران اتحاد این نیروهای خلق را نیرومندترین سرچشمه پیروزی علیه دشمنان میداند و همواره علیرغم همه برخوردهای غیردوستانه و نااعادلانه، دست خود را برای این اتحاد دراز کرده است.

انقلاب پیروزمند تاریخی ما در سنی و ضرورت تاریخی این اتحاد را نشان داده و از هم پاشیدگی ای که در ماههای اخیر در صفوف نیروهای انقلابی خلق پدیدار شده، خطر ضعف و از بین رفتن این اتحاد را به گویاترین وجهی در مقابل چشم میهن دوستان گذاشته است. دشمنان سوگند خورده استقلال و آزادی ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیستها و بازماندگان رژیم سرنگون شده محمد رضا پهلوی، با تمام قوا میکوشند سرچشمه پرتوان نیروی جبهه خلق را خشک کنند، گردانهای گوناگون جنبش خلق را بجان هم اندازند، میان آنان تخم نفاق و دشمنی بپاشند، آتش جنگ برادر کشی را برافروزند، از تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب تاریخی ما جلوگیری کنند، موجبات عدم رضایت توده ها را فراهم کنند و بدینسان زمینه را برای بازپس گرفتن مواضع غارتگری که از دست داده اند، آماده سازند.

هموطنان! رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

حزب توده ایران آغاز سی و نهمین سال تاسیس خود را در شرایط بسیار بفرنج سیاسی جشن میگیرد. این جشن در شرایطی است که از یکسو انقلاب ایران با شرکت وسیعترین اقشار مردم از همه خلقها و از همه طبقات و اقشار ملی به دستاوردهای عظیم و شگفت انگیزی نائل آمده و با این پیروزی تاریخی تحسین و احترام همه مبارزان راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان بدست آورده است. مردم میهن ما میتوانند بخود بیانند که با پیروزی در این انقلاب تاریخی و با دستاوردهای خود در همین ۸ ماهی که از پیروزی انقلاب گذشته است، ضربات سنگینی بر پیکر منفور دشمنان ملی یعنی امپریالیسم و ارتجاع، وارد ساخته اند.

ولی از سوی دیگر اکنون ما شاهد آن هستیم که بعلت ضعف بهم پیوستگی نیروهای انقلابی و دسیسه های دشمنان نابکار، که در تمام سطوح دست بکارند، این دستاوردها مورد تهدید جدی قرار گرفته اند.

نیروهای ضد انقلابی، با شعارهای مردم فریب و گمراه کننده، ولی در واقع به منظور محدود کردن دستاوردهای انقلاب در چهارچوب منافع طبقاتی و اعتقادات سیاسی —

اجتماعی خود از یکسو و نیروهای کم تجربه افراطی چپ، با برخی برخوردهای نادرست و غیر واقع بینانه آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند و راه را برای پیشرفت آن هموار میسازند. حزب توده ایران سی و نهمین سال زندگی خود را با دنبال کردن همان راهی که همیشه در پیش داشته، یعنی راه روشن کردن، تجهیز و تشکل توده های زحمتکش، راه اتحاد و همکاری با همه نیروهای راستین ملی و خلقی در مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، راه دوستی و بهم پیوستگی همه خلقهای ساکن ایران در چهارچوب دفاع از تمامیت ارضی، استقلال و آزادی ایران، راه بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتگشان میهن ما، راه همکاری و اتحاد با همه سازمانهای سیاسی که به این هدفها وفادار باشند - برای تشکیل «جبهه متحد خلق» - ادامه خواهد داد.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را از صمیم دل به شما شاد باش میگوئیم و علیرغم همه دشمنی ها، تهمت ها و افتراها، همراه شما، با سربلندی به تاریخ پررنگ، ولی افتخار آمیز حزبمان مینگریم و تجدید پیمان میکنیم که حزب ما به آرمانهای خود وفادار خواهد ماند و از هیچ تلاشی برای رسیدن به آمال انسانی، ملی و توده ای خود فرو گذار نخواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ مهرماه ۱۳۵۸

در باره شوراهای شهر، حقوق و وظایف آنها

یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ایران تصویب اصل راجع بشوراها در قانون اساسی است، که در صورتیکه بمعنای واقعی و خلقی خود اجرا شود، در شکل و محتوای امر کشورداری، در سمت سپردن کار مردم بخود مردم، یعنی در سمت مردمی کردن جامعه ما، تحول بزرگی ایجاد خواهد کرد. نظام شورائی میتواند راه حل موثری برای مسائل بفرنج سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ملی، فرهنگی و غیره باشد، شوراهای شهر حلقه مهمی از این نظام و یا سیستم است.

شوراهای شهر، بطوریکه از نامش پیداست، شورائی است برای اداره شهر، که حکومت بر شهر را در دست خود متمرکز میکند. اما اداره شهر و حکومت بر شهر بسود چه کسانی؟ بسود خلق مستضعف و زحمتکش و میهن دوست و یا به سود دشمنان آنها و یا تلفیقی از این دو؟ شهری که در ایران غارت شده و تحقیر گشته ما از رژیم سرتا پا فساد و ستم پهلوی بارش مانده، همانند سرتاسر جامعه به ارث مانده از طاغوت، بوسیله یک دیوار هولناک، به دو قسمت طاغوتی و مردمی منقسم و مجزا گردیده. روشن است که در چنین شهری نمی تواند شورائی وجود داشته باشد که در همین حال نماینده هردو سوی دیوار باشد و شهر را به سود هردو جانب اداره کند، زیرا جمع منافع مردم و اقشار ضد مردم در یک جا محال است.

نظام شورائی یک نظام و سیستم وسیعی است که بخش اداری و سیاسی آن از شورای ده، شورای بخش، شورای شهر، شورای شهرستان، شورای استان و شورای سرتاسری کشور (مجلس شورای ملی) و شاید شوراهای دیگر تشکیل می شود. ما در این جا بتصویر و شرح این سیستم نمیبپردازیم، زیرا این خود موضوعی است بس مهم و نیازمند طرح و توضیح مبسوط و مخصوص. همچنین در اینجا خیال تدوین آئین نامه یا نظامنامه برای شوراهای نداریم، بلکه

بدان مناسبت که دولت امروز فقط انتخابات و تشکیل شوراهای شهر را مطرح نموده، میخواهیم بر مبنای یگانه اصل بنیادی — واگذاری کار مردم به خود مردم — آن اصول کلی را بیان نمائیم که تنها با رعایت آنها، شوراهای شهر (و یا هر شورای دیگری) خواهد توانست بیانگر و مجری اراده و حافظ منافع مردم شهر خود باشد.

عمده ترین آن اصول کلّی به قرار زیر است:

۱- وظایف شورای شهر باید عبارت باشد از سازماندهی و رهبری و نظارت بر کلیه امور مربوط به فرهنگ و بهداشت و برنامه و بودجه و دارائی و ترابری و مسکن و آب و برق و خواربار و قیمتها و هزینه زندگی و موسسات تولیدی و خدماتی دولتی، همچنین نظارت بر فعالیت موسسات تولیدی و خدماتی خصوصی و دیگر مسائل صرفاً مربوط به شهر خود، بسود توده ها و اقشار مردمی شهر و قبل از همه مستضعفان و زحمتکشان؛ سازمانهای انتظامی هر شهری نیز باید تحت نظر شورای همان شهر انجام وظیفه کنند.

۲- یک چنین شورائی که باید چنین وظایفی را اجرا کند، باید از جهت شیوه انتخاب و نحوه فعالیت و روح خود دارای مختصات زیرین باشد:

الف- نمایندگان شوراهای شهر باید در شرایط آزادی کامل از میان طبقات و اقشار مردمی، یعنی کارگران (و کشاورزان — در صورتیکه در شهر و یا حومه اطراف آن کشاورزان موجود باشند)، اصناف و کسبه و پیشه‌وران، روحانیون مترقی و مبارز، روشنفکران و کارمندان انقلابی و مترقی، سرمایه‌داران میهن‌دوست و دیگر اقشار مردمی انتخاب شوند. در این انتخابات باید همه احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و شخصیت‌های انقلابی، مبارز میهن‌دوست و آزادیخواه امکان شرکت آزاد داشته باشند.

ب- شورای هر شهری باید عالی ترین مقام حاکمیت در سطح شهر خود در چارچوب قوانین عام کشور باشد.

پ- شهردار و دیگر مسئولان کشوری و انتظاماتی هر شهری باید از جانب شورای همان شهر انتخاب و در راس دستگاه اجرائی شهر خود قرار گیرند و در چارچوب قوانین عام کشور در مقابل شورای شهر خود مسئول باشند.

شورای هر شهری طبق قوانین عام کشور در تابعیت مستقیم شورای بخش و یا شورای شهرستان خود قرار دارد البته باید شهر مورد نظر مرکز بخش و یا شهرستان باشد. شهردار و دیگر مسئولان کشوری و انتظاماتی هر شهری را، همانطور که در بالا گفته شد، شورای همان شهر انتخاب می‌کند و از جانب شورای شهرستان مربوطه تصویب میگردد.

ت- شورای شهر نباید مردم شهر را آن توده محکوم به اطاعتی بشمارد که مجموع حقوق و وظیفه اش تنها رای دادن است و بس، و پس از رای دادن باید برود پی کارش و دیگر رتق و فتق مسائل شهریه او ربطی ندارد. برعکس این شیوه طاغوتی و سرتاپا ارتجاعی، شورای شهر باید فقط در پیوند دایمی با مردم شهر خویش، خود را حکومت شهر بداند و وظایف خود را در پیوند دائمی

با مردم شهر خود و با اتکاء به نیرو و یاری آنها انجام دهد. یعنی شورای شهر باید مقامی باشد که در راس اقشار مردمی ساکنان شهر و با پشتیبانی و شرکت فعال آنها بر شهر حکومت کند. بنظر ما، اصول کلی فوق، که هدف از آنها سپردن کار هر محلی بدست مردم همان محل است، و بنی شبکه میتواند با مواد دیگری و یا با تنقیح و اصلاحاتی تکمیل تر و عمیق تر گردد، یگانه اصول درست و مردمی است که باید پایه تشکیل شوراهای شهر و روح فعالیت آنها قرار گیرد. فقط یک شورای منبعث از مردم، آگاه از نیازمندیهای وی و متکی بر اراده وی خواهد توانست بیانگر تفویض کار مردم به مردم باشد. فقط یک شورای آن ستاد مبارز و مردمی را بوجود خواهد آورد که خواهد توانست نیروی مردم شهر خود را در راه بر کندن بنیان رژیم طاغوتی از شهر خود و پایه گذاری یک زندگی انسانی بسپح نماید و در برابر احیای مجدد سلطه رژیم طاغوتی و ضد مردمی سد غیر قابل عبوری ایجاد کند.

در صورتیکه اصول مذکور در بالا و بویژه روح این اصول، که عبارتست از شکستن شیوه کشورداری طاغوتی و گشودن راه خلق بسوی حاکمیت بر خویش است، مراعات نگردد، شورای شهر نیز مانند انجمنهای شهرداری دوران رژیم منفور پهلوی و دیگر نهادها و بنیادهای مسخ گشته آن دوران ضد خلقی، جز یک گروه دیوانسالار گماشته، منفرد از خلق، بی خبر از جامعه و فاقد اعتبار و حیثیت اجتماعی چیز دیگری نخواهد بود.

ما خواهان تشکیل شورای واقعاً مردمی هستیم و برای توضیح و تبلیغ آن از هیچ کوششی کوتاهی نخواهیم کرد، زیرا همانطور که در مقدمه گفتیم، نظلم شوراها را — اگر درست ایجاد شود — یگانه و درست ترین شکل تحول بنیاد کشورداری به سود مردم می دانیم.

ما با چنین اصولی و با چنین برنامه ای در انتخابات شوراهای شهر شرکت میکنیم و از مردم و نامزدهای شوراهای شهر و همه نیروها، احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای انقلابی، ملی و دمکراتیک نیز می طلبیم که بر اساس چنین اصول و با چنین برنامه ای در انتخابات شوراهای شهر شرکت کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲ مهر ماه ۱۳۵۸

جنایت های ضد انقلاب را در خوزستان محکوم کنیم

توطئه های ضدانقلابی، که از فردای پیروزی انقلاب در منطقه حساس خوزستان انجام میگرفت، در روزهای اخیر دامنه وسیعی بخود گرفته است. خرابکاران در قطار خرمشهر، بازار خرمشهر و تأسیسات نفتی بمب گذاشته و در چند نقطه مسلحانه به تأسیسات مخابراتی حمله برده اند. بر اثر انفجار این بمبها، چند ده نفر از مردم بیگناه کشته و زخمی شده اند.

این گونه اقدامات وحشیانه با مبارزات سیاسی حق طلبانه مردم خوزستان، که خرابکاران گاه میکوشند سیمای واقعی خود را در پشت سر آنها پنهان کنند، کمترین رابطه ای ندارد. این جنایتی است فجیع در خور جنایتکاران حرفه ای، که در خدمت سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل و متحدین مستقیم و غیر مستقیم آنها قرار دارند.

چنانکه میدانیم، توطئه و تحریک در خوزستان از فردای انقلاب آغاز شد. عوامل شناخته شده ضدانقلاب و آدمکشان ساواکی، روزی اختلاف عرب و فارس و زمانی دعوی شیعه و سنی را دستاویز توطئه چینی قرار دادند. ولی تلاش آنها بر اثر کوشش و تدبیر رهبری انقلاب و مقامات آگاه انقلابی در استان خوزستان، با شکست مواجه شد و نقاب از چهره کریمه مأمورین

شناخته شده ساواک، که رهبری اجرائی این توطئه ها را بدست داشتند، برافتاد. اینک توطئه گران به آخرین حربه، یعنی جنایت آشکار و ایجاد وحشت متوسل شده اند، تا شاید رهبری انقلاب و... را، که در جهت انقلاب گام برمیدارند، تضعیف کرده ثبات اوضاع را در خوزستان و سرتاسر ایران برهم زنند.

تشدید دسیسه چینی و خرابکاری در خوزستان هم با تشدید درگیریهای انقلاب و ضد انقلاب در داخل کشور و هم با سیاست کلی تجاوز کارانه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در خلیج فارس و خاور میانه مربوط است.

ضد انقلاب می کوشد با ارتکاب جنایتهای وحشیانه، اعصاب مردم و برخی از مقامات حاکم را تحریک کند و محیط خشم، بی اعتمادی و خشونت را بر سرتاسر کشور حاکم گرداند. متأسفانه تجربه ماههای پس از انقلاب برای ضد انقلاب تشویق کننده است. هر تار که عوامل ضد انقلاب و مزدوران امپریالیسم دست به ترور و جنایت زده اند، محافلی در دستگاه حاکم کوشیده اند تا از این حادثه برای تغییر سمت انقلاب بهره گیرند و بجای جنایتکاران، بخشی از نیروهای صدیق انقلابی را مورد حمله قرار دهند؛ سگ را بگشایند و سنگ را ببندند. ضد انقلاب، با توجه به این تجربه، امیدوار است که یکبار دیگر تعادل سیاسی را با توطئه گری برهم زند و توجه مقامات حاکم را از کار واقعاً انقلابی و سازنده و از مبارزه قاطع علیه امپریالیسم و صهیونیسم باز دارد و آنها را علیه بخشی از نیروهای صدیق انقلابی تحریک کند و در نتیجه خود گام تازه ای بجلو بردارد. از حادثه آفرینیهائی نظیر پناه در همین جهت استفاده شد.

در شرایطی که دشواریهای بزرگی در کردستان پدید آمده و رفع آن نیازمند محیط آرام و بکار گرفتن تدبیر و خردمندی است، ضد انقلاب عمداً ماجرا سازی میکند تا از پیدایش محیط سالم جلو گیرد و با خون و خشم و خشونت حل عاقلانه مسائل و دشواریها را مانع شود.

از سوی دیگر توطئه و تحریک در خوزستان با سیاست کلی امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در خلیج فارس و خاور میانه پیوند دارد. امپریالیسم آمریکا و متحد تجاوز کارش اسرائیل سالهاست که با سیاست حساب شده ای از برقراری صلح عادلانه در خاور میانه عربی و پذیرش حقوق حقه خلق فلسطین جلوگیری کرده و این منطقه را بصورت کانون تشنج و تحریک حفظ کرده اند. آنان مایل نیستند که اوضاع ایران بسود انقلاب تثبیت شود. هم اکنون، به اشاره واشنگتن و لندن، در برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس علیه ایران دسیسه چینی میشود. سخن از انعقاد پیمان جدید نظامی از ارتجاعی ترین نیروهای خلیج فارس با شرکت مستقیم آمریکا و انگلستان است. واحدهائی از نیروهای ضربتی سادات به عمان و برخی از مناطق خلیج اعزام شده اند. سردمداران آمریکا کشورهای خلیج فارس را آشکارا به دخالت نظامی تهدید میکنند و برای اشغال نظامی منطقه از تدارک نیروی ضربتی صد و ده هزار نفری و استقرار قوا در مصیره دم می زنند. هدف نزدیک همه این توطئه ها و تحریکات انقلاب ایران است.

تنها در چهار چوب این سیاست کلی، امپریالیستی است که میتوان خرابکارها و جنایت‌هایی را که در کشور ما و بویژه در منطقه حساسی چون خوزستان انجام میگیرد، درک و بدرستی ارزیابی کرد. بدون شک عوامل محلی - چه داخلی و چه خارجی - نیز در این توطئه‌ها شریک‌اند. خوزستان پس از انقلاب یکی از مراکز تجمع ساواکی‌ها بوده و هست. خوزستان مرزهای آبی طولانی دارد که به زحمت قابل کنترل است و محافل ارتجاعی و رژیم‌های ماجراجوی همسایه خوزستان، و از جمله رژیم بعثی عراق، از تأثیر انقلاب ایران بیمناکند. ولی همه این عوامل تنها به این دلیل می‌توانند عمل کنند و عمل می‌کنند که مورد پشتیبانی امپریالیسم آمریکا قرار دارند.

حزب توده ایران اقدامات خرابکارانه و جنایات آدمکشانه حرفه‌ای را در خوزستان محکوم میکند و از همه مبارزان آگاه و انقلابی می‌طلبد که علیه این جنایت‌ها برخیزند و با تمام قوا به خنثی کردن آن کمک کنند.

ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که عمال امپریالیسم مترصد فرصتند تا با اینگونه جنایت‌ها و جادئه‌سازیها در صفوف نیروهای انقلابی ایران تفرقه افکنند و دستیاران خود را در همه مقامات تقویت کنند. این فرصت را باید از آنان سلب کرد.

ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که از رژیم ضد خلقی پهلوی بسیاری ناپسانمانیها به ارث مانده، که انقلاب برای پیروزی کامل خود، باید آنها را هرچه زودتر سامان دهد. از آنجمله است ستم ملی، که باید شرایط رفع آن را فراهم کرد. باید نظام شورائی را بمعنای واقعی کلمه در سطح کشور پیاده کرد و حقوق پامال شده خلقهای ساکن ایران را به رسمیت شناخت تا زمینه نارضائی‌ها، که گاه مورد سوء استفاده ضد انقلاب - از درون و برون مرزها - واقع میشود، از میان برود.

ما بارها گفته ایم و باز هم تکرار میکنیم که باید با امپریالیسم جنایت‌پیشه آمریکا قاطع‌تر از این عمل‌نگرد و قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا را لغو کرد. حفظ این قرارداد نه فقط جنایت پیشگان را دلگرم‌میسازد و تشویق میکند، بلکه اسباب و وسایل کار در اختیار آنان میگذارد.

ما اطمینان داریم که کارگران آگاه و انقلابی صنایع نفت و همه مردم خوزستان، با تجربه چند ده ساله اینکه از دسیسه‌های امپریالیستهای نفتخوار دارند، در برابر جنایت‌ها و توطئه‌های آنان هشپاری انقلابی از خود نشان خواهند داد و صفوف خود را در برابر ضد انقلاب فشرده‌تر خواهند کرد. آنها بهتر از هر کسی میدانند که شعار نفت خواران همواره «تفرقه بینانداز و حکومت کن» بوده است. در مقابل آن، شعار ما باید تحکیم هر چه بیشتر اتحاد نیروهای انقلابی باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ مهرماه ۱۳۵۸

ما بازهم هشدار می دهیم

بازهم در نقطه ای از کشور حادثه ناگواری پیش آمد. در بندر انزلی، جائیکه شاید کمتر از هر جای دیگر انتظارش میرفت، حادثه ای آفریده شده، که بنا بر خبرهای رسمی ۱۳ کشته و ۱۰۰ زخمی بجای گذاشت و موجی از هیجان و خشم و نگرانی بوجود آورد.

محتوای حادثه بهیچوجه با نتایج دردناکی که بیار آورده، انطباق ندارد، ظاهر مسئله اینست که دولت میخواهد صید ماهی را تحت کنترل درآورد و به صیادانی که در شرکت تعاونی گرد آمده اند، اجازه صید بدهد و صیادان آزاد، که محل معاش دیگری ندارند، میخواهند این محدودیت از میان برود و اینان نیز در صید ماهی و فروش آن آزاد باشند.

این موضوع تازه نیست. یکی از صدها اثریه شوم رژیم سابق است، که از سالها و سالها پیش مطرح بوده و مسئولین امور در گذشته نخواستند راه حلی برای آن بیابند. اینک، در زمان انقلاب، انتظار میرفت که مقامات مسئول یا این مسئله را از ریشه و برای همیشه حل کنند و یا اگر چنین امکانی نیست، با احساس مسئولیت در برابر انقلاب، راهی برای توافق بیابند، که متأسفانه این کار انجام نشده است.

تأسف بیشتر میشود اگر توجه کنیم که درست از فردای انقلاب، موضوع مورد اختلاف، با تمام وسعت و صراحت در برابر مقامات دولتی و مسئولین شیلات مطرح شده و اینک هشت ماهست که جلسه پشت جلسه و سمینار پشت سمینار تشکیل شده و حاصل تمام این جلسات فقط تشدید اختلافات و حتی دامن زدن به آن بوده و نه رفع اختلاف.

صیادان تعاونی، که بیش از چهار هزار نفرند و بیش از پانزده سالست که بطور منظم زحمت میکشند و طبیعی است حقوقی دارند که باید منظور شود. این توده زحمتکش تا کنون هیچ گونه تأمین نداشته اند و ندارند، صیادان آزاد نیز بهر صورت محل معاش دیگری ندارند، و با اینکه

تحت نظم آوردن صید ماهی امر معقولی است، یعنی توان بدون توجه به زندگی مردم زحمتکش ساحل نشین به حل عاقلانه و عادلانه آن دست یافت. هشت ماهی که از انقلاب میگذرد فرصت کافی بدست میداد که موضوع مورد اختلاف، لااقل موقتاً برای لحظه کنونی بسود انقلاب حل شود و از پیدایش حوادثی که موجب تضعیف مواضع انقلاب است، اجتناب گردد.

مقامات حاکم و مسئولین شیلات در این زمینه بهلوز جدی مسئولیت دارند. دربارهٔ خوابق برخی از این افراد که در رژیم سابق، از وردستی آتابای تا بازرسی شاهنشاهی، بسیاری از مراحل را پیموده اند، مطالب فراوان گفته میشود که، ضرورتی برای تکیه بر آنها نمی بینیم. برای ما این موضوع اهمیت دارد که مقامات مسئول نخواسته اند و یا نتوانسته اند یک مسئله ساده را در چارچوب منافع انقلاب حل کنند و متاسفانه این نخواستن و نتوانستن در مقیاس کشور بچشم میخورد. بسیاری درها بر همان پاشنه می گردد و بسیاری دستها زمینه برای حادثه آفرینی می چینند.

از سوی دیگر، طی هشت ماه گذشته، گروههای ماجراجو، عوامل رژیم سابق و محافلی که توجهی به نتایج نهائی اقدامات خود ندارند، در میان صیادان آزاد مشغول فعالیت خرابکارانه بودند و این گروه خشمگین را موافق مقاصد خود تحریک و متشکل میکردند. در روز حادثه - ۲۳ مهرماه - در میان موج خشم آگین صیادان آزاد، که میخواستند جلوس صید را تا زمانیکه به آنها هم اجازه صید داده نشده - بگیرند، افرادی دیده شدند که وسائل آتش سوزی و مواد منفجره حمل میکردند تا زمانیکه حادثه آفریده شد، بر شعله آن بیفزایند و انزلی را به کردستان «پیوند» بزنند. شعارهای، «ایران را سراسر کردستان می کنیم»، «انزلی - کردستان، پیوندتان مبارک!»، «مرگ بر پاسدار»، «ارتش برادر ماست» از جانب این محافل مطرح میشد، از جمله با این هدف که ارتش و پاسداران را در مقابل هم قرار دهند.

در تراکت هائی که بلافاصله پس از حادثه از جانب گروهک های مجهول الهویة به اصطلاح انقلابی در انزلی منتشر شده، مردم به مبارزه علیه «رژیم فاشیستی کنونی» دعوت شده اند. در یکی از این تراکت ها که به امضای «گروه انقلابی کولاک» منتشر شده، از مردم انزلی دعوت شده است که «سوگ بخون خفته را به کارزار مبارزه علیه رژیم وابسته و خونریز حاکم تبدیل کنید.»

چنین است نمونه تازه ای از حادثه آفرینی ضد انقلابی، تبدیل کردن مسئله ساده صید ماهی به شهید سازی و سپس کوشش برای تبدیل آن به کارزار علیه انقلاب.

ما یکبار دیگر با احساس مسئولیت در برابر انقلاب ایران، هشدار می دهیم: هشدار، هم به مقامات حاکم و هم به مبارزان صدیق انقلابی - از هر سازمان و گروهی که باشند. ضد انقلاب در جبهه وسیعی علیه انقلاب برخاسته است با یکدست بهانه میسازد و با دست دیگر از این بهانه بهره برمی دارد. از یک سو مسائل ساده، ماه ها و ماه ها حل نشده میماند و مسئولین امور به ندانم کاری، بی برنامهگی، سستی و اهمال وقت میگذرانند و زمینه میسازند و از سوی دیگر عمال

شناخته شده و بقایای رژیم سابق از این زمینه ها استفاده میکنند، تا «سراسر ایران را کردستان کنند» کاریکه تنها بسود امپریالیسم امریکا و عمال خون آشام آنست. فراموش نکنیم که، به اعتراف فرستاده امام، حوادث کردستان هم ساخته و پرداخته دست های ناپاکی است که علیه انقلاب ایران برخاسته است.

ما یکبار دیگر هشدار میدهیم، بر نیروهای صدیق انقلاب است که دست بدست هم بدهند. ندانم کاریها و بی لیاقتی ها و خرابکاریهای عمدی را افشاء کنند. از حادثه سازی، بهر شکلی که باشد، بپرهیزند و با نیروی متحد در برابر ضد انقلاب، که در کمین است، صف ببندند. اتحاد، تجهیز همه نیروها و استفاده از همه امکانات انقلابی، تنها وسیله پیشبرد انقلاب است.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ مهرماه ۱۳۵۸

آتش بس در کردستان شرط حتمی و ضرور برای موفقیت در مذاکرات است

در حالیکه به برکت واقع بینی و انساندوستی رهبر انقلاب، امام خمینی، و در نتیجه زحمات مسئولان خیر اندیش و مجاهدت و روشنگریهای احزاب و سازمانها و شخصیت های متعدد و مسئول، در افتخارهای تاریک و نگرانی آور فاجعه ملی از طریق مذاکرات سیاسی برداشته نخستین گامها در راه حل مسالمت آمیز این فاجعه ملی از طریق مذاکرات سیاسی برداشته شده است، متأسفانه آشکارا بچشم میخورد که همان نیروهایی که جنگ برادر کشی را بر مردم ایران، تحمیل کردند، اکنون نیز با تمام قوا میکوشند تا مذاکرات مسالمت آمیز کردستان را در نخستین گامهایش مختل و فرشته صلح و برادری را در جنین خفه سازند. تصادمات جنگی روزهای اخیر مهاباد و بوکان و حوادث دیگر را، که از نظر وسعت و شدت در سراسر کردستان بیسابقه بوده است و ما نمی خواهیم داخل جزئیات آنها شویم، جز اخلال و تخریب چه میتوان نامید؟ چرا شدیدترین نبردها درست هنگامی در میگیرد که نماینده دولت با نماینده کردها مذاکراتی کرده و خوشبینی و امیدوار بودن خود را به موفقیت این مذاکرات اعلام نموده است؟ حزب توده ایران از این وضع عمیقاً نگران است و بار دیگر با صراحت اعلام میدارد که مسئله کردستان، مسئله نظامی نیست تا از راه عملیات نظامی قابل حل باشد و راه حل نظامی، همانطور که تا امروز دیده ایم، مسئله را بغرنجتر میسازد. مسئله کردستان، مسئله یک خلق ستعدیده است که حقوق حقه خود را می طلبد و باید با ارضای خواست های مشروع این خلق، میان خلق و ضد انقلاب خط فاصل کشید.

حزب توده ایران با انگیزه صداقت نسبت به انقلاب ایران و کمک به طرح و اجرای درست یک سیاست انقلابی و همچنین با انگیزه صداقت نسبت به منافع واقعی خلق کرد، که جزء لاینفک منافع انقلابی همه مردم ایران است، بصراحت اعلام میدارد که ادامه درگیری

نظامی، بموازات راه حل سیاسی، در واقع جز ادامه «راه حل» نظامی چیز دیگری نیست و راه حل سیاسی راه، که یگانه راه حل درست است، بکلی مختل میسازد. زیرا در کجای دنیا دیده شده، که دو نفر در حالیکه طپانچه های خود را بروی یکدیگر آتش میکنند، بتوانند مذاکرات صلح انجام دهند و به حل و تفاهم جدی و صمیمانه برسند؟ به این دلیل و همچنین بدلیل آنکه پای خلق کرد و فرزندان دیگر خلقهای ایران در لباس پاسدار و سرباز در وسط است، و از هر هزار تیری که آتش شود نهصد و نود و نه تایی آنها به خلق و فرزندان خلق اصابت خواهد کرد، باید تفنگها کنار گذاشته شود و دو طرف براساس اعتراف به واقعیت، یعنی حفظ انقلاب ایران، تأمین حقوق حقه خلق کرد، تحکیم دوستی و اتحاد خلقهای ایران در برابر امپریالیسم و صهیونیسم و بازماندگان رژیم مخلوع پهلوی صمیمانه پشت میز مذاکراته بنشینند و در حد اعلائی تفاهم، در خاتمه دادن به فاجعه کردستان بکوشند.

حزب توده ایران مبتکر راه حل مسالمت آمیز مسئله کردستان بر مبنای رفع ستم ملی از خلق کرد بوده و در این موضع اصولی و عمیقاً انسانی خود استوار و پابرجاست. ما به سه وزیری که، طبق اخبار منتشره، حل مسئله کردستان به آنها محول گردیده (با ابراز تعجب و تاسف از اینکه آقای فروهر وزیر مشاور که تاکنون مامور مذاکراته بوده اند، در این کمیسیون نیستند) و همچنین به برادران و خواهران کرد مراجعه میکنیم و پیشنهادهای زیر را مطرح میسازیم.

۱- در اسرع اوقات و همزمان، از هر دو طرف آتش بس رسمی اعلام گردد و از هر دو طرف تدابیر لازم جهت نظارت بر اجرای شرافتمندانه آتش بس اتخاذ شود.

۲- مذاکرات سیاسی در جو حد اعلائی تفاهم و برادری برای حل مسئله کردستان، بمشابه یگانه راه حل مسئله، با پیگیری و ترمش، تا رسیدن به نتیجه قطعی دنبال شود.

ما صمیمانه امیدواریم که هم دولت و هم برادران و خواهران کرد پیشنهادهای ما را، که یگانه راه صحیح حل مسئله است، بدقت اجرا کنند و در اسرع اوقات، با اعلام توفیق و نتیجه نهائی مذاکرات، انتظار مردم ایران را برآورده سازند.

همانطور که بکرات اعلام کرده ایم، حزب توده ایران آماده است در توفیق راه حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، به دولت موقت جمهوری اسلامی ایران صادقانه کمک کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اول آبان ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران بار دیگر همبستگی خود را با امام خمینی رهبر انقلاب ایران اعلام می‌دارد

روز جمعه ۴ آبان ماه ۱۳۵۸، راهپیمائی مردم ایران برای ابراز همبستگی با امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، انجام خواهد گرفت.
حزب توده ایران، پیرو مشی اصولی خود در پشتیبانی پیگیر از موضع قاطع، ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، همبستگی خود را با این راهپیمائی اعلام می‌دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲ آبان ماه ۱۳۵۸

به شورای انقلاب

برای تبادل نظر سازنده به خاطر تحقق وحدت واقعی نیروها و تدوین برنامه های انقلابی، آماده ایم.

در مرحله حساسی از انقلاب ایران هستیم، مرحله ای که راه آینده این انقلاب و مسیر تکامل آن تعیین میشود. هیچ ایرانی طرفدار آزادی و استقلال، هیچ مبارز طرفدار توده زحمتکشان نمیتواند در این مرحله حساس نسبت به سرنوشت کشور و آینده انقلاب بزرگ ما بی علاقه و بی تفاوت باشد.

در جریان روز همبستگی مردم ایران با امام خمینی، رهبر انقلاب، ما با خرسندی بسیار اطلاع یافتیم که شورای انقلاب درباره طرح ها و برنامه های مختلفی که در پیش رو دارد، پیرامون راه رشد آینده کشور و راه حل هایی که برای مضلات عدیده اقتصادی و اجتماعی میهن ما در نظر گرفته شده، در راه مبارزه با فقر و محرومیت و عقب ماندگی و وابستگی، در راه استقلال کامل اقتصادی و ریشه کن کردن استثمار، درباره تزه های سیاسی مربوط به نحوه اداره کشور و درباره مجموع سیاستهای داخلی، حاضر به تبادل نظر و عقیده، حاضر به شنیدن نظر ها و طرحهای دیگران و توجه به آنهاست.

ما باین روش درست، صمیمانه تهنیت می گوئیم، بویژه که اندیشه ها و موضعگیری صحیح و خلقی بسیاری تا کنون از جانب شورای انقلاب در این زمینه ها بیان و اعلام شده است. ما باین روش درست تهنیت میگوئیم بویژه که از همه کسان «دارای هر نوع فکر و سلیقه ای» دعوت شده است تا «بیایند و باهم بنشینیم و بنشینند، مطالب خود را در میان بگذارند و بحث آزاد باشد». ما باین شیوه صحیح و فارغ از انحصار طلبی های تنگ نظرانه و راهگشای تدابیر درست و مشترک صمیمانه تهنیت می گوئیم، زیرا شورای انقلاب در فراخوان خود اعلام می کند: «ملت ما بتواند با برخورد سالم و سازنده عقاید و افکار و اندیشه ها، راه را بسوی وحدت واقعی همچنان باز نگاهدارد».

این مسئله، مسئله اساسی و اصولی است، وحدت واقعی همه نیروهای راستین انقلابی برای پیشبرد انقلاب!

حزب توده ایران پیرامون همه این مسائل حیاتی، نظرها و طرحها و پیشنهادهای اصولی خود را دارد و آنها را به سود انقلاب و تعمیق دستاوردهای آن، به سود مردم زحمتکش ایران، به سود استقلال و آزادی میداند و در اسناد رسمی خود و نشریات خویش خطوط عمده آنها را بیان داشته است. ولی همیشه حزب ما اعلام کرده است که این اصول و نظریات بیان شده را بحثناپذیر شالوده ای برای تبادل نظر و گفتگو و یافتن یک وجه مشترک انقلابی و مترقی تلقی میکند و پیرامون هر پیشنهاد و طرح دیگری حاضر به بحث و مبادله آراء و تدوین برنامه مشترک است.

اکنون، بمناسبت این دعوت عام شورای انقلاب، حزب توده ایران بار دیگر اعلام میدارد که بنوبه خود حاضر به شرکت در این برخورد سالم و سازنده و آزاد هست، زیرا عمیقاً معتقد است که نیل به وحدت واقعی همه نیروهای طرفدار استقلال و آزادی و نیکبختی مردم زحمتکش، وحدت واقعی همه انقلابیون راستین، صرفنظر از تعلقات مسلکی و سازمانی، یک ضرورت حیاتی و مبرم است. تحقق خود این وحدت یک پیروزی بزرگ انقلابی است.

در حالیکه برخی محافظان قانون شکن و راست گرا کوشیده اند احزاب و جمعیتها و نیروهای مترقی و چپ و انقلابی را از صحنه خارج کنند و جبهه انقلاب و حامیان واقعی آن را عملاً تضعیف نمایند، این دعوت عام شورای انقلاب، در صورتیکه عملی شود و پیگیرانه جامه تحقق پوشد، گامی خواهد بود در جهت به صحنه آوردن کلیه این نیروهای صدیق و تامین مشارکت فعال آنها در تعیین راه و پیشبرد انقلاب و تقویت صفوف انقلاب.

بنابراین ما این دعوت را مثبت و در جهت منافع انقلاب میشریم و رسماً اعلام میداریم که آماده ایم در چنین برخورد عقاید و تبادل نظر آزاد، بخاطر تدوین مشی سالم و سازنده - با تمام حس مسئولیت خطیری که مرحله حساس کنونی آن را ایجاب میکند - شرکت کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۷ آبان ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران در تظاهرات مردم ایران در روز عید قربان علیه امپریالیسم آمریکا و انگلستان شرکت می کند

کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن تبریک عید قربان به همه هم میهنان مسلمان، از
اعضاء، هواداران و دوستان حزب و از همه میهن دوستان و آزادیخواهان ایران دعوت می کند که
در تظاهراتی که در این روز برای ابراز نفرت و انزجار نسبت به توطئه های امپریالیسم آمریکا و
انگلستان علیه انقلاب ایران صورت می گیرد، شرکت کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ آبان ماه ۱۳۵۸

به امام خمینی رهبر انقلاب ایران به مناسبت عید قربان

به حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران - عید قربان، عید بزرگ اسلامی را به حضور شما و همه مردم مسلمان ایران صمیمانه تبریک میگوید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران از فرصت استفاده کرده اعلام میدارد که حزب توده ایران از مشی قاطع و پیگیر شما در مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم امریکا و انگلستان، بگفته شما «دشمن اصلی» و «تمام گرفتاریهای ما از آنهاست.»، برای تأمین استقلال ایران در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، قاطعانه و با صداقت بی خدشه انقلابی پشتیبانی می کند.

شما در موضع مستضعفین، در مقابله و مبارزه با مستکبرین، در موضع ستمدیدگان بر ضد ستمگران، در موضع طبقات زحمتکش - کارگر و کشاورز، در برابر استثمارگران آزمند، در موضع کوخ نشینان در برابر کاخ نشینان، استوار ایستاده اید. حزب توده ایران از این موضعگیری و ایستادگی شما با تمام توان خود پشتیبانی میکند.

دیکتاتوری یا حکومت استبدادی، علاوه بر ستمگری، باعث فلج فعالیت سازنده زحمتکشان، موجب فلج ابتکار خلاق و نیروی جوشان خلق است و شما اعلام داشته اید که دیکتاتوری در اسلام بزرگترین گناه است. حزب توده ایران از این موضعگیری شما با تمام نیروی خود پشتیبانی می کند.

شما معتقدید که بهمان گونه که «وحدت کلمه» نیروهای انقلابی توانست رژیم ددمنش «طاغوت» را درهم شکند، همین «وحدت کلمه» برای سازندگی ایرانی مستقل، آزاد و آباد ضرور است. حزب توده ایران در راه همین وحدت، در راه اتحاد تمام نیروهای راستین انقلابی در جبهه متحد خلق، بقدر توان خود با پیگیری کوشا است.

حزب توده ایران برای شما، که در مقام رهبری انقلاب بزرگ مردم ایران قرار گرفته اید و بیانگر و پرچمدار خواست‌های اصولی انقلابی خلق هستید، عمر دراز و کامیابی و پیروزی در مبارزه به خاطر تأمین استقلال و آزادی ایران، به خاطر سازندگی ایرانی نو به سود زحمتکشان آرزومند است.

درود صمیمانه ما را بپذیرید.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ آبان ۱۳۵۸

حزب توده ایران اشغال سفارت آمریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تأیید و مذاکرات هیأت نمایندگی دولت موقت با برژینسکی، یکی از توطئه‌گران اصلی بر ضد انقلاب ایران را محکوم می‌کند

در همان زمان که هیئت نمایندگی دولت موقت با برژینسکی توطئه‌گر مذاکره می‌کرد — و اینک معلوم شده است که این مذاکرات بدون اجازه امام صورت گرفته است — تظاهرات مردم ایران، در روزعید قربان، علیه توطئه‌های امپریالیسم امریکا بر ضد انقلاب ایران جریان داشت.

خشم و نفرت مردم ایران از امپریالیسم امریکا، این دشمن اصلی و واقعی مردم ایران، روز ۱۳ آبان روزیادبود شهادت دانشجویان و دانش‌آموزانی که به فرمان امریکائی‌ها و بدست شاه خائن و درخیمانش بخاک و خون غلطیدند، به اوج خود رسید.

در این روز میلیونها نفر از دانش‌آموزان و دانشجویان و سایر اقشار مردم، بار دیگر جنایات امپریالیسم امریکا را علیه انقلاب ایران یکصدا محکوم کردند. در پایان تظاهرات ۱۳ آبان، گروهی از دانشجویان مسلمان پیرو امام، سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را اشغال کردند و عده‌ای از امریکائیان را به گروگان گرفتند و اسناد فراوانی از توطئه‌های امریکا از جمله در کردستان و خوزستان بدست آوردند.

آنها خواستار تسلیم شاه امریکائی به مردم ایران هستند تا این مرد خائن، جانی، قاتل، سرشکنجه‌گر و دزد در پیش پای ملت اعدام گردد. آنها خواستار لغو قرارداد نظامی و اقتصادی اسارتگر، و قبل از همه لغو قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا هستند. آنها خواستار آن هستند که نفوذ امپریالیسم امریکا در میهن ما ریشه کن شود، زیرا میدانند که بدون اینکار، ایران عزیز ما روی استقلال و آزادی و عدالت را نخواهد دید. آنها بیانگر خواست قاطبه مردم ایران هستند. درود پرشور بر جوانان انقلابی میهن ما!

مردم ایران با شنیدن خبر اشغال لانه جاسوسان و توطئه‌گران امریکا، درست همانند

روزی که شاه خائن فرار کرد، در خیابانها بشادی پرداختند و گل و نقل پخش کردند. همه نیروهای انقلابی نیز پشتیبانی خود را از این عمل بجا و شجاعانه ابراز کردند.

حزب توده ایران، که خود از مبارزان اصلی بر ضد امپریالیسم امریکاست، این آگاهی و دلیری مردم ایران، این عزم راسخ و اراده متحد بر ضد امپریالیسم و درک درست مشی امام خمینی را تحسین می کند و تهنیت می گوید.

مردم ایران امپریالیسم امریکا را نه فقط بعنوان دشمنی که ددمنشی چون رژیم پهلوی را به آنها تحمیل کرده بود، می شناسند، بلکه دست جنایتکار و خون آلود این دشمن را در تمام توطئه های نه ماهه پس از انقلاب ایران بخوبی دیده اند و می بینند.

افروختن جنگ برادر کشی در کردستان و خوزستان، ترور شخصیت های سیاسی و مذهبی و انقلابی، خرابکاری در اقتصاد کشور و در دستگاه دولتی، کارزار تبلیغاتی ضد انقلابی در داخل و خارج، تدارک اشغال نظامی خلیج فارس، همکاری با اسرائیل صهیونیستی، ایجاد جبهه متحد از رژیم های خائنی چون سادات، عربستان سعودی و سلطان قابوس، همه و همه هدفی جز سرکوب انقلاب ایران و همه جنبشهای انقلابی درخاور میانه، از جمله جنبش خلق قهرمان فلسطین ندارد. و این را مردم ایران میدانند.

در برابر این هوشیاری و درک الهام بخش مردم ایران عمل هیئت نمایندگی دولت موقت در مذاکره با برژینسکی توطئه گرا سف انگیزتر، دردناک تر و خطرناک تر جلوه می کند. این نشانه آنست که کسانی بتمایل و اراده مردم و به مشی امام خمینی بی اعتنا هستند. این نشانه آنست که کسانی می خواهند دستاوردهای انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم قهرمان ما را با مذاکرات پشت پرده، با روشهای محافظه کارانه و سازشکارانه به بهانه «ستیانست گام به گام» برباد دهند. چنین روشی از نظر مردم ایران، همه نیروهای انقلابی ایران و حزب توده ایران محکوم است و باید بیدرنگ قطع گردد.

ما، یکدل و یکصدا، همفکر و همقدم، با مردم، مردمی که به پیروی از مشی قاطع ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، در خیابانهای ایران فریاد میزنند، پیروزی نهائی، اخراج امریکایی، معتقدیم که تنها پاسخ قاطع و ضرور به امپریالیسم امریکاء مبارزه متحد برای ریشه کن ساختن امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکاء، از ایران عزیز ماست. مبارزه ما، همراه مردم آگاه و قهرمان ایران، برای نیل باین هدف مقدس ادامه دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳ آبان ماه ۱۳۵۸

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

فرخنده باد شصت و دومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر!
استوار باد دوستی دیرین خلق های ایران و اتحاد شوروی!

در فرخنده سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، پرشورترین درودها و صمیمانه ترین آرزوهای کمیته مرکزی حزب توده ایران، همه اعضای حزب ما و مردم زحمتکش ایران را به شما و توسط شما به تمام اعضای حزب پر افتخار کمونیست شوروی، به تمام خلق قهرمان شوروی، تقدیم می‌داریم.

شصت و دو سال پیش درفش پیروزمند انقلاب اکبر، برهبری حزب آفریده و پرورده لنین بزرگ، در عرصه تاریخ جهانی به اهتزاز درآمد. انقلاب اکبر بزرگترین انقلاب اجتماعی سراسر تاریخ و نخستین انقلاب پیروزمند کارگری جهانست که با پی ریزی حکومت شوراهای، با پی ریزی نخستین دولت سوسیالیستی جهان، بزرگترین جهش و زرقندترین دگرگونی را در روند تکامل جامعه بشری موجب گردید و راه جامعه بشری را به سوی تاریخ حقیقی و انسانی خویش گشود. اکبر سرآغاز نوسازی بنیادی جهان بود. قرن بیستم در تاریخ جهانی بنام قرن اکبر ثبت است.

انقلاب اکبر برای نخستین بار در تاریخ بشری قدرت حاکمه را بدست طبقه کارگر، بدست طبقه ای داد که واقعیت زندگی و سرشت طبقاتی اش با هیچ شکلی از اشکال استثمار با هیچ شکلی از بی عدالتی اجتماعی و زورگویی و ستمگری یک خلق بر خلق دیگر سازگاری ندارد.

انقلاب اکبر با برانداختن نظام کهنه سرمایه داری و برپایی نظام اجتماعی نوین سوسیالیستی بزرگترین ضربت را بر سیستم جهانی امپریالیسم وارد آورد، ارکان نظام ضد بشری سرمایه داری را در مقیاس جهانی متزلزل ساخت و بطلان افسانه «ابدیت» حکومت سرمایه داران را به ثبوت رسانید.

این انقلاب سرآغاز گذار جهان از نظام سرمایه داری به جامعه فارغ از استثمار را به مردم ترقیخواه و زحمتکش جهان بشارت داد، با ایجاد نقطه عطف در سیر تکاملی جامعه بشری، تحقق انقلاب های سوسیالیستی را در دیگر مناطق جهان تسریع و تسهیل کرد، موجبات پیدایش جامعه متحد کشورهای سوسیالیستی را فراهم ساخت و بدینسان دگرگونی تاریخی عظیمی در تناسب نیروهای جهانی به زیان امپریالیسم و ارتجاع و به سود جبهه وسیع جهانی ضد امپریالیستی خلقها پدید آورد.

پیروزی تاریخی اکتبر نیرو و جان تازه ای در پیکر طبقه کارگر بین المللی دمید و راه را برای کامیابیهای روز افزون آن هموار کرد. این انقلاب با دستاوردهای تاریخی شگرف خود بنیاد مادی مطمئنی برای جنبشهای انقلابی آزادیبخش همه خلقهای ستمدیده جهان پدید آورد. عصر اکتبر، عصر انقلاب های کارگری، عصر پیروزی جنبشهای آزادیبخش ملی و پیروزی جامعه بشری بر استثمار و استعمار، بر ارتجاع و جهل، بر تاریک اندیشی و تیره روزی انسان است.

راه اکتبر برابری اجتماعی واقعی مردم زحمتکش را تحقق می بخشد، اطمینان آنها را به آینده تامین می کند و جامعه بشری را به سرمنزل رفاه و نیکبختی همگانی میرساند. اندیشه ها و دستاوردهای تاریخی اکتبر در طول شصت و دو سال اخیر روشنی بخش و راهگشای جنبشهای آزادیبخش خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته جهان بوده است. همه جنبش ها و انقلابهای خلقی پیروزمند این دوران بطور مستقیم یا غیر مستقیم از اندیشه های اکتبر، از کمک های انترناسیونالیستی و از پشتیبانی مادی و معنوی دولت آفریده اکتبر برخوردار بوده اند.

میهن ما ایران از نخستین کشورهای است که بلافاصله پس از انقلاب اکتبر از پشتیبانی مادی و معنوی جمهوری جوان شوراها برخوردار گردید، در دسامبر سال ۱۹۱۷ - کمی بیش از یکماه پس از انقلاب اکتبر، لنین بزرگ در پیام تاریخی خود به زحمتکشان مسلمان روسیه و خاور زمین، الفای کلیه قراردادهای ظالمانه تحمیلی روسیه تزاری را به مردم کشور ما بشارت داد و اعلام داشت که قراردادهای منعقد شده میان روسیه تزاری و امپریالیسم انگلیس درباره تقسیم ایران و نیز کلیه قراردادهای اسارت آور تحمیلی حکومت تزاری به ایران، «برای همیشه از هم دریده شده» و همه امتیازات اقتصادی، گمرکی، مالی و سیاسی دولت تزاری در خاک ایران ملغی گردیده است.

در جریان انقلاب همگانی خلق قهرمان ایران، میهن ما بار دیگر از همبستگی انترناسیونالیستی و از پشتیبانی نیرومند کشور زادگاه انقلاب اکتبر برخوردار گردید، رفیق برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی ضمن مصاحبه با خبرنگار «پراودا» صریح و قاطع اعلام کرد که اتحاد شوروی «با هر گونه مداخله در امور داخلی ایران از جانب هر کس، به هر شکل و تحت هر عنوان که باشد، مخالف است» و بر

آنستکه «حوادث ایران جنبه کاملاً داخلی دارد و مسائل مربوط به این حوادث را خود مردم ایران باید حل و فصل کنند».

این زنهار باش بار دیگر موضع پیگیر اتحاد شوروی را در دفاع از اصل لنینی آزادی خلق‌ها در تعیین سرنوشت خویش و سیاست پشتیبانی بی‌خدشه از جنبش‌های آزادیبخش ملی، نشان داد. این موضع‌گیری قاطع موجب شده که امپریالیسم هار آمریکان نتواند علیه مردم ایران متصل به اعمال زور شود و در نتیجه مردم ما امکان یافتند در برابر دشمنان داخلی و خارجی خویش، با اتکاء به نیروی پیکار جانباخته خود، عمل کنند.

جای تأسف است که علی‌رغم این واقعیات انکارناپذیر، باز کسانی میکوشند همبستگی دولت اتحاد شوروی با انقلاب مردم ایران و دوستی سنتی بی‌شائبه این کشور را با کشور ما تخطئه کنند و با استفاده از هر فرصتی، میهن انقلاب اکبر را به عنوان «ابر قدرت» با امپریالیسم ددمنش امریکا در یک ردیف قرار دهند و با این عمل توجه مردم انقلابی ایران را از خطرناکی از دسایس امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین‌المللی منحرف سازند.

مردم ایران اتحاد شوروی را دوست صدیق خود میدانند و این دوستی را بسیار ارج می‌گذارند. همه تلاش‌های دشمنان خارجی و داخلی انقلاب همگانی مردم ایران و کلیه تشبثات کسانی که به تبعیت از منافع محدود طبقاتی خویش آتش دشمنی با اتحاد شوروی — صدیق ترین دوست مردم ایران — را دامن میزنند، با ناکامی روبرو خواهد شد.

خلق قهرمان ایران پس از پیکارهای بزرگ انقلابی، بر بنیاد اتحاد تاریخی همه نیروها و سازمانهای اصیل انقلابی، توانستند یکی از مستحکمترین دژهای امپریالیسم و ارتجاع جهانی و استبداد کریه سلطنتی دست‌افزار آن را درهم بشکنند. حزب ما از همان آغاز اوج انقلاب، اهمیت ایجاد جبهه واحد همه نیروهای انقلابی را گوشزد کرد و برای دستیابی به این هدف از هیچ کوششی دریغ نورزید. حزب توده ایران از همان آغاز برای موضعگیری قاطع و پیگیر امام خمینی در مقام رهبری انقلاب و مبارزه در راه طرد امپریالیسم و ریشه‌کن ساختن استبداد سلطنتی و تامین آزادیهای اجتماعی و بهبود اساسی شرایط زندگی زحمتکشانش شهر و روستا ارزش بسزا قائل شد و با تمام نیرو به پشتیبانی از این موضعگیری برخاست.

حزب توده ایران علیه هر گونه روش زیانمند از سوی چپ‌گرایان تندرو و راست‌گرایان انحصارطلب، مبارزه کرده و میکند و تفرقه و پراکندگی نیروها را مانع عمده تحقق پیروزی در مرحله بعدی انقلاب می‌شمارد.

انقلاب ایران اکنون یکی از مراحل بسیار دشوار و حساس خود را میگذراند. نیروهای ضد انقلاب — امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، بازماندگان رژیم سرنگون شده و دیگر عناصر ضد انقلابی — با استفاده از هر فرصتی به توطئه‌چینی و تدارک اجرای نقشه‌های شوم آینده خود مشغولند.

حزب توده ایران در چنین اوضاع و احوالی خطر ضد انقلاب را بعنوان خطر عمده به همه

نیروهای ملی و میهن پرست کشور گوشزد میکند و رفع این خطر را در گرو اتحاد همه نیروهای اصیل ضد امپریالیستی، همه نیروهای مدافع منافع خلق زحمتکش ایران میداند. حزب ما تا کنون بارها آمادگی خود را برای همکاری صمیمانه با همه نیروها به منظور تشکیل جبهه متحد خلق ابراز داشته و از هیچ تلاشی برای تشکیل این جبهه مضایقه نکرده است.

ما با قاطعیت تمام اعلام کرده ایم که دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین‌المللی است و کم بهادادن به ضرورت مبرم اتحاد نیروها در برابر چنین دشمن غداری، انقلاب مردم ایران را با خطر مهلک مواجه میسازد.

رفقای عزیز!

در شصت و دومین سالروز خجسته انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر کامیابی های هر چه بیشتر شما را برای تحقق آرمان عالی لنینی، برای مبارزه در راه گسترش بازهم بیشتر ساختمان سوسیالیسم رشد یافته و ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم، برای مبارزه در راه گسترش بیش از پیش دموکراسی سوسیالیستی، برای مبارزه در راه صلح، آزادی، برابری و نیکبختی سراسر جامعه زحمتکش بشری آرزو مندیم.

فرخنده باد شصت و دومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتیر!

استوار باد دوستی دیزین خلقهای ایران و اتحاد شوروی!

افراشته باد درفش پیروزی آفرین مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری!

با درودهای برادرانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۱۵ آبان ماه ۱۳۵۸

شورای انقلاب در برابر وظایف بزرگ

دو خصلت اساسی خط امام، خصلت قاطع ضد امپریالیستی و خصلت آشکار خلقی است. شورای انقلاب باید بی خدشه و بدون تزلزل، خط امام را در پیش گیرد. حزب توده ایران آماده همکاری با شورای انقلاب برای پیشبرد خط امام است.

در برابر موج عظیم ضد امپریالیستی و ابراز عدم اعتماد وسیع ترین قشرهای مردم، دولت موقت مهندس مهدی بازرگان تاب نیاورد و استعفا داد— و در واقع سقوط کرد. بفرمان امام خمینی، شورای انقلاب اداره امور کشور را در دوره انتقال بعهده گرفت. این تحول گام بزرگی است در جهت تداوم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران، «انقلابی است بزرگتر از انقلاب اول».

دولت موقت در قله پیکار عظیم و فداکارانه توده های زحمتکش مردم بر سر کار آمد، ولی حاضر نشد وظایف ناشی از انقلاب را بدوش گیرد. این دولت تمام نیروی خود را بکار برد تا انرژی انقلاب را مهار کند، از سرعت رشد انقلاب بکاهد و شور انقلابی مردم را فرو نماند. این دولت فرزند خلف انقلاب بزرگ مردم ایران نبود. تجسم سازشکاری محافل لیبرال — بورژوازی بود که میخواستند انقلاب را در چارچوب منافع تنگ طبقاتی خود محصور کنند.

بر اثر این روش دولت موقت، انقلاب ایران از وحدت اراده و عمل محروم شد. دولت موقت، بجای اینکه مجری اراده مردم باشد، حساب جداگانه ای باز کرد و «دوگانگی قدرت» بوجود آورد، یعنی در برابر قدرت مردم و رهبری امام خمینی، قدرت دیگری علم کرد. این دوگانگی قدرت، این جدا شدن دولت از مردم، طی هشت ماه زیانهای بزرگی به انقلاب زد. ادامه آن مقدور نبود دولت میبایست برود.

اینک این واقعه روی داده است. انقلاب گام بزرگی بسوی وحدت اراده و عمل برداشته و راه خود را بسوی پیشرفت بیش از پیش باز کرده است.

اهام خمینی وظایف دولت موقت را بعهده شورای انقلاب گذاشته و به این ترتیب فرصت بسیار بزرگی به این شورا داده اند تا درجه شایستگی خود را در میدان عمل نشان دهد.

راهی که در برابر انقلاب ایران قرار دارد، یعنی وظایفی که بر دوش شورای انقلاب افتاده، کاملاً روشن و مشخص است. این راه در روزهای اخیر و در میل خروشان جنبش ضد امریکایی مردم ایران، بنام «خط اهام» نامیده شده، که دو خصلت اساسی آن عبارت است از: خصلت قاطع ضد امپریالیستی و خصلت آشکار خلتی.

در تمام بیانات اهام خمینی در روزهای اخیر، جوانب مختلف این هر دو خصلت با تشریح تمام بیان شده است.

بعلاوه، شورای انقلاب تجربه غنی هشت ماهه پس از پیروزی انقلاب و تجربه تلخ دولت موقت را در اختیار دارد. در این هشت ماه ضرورت های انقلاب و خواسته های مردم بروشنی نمایان شد. ما دیدیم که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم خوتخوار امریکا، لحظه ای از توطئه و تحریک دست برنمیدارد و اگر جنبش انقلابی ایران پایگاه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امپریالیسم را در کشور مادر هم نکوبد، راه توطئه باز خواهد بود. انقلاب ایران تنها در یک نبرد قاطع علیه امپریالیسم می تواند پیروز شود.

از جانب دیگر، تجربه هشت ماهه نشان داد که انقلاب در عرصه اقتصادی و اجتماعی نیز وظایف بزرگی بدوش دارد، که اگر از انجام آن سر به پیچد، دچار شکست خواهد شد.

کسانی که زمام حکومت انقلابی را بدست میگیرند، موظفند وابستگی اقتصادی را از میان ببرند تا تصمیمات قاطعی بسود تأمین استقلال اقتصادی و در جهت منافع توده زحمتکش اتخاذ و اجرا کنند.

در این هشت ماه، دولت موقت، بخاطر حفظ منافع سرمایه داران، از این امر امتناع کرد و با تعلل و مسامحه دشواری های بزرگی در اقتصاد کشور بوجود آورد. قیمت ها بسرعت بالا میروند، کمبود برخی کالا های ضرور احساس میشود، ظرفیت تولیدی مؤسسات صنعتی بطور کامل بکار نیفتاده و در مواردی رکود و کمکاری احساس میشود. بیکاری روز افزون است و... برای قانع آمدن بر این دشواری ها — که کاملاً قابل رفع است — باید برنامه و روح انقلابی داشت.

دولت موقت در هشت ماه گذشته به پاکسازی و نوسازی دستگاه دولتی نپرداخته و کوشیده است این دستگاه را حفظ کند در حالیکه با آن ماشین دولتی جهمی و ضد مردمی، هرگز نمیتوان انقلاب را پیش راند. تحولی بنیادی در سازمان دولتی و شیوه اداره کشور لازم است.

اهام خمینی در فرمان خود بشورای انقلاب در این زمینه ها وظایف مشخصی تعیین کرده و از شورای انقلاب خواسته است که «در پاکسازی دستگاه های اداری و رفاه حال مستضعفان بی خانمان، بطور انقلابی و قاطع عمل کند».

این خواست امام، خواست همه مردم ایران است.

امام فرمان ویژه ای نیز به هیئت جشن نیت مأمور کردستان فرستاده و در آن اظهار امید کرده است که «رفاه حال برادران کرد بطور شایسته فراهم شود». این امید امام نیز امید همه مردم ایران است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران تحولی را که در امر حکومت انقلابی رخ داده، با خرمسندی استقبال می کند. موضع حزب توده ایران در این مورد از هشت ماه پیش، درست از زمانیکه دولت موقت بر سر کار آمد، روشن بود.

شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن پیش بینی پیدایش قدرت دوگانه و تلاش محافل سرمایه داری وابسته برای مهار کردن انقلاب ایران، با صراحت تمام این وظیفه را در برابر اعضاء و هواداران خود گذاشت که با همه نیروهای راستین انقلاب «بویژه نیروهای فعال انقلابی که تحت رهبری آیت الله خمینی هستند» متحد شوند و سدی در برابر «تلاشهای سازشکاران» بوجود آورند.

حزب توده ایران در تمام دوران پس از انقلاب، بطور پیگیر در این موضع قرار داشته و در آینده نیز قرار خواهد داشت.

حزب توده ایران آماده است که با تمام نیرو و امکانات خود برای پیروز کردن «خط امام»، به شورای انقلاب کمک کند. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در هر جا که هستند با شور و فداکاری تمام در رفع دشواریهای انقلاب خواهند کوشید و جبهه اصلی نبرد را که جبهه ضد امپریالیستی است، رها نخواهند کرد.

ما اطمینان داریم که جز با وحدت همه نیروهای راستین انقلابی، پیروزی بر امپریالیسم خونخوار و توطئه گر امریکا مقدور نیست. ما بشیر جبهه متحد خلق هستیم و در راه ایجاد این جبهه، در میدان نبرد، از هیچ کوششی فرو گزار نخواهیم کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ آبان ماه ۱۳۵۸

ما پشتیبانی کامل خود را از روزه سیاسی ضد امپریالیستی اعلام می کنیم

اعضا و هواداران حزب توده ایران در تحمل محرومیت های ناشی از مبارزه ضد امپریالیستی همواره در صف اول خواهند بود.

مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم جهانخوار امریکا گسترش می یابد. در برابر تهدید تجاوزکارترین محافل امپریالیستی، که احتمال محاصره اقتصادی کشور ما را مطرح کرده اند، موجی از خشم و اعتراض عمومی برخاسته است که روشن ترین نمونه آن اعلام پنج روز روزه سیاسی است. این موج جدید را ابتدا کارمندان ثبت اسناد آغاز کردند و بدنبال اظهارات امام خمینی اعلام داشتند که در ساعات کار غذا نخواهند خورد، تا ثابت شود که آماده اند با شکم گرسنه نیز کار کنند. سپس موج اعتراض گسترش یافت و اقشار مختلف مردم به این شکل از مبارزه پیوستند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پشتیبانی کامل خود را از این ابتکار ضد امپریالیستی اعلام میدارد.

اعضا و هواداران حزب توده ایران، برای ابراز این همبستگی، در هر جا که مسلمانان مبارزه دست به روزه سیاسی زده اند، با آنها همراهی می کنند. پیدایش این موج نوین اعتراضی حکایت از آگاهی وسیع ترین قشرهای مردم ایران دارد.

مردم میدانند که امپریالیست های جهانخوار به این آسانی دست از ما برنمیدارند و چنانکه تجربه طولانی مبارزات ضد امپریالیستی ایران و جهان نشان میدهد، اگر بتوانند از دست زدن به هیچ چنانیتی ابا نخواهند داشت.

ما این آگاهی توده های زحمتکش مردم ایران و آمادگی آنها برای ادامه هر چه قاطعتر نبرد ضد امپریالیستی را تحسین می کنیم. اعضاء و هواداران حزب توده ایران در هر جا که باشند همواره در صف مقدم نبرد خواهند بود و سختی ها را با آغوش باز استقبال خواهند کرد.

شور و شوق وسیع ترین قشرهای مردم و هیجان عمومی ضد امپریالیستی، که سرتاسر کشور را فرا گرفته است، وظایف بزرگ و مشخصی را در برابر حکومت انقلابی ایران قرار میدهد. شورای انقلاب و دولت باید با تصمیمات و اقدامات مشخص خود به خواست توده مردم پاسخ گویند و از آمادگی آنان به نبرد بهره گیرند. آمادگی روحی مردم باید با آمادگی دستگاه دولتی انقلاب تکمیل شود.

برای مقابله با تهدید امپریالیست ها به محاصره اقتصادی ایران نیز لازم است که از هم اکنون اقدامات مشخصی انجام گیرد، از آنجمله:

- ۱- باید همه پیوندهای آسیب پذیر با انحصارات امپریالیستی را از هم اکنون قطع کرد.
- ۲- باید بویژه برای حفظ ذخائر ارزی و مالی کشور تدابیر جدی اندیشید.
- ۳- باید موسسات تولیدی و اقتصادی کشور را هر چه زودتر از حالت لختی و بلا تکلیفی درآورد و آنها را با تمام ظرفیت بکار انداخت.
- ۴- باید بازرگانی خارجی را فوراً به انحصار دولت درآورد و معاملات خارجی را از زیر سلطه انحصارات امپریالیستی بیرون کشید.
- ۵- باید امر ملی کردن بانکها و کنترل کامل معاملات ارزی را با دقت بیشتری دنبال کرد.

۶- باید مناسبات اقتصادی کشور را با همه بازارهای جهانی که از سلطه امپریالیسم آزاد است و از جمله بازارهای کشورهای سوسیالیستی و کشورهای انقلابی و ضد امپریالیستی «جهان سوم» گسترش داد.

۷- باید در بازار داخلی نیز به نسبت نیاز مبارزه ضد امپریالیستی کنترل دولتی و شورائی برقرار شود، تا جلوگیری از احتکار و گرانفروشی و اختلال در بازار مقدور گردد.

۸- نبرد ضد امپریالیستی، فقط در جبهه خارجی نیست. در درون کشور هم این نبرد با عوامل امپریالیسم در جریان است. باید دستگاههای اقتصادی و تولیدی را از این عوامل، و قبل از همه، از عمال ساواک پاک کرد. اسامی اعضاء و خیرچین های ساواک باید هر چه زودتر منتشر شود و از خرابکاری آنها در موسسات تولیدی جلوگیری بعمل آید.

۹- باید جبهه متحده خلق را در همه عرصه ها و از جمله در عرصه اقتصادی بوجود آورد و تحکیم کرد و در موسسات تولیدی و اقتصادی از همه نیروها و انرژی ها بوسیله ترین شکل ممکن بهره گرفت.

مناسفانه در نه ماهه پس از انقلاب، در همه این زمینه ها مانند همه عرصه های دیگر،

دولت موقت نخواست دست به چنان اقداماتی بزند که بزیان سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ وابسته باشد. در حالیکه از بین بردن سلطه اقتصادی امپریالیسم و مقابله با تهدیدهای احتمالی آن، بدون مقابله و مبارزه با سرمایه داری بزرگ و زمینداری بزرگ وابسته مقدور نیست. تردیدی نیست که وقتی دولت انقلابی، در پیروی از رهبری قاطع امام خمینی تصمیمات روشنی برای تجهیز همه نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم بگیرد و بموقع اجرا بگذارد، توده های زحمتکش مردم از این تصمیمات، حتی اگر توأم با محدودیت ها و محرومیتها باشد، پشتیبانی خواهند کرد. ما نخستین کشوری که با تهدید امپریالیسم روبرو شده باشد، نیستیم. در نبرد ضد امپریالیستی همه نوع محرومیت، از جمله جیره بندی مواد ضرور غذایی و حتی گرسنگی محتمل است و مردم وقتی به درستی راهی که در پیش است، معتقد باشند، طبیعی است که این محرومیت ها را باسانی تحمل خواهند کرد. و چنانکه گفتیم، اعضاء و هواداران حزب توده ایران نیز همواره در صف نخستین نبرد خواهند بود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ آبان ماه ۱۳۵۸

به زلزله زدگان خراسان کمک کنید!

زلزله ای که دیروز در چند نقطه از خراسان، به ویژه در قائن و اطراف آن روی داده خسارت مالی و جانی فراوانی به بار آورده است. ما با تأثر عمیق از این حادثه ناگوار، به بازماندگان هموطنانی که بر اثر زلزله جان خود را از دست داده اند، صمیمانه تسلیت می گوئیم. ما از شورای انقلاب و مقامات مسئول می طلبیم که در عین کمک فوری به زلزله زدگان، با توجه به این که این منطقه زلزله خیز است، از هم اکنون تدابیر اساسی و درازمدت اتخاذ کنند تا در صورت وقوع چنین حوادث طبیعی، مردم از آسیب مصون بمانند. ما از اعضا و هواداران حزب در خراسان می طلبیم که با تمام نیرو و با استفاده از تمام امکانات به زلزله زدگان کمک کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران آمادگی خود را برای کمک پزشکی به زلزله زدگان خراسان اعلام داشت

کمیته امداد امام برای کمک به زلزله زدگان قائنات

با فاجعه زلزله اخیر در خراسان، حزب توده ایران، همان طور که در روزنامه مردم نیز اعلام شد، اولین اکیپ پزشکی و کمک پزشکی خود را در تهران برای کمک و التیام دردهای مردم مصیبت دیده منطقه زلزله زده قائنات تعیین کرد.

ما با معرفی این اولین اکیپ به کمیته امام، برای کمک به زلزله زدگان قائنات، به وظیفه میهنی و انسان دوستانه خود عمل می کنیم و به ندای امام پاسخ مثبت می دهیم.

اولین اکیپ پزشکی و کمک پزشکی حزب توده ایران در تهران برای کمک به زلزله زدگان قائنات از:

دو پزشک متخصص جراحی، یک پزشک متخصص بیهوشی، یک پزشک متخصص آزمایشگاه و دو نرس تشکیل می شود.

در صورت لزوم یک پزشک متخصص امراض داخلی نیز آماده شرکت در این اکیپ است.

با احترام
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸

نخستین گام بزرگ در راه پایان دادن به محرومیت های خلق کرد،

با تأیید امام خمینی، رهبر انقلاب ایران برداشته شد

این گام بزرگ و تاریخی، صفحه درخشانی از پیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران و پیروزی همه خلقهای ایران است

پیام پرشور و سرشار از صداقت امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، درباره کردستان، مورد تأیید کامل و موجب تشکر قلبی حزب توده ایران است.

امام خمینی با این پیام بسیار مهم، که در تاریخ کشورداری ایران از لحاظ صفا و روح مردمی بی نظیر است، با قاطعیت مخصوص بخود «فساد و توطئه گری بدخواهان» را، که با حمایت ها و گزارشهای دروغ و تحریک آمیز، کردستان عزیز ما را به جهنم برادر کشی میدل کرده، محکوم نموده اند. امام خمینی بدستی نشان داده اند که در شرایط کنونی، که مردم ایران برای نیل به استقلال و آزادی باغدارترین و مکارترین دشمن خود، یعنی امپریالیسم آمریکا، دست به گریبانند، همگی و از آن جمله خلق کرد باید «بطور اولویت در این امر شرکت کنند و با سایر خواهان و برادران هماهنگ شوند. و لازم است از اختلافاتی که بدخواهان ایجاد میکنند، بطور قاطع جلوگیری کنند.» و «هر اختلافی بنفع آمریکا و دیگر اجانب است.»

امام خمینی در پیام خود گفته اند: «از هیئت ویژه می خواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصیت های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند، تا تأمین خواست های آنان، که خواسته ما نیز هست، بطور دلخواه تأمین بشود و آرامش و امن که از بزرگترین نعمتهای الهی است، در منطقه برقرار گردد.»

امام خمینی گفته اند: «در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است، منجمله برادران کرد، که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می باشد و مقررات و قوانین مربوط به آن بزودی انشاء الله تعالی تدوین می شود.»

با این رهنمودها، رهبر عالیقدر انقلاب، امام خمینی، راه را برای حل یکی از بغرنجترین

و مخاطره انگیزترین جریانی که با نقشه شوم آبادی امپریالیسم و صهیونیسم و بقایای رژیم منقره پهلوی در کردستان ایجاد شده بود، باز کرده است. در برابر این گام بزرگ و مدبرانه، همه مردم ایران و بویژه توده های ستم دیده کرد از امام خمینی عمیقاً سپاسگزارند.

امام خمینی در پایان پیام تاریخی خود، با لحنی برخاسته از دل، خطاب به همه مردم ایران و از جمله برادران و خواهران کرد گفته اند:

«خواهران و برادران هم میهن در سراسر کشور، من دست خود را به پیش شما دراز میکنم و از شما بخاطر خدا و اسلام و کشور، عاجزانه میخواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان بکار برید و اسلحه های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری به روی یکدیگر منحرف و بسوی دشمنهای انسانیت که در رأس آن آمریکاست نشانه روید.»

همه طبقات و اقشار مردمی ایران، از هر ملت و قومی، از هر دین و مذهبی، مرد و زن، پیرو جوان، شهری و روستائی، لشکری و کشوری، این فراخوان امام خمینی را به جان و دل می پذیرند و صفوف خود را برای پیروزی در مبارزه سرنوشت ساز ضد امپریالیستی فشرده تر و محکم تر میکنند.

خلق آزاده و آزادی دوست و قهرمان کرد نیز مکان والای خود را در صفوف فشرده خلقهای برادر به طرز شایسته ای احراز خواهد کرد. همه اقشار و طبقات مردمی خلق کرد، همه سازمانها و گروه ها و شخصیت های ملی، مذهبی و مترقی کردستان از پیام سزشاراز مهر و امید امام خمینی به گرمی و با صمیمیت و شوری، که سزاوار گرمی نهفته در سخنان امام است، استقبال می کنند.

ما ضمناً لازم میدانیم به همه نیروها و کسانی که در حل و فصل مسئله کردستان نقشی و نفوذی دارند و به همه خلق کرد و مردم ایران هشدار بدهیم و آنها را از اخلاص گری ها، تحریکات و توطئه های عمال امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم سرنگون شده پهلوی بر حذر داریم. ما لازم میدانیم همگان را قراخوانیم که خط امام در کردستان را، که در متن پیام تاریخی ایشان به روشنی مطرح گردیده، با قاطعیت و صمیمیت و ترمش و صداقت اجرا کنند. باید تفنگها در کردستان خاموش شوند. باید سنگرها برچیده و برادران به آغوش هم باز گردند. باید صلح و صفا و عدالت در کردستان عزیز حکمفرما شود. سنگر هائی که در کردستان به مردم ایران تحمیل شده، سنگرهای کاذبی است. سنگر واقعی همه ما، سنگر ضد امپریالیستی و ضد بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی است، همگان در این سنگر دست بدست هم دهیم و پیروز شویم.

طول عمر، سلامت و پیروزی امام خمینی را خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۷ آبان ماه ۱۳۵۸

به امام خمینی به مناسبت آغاز پانزدهمین سده هجری

ما امیدواریم که بشریت در قرن پانزدهم هجری به صلح پایدار و دوستی بین همه خلق ها، به پایان بخشیدن به حیات ننگبار امپریالیسم، به آزادی و برابری دست یابد.

به محضر محترم آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر عالیقدر انقلاب ایران

حزب توده ایران با احترام و احساس صمیمانه، آغاز پانزدهمین سده هجری را بشما، بعنوان بزرگترین شخصیت معاصر دنیای اسلام و رهبر انقلاب بزرگ مردم میهنمان تهنیت میگوید.

اینکه انقلاب ایران، در آستانه این سده، به نموداری از احیای اصول انقلابی اسلام بدل شده، خود رویدادی است خجسته و مژده بخش. برای همه هواداران عدالت اجتماعی و رهایی توده های محروم در ایران و جهان، در جریان احیاء این اصول و انطباق آنها با خواستهای مبرم توده های میلیونی زحمتکش و محرومان جامعه ایران، یعنی تامین کامل و همه جانبه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، نقش موثر و تعیین کننده شخص شما چشمگیر و انکارناپذیر است. حزب توده ایران، که اکنون نزدیک به چهل سال است با از خود گذشتگی و پیگیری در راه برانداختن استعمار و استبداد و استثمار توده های میلیونی رنجبران و محرومان میهنمان، یعنی همان نکاتی که اسلام انقلابی به رهبری شما هدف خود قرار داده است، نبرد میکند، از همان آغاز به نقش والا و ارزنده شما در این مبارزات پی برد و با شما همگام گردید.

حزب توده ایران همواره و بدون تزلزل در راه اتحاد همه نیروهای راستین خلق، نیروهایی که برای پایان دادن به سلطه خانمانسوز امپریالیستها و در پیشاپیش آنها امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، در راه خاتمه بخشیدن به استبداد سیاسی و غارت سرمایه داران و ملاکان مبارزه میکنند، عمل کرده است. بهمین علت حزب ما، به دعوت شما برای اتحاد و یگانگی، که در

پیام تاریخی شما به خلق کرد بیان گردید، صادقانه و از صمیم قلب پاسخ مثبت میدهد و خواهد کوشید مانند گذشته دوش بدوش سایر مبارزان تمام نیروی خود را برای پیروزی نبرد تاریخی که زیر رهبری شما در میهن ما آغاز شد و اکنون یکی از دشوارترین دورانهای خود را میگذراند، مصروف دارد.

ما امیدواریم که بشریت در قرن پانزدهم هجری، به صلح پایدار و دوستی بین همه خلقها، به پایان بخشیدن به حیات ننگبار امپریالیسم، به آزادی و برابری دست یابد.

با درود صمیمانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۹ آبان ماه ۱۳۵۸

پیروزی قطعی و نهایی انقلاب منوط به حمایت و نیروی کار و کوشش زحمتکشان است

کارگران و دهقانان باید در شرایط مشخص کنونی حتی المقدور از حربه اعتصاب و تحصن استفاده نکنند و اشکال دیگری از مبارزه را برای تحقق خواست‌های به حق خود برگزینند.

اگر امپریالیسم موفق به وارد آوردن ضربه کاری و نهائی بر پیکر انقلاب ما شود، بیش از همه کارگران و دهقانان زیان خواهند برد.

کارگران، دهقانان،
برادران عزیز زحمتکش!

میهن ما لحظات حساسی را میگذراند. امپریالیسم درنده آمریکا، دشمن عمده و غدار انقلاب ما، پیوسته سعی دارد با ایجاد تشنگی و تفرقه، با بهره‌گیری از ناراضی‌ها، با دامن زدن بر اختلافات، با دسیسه و توطئه، و اخیراً با تهدید بمحاصره اقتصادی و تجاوز نظامی، انقلاب نوپای ما را بزانو درآورد. در برابر تهاجم این امپریالیسم متجاوز، همصدائی و همگامی همه قشرها و طبقات، شرط مهم و نخستین حصول پیروزی است.

ناگفته پیداست که شرایط زندگی قشرها و طبقات زحمتکش، و قبل از همه کارگران و دهقانان، نابسامان است. این نابسامانی قبل از هر چیز در اقتصاد وابسته رژیم پیشین ریشه دارد، که به علت ادامه این وابستگی و بی‌برنامگی‌ها، مسامحه‌کاریها، سوء مدیریت‌ها و نیز خرابکاریها و کارشکنی‌های ضدانقلاب، در بسیاری از زمینه‌ها نابسامانتر شده است. برخی از

کارخانه‌ها تعطیل و عده‌ای نیمه تعطیل‌اند. اکثریت کارخانه‌ها هنوز با تمام ظرفیت تولید نمیکنند.

در بیشتر کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی، بدلیل بدگمارها، سوء مدیریت وجود دارد، و اصل صحیح ملی کردن مؤسسات متعلق به بورژوازی بزرگ و وابسته، به علت وجود مدیران فاقد صلاحیت و گاه با سوء نیت، هنوز به فرجام نیک نینجامیده است. نتیجه آنست که، زندگی و شرایط کار طبقه کارگر، این طبقه زحمتکش و محروم، با مسائل حل نشده فراوانی روبروست: بیکاری سر به میلیونها میزند، مناسبات میان کار و سرمایه بر بنیانی عادلانه استوار نیست، قانون جدید کار متکی بر حفظ منافع کارگران تدوین نشده است، سندیکاها و کارگری همه جا وجود ندارند، شوراها هنوز جا نیفتاده‌اند، پرداخت حداقل دستمزد در برخی کارخانه‌ها با مقاومت کارفرماها روبرو شده، پرداخت حق مسکن، حق خواربار، حق اولاد، اینجا و آنجا در حداقل دستمزد ادغام شده، وسائل بهداشت و ایمنی کافی نیست، و بدتر از همه، کمبود مواد اولیه و لوازم یدکی بازهم تعداد بیشتری از کارگران را به بیکاری تهدید میکند، گرانی هزینه زندگی به درجه خطرناکی رسیده و اجاره مسکن طاقت فرساست.

وضع دهقانان نیز وخیم است. دوران بعد از انقلاب با هجوم فئودالها و مالکان به روستاها مواجه شد، مالکیت‌های کوچک دهقانی بخطر افتاد و بخشی از زمینهای متعلق به دهقانان از سوی مالکان ضبط شد. در برخی از روستاها، مالکان مجدداً اقدام به اخذ بهره مالکانه از دهقانان کرده‌اند. دهقانان برای دریافت وام و اعتبار در تنگنا قرار گرفته و رباخواران زمینه مساعدی برای غارت ثمره رنج دهقانان یافته‌اند.

کاشت و داشت و برداشت، در بسیاری از روستاها با دشواریهای فراوان روبرو شده، و این نیست مگر به علت سیاست غلط ارضی و کشاورزی دولت موقت، که به حمایت از منافع مالکان برخاست.

حزب توده ایران در سراسر حیات خود پیوسته پرچمدار صدیق دفاع از منافع طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش بوده است. ما مبارزه طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش را در راه خواسته‌های صنفی و سیاسی خود مبارزه‌ای ضرور و عادلانه میدانیم و از آن با تمام نیرو پشتیبانی کرده و میکنیم، اما در عین حال به شرایط مشخص دشوار کنونی نیز توجه داریم. ما توسل کارگران و دهقانان را به حربه اعتصاب و تحصن برای پیشبرد مطالبات بحق خود، از حقوق مسلم و بدیهی آنان میدانیم و آنرا تأیید میکنیم. کارگران برای تحقق مطالبات خود حربه‌ای جز مبارزه ندارند و اعتصاب و تحصن از مهمترین اشکال این مبارزه است. بهمین جهت ما پیشنهاد کردیم که حق اعتصاب در قانون کار برسمیت شناخته شود. اما ضمناً معتقدیم که شرایط مشخص کنونی، استفاده از این حق را محدود میکند. زیرا مهمتر از این حق، حق همگی ما به استقلال و رهایی از یوغ امپریالیسم جهانخوار است، که نخست باید این حق را تحصیل و تثبیت کرد. در شرایطی که مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا برای تأمین استقلال اهمیت حیاتی کسب کرده

است و ما از همه سو با دسیسه‌های امپریالیسم غدار روبرو هستیم، وحدت صفوف ما نخستین گام برای مقابله با این دسیسه‌های شیطانی است، که بهیچ قیمت نباید این وحدت را مختل ساخت. در این شرایط حساس، حزب توده ایران از همه برادران کارگر و دهقانان طلب میکند که علیرغم مشکلات، به پشتیبانی بیدریغ خود از انقلاب ادامه دهند، برای تحقق خواسته‌های بحق خود اشکال دیگری از مبارزه را برگزینند و حتی المقدور از حربه اعتصاب و تحصن استفاده نکنند.

امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، میخواهد اقتصاد کشور ما را بدست خود ما و رشکست سازد، صنایع ما را فلج و کشاورزی ما را مختل کند، با کمبود خواربار و کالاهای موردنیاز مردم و گرانی فوق‌العاده، بر آتش نارضایتی مردم دامن زند، و با سوء استفاده از این نارضایتی، در لحظه ضرورت ضربه قطعی را بر انقلاب ما وارد نماید. برای رسیدن به این هدف شوم، امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی با جدیت مشغول کارند، عوامل خود را در لباس چپ‌نماهای فریبکار به میان مردم مفرستند، به مبارزات مردم سمت می‌دهند، اعتصاب و تحصن و کم کاری را تشویق میکنند و خود اعتصاب و تحصن و کم کاری را در اینجا و آنجا سازمان میدهند، تا با فلج اقتصادی، انقلاب را فلج کنند.

حزب توده ایران پیوسته هشدار داده است که در صفوف ضد انقلاب، هم عناصر چپ‌نما، هم ساواکی و هم وابستگان به سازمانهای جاسوسی امپریالیسم وجود دارند. هدف آنها تضعیف و براندازی حکومت انقلاب است و بدین منظور شب و روز در جستجوی عرصه فعالیت و عمل اند. متأسفانه در این روزهایی که میهن ما با مشکلات فراوان اقتصادی و اجتماعی روبروست، یافتن عرصه اقدام و عمل برای ضد انقلاب دشوار نیست.

برای عقیم گذاردن توطئه‌های خطرناک امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی هشیاری همه اقشار و طبقات و قبل از همه برادران کارگر و دهقان ضروری است تا با درک شرایط حساس کنونی بر سینۀ چپ‌نماها دست رد نهند، فرصت دسیسه و تحریک را از دشمن بگیرند و بازوی رفیع و زحمت خویش را در خدمت تحقق اهداف مقدس انقلاب بگذارند. ضمناً ما توجه دولت منتخب شورای انقلاب و رهبری انقلاب را به توجه اساسی به خواسته‌های کارگران و دهقانان جلب میکنیم تا امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی نتوانند از این وضع سوء استفاده کنند. روشن است که برخی از مسائل کارگری و دهقانی در کوتاه مدت حل شدنی نیست، ولی اگر دولت برنامه درازمدت منظمی برای غلبه بر این مشکلات تدوین کند، کارگران و دهقانان میتوانند بازهم از خود بردباری نشان دهند.

ما تردید نداریم که در این نبرد حیاتی با امپریالیسم آمریکا، و تا پیروزی نهائی، کارگران و دهقانان حد اعلاّی هشیاری را از خود نشان خواهند داد. تظاهرات کارگران و دهقانان در برابر لانه جاسوسی آمریکا، جلوه‌ای از این هشیاری بود. کارگران و دهقانان به پشتیبانی از خط امام پیمان بستند که علیه امپریالیسم و تحریم اقتصادی آمریکا تا پای جان

مبارزه کنند. کارگران پیمان بستند تا آنجا که در قدرت دارند کار کنند، تا کمیوهای ملت رفع شود. هنگامی که هزاران کارگر شعارهای:

«امام را در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا تنها نخواهیم گذارد» و «تحریم اقتصادی با کوشش کارگران خنثی باید گردد» را فریاد میکردند، نشان میدادند که چه خوب شرایط حساس کنونی را دریافته‌اند.

دهقانان نیز پیمان بستند که محصولات کشاورزی را چنان آماده سازند که مهین ما بتواند نیازهای خود را در این زمینه تأمین کند.

برادران کارگر و دهقان!

سودنهایی طبقه کارگر محروم و دهقانان رنجبر، در پاسداری از انقلاب و در حفظ آن از دستبرد دشمن است، در بالندگی انقلاب، استحکام و پیروزی آنست. پیروزی قطعی و نهایی انقلاب نیز منوط به حمایت و نیروی کار و کوشش شما زحمتکشان است.

نباید یک لحظه از یاد برد که اگر امپریالیسم موفق به وارد آوردن ضربه کاری و نهایی بر پیکر انقلاب ما شود، بیش از همه محرومان جامعه زیان خواهند برد، که کارگران و دهقانان در صدر آنها قرار دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۳۰ آبان ۱۳۵۸

برای مقابله با خطر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا از هر باره آماده شوم

تمرکز ناوگان آمریکا در آبهای دریای عربی و خلیج فارس، که پیرامون آن هیاهوی بسیار براف افزاده، این سؤال را مطرح میسازد که: آیا قصد واشنگتن از به رخ کشیدن اسلحه، فقط ارعاب است یا در واقع تصمیم به حمله گرفته و آنرا تدارک می بیند؟ دادن پاسخ مشخص باین پرسش بجا نهایت ضرور است، زیرا تعیین کننده تدابیری است که میبایستی برای رفع خطر اتخاذ کنیم. و پاسخ اینست: اقدام آمریکا به تمرکز قوا در نزدیکی مرزهای ایران، ضمن اینکه بقصد ارعاب انجام میگیرد، در عین حال برای سنجش میزان آمادگی در مقابله با تجاوز است. اگر دولت آمریکا در این سنجش احساس کند و یا باین نتیجه برسد که شرایط مساعد برای حمله وجود دارد، بارعاب اکتفا نکرده، حمله خواهد کرد. بنابراین، در برابر ارعاب کنونی آمریکا باید چنان تدابیری اتخاذ کنیم که برای امپریالیسم درنده آمریکا محقق شود که در صورت حمله، جز شکست، شکستی خورد کننده با تمام عواقب و خیم آن، نتیجه دیگری عایدش نخواهد شد.

برای مقابله با ارعاب و یا تجاوز امپریالیسم آمریکا، قبل از هر چیز باید اقدامات جدی و فوری امنیتی بعمل آورد، باید تمام مراکز حساس نظامی و اقتصادی ایران، بویره و قبل از همه صنایع نفت، لوله های گاز، مراکز آب و برق، خطوط راه آهن، فرودگاهها و پایگاههای دریائی بحال آماده باش درآید و تدابیر لازم برای حفاظت آنها اتخاذ گردد. همزمان با این تدابیر، باید مردم را همه جانبه آماده و تجهیز کرد و در صورت لزوم مسلح نمود.

تأکید این نکته نیز لازم است که امپریالیسم آمریکا از تهدید و ارعاب و تجاوز قبل از هر چیز تقویت ضد انقلاب را در داخل ایران در نظر دارد. در واقع هم ضد انقلاب داخلی، که به پشتیبانی و دلگرمی ارباب امپریالیست آمریکائی و با رهبری جاسوسان سیا، که در داخل ایران مخفیانه ضد انقلاب را سازمان میدهند، به تحریک و خرابکاری و توطئه مشغول است، خطر

جدی تر و فوری تر است. لذا باید تمام پایگاههای اقتصادی و اجتماعی، تمام زمینه‌هایی را که هنوز امپریالیسم آمریکا در اختیار دارد، با قاطعیت و سرعت درهم بکوبیم.

در این عرصه طیف اقداماتی که باید انجام گیرد، وسیع است و شامل رشته عملیاتی است، از متلاشی کردن بازمانده‌های متشکل ساواک و دیگر نیروهای متشکل ضد انقلابی تا تصفیه دستگاه دولتی، از ملی کردن تمام مؤسسات تولیدی، بازرگانی، مالی و غیره، که وابسته به سرمایه آمریکائی هستند تا پاکسازی و نوسازی نیروهای مسلح، از خنثی کردن کوششهای رنگارنگی که از جانب عناصر و گروهک‌های مشکوک برای انحراف افکار عمومی از «خط امام»، از مبارزه قاطع بر ضد امپریالیسم آمریکا بعمل می‌آید تا تشکیل جبهه واحد خلق از تمام نیروهائی که با صداقت و قاطعیت معتقد بدرستی «خط امام» اند و حاضر به هرگونه فداکاری و ایثار برای تأمین استقلال تام و تمام، استقلال واقعی و بی‌خداشده ایران عزیزند.

در عرصه بین‌المللی نیز ما باید به امپریالیسم آمریکا نشان دهیم که در این دنیا تنها نیستیم و تنها نخواهیم ماند. ما باید به این قول درنده بفرمانیم که ضمن تکیه بر نیروی وحدت کوه‌پیکر توده‌های میلیونی خلق انقلابی مصمم خود، در صورت لزوم می‌توانیم بر اتحاد با نیروهای بین‌المللی ضد امپریالیستی، که طرفدار و پشتیبان انقلاب ما و استقلال کشور ما هستند، تکیه کنیم. جبهه این نیروهای ضد امپریالیستی هوادار و حامی انقلاب و استقلال ما نیز وسیع است و این جبهه جنبش‌های آزادیبخش ملی، کشورهای غیرمتعهد ضد امپریالیستی، جامعه کشورهای سوسیالیستی و در پیشاپیش همه آنها همسایه بزرگ و توانگر شمالی ما، اتحاد جماهیر شوروی را در بر می‌گیرد.

بدینسان ما، با آمادگی همه جانبه داخلی و بسیج خلق قهرمانان و با نمایش قدرتی که در صورت درگیری نظامی می‌توانیم از آن در عرصه بین‌المللی برخوردار باشیم، امپریالیسم درنده آمریکا را مجبور خواهیم کرد که سر جایش بنشینند و خشم جانگداز خود را از پیروزی تام و تمام انقلاب ایران بناچار در خود فروبرد.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، بعنوان سازمان سیاسی پیگیر ضد امپریالیست و استقلال طلب، آمادگی بیدریغ خود را برای همکاری و شرکت در تمام اقداماتی که برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد، ب مردم ایران، برهبر انقلاب ایران، امام خمینی، و بشورای انقلاب اعلام میدارد.

حزب توده ایران از تمام اعضاء، هواداران و دوستان خود در سراسر ایران می‌طلبد که در این لحظه حساس تاریخی، باریگر، با صداقت، پیگیری و فداکاری شایسته یک توده‌ای، همگام با سایر نیروهای انقلابی و خلقی، برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا و همکاری و شرکت در تمام اقداماتی که برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد، از هر باره آماده باشند.

■ پیروز باد مبارزه عادلانه مردم ایران بر ضد امپریالیسم تجاوزکار آمریکا و در راه
استقلال ملی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۱

درباره مسأله کردستان

با پیام تاریخی امام خمینی درباره کردستان، که با استقبال پرشور همه مردم ایران و احزاب و سازمانهای راستین انقلابی و بویژه خلق کرد مواجه گردید، شرایط مساعد و بی مانندی برای حل مسأله آمیز مسأله کردستان مبتنی بر رفع ستم‌های ملی از خلق کرد بوجود آمد. هیئت ویژه حسن نیت برای اجرای مذاکرات به کردستان رفت و همه مردم ایران با بی صبری در انتظار خبر خوشند.

توفیق مذاکرات کردستان از طرفی رویداد بزرگی در زندگی خلق کرد خواهد بود، که قریب صد سال است در راه رهایی ملی خود میرزمد و قربانی میدهد، ولی هنوز در نتیجه سیاست امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع راه بجائی نبرده است و از طرف دیگر گام بزرگی در تحکیم وحدت و یکپارچگی همه خلق‌های ایران خواهد بود که اکنون در راه احیاء استقلال کشور در یک نبرد مرگ و زندگی با امپریالیسم آمریکا دست بگریبان‌اند. بزرگترین شرط پیروزی در این نبرد سرنوشت‌ساز، اتحاد همه خلق‌های ایران و کلیه احزاب و سازمانها و نیروهای واقعاً انقلابی زیر رهبری امام خمینی است.

بدین ترتیب توفیق مذاکرات کردستان، یکی از ضرورت‌های حیاتی تداوم و پیروزی نهائی انقلاب بزرگ ایران و تحقق خواست مشروع خلق کرد است و کمک صادقانه به توفیق این مذاکرات وظیفه میرم همه نیروهای انقلابی راستین است و بالعکس، کارشکنی، اختلال، اشکالتراشی، بهانه‌گیری و هرنوع عمل دیگر، که مانع توفیق مذاکرات شود، از هر طرف که باشد، یک عمل ضدانقلابی است و با منافع انقلاب ایران و در نوبت اول با منافع خلق ستم‌دیده کرد، از ریشه مغایرت خواهد داشت. و آب بر آسیاب امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و بازماندگان رژیم منفقور پهلوی خواهد ریخت.

حزب توده ایران، عمیقاً امیدوار است که چنین حالتی پیش نیاید. و همانطور که بکرات اعلام نموده، خود با تمام امکانات و نیرویش به توفیق مذاکرات صلح کردستان کمک میکند. در صورتیکه علیرغم دستور و فراخوان تاریخی امام خمینی و برخلاف تمایل آتشین خلق کرد به حل مسالمت‌آمیز مسأله بر مبنای رفع ستم ملی از وی، دست‌های مرموزی که سیاست ابلیسی امپریالیسم را دنبال می‌کنند، به اعمال اخلا لگرانۀ خود برای به شکست کشاندن مذاکرات ادامه دهند، حزب توده ایران توطئه‌ها و نیرنگهای آنان را با قاطعیت افشا خواهد کرد. هر نیرو و سازمانی که در دام این دست‌های مرموز بیفتند، خود را به ورشکستگی سیاسی و انفراد در جامعه محکوم خواهد نمود. این هشدار را نباید یک لحظه فراموش کرد.

جنگ برادرکشی در کردستان باید برای همیشه قطع شود. باید با تمام نیرو و در راه توفیق مذاکرات کردستان کوشید و با قاطعیت اخلا لگران و آتش افروزان جنگ را از سر راه برداشت.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۱

درباره قانون اساسی و تدوین متمم آن

کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت کامل نسبت به وظایف ملی و میهنی که برعهده دارد، قانون اساسی جدید را، که توسط مجلس خبرگان، شامل ۱۷۵ اصل در ۱۲ فصل تدوین گردیده، مورد بررسی دقیق قرار داده است. این بررسی موازی با جریان کار مجلس خبرگان، به هنگام تدوین قانون اساسی جدید، ضمن مقایسه با متن پیش نویس قانون اساسی انجام شد و بخش مهمی از آن در روزنامه «مردم» (از شماره ۵۶ تا ۸۵) انعکاس یافت.

در این بررسی معلوم شد که مجلس خبرگان اصول جدیدی که در پیش نویس نبود، تدوین و تصویب مینماید، برخی از اصول پیش نویس را حذف میکند برخی اصول را در جهت تکمیل بدان میافزاید. در مجموع میتوان گفت که قانون اساسی جدیدی تدوین و تصویب گردید که از جهاتی نسبت به پیش نویس منفی و از جهاتی مثبت است.

سبب پیدایش جهات منفی آن بود که گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان که از لحاظ تعداد در اقلیت و کمتر از ۲۰ رأی بودند، با استفاده از قاعده درستی که هر اصلی از قانون میبایستی با $\frac{1}{3}$ آراء تصویب گردد و با استفاده از غیبت برخی از نمایندگان، که معمولاً در هر جلسه حدود ۱۰ نفر بود، توانستند مانع از تصویب اصول معینی گردند و در مواردی از طریق امتناع از دادن رأی، یا طرح پیشنهادهای جدید، توانستند اراده خود را بر اکثریت تحمیل کنند. در هر حال قانون اساسی جدیدی تدوین گردید که از جهاتی موجب نگرانی و از جهاتی

باعث خرسندی است. از مسائل فرعی و از جزئیات قابل تنقیح در اصول مختلف که بگذریم، نگرانی ناشی از اصول مربوط به مبنای حاکمیت و اعمال آنست. اگر اصول مربوط به حاکمیت (یعنی اصول مربوط به ولایت فقیه، رهبر و شورای رهبری و شورای نگهبان و غیره) منحصرأ برای دوران حیات امام خمینی تدوین شده بود، حزب توده ایران کمترین تردیدی در صحت آنها نمیداشت. ولی قانون اساسی برای دورانی دراز و برای نسل آینده تدوین میشود و لذا این پرسش مطرح است که: آیا در دورانهای آینده، نظیر امام خمینی را بعنوان مرجع تقلید و رهبر مورد قبول و بلامنازع توده های میلیونی مردم، هر چند گاه یکبار میتوان یافت؟ و اگر نتوان یافت، تمرکز اینهمه قدرت و اختیار، که مستقیم و غیرمستقیم از طریق اصول ۴ و ۵ و ۹۱ تا ۹۹ و ۱۰۷ تا ۱۱۰ به یک فرد تفویض گردیده، زمینه فراهم نخواهد کرد که حاکمیت فردی جایگزین حاکمیت خلق گردد؟

از سوی دیگر، در قانون اساسی جدید، علاوه بر اضافات مثبتی نسبت به پیش نویس - نظیر اصول مربوط به حق کار و حق آموزش رایگان و حق مسکن و دیگر حقوق رفاهی و تصریح وظیفه دولت در ایجاد امکانات برای تحقق این حقوق - فصلی شامل اصول ۴۳ تا ۵۵ درباره اقتصاد و امور مالی تدوین گردیده که مثبت و در چارچوب معینی مترقی و پاسخگویی انقلاب استقلال طلبانه و خلقی ماست.

حزب توده ایران از تدوین و تصویب این اصول در قانون اساسی جدید بسیار خرسند است.

علاوه بر این حزب توده ایران خشنود است که بنا به اعلام وزارت کشور، قانون اساسی جدید متممی خواهد داشت و امیدوار است که این متمم چنان تدوین گردد که نه فقط نقائص قانون اساسی را رفع کند، بلکه مبنای خلقی حاکمیت را استحکام بخشد.

حزب توده ایران، بهنگام انتشار پیش نویس قانون اساسی، به پیوست نامه سرگشاده ای به ریاست دولت موقت، در مورد مسایل عمده پیشنهادهایی در ماده ارائه داد که خوشبختانه محتوای چند ماده از آنها و بخصوص محتوای ماده یکم مربوط به مسئله مهم نظام اقتصادی کشور، در قانون اساسی جدید انعکاس یافته است.

اکنون قرار است متممی بر قانون اساسی افزوده شود، ما باز، ضمن پرهیز از ارائه پیشنهادهایی که میتوان برای تنقیح و تکمیل فروع و جزئیات اصول متعددی از قانون اساسی داد، چند پیشنهاد درباره مسائل مهم و عمده ای که در تثبیت دستاوردهای انقلاب و تأمین تضمین پیروزی نهائی آن نقش مؤثری خواهند داشت، مطرح میکنیم، با این امید که مورد توجه جدی و کامل قرار گیرند:

۱- در متمم قانون اساسی، لازم است تصریح شود که مبنای حاکمیت، خلق است، تمام قوا از آن مردم است و مردم بر مقدرات کشور و مقدرات خود حاکمند و هر قدرت دیگری ناشی از مردم است و نحوه اعمال این حاکمیت نظام شورائی است.

در قانون اساسی جدید این نظام شورائی بگونه‌ای که وسیله حاکمیت خلق باشد، مشخص نگردیده است. در اصل هفتم آمده است که: «شوراها» از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند». ولی در فصل شوراها بجای اینکه بر روی حق و اختیار «تصمیم‌گیری و اداره امور» شوراها تأکید شود، اختیار آنها به «نظارت» تنزل یافته است.

اگر متمم قانون اساسی بر مبنای طرح نظام شورائی مجاهد فقید طالقانی و این بیانات امام خمینی - که بگفته آقای موسوی اردبیلی - «در پاریس فرمودند، پس از سقوط رژیم طاغوتی باید اول شوراهای خلقی و واقعی از پائین به بالا تشکیل شوند و اختیارات را بدست گیرند تا اساس حکومت را به صاحبان اصلی قدرت منتقل کنند، تا صاحبان سرنوشت، در سرنوشت خود آزاد باشند» اصولی درباره تفویض اختیارات تصمیم‌گیری و اجرایی تدوین کند، بنحوی که حاکمیت خلق از طریق شوراها قابل اعمال گردد، اقدام اساسی مهمی در تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تأمین و تضمین پیروزی نهائی آن انجام داده است.

۲- در قانون اساسی جدید درباره حق اقلیتهای ملی (آذربایجانی، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب) در مورد اداره امور داخلی و محلی خود و رفع هرگونه ستم ملی و هرگونه تبعیض اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (از جمله تدریس به زبان مادری) که نام آنها میتوان «خودمختاری» یا «خودگردانی» یا هرنام دیگری گذارد، اصلی تصریح نگردیده است. پیشنهاد میشود که در متمم، اصل یا اصولی که این حق را برای اقلیتهای ملی در چارچوب تمامیت ارضی ایران تضمین کند، گنجانده شود. این حق را امام خمینی نسبت به خلق کرد پذیرفته و اعلام کرده است و لذا میتوان و باید آنها نسبت به دیگر خلقهای غیرفارس نیز در سطح کشور پذیرفت. تصریح این حق در متمم قانون اساسی و اجرای عملی آن، اتحاد داوطلبانه و مستحکم خلقهای ایران را در چارچوب تمامیت ارضی کشور تأمین میکند.

۳- در قانون اساسی جدید برابری واقعی حقوق زن و مرد فقط «در برابر قانون» و «در حمایت قانون» ذکر شده است، که به معنای برابری زن با مرد نیست. در متمم ضرور است که در اصل یا اصولی برابری کامل زن و مرد در تمام زمینه‌های زندگی، یعنی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اداری (احراز مشاغل در تمام رشته‌ها) مالی، قضائی، مدنی (زناشویی و خانوادگی)، اجتماعی و فرهنگی تضمین شود.

۴- در قانون اساسی جدید اصلی به نظام اقتصاد روستائی اختصاص نیافته است. در متمم قانون اساسی ضرور است که در اصل یا اصولی مبانی نظام اقتصاد روستائی، متکی به اجرای اصلاحات بنیادی ارضی بر مبنای «زمین به کسی تعلق دارد که بر روی آن کار میکند» و متکی به ایجاد و گسترش شرکتهای تعاونی تولیدی روستائی، که با شرکت داوطلبانه کشاورزان زحمتکش تشکیل مییابد، و نیز متکی به ایجاد کشتزارهای وسیع و مؤسسات دام‌داری بزرگ دولتی برای دستیابی به کشاورزی معاصر خود کفا مشخص گردد.

۵- در اصل ۱۳۲ قانون اساسی جدید سخن از «تجدیدنظر در قانون اساسی» بمیان آمده

است. ولی در تمامی قانون اساسی هیچ اصل یا اصولی در اینباره، که در چه موقع تجدیدنظر در قانون اساسی ممکن یا ضرور است و چگونه و بچه وسیله این تجدیدنظر بعمل خواهد آمد، ذکر نرفته است. در متمم قانون اساسی ضرور است در اصل یا اصولی این نقص مرتفع گردد و در آنها شرایط و حالاتی که تجدیدنظر در قانون اساسی را ممکن یا ضروری سازند، مشخص گردند و نیز نحوه و وسیله اجرای این تجدیدنظر را که به نظر ما میتواند مجلس مؤسسان باشد معین گردند.

۶- در قانون اساسی جدید اصولی در مورد تأمین آزادیهای دموکراتیک (اصل ۹ و اصول ۲۲ تا ۲۷) تدوین شده، از جمله اصل ۲۶ در مورد آزادی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی. ولی نظر به اینکه می‌بایستی ثمره فعالیت آزاد احزاب سیاسی در اداره امور کشور منعکس گردد— والا آزادی آنها مفید فایده‌ای از لحاظ رشد جامعه نخواهد داشت— در متمم قانون اساسی لازم است اصل یا اصولی در تأمین حق شرکت احزاب در مجلس شورای ملی و شوراهای تدوین شود. حزب توده ایران مصرا نه پیشنهاد می‌کند که اصلی در متمم قانون اساسی با این مضمون تصریح شود:

«کرسیهای نمایندگی مجلس در سطح کشور و شوراهای به نسبت آرائی که بهر یک از سازمانها و احزاب شرکت کننده در انتخابات داده شده است، توزیع میشود».

در غیر اینصورت این وضع میتواند پیش آید که در شرایط مشخصی، ۴۹ درصد از مردم ایران در مجلس نماینده‌ای از خود نداشته باشند و در مجلس، با اتکاء اقلیتی از آراء مردم، تصمیماتی درباره سرنوشت همه مردم اتخاذ گردد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۳

حزب توده ایران سیر تحول مذاکرات مربوط به آتش بس کردستان را با خوش بینی تلقی می کند

حزب توده ایران از همه نیروهای انقلابی، از همه مدافعان راستین حقوق ملی خلق کرد می طلبد که برای حل مسالمت آمیز مسأله کردستان، با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، تمام نیروی خود را به کار برند.

هیأت اعزامی حزب توده ایران به کردستان، پس از بازگشت از مهاباد، گزارش مذاکرات خود را با شخصیت های صلاحیت دار در مسأله کردستان و نتیجه اقدامات خود را برای کمک به حل مسالمت آمیز مسأله کردستان، به اطلاع هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران رساند. این گزارش مورد تصویب هیأت سیاسی قرار گرفت.

حزب توده ایران سیر تحول مذاکرات مربوط به آتش بس را با خوش بینی تلقی میکند و برآنست که اطلاعیه های منتشره از طرفین مذاکرات در این زمینه، گام مثبتی است در هموار ساختن راه حل مسالمت آمیز مسأله کردستان.

بنظر حزب توده ایران، کوشش همه جانبه همه نیروهای راستین انقلابی در یاری دادن به هیئت ویژه دولت و نیروهای صدیق به امر خلق کرد، شرط اساسی برای موفقیت این مذاکرات است.

به اعتقاد حزب توده ایران اینک که در نتیجه پیام تاریخی امام خمینی، محیط مناسبی برای حل مسالمت آمیز مسأله کردستان و تأمین حقوق ملی خلق کرد فراهم آمده است، با

هشیاری کامل از کلیه تلاشهای نفاق افکنانه و خرابکارانه دشمنان انقلاب ایران و خلق کرد، در هر لباس و زیر هر شعار، باید جلو گرفت. باید خرابکاران و مخالفان حل مسالمت آمیز مسئله کردستان را، که در پوشش دفاع از حقوق ملی خلق کرد، عمل میکنند و بقیامت ریختن خون برادران و خواهران ما، از هر دو طرف، محیط را متشنج میسازند، افشاء و خنثی کرد.

حزب توده ایران همانطور که خود برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان و تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب ایران مستقل و واحد، تمام نیروی خویش را بکار برده و میبرد، از همه نیروهای انقلابی، از همه مدافعان راستین حقوق ملی خلق کرد نیز میطلبد که با اتکاء به پیام تاریخی امام خمینی از هیچگونه کوششی در این راه دریغ نورزند. باشد که هرچه زودتر مشکلات موجود برطرف شود، نفاق افکنان و خرابکاران افشاء و رسوا شوند، مذاکرات بمنظور حل مسالمت آمیز مسئله کردستان مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد و تأمین حقوق ملی خلق کرد در چارچوب ایران مستقل و واحد به نتیجه مثبت نهائی خود برسد و خلق کرد بتواند در اتحاد خلل ناپذیر با سایر خلقهای ایران، به مبارزه علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بخاطر ایرانی مستقل، آزاد و آباد ادامه دهد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۴

تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

پریروز امام خمینی در برابر گروهی از پاسداران تهران سخنان مهمی ایراد کردند که چند نکته آن، بویژه در شرایط حساس و تاریخی کنونی دارای اهمیت اساسی است. مضمون این نکات اساسی به قرار زیرین است:

نخست آنکه باردیگر تأکید کردند که دشمن اصلی و واقعی مردم ایران امپریالیسم آمریکاست و تمام نیرو فقط باید برضد این دشمن تجهیز شود.

دوم آنکه باردیگر از مردم طلبیدند که برضد این دشمن اصلی و واقعی متحد شوند.

سوم آنکه باردیگر تأکید کردند که هر انحرافی از مبارزه برضد این دشمن اصلی و واقعی و هر تشتت و تفرقه‌ای در صفوف خلق به سود این دشمن است.

چهارم اینکه از همه جوانان خواستند که برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا و هر خطری که استقلال و آزادی میهن ما را تهدید کند، از نظر نظامی مجهز شوند.

تمام این نکات منطبق بر مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران است. برای نیل به تمام این هدفها و انجام تمام این وظایف، حزب توده ایران با پیگیری مبارزه کرده است و مبارزه میکند. از جمله در مورد آخرین وظیفه، یعنی مجهز شدن خلق از نظر نظامی، کمیته مرکزی حزب توده ایران درست همزمان با بروز خطر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به میهن ما در اعلامیه مورخ ۵۸/۹/۱ خود متذکر شد که همراه با تدابیر امنیتی، سیاسی، اقتصادی و نظامی برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا «باید مردم را همه جانبه آماده و تجهیز کرد و در صورت لزوم مسلح نمود».

اینک که ضرورت تجهیز همه جانبه خلق تا حد مجهز شدن خلق از نظر نظامی مورد تأیید و تأکید رهبر انقلاب قرار گرفته است، حزب توده ایران، ضمن پشتیبانی کامل خود از این توصیه

بجا و درست امام، از همه نیروهای انقلابی، از همه میهن دوستان و آزادی خواهان، از تمام خلقی که هر لحظه آماده برای جانپازی و فداکاری در راه استقلال و آزادی میهن خود بوده است— و انقلاب بزرگ ما برجسته ترین نمونه آنست— می طلبد که از این توصیه امام نیز، که با سرنوشت انقلاب ایران بستگی دارد، مانند همیشه پیروی کنند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۵

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
در باره همه‌پرسی پیرامون طرح قانون اساسی

حزب توده ایران به قانون اساسی رأی مثبت می‌دهد

از همه مردم ایران دعوت می‌کنیم که در وفرا ندیم شرکت کنند و به قانون اساسی جمهوری
اسلام ایران رأی مثبت دهند

مجلس خبرگان به کار خود پایان داد، و پس از آخرین اصلاحات، طرح قانون اساسی را تصویب کرد.
اکنون قرار است که روز ۱۱ و ۱۲ آذرماه، همه پرسی برای تأیید قطعی قانون اساسی انجام شود. به این
ترتیب جمهوری اسلامی ایران دارای یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوقی و قضائی خود خواهد شد.
طرح کنونی قانون اساسی بدنبال جلسات تقریباً سه ماهه مجلس بررسی نهائی
پیش‌نویس قانون اساسی تدوین شده است. طی این جلسات، پیش‌نویسی که در خردادماه سال
جاری به مردم عرضه شده بود، عملاً کنار گذاشته شد، و طرح تازه‌ای ریخته شد. متن تازه دارای
محتوای یکدست و همگونی نیست. در آن نکات مثبت و منفی و گاه متضاد وجود دارد.

حزب توده ایران بهنگام عرضه پیش‌نویس، پیشنهادهای مشخص خویش را در معرض
قضاوت همه مردم قرار داد و هم‌زمان با تشکیل مجلس خبرگان نیز «مردم»، ارگان مرکزی حزب
ما، نظریات و ارزیابی‌های متعددی را، بطور مشخص پیرامون مهمترین اصول تصویب شده،
منتشر ساخت و در بحث عمومی پیرامون قانون اساسی و چگونگی تدوین آن و محتوای اصول آن
شرکت جست. همگان از این پیشنهادهای و ارزیابی‌ها آگاهی دارند. ما در هر مورد، آنچه را که
به نظرمان مثبت می‌رسید، یعنی مطابق با اهداف انقلاب بود و به پیشبرد آن کمک می‌کرد و یا
برعکس، آنچه را که منفی ارزیابی می‌کردیم، یعنی معتقد بودیم که با نیاز زمان و حکم انقلاب
ما و خواست توده‌های مردم انقلابی ما مغایر است، با صراحت و بمنظور بهبود متن و تطبیق هر چه
بیشتر آن با ضروریات عینی تکامل جامعه و مطالبات ترقیخواهانه و انقلابی زحمتکشان ایران

ابراز داشتیم. به برخی از این نظریات و پیشنهادها توجهی نشد، ولی بعضی دیگر مورد توجه قرار گرفت و در متن قانون اساسی انعکاس یافت.

بدنبال اعلام سرپرست وزارت کشور مبنی بر اینکه قرار است متممی بر قانون اساسی افزوده شود، ما باز در اعلامیه کمیته مرکزی حزب؛ مورخ ۵۸/۹/۳، «ضمن پرهیز از ارائه پیشنهادهائی که می توان برای تنقیح و تکمیل فروعات و جزئیات اصول متعددی از قانون اساسی داد، پیشنهادهای خود را درباره مسائل مهم و عمده ای که در تثبیت دستاوردهای انقلاب و تأمین و تضمین پیروزی نهائی آن نقش مؤثری خواهند داشت» مطرح کردیم. ما در این رابطه و با استفاده از این فرصت بار دیگر مجموعه نظریات و پیشنهادهای خود را برای اصلاح، تکمیل و تنقیح قانون اساسی در اختیار وزارت کشور گذاشتیم، همه اینها با این امید که این اصلاحات مهم و اساسی بسود تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ضدامپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام گیرد و در متمم قانون منعکس گردد.

ما همواره گفته ایم که قانون اساسی باید بازتاب اهداف ضدامپریالیستی، دمکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ ما باشد و دستاوردهای خلقهای ایران را در همه این زمینه ها تثبیت و تسجیل کند و راه را برای پیشبرد و تعمیق این دستاوردها، یعنی ارتقاء انقلاب به مراحل بالاتری بازکند. یک چنین قانون اساسی خود سلاح برائی علیه ضدانقلاب—امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن— می توانست و میبایست باشد.

طرح قانون اساسی، که اینک به رأی مردم گذاشته میشود، در همه جوانب خود پاسخگوی این انتظار نیست. در مسئله حاکمیت مردم و تعلق تمامی قدرت به اراده خلق، در زمینه تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، در مسأله ملی، در مسائل مربوط بزنان و حقوق آنها در جامعه و در خانواده، در مسئله حدود و وظایف مراجع قدرت و در مسئله نظام اقتصاد روستائی این نقص بیش از همه بچشم میخورد. در بسیاری موارد میل تدوین کنندگان به اینکه متن در صورت ظاهر «هرچه اسلامی تر باشد» منجر به آن شده که نه تنها از دقت محتوا کاسته شود، بلکه مطالبی که قاعدتاً در قانون اساسی جائی ندارد و یا احکام دینی، که نیاز به تسجیل قضائی آنها در یک سند حقوقی نیست، در طرح کنونی گنجانیده شود.

با همه اینها حزب توده ایران از همه هواداران خود و همه مردم ایران دعوت میکند که در رفراندوم شرکت کنند و باین سند—قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران— رأی مثبت دهند.

چرا حزب توده ایران شما مردم ایران را، علیرغم آنکه ما قانون اساسی تدوین شده را انعکاس تمام خواستههایتان نمیدانیم، به دادن رأی مثبت فرا میخواند!

زیرا اولاً در یک ارزیابی کلی، علیرغم نکات منفی یاد شده، در مورد بخش قابل توجهی از اصول عمده، قانون اساسی توانسته است بطور مثبت مسائل مطروحه را حل کند. از این قبیل است فصل امور اقتصادی و اصولی که در زمینه تحکیم استقلال اقتصادی کشور و جلوگیری

از استثمار و کمک به زحمتکشان و در جهت قطع چنگال سرمایه‌های انحصاری امپریالیستی و سرمایه‌های غارتگر وابسته داخلی از رشته‌های مهم و حیاتی سیر میکند. یا اصول مربوط به تحکیم استقلال سیاسی و نظامی کشور یا اصل مربوط به رابطه استقلال و آزادی و اینکه به استناد یکی نمی‌توان دیگری را مخدوش ساخت. یا اصل نظام شورایی، که اگرچه آنطور که باید خلقی و صریح و کاربر نیست، ولی در اساس نظام شورایی را پذیرفته و تثبیت کرده است. یا اصل مربوط به آزادی‌های احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌ها و مطبوعات و غیره و یا اصل مربوط به مسکن و بهداشت و آموزش، که در زمینه‌های حساسی از مسایل رفاهی و معیشتی، در جهت خواست مردم زحمتکش نوشته شده است.

اینها مواد مهمی است و بر شالوده آنها و با تکیه به آنها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، میتوان در راه تحکیم دستاوردهای انقلاب و رسیدن به هدفهای والای آن و پیشبرد انقلاب مبارزه کرد.

ثانیاً ما شما را به دادن رأی مثبت فرا میخوانیم، زیرا مسئله عمده را حفظ و تحکیم جبهه یگانه همه نیروهای خلقی در نبرد علیه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و عمالش و بقایای رژیم سابق میدانیم و معتقدیم که باید اتحاد و هماهنگی بین همه نیروها، بویژه نیروهای راستین چپ و نیروهای راستین مذهبی، که همه طرفدار خط امام خمینی، یعنی جهت‌گیری قاطع و بی‌تزلزل ضد امپریالیستی و خلقی هستند، حفظ و تحکیم شود. صف واحد همه مردم پیرامون خط امام، که هم اکنون در رویارویی سرنوشت‌سازی علیه امپریالیسم آمریکا قرار دارند، عمده‌ترین وثیقه پیروزیهای آینده و مطمئن‌ترین اهرم پیشرفت در راه آرمانهای ضد امپریالیستی و خلقی است. ما نباید اجازه دهیم که این صف واحد، این پیروی یگانه از محتوی ضد امپریالیستی و خلقی خط امام خمینی، رهبر انقلاب، شکسته شود. شرایط مشخص کنونی بنحوی است که هر انقلابی آگاه و علاقمند به سرنوشت انقلاب، هر چند دارای هر طرح و پیشنهاد بهتر و کاملتری برای قانون اساسی باشد، باید بتواند عمده‌ترین گره مسئله نبرد ضد امپریالیستی، یعنی حفظ و تحکیم صف واحد نیروهای ضد امپریالیستی را، که در عمل همه با هم در مقابل دشمن مشترک ایستاده‌اند، تشخیص دهد و نگذارد که مسأله شرکت در همه‌پرسی یا نحوه رأی دادن به آن، به دستاویزی در چنگ دشمن ما بدل گردد و از آن برای شکاندن صف مردم و ایجاد تفرقه و تشتت، یعنی زمینه‌سازی بسود ضد انقلاب - امپریالیسم و عمال داخلی‌اش - سوء استفاده شود.

ثالثاً ما با تمام اهمیتی که برای قانون اساسی، بعنوان مهمترین سند حقوقی و قضائی کشور و راهگشای پیشرفتهای آینده قائلیم، فراموش نمیکنیم که در هر حال این زندگی واقعی و تجربه مردم و مبارزه نیروهای انقلابی است که نقش تعیین کننده را دارد و هر سندی، بهر نحو تدوین و تهیه شود، بدون حمایت مردم و بدون انطباق با نیاز زمان، قدرت اجرایی نخواهد داشت و حداقل آن خواهد بود که با متممی تکمیل شود و نظریات و پیشنهادها درست و مطابق با

روح زمان و با خواست مردم در آن گنجانیده شود.

ولی در هر حال جهت حرکت تاریخ را جنبش توده‌ها و اراده دورانساز آنها تعیین میکند و توده‌ها هستند که سرانجام مهر خود را بر هر سند و مدرک تاریخی خواهند زد. باید به سرمنشأ، به علت، به شالوده توجه کرد و در جهت تأثیر بر آنها، همراه کلیه نیروهای ترقیخواه و ملی خلق رزمید.

هموطنان! با حفظ نظریات انتقادی خود، در همه‌پرسی و سیمای شرکت کنیم و به قانون اساسی جدید رأی بدهیم. در اینجا بهر حال ما در یک صحنه دیگرهماوردی در مقابل امپریالیسم قرار داریم. تاکنون ما صحنه‌های متعددی را در این مقابله پشت سر گذاشته‌ایم. این بار نیز باید بر امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، و بقایای رژیم شاه مخلوع پیروز شویم. بکوشیم تا همه کس ببیند و بداند که سنگرها در این صحنه نبرد نیز همانست و مسئله اصلی همان کسب پیروزی بر امپریالیسم و عمال اوست. نبردهای دیگری در پیش روی است. بکوشیم تا هشیارانه و با آگاهی انقلابی، اصول مثبت قانون اساسی را به حربه‌ای در این نبرد و برای پیشبرد انقلاب بدل کنیم.

حزب توده ایران در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با احترام به موازین قانونی که توسط آن تعیین می‌شود، به خاطر تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، به خاطر تعمیق هر چه بیشتر جنبه‌های ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب بزرگ ما، به خاطر ریشه کن کردن تمام آثار و عواقب سلطه امپریالیستی در همه شئون زندگی کشور و سیطره نظام فاسد و تباهی آور سلطنت استبدادی، به خاطر تشکیل جبهه متحد خلق، به خاطر تحقق برنامه پیشنهادی حزب ما و خدمت به امر استقلال ایران و دموکراسی، به طبقه کارگر ایران و به توده‌های زحمتکش خلق ما، به پیکار در راه آرمانهای والایی که سی و هشت سال با فداکاری و پیگیری بخاطر آنها رزمیده، فعالیت خود را سازمان خواهد داد.

هموطنان! بیش از هر وقت هشیاری و تشخیص درست لازم است. لحظات سرنوشت‌ساز تاریخی هم شور انقلابی و آینده‌نگری الهام بخش را می‌طلبد و هم آگاهی و درایت انقلابی و واقع‌بینی راهگشا را. در خور این لحظات تاریخی باشیم. از هر دو جانب خود را شایسته انقلاب بزرگ ایران و وثیقه تداوم و تکامل آن نشان دهیم. اصولیت کامل و نرمش لازم را حفظ کنیم. شرکت در رفراندوم و رأی مثبت به قانون اساسی نشانی از این شایستگی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۶

به مناسبت روز همبستگی جهانی با خلق قهرمان فلسطین

به برادر گرامی باسرعرفات، صدر کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین

کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و همه اعضا و هواداران حزب توده ایران، روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین را به آن برادر ارجمند، به سازمان آزادیبخش فلسطین و خلق مبارز فلسطین صمیمانه تهنیت میگوید.

روز ۲۹ نوامبر، که در سال گذشته از جانب سازمان ملل متحد روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین اعلام گردید، مؤید حقانیت مبارزات پیگیر خلق فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، در راه تحقق خواستههای عادلانه این خلق برای تشکیل دولت مستقل ملی در سرزمینهای زادبومی خود و علیه امپریالیسم آمریکا و تجاوزگران صهیونیستی است. این روز همچنین نمایانگر همبستگی و پشتیبانی رزمی همه خلقها و نیروهای ترقیخواه جهان با خلق فلسطین است.

در این مرحله از انقلاب ایران، که مردم میهن ما به رهبری امام خمینی، با امپریالیسم جهانیستوار آمریکا درگیر مبارزه‌ای سرنوشت سازند، همبستگی دو خلق مبارز ایران و فلسطین، که هر دو در جهت مشترکی در راه آزادی و کسب استقلال کامل خود و علیه سلطه و تجاوز امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم مبارزه میکنند، به خلقهای ما در این مبارزه توان بیشتری میبخشد و پیروزی نهائی آنانرا در این مبارزه تضمین میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، که همواره از مبارزه عادلانه خلق فلسطین و رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، پشتیبانی کرده است، در این روز همبستگی بین المللی، یار دیگر این پشتیبانی را تجدید میکند و پیروزی نهائی و هرچه نزدیکتر خلق فلسطین را در این پیکار حق طلبانه و صمیم قلب آرزو میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۷ آذرماه ۱۳۵۸

ما در همه پرسى قانون اساسى مى گوئيم: آرى!

حزب توده ایران از همه اعضا و هواداران خود و همه مردم ایران دعوت مى کند که به خاطر تحکيم اتحاد همه نیروهای خلقى در نبرد عليه امپريالیسم، به سرکردگی امپريالیسم آمریکا و به خاطر پشتیبانی از رهبرى ضد امپريالیستى و خلقى امام خمينى هر چه وسيع تر در رفراندوم قانون اساسى شرکت کنند و به این سند، رأى مثبت دهند.

ما امیدواريم و انتظار داریم مسئولان امور، با تدوین متمم قانون اساسى — که امام نیز در پیام خود تصريح کرده اند — نقائص موجود در متن این قانون را برطرف سازند و آن را درخور انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران بنمایند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ آذرماه ۱۳۵۸

برای مقابله با توطئه ضد انقلاب در آذربایجان متحد شویم

در روزهای اخیر در تیریز حوادث ناگوار و خونینی روی داده است، همه چیز حاکی از آن است که ضد انقلاب، امپریالیسم و بازمندگان رژیم سرنگون شده پهلوی، جبهه جدیدی را در آذربایجان علیه انقلاب باز کرده است. امام خمینی که این حوادث را به درستی نتیجه تحریکات امپریالیسم و عمال آن دانسته اند، مردم را به آرامش دعوت کرده اند. و با این همه تحریکات، برخوردها و تشنج ها در آذربایجان ادامه یافته است.

بروز حوادث ناگوار و خونین در تیریز نه فقط از آنجا ناشی می شود که امپریالیسم و بازمندگان رژیم سرنگون شده پهلوی از همان آغاز انقلاب پیروزمند مردم ایران کوشیده اند به وسیله ممکن انقلاب ما را با شکست روبرو سازند و آب رفته را به جوی بازگردانند، بلکه تحریکات و توطئه های اخیر علاوه بر این واقعیت، نتیجه آنست که به رهبری امام خمینی انقلابی بزرگتر از انقلاب اول در میهن ما آغاز شده است. انقلابی آغاز شده است که می باید تسلط امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را در تمام شئون زندگی ما از بیخ و بن ریشه کن سازد. انقلابی آغاز شده است که می باید پایگاه اجتماعی امپریالیسم — سرمایه داری بزرگ وابسته و زمین داری بزرگ — را از بین ببرد. انقلابی آغاز شده است که می باید عدالت اجتماعی را بسود زحمتکشان و مستضعفان، بسود تأمین حقوق ملی خلق های ایران برقرار سازد. در برابر چنین روند و چنین دورنمایی است که ضدانقلاب با خشم نومیدانه ای تمام نیروی مخرب خود را بار دیگر به حرکت درآورده و تجهیز کرده است.

این حوادث در آذربایجان درست در لحظاتی سازمان داده می شود که توطئه امپریالیسم و بازمندگان رژیم شاه مخلوع برای تبدیل مسئله کردستان به یک کانون آتش افروزی و برادرکشی به منظور تضعیف انقلاب، با درایت امام خمینی و هشیاری نیروهای میهن دوست و

انقلابی خلق کرد با ناکامی روبرو شده و با پیام تاریخی امام خمینی در مورد تأمین حقوق ملی خلق کرد و سایر خلق‌های غیرفارس، زمینه برای حل سیاسی این مشکل یعنی تأمین حقوق ملی خلق کرد و تعمیم این راه حل به سایر مناطق غیرفارس نشین ایران، از جمله آذربایجان فراهم آمده است.

بر همین پایه است که حزب توده ایران حوادث تبریز راه صرف نظر از اینکه چه شعارهایی در این جریان مطرح می‌شود و چه گروه‌هایی ناآگاهانه و یا با انگیزه‌های حادثه‌جویانه در آن شرکت داشته باشند، یک توطئه ضدانقلابی ارزیابی می‌کند، که سازمان دهنده اصلی آن امپریالیسم امریکا است. هدف عمده و اساسی این حادثه‌سازی تضعیف رهبری امام خمینی در جنبش، تجزیه و تضعیف جنبش عظیم ضدآمریکائی کنونی است. این توطئه بدون چون و چرا خنجری است که از پشت به مبارزه تاریخی خلق‌های ایران علیه بزرگترین جنایتکار جهانی، یعنی امپریالیسم امریکا وارد می‌آید. ضمناً تصادفی نیست که حزب جمهوری خلق مسلمان، که در تمام دوران اخیر همیشه سمت‌گیری نادرستی را در جنبش ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران دنبال کرده است، رهبری این حوادث را در دست گرفته و... لجوجانه به این تشنجات ادامه می‌دهد.

جالب اینست که ضدانقلاب در آذربایجان همچنان از شیوه‌های کهنه— که تاکنون آزموده است— استفاده می‌کند: حادثه می‌آفریند، اختلافات ملی و مذهبی را دامن می‌زند، از نقص‌ها و کمبودهای موجود— که برخی از آنها در دوران دشوار گذار انقلاب ناگزیر است، برخی حاصل ندانم کاری‌ها، مسامحه کاری‌ها، تعلل‌ها و روش‌های سازشکارانه در دولت موقت گذشته است و برخی نتیجه خرابکاری خود ضدانقلاب در دستگاه دولتی است— برای برانگیختن افکار عمومی سوء استفاده می‌کند، بین نیروهای انقلابی تفتین و تفرقه افکنی میکند و آنها را به جان هم می‌اندازد، میکوشد دشمن اصلی و واقعی مردم ایران و محرک اصلی و واقعی تمام این تحریکات و توطئه‌ها و خرابکاری‌ها و فتنه‌گری‌ها— یعنی امپریالیسم آمریکا— را از زیر ضربه خارج سازد.

در برابر چنین واقعیتی است که مردم ایران، تمام خلق‌های ایران، از جمله آذربایجان و همه نیروهای انقلابی صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی و سرانجام شورای انقلاب و همه مقامات مسئول دولتی و رهبران سیاسی و مذهبی باید با ضد انقلاب، در هر جا که سر بلند کند و به هر شکل و لباسی که درآید و به هر بهانه‌ای که عمل کند، به مقابله برخیزند. یعنی باید دشمن اصلی و واقعی— امپریالیسم آمریکا— را شناخت و برای ریشه‌کین ساختن تسلط امپریالیسم جهانی— به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در میهن ما با استواری و قاطعیت عمل کرد. باید اهرم‌های قدرت را در تمام زمینه‌ها از پایگاه اجتماعی امپریالیسم— سرمایه‌داری بزرگ وابسته و زمینداری بزرگ— گرفت. باید هر چه سر می‌تزد و قاطعتر گام‌های عملی برای بهبود وضع زندگی زحمتکشان و تأمین حقوق ملی خلق‌های ایران برداشت. باید دستگاه دولتی و

ارگانهای انقلاب را از عناصر ناباب و مشکوک و عوامل ضد انقلاب پاکسازی کرد. باید بر ضد دشمن اصلی و واقعی مردم ایران، بر ضد دشمن مشترک همه خلقهای ایران و همه نیروهای انقلابی ایران—امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا—متحد شد و تمام عناصر نفاق‌الهنک و در هر لباسی و در هر مقامی افشا، منفرد و طرد کرد. اینهاست وظیفه میهنی و ملی و انسانی همه مردم ایران، همه خلق‌های ایران، همه نیروهای انقلابی و همه مقامات مسئول در این شرایط حساس، دشوار، بفرنج و تاربخ.

در برابر آن واقعیت، این وظیفه و چنین شرایطی، اظهارات آقای مهندس بازرگان، که ظاهراً بعنوان «میانجی» و برای «حل مسأله» و «آرام کردن اوضاع در آذربایجان» به صحنه آمده‌اند، نه فقط حیرت‌انگیز و نأسف‌آور، بلکه تحریک‌آمیز و خطرناک است. آقای مهندس بازرگان از قرار از تجربه تلخ نه ماه حکومت خود—که امکان بروز بسیاری از حوادث ناگوار و خونین در کشور ما نتیجه سیاست نادرست، محافظه کارانه و سازشکارانه دولت موقت ایشان است—درس نگرفته‌اند. و هم چنان همان نغمه‌های ناساز را سر داده‌اند. ایشان بدون اینکه کلمه‌ای از نقش امپریالیسم آمریکا در توطئه علیه انقلاب ایران بگویند، همچنان که هیچوقت نگفته‌اند—بازهم پای کمونیستها را به میان کشیده‌اند—هم چنان که همیشه چنین تلاشی کرده‌اند. چنین روشی هم خلاف واقعیت است، هم خلاف خط امام است و هم خلاف جنبش ضدامپریالیستی و ضد آمریکایی مردم ایران. چنین روشی نه فقط به حل هیچ مسأله‌ای کمک نمی‌کند—چنان که در گذشته نکرد—بلکه به تشدید وخامت اوضاع کمک می‌کند—چنانکه در گذشته کرد—و سرانجام آب به آسیاب ضدانقلاب می‌ریزد، انقلاب و رهبری انقلاب را تضعیف می‌کند—چه آقای مهندس بازرگان از این واقعیت آگاه باشد چه نباشد، چه چنین نتیجه‌ای را بخواهد چه نخواهد.

در شرایط حساس، دشوار و بفرنجی که انقلاب ما می‌گذراند، هر کلمه و هر گام ناسنجیده و نابجای مسئولان امور—از جمله آقای مهندس بازرگان—می‌تواند به انقلاب زیان برساند و به ضدانقلاب کمک کند، صرف نظر از اینکه این افراد چه فکر کنند و چه نیتی داشته باشند.

از اینجاست که ما به همه رهبران سیاسی و مذهبی، به همه احزاب، سازمانها و گروه‌های هوادار انقلاب، به همه مردم زحمتکش، مبارز و آگاه ایران هشدار میدهم که به ضد انقلاب بهانه ندهند، دوستان و دشمنان انقلاب ایران را به درستی بشناسند، از مسیر انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ما به رهبری امام خمینی منحرف نشوند و با هشجاری، آگاهی، مبارزه و اتحاد خود توطئه‌های ضدانقلاب را عقیم گذارند و با گامهای استوار و قاطع در راه دفاع از انقلاب، تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب، پیش روند.

ما اطمینان داریم خلق‌های ایران که انقلاب بزرگ اول را به پیروزی رساندند، آن شایستگی و آن فداکاری را دارند که انقلاب بزرگ دوم را نیز به پیروزی قطعی و نهایی برسانند.

ما اطمینان داریم که امام خمینی، که با قاطعیت و درایت انقلاب اول را رهبری کرده‌اند، انقلاب دوم را نیز با همان قاطعیت و درایت رهبری خواهند کرد.

■ برقرار باد جبهه متحد خلق ما در مبارزه برضد امپریالیسم، به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا!
■ پیروز باد مبارزه متحد خلق ما علیه ضدانقلاب و برای تثبیت، تحکیم و گسترش
انقلاب بزرگ مردم ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۹/۱۶

«گروه آزادی و برابری» به حزب توده ایران پیوست

نامه روشن بینانه و ژرف اندیشانه «گروه آزادی و برابری»، که جریان تحول فکری و سازمانی آن را منعکس میکند، با اطلاع همگان رسید.

این رفقا صداقت انقلابی را با شجاعت مدنی، وفاداری به اصول مارکسیسم-لنینیسم را با جسارت پندگیری از تجربه زنده و مشخص بهم آمیختند. آنها از کوره های دشوار آزمایش گذشتند و سربلند بیرون آمدند. «جویبار» این گروه با آن همه طراوت و صداقتش، با آن همه صافی و شهامتش، سرانجام به «شط خروشان» حزب، که در ژرفای خویش از نیروی لایزال زحمتکشان میهن ما و جهان بینی علمی راهگشای خویش مایه میگیرد پیوست.

رفقا! شما حق دارید با سربلندی و افتخار بگوئید:

«حزب ما». این پاداش همه آن جستجوها و کوشش ها و پایداری هاست. همه توده ایها و از جمله شما- تازه ترین توده ایها- وظیفه سنگینی بعهده میگیرند و راه دشواری در پیش دارند. ما اطمینان داریم که شما با بینش انقلابی و تجربه عملی خود، در این راه مانند یک توده ای گام خواهید نهاد و مانند یک توده ای وظایف حزبی، طبقاتی، سازمانی، میهنی و آرمانی خویش را انجام خواهید داد.

نمونه شما، بدنیاال نمونه پرافتخار «گروه تیزابی» و نمونه «گروه منشعب از چریکهای فدایی خلق» و گروههای نظیر دیگر، نشانه آنست که علیرغم همه تهمت ها و افتراها، همه تبلیغات رنگارنگ دشمن از راست و «چپ»، آن کس که واقعا انقلابی است و به بینش علمی و انقلابی طبقه کارگر مجهز است، آن کس که خصلت طبقاتی سیاست ها و موضعگیریها را باز

می شناسد و مبارزه طبقاتی واقعی و تحلیل طبقاتی درست، مشخص و تاریخی را از جمله بردازی انقلابی نما تشخیص میدهد، سرانجام راه خود را خواهد یافت: راه حزب توده ایران، در حزب توده ایران!

«چشم در چشم حقیقت دوختن»، صداقت و شهامت بسیار میخواهد، و شما توده ایها این خصالت ها، این فضیلت ها را در خود یافتید و به تجربه در یافتید که:

«وحدت مارکسیست — لنینیست ها در میهن ما تنها با تقویت و نیرومندی هر چه بیشتر حزب توده ایران ممکن خواهد بود.»

کمیته مرکزی حزب توده ایران، از جانب همه اعضا، هواداران و دوستان حزب، ورود شما را به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، تبریک میگوید و فعالیتهای همه جانبه پرثمر و شکوفایی را برای شما آرزو میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۵ آذرماه ۱۳۵۸

همه با هم در جبهه متحد خلق، برای نوسازی اجتماعی - اقتصادی به سود زحمتکشان و قشرهای میانه حال

هم میهنان عزیز،
مبارزان راستین راه خلق!

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی، حزب توده ایران بنا به وظیفه ملی و میهنی خویش، برنامه انتخاباتی خود را در معرض قضاوت افکار عمومی قرار می دهد.

حزب توده ایران پس از بررسی همه جانبه چگونگی انتخابات ریاست جمهوری، از معرفی کاندیدای مستقل برای ریاست جمهوری خودداری می کند.

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که برنامه کار خود را به طور روشن و مشخص اعلام دارند تا مردم و همچنین احزاب، سازمان ها و گروه هایی که کاندیدای مستقل ندارند - از جمله ما - با آشنایی با این برنامه، بتوانند با آگاهی کامل انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری به عمل آورند.

حزب توده ایران از تمام کاندیداهای ریاست جمهوری می طلبد که نظر خود را درباره برنامه انتخاباتی حزب توده ایران اعلام دارند تا هم مردم و هم حزب ما بتواند با مواضع، افکار و نظریات کاندیداهای ریاست جمهوری درباره نوسازی اجتماعی - اقتصادی جامعه ما در مقایسه با برنامه انتخاباتی حزب توده ایران بهتر آشنا شوند و باز هم بتوانند با آگاهی کامل تری انتخاب خود را از میان کاندیداهای ریاست جمهوری به عمل آورند.

حزب توده ایران پس از بررسی برنامه کار کاندیداهای ریاست جمهوری و اعلام

موضع آن‌ها درباره برنامه انتخاباتی حزب توده ایران، نظر نهایی خود را درباره این که به کدام یک از کاندیداهای ریاست جمهوری رأی خواهد داد، به موقع خود اعلام خواهد کرد.

شایان ذکر است که حزب توده ایران با همین برنامه انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت خواهد کرد و کاندیداهای خود را برای نمایندگی در مجلس شورای ملی، که مدافع این برنامه خواهند بود، به موقع خود معرفی خواهد کرد.

هم میهنان عزیز،
مبارزان راستین راه خلق!

با استقرار جمهوری اسلامی و متعاقب آن تصویب قانون اساسی نوین — با وجود نقائص و کمبودهایی که در این قانون وجود دارد — نهضت رهائی بخش ملی ایران به پیروزی عظیم تاریخی دیگری دست یافت. اینک خلقهای رزمنده میهن ما خود را آماده میسازند که با رفتن پهای صندوق‌های رای و انتخاب رئیس جمهور و همچنین انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی بنیان جمهوری نوین خود را مستحکمتر سازند.

مهمترین دستاورد انقلاب شکوهمند خلق ما تا امروز عبارت است از درهم کوفتن رژیم خیانت، غارت، اختناق، جنایت و فساد که هم خود، تا بن دندان مسلح بود و هم از حمایت جدی بزرگ‌ترین قدرت امپریالیستی جهان، امپریالیسم آمریکا، برخوردار بود. وارد کردن ضربات درهم شکن بر ارکان تسلط راهزنانه امپریالیسم و طبقات حاکمه وابسته بر میهن

ما جنبه دیگری از این دستاورد است.

اینک انقلاب پر توان مردم ایران به رهبری امام خمینی وارد مرحله دگر سازی و نوسازی اجتماعی - اقتصادی شده است. هدف این مرحله پایان دادن به سیطرهٔ امپریالیسم و نواستعمار و اقتصاد وابسته به آن در کلیهٔ شئون، برانداختن موانع گوناگون اقتصادی و اجتماعی بر سر راه استفاده از منابع ملی، گشودن راه در برابر رشد همه جانبهٔ اقتصاد کشور به سود اکثریت محروم جامعه و بدینسان کسب استقلال واقعی اقتصادی است.

استقلال اقتصادی ضامن تأمین و تحکیم استقلال سیاسی است. تاریخ انقلاب های اصیل نشانگر آنست که تنها با کسب استقلال سیاسی و برکنار کردن گروهی از تبهکارترین کارگزاران امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده، نمیتوان تسلط اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع را برانداخت. فقط با درهم شکستن و محو پایگاههای اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع است که میتوان خواستهای حقهٔ میلیونها انسان محروم و زحمتکش را تحقق بخشید، به غارتگری نواستعمار پایان داد، صنعتی کردن کشور را بر وفق منافع ملی و فارغ از وابستگی به امپریالیسم، به پیش برد. کشاورزی را از وضع آشفته و عقب مانده بیرون آورد، غارتگری و استثمار را مهار کرد، زندگی زحمتکشان را با آهنگ سریع بهبود بخشید و فرهنگ ملی را شکوفان ساخت.

در این دوران دشوار، که کشور ما با مشکلات فراوان داخلی و خارجی ساخته و پرداختهٔ امپریالیسم و ارتجاع و سازشکارانی که ماهها مسیر موفقیت آمیز انقلاب ما را ترمز کردند، روبرو است، حزب تودهٔ ایران همهٔ مبارزان راه خلق و همهٔ نیروهای راستین انقلاب را فرا میخواند که هر چه زودتر بر اساس برنامهٔ مشترکی که خواست های توده های میلیونی زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه ایران را در بر گیرد، توافق کنند و این برنامه را پایهٔ عمل مشترک و متحد خود در کارزار انتخاباتی، در راه رهائی از بند اقتصادی استعمار نو و امپریالیسم و غارتگری سرمایه داری وابسته و زمینداری بزرگ و برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب قرار دهند.

امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع داخلی وابسته بدان، با تمام نیرو میکوشند با اتحاد با بورژوازی لیبرال (که از خلقی تر شدن سمت گیری انقلاب بوحشت افتاده) با کمک خرابکارانه دست نشاندهگان رنگارنگ خود از «چپ» و راست، چنین وحدت عملی را غیر ممکن سازند و با افشاندن تخم نفاق و دودستگی در میان نیروهای مومن به انقلاب، زمینه را برای تسلط مجدد خود فراهم کنند.

تجربهٔ تلخ ۲۵ سال اخیر و حوادث دردناک آن باید در لحظهٔ حساس کنونی تاریخ میهن ما، برای همهٔ نیروهائی که در صحنه سیاست کشور بسود انقلاب عمل میکنند، عبرت انگیز باشد. همانطور که ۲۵ سال پیش امپریالیسم و ارتجاع از پراکندگی گردانهای مبارز به سود خود استفاده جستند و با سرکوب یک به یک نیروها و سازمانهای ملی و ضد امپریالیستی، وضع خود را، ولو بطور موقت، محکم کردند، اکنون نیز ادامه پراکندگی نیروها فقط بسود ضد انقلاب است.

تنها بیداری، هشیاری، آمادگی و اتحاد نیروهای خلق بر بنیاد برنامه سیاسی و اقتصادی روشن و مبارزه متحد برای تحقق آن میتواند نقشه های شوم و خطرناکی را، که رهبر انقلاب، امام خمینی بارها بدان اشاره کردند، با ناکامی روبرو سازد.

کشور ما که قریب دو قرن است در اسارت و عقب ماندگی در جا میزند، باید بتواند در پرتو انقلاب پیروزمند اخیر خود، بهدفعهای عالی ملی و اجتماعی خویش دست یابد، و چنانکه در خور آنست، یکی از کشورهای سربلند و مترقی جهان بدل گردد و تکیه گاهی برای فرهنگ مردمی و عدالت اجتماعی باشد.

بر این اساس، حزب توده ایران برنامه پیشنهادی زیرین، را بمثابة زمینه ای برای برنامه مشترک جبهه متحد نیروهای خلق مطرح میسازد و در عین حال آمادگی جدی خود را برای توجه و بررسی هر پیشنهاد مشخص دیگری در این زمینه اعلام میدارد. این پیشنهادها بر پایه قانون اساسی مصوب جمهوری اسلامی ایران و برای مشخص کردن یک سلسله مسائل حاد، در شرایطی که مردم میهن ما میروند تا ارگانهای مسئول دولتی خود را انتخاب کنند، بر اساس پیشنهادهای مصوب پنجم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، تهیه شده است.

الف. در زمینه نظام سیاسی، حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی

۱- حزب توده ایران دفاع از جمهوری اسلامی ایران را در برابر توطئه های امپریالیسم و ارتجاع داخلی وظیفه خود می شمارد و برای تثبیت و تحکیم بنیاد آن از بذل هیچگونه مساعی دریغ نخواهد ورزید.

۲- باید برای اجراء جامع و پی گیر حقوق و آزادیهای که در قانون اساسی تصریح شده، اقدام شود و برای تدارک متمم قانون اساسی، که نقائص و کمبودهای قانون اساسی را رفع کند، تلاش مجدانه بعمل آید، بطوریکه حقوق زیرین بدون ابهام تأمین گردد:

۱- حقوق دموکراتیک مردم، تمام و کمال رعایت شود. تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک فقط زمانی میسر است که همه سازمانهای اجتماعی و سیاسی و اتحادیه ها و انجمن های صنفی بدون هیچگونه تبعیضی، امکان فعالیت آزاد برای نشر و تبلیغ نظریات خود را داشته باشند. هرگونه انحصارطلبی و اعمال فشار و تحمیل نظریات و تبعیض از سوی هر فرد و مقامی مردود است. به اختناق به هیچ شکلی از اشکال نباید راه داده شود.

۲- در جمهوری اسلامی ایران شرکت فعال توده های مردم در اداره امور کشور، همان طوری که در قانون اساسی نیز تصریح گردیده از طریق ایجاد نظام شورائی، یعنی قرار دادن سرتاسر زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی، نظامی و ملی کشور بر مبنای شوراها باید تأمین گردد.

۳- در جمهوری اسلامی ایران زنان باید در همه زمینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند. بکلیه بیعدالتی هایی که به محرومیت زنان از حقوق برابر انجامیده و آنان را از برخورداری از حقوق متساوی در جامعه و خانواده محروم داشته است، باید پایان داده شود.

۴- خلق های غیر فارس در ایران در معرض ستم ملی و تبعیض قرار داشته اند و محرومیت های اقتصادی - اجتماعی بسیاری بر آنان تحمیل شده است. در جمهوری اسلامی ایران باید به همه این محرومیتها پایان داده شود و دستاوردهای انقلاب در باره حق خودگردانی (خودمختاری)، که در عین حال ضامن حفظ تمامیت ارضی کشور ماست، در متمم قانون اساسی وارد گردد.

ب. در زمینه سیاست خارجی

- ۱- دفاع از تمامیت ارضی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور
- ۲- لغو کلیه قراردادهای نابرابر اقتصادی، سیاسی و نظامی. علنی و یا سری، که دول امپریالیستی و رژیم مخلوع به کشور ما تحمیل کرده اند و تا کنون لغونشده اند و اجرای سیاست قاطع ضد امپریالیستی در همه عرصه ها،
- ۳- پشتیبانی مادی و معنوی همه جانبه از جنبشهای انقلابی و آزادیبخش ضد امپریالیستی و در درجه اول از جنبش آزادیبخش خلق قهرمان فلسطین،
- ۴- کوشش برای برقراری روابط دوستانه و همکاری مبتنی بر برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یا همه کشورهای جهان،
- ۵- دفاع از صلح جهانی و اجرای پیگیر اصول همزیستی مسالمت آمیز و همکاری وسیع با جنبش کشورهای غیر متعهد در جهت نبرد ضد امپریالیستی.

ج. در زمینه دفاع و حفظ امنیت

- ۱- پاکسازی کامل ارتش از تمام عناصر ضد ملی و ایجاد ارتش واقعا ملی، که پایگاه محکم انقلاب، استقلال، آزادی و ترقی باشد،
- ۲- گسترش تجربه سپاه پاسداران انقلاب و تأمین جای شایسته آن در دفاع از انقلاب،
- ۳- دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش برای تبدیل آن به یک ارتش خلقی،

۴- تجدید نظر در سیاست خرید و تهیه جنگ افزار، بطوری که هرگونه وابستگی را در این زمینه غیر ممکن سازد.

د. در زمینه اقتصادی

- ۱- ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم و نو استعمار از کلیه شئون اقتصادی کشور، و در مرحله اول، از صنایع نفت و گاز و پتروشیمی،
- ۲- اجرای دقیق نظام اقتصادی نوین بر پایه تقویت بخشهای دولتی، تعاونی و محدود کردن بخش خصوصی و جلوگیری از تراکم ثروتهای کلان در دست افراد و بخش خصوصی و اداره ثمر بخش کلیه موسسات دولتی و تعاونی،
- ۳- پیگیری در ایجاد آنچنان ساختار سیاسی و اجتماعی، که از تبدیل سرمایه داری به نیروی مسلط سیاسی جلوگیری بعمل آورد. گسترش مواضع سیاسی زحمتکشان همگام با تجدید مواضع سیاسی و اقتصادی سرمایه داری، به منظور ایجاد تدریجی و بنیای سیاسی نوین خلقی،
- ۴- کاربرد برنامه ریزی دولتی کوتاه و دراز مدت، بمنظور تسریع در رشد اقتصادی - اجتماعی،
- ۵- صنعتی کردن کشور، ایجاد و گسترش رشته های گوناگون صنایع سنگین و کلیدی، در نوبه اول بر پایه استفاده از منابع داخلی، با توجه به اولویت، امکانات و نیازهای واقعی جامعه،
- ۶- اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، از طریق مصادره زمین ها و دارائیهای غصبی زمینداران بزرگ و فئودالها و واگذاری آنها به دهقانان کم زمین و بی زمین متشکل در تعاونیهای روستائی. ملی کردن موسسات بزرگ خصوصی کشاورزی و اداره آنها بصورت تعاونی و یا در بخش دولتی. دایر کردن زمینهای بایر، باز سازی قنوات و تأمین آب برای کشاورزی، ایجاد و تقویت همه جانبه تعاونیهای تولید روستائی، تعاونیهای توزیع و مصرف برای دهقانان تهیدست و میانه حال، تأمین شرکت واقعی و فعال کشاورزان زحمتکش در اداره امور تعاونیها، بهسازی تولید و بازسازی روستاها، تأمین خدمات زیربنائی و همچنین بالا بردن سطح عمومی بهداشت، سواد، آموزش و فرهنگ در روستاها،
- ۷- بکار انداختن سرمایه های کوچک در امور تولیدی، در چارچوب برنامه های اقتصادی و اجتماعی دولتی،
- ۸- گسترش شبکه تعاونیهای تولید، توزیع و مصرف در شهر ها برای رشته های گوناگون تولید کوچک،
- ۹- اجرای دقیق ملی کردن بازرگانی خارجی و شرکت مؤثر دولت در بازرگانی

داخلی از طریق عمده خرید و عمده فروشی کالاها و مواد غذایی مورد نیاز عمومی،

- ۱۰- تجدید نظر در توزیع درآمد ملی، بر مبنای تنظیم و تعدیل بودجه دولتی، با توجه به اصل اولویت‌های اقتصادی و استفاده سرمایه‌ای از درآمد نفت، حذف کلیه هزینه‌های زائد و تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه‌جانبه اقتصاد، فرهنگ و آموزش و پرورش،
- ۱۱- اصلاح بنیادی سیستم مالیاتی بسود زحمتکشان.

ه. در زمینه بهبود زندگی کارگران، دهقانان، جوانان، پشه‌وران و کارمندان

۱- کارگران

- تأمین شرکت موثر کارگران در اداره امور کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و امور خدمات از طریق شوراهای تولیدی و خدماتی،
- تنظیم و تصویب قانون مترقی کار بر بنیاد تأمین منافع کارگران و سایر زحمتکشان، اعم از شهری و روستایی،
- تأمین اشتغال و تلقی آن بمثابه حق مسلم شهروندان کشور، از میان بردن بیکاری در سراسر کشور،
- تنظیم و تصویب قوانین مترقی بیمه‌های اجتماعی بسود همه زحمتکشان شهر و روستا و خانواده‌های آنان،
- تأمین خدمات پزشکی و داروئی رایگان برای زحمتکشان شهر و روستا،
- تأمین مسکن مناسب برای کارگران،
- پرداخت مزد یکسان به زنان در برابر کار یکسان با مردان و منع کار کودکان،
- واگذاری مرخصیهای دراز مدت، با استفاده از حقوق، به زنان زحمتکش برای دوران پیش و بعد از زایمان،
- افزایش دستمزدها با توجه به نوسانات هزینه زندگی.

۲- دهقانان

- واگذاری اعتبار، بذرو کود و کمکهای فنی بدهقانان خرده پا و میانه حال،
- کمک همه‌جانبه به ایجاد شرکتهای تعاونی تولید روستائی، گسترش شبکه تعاونی توزیع و مصرف و خرید محصولات کشاورزی به نهای عادلانه،
- حل جدی مسئله آب بسود دهقانان،
- لغو اقساطی که دهقانان هنوز بابت اراضی تقسیم شده در جریان اصلاح ارضی باید پردازند،

— الغای وامها و تفضیقات مادی دیگر، که رژیم سرنگون شده و ایادی آن، رباخواران و سلف خران به دهقانان تحمیل کرده اند.

۳- جوانان

- تامین شرایط لازم برای تحصیل، اشتغال و تشکیل خانواده و دسترسی کلیه جوانان به پرورش استعدادهای خود در زمینه های فن، علم و هنر،
- شرکت دادن جوانان در اداره امور کشور و برخورداری آنان از حق تشکیل آزاد در سازمان های دمکراتیک صنفی و سیاسی و همبستگی های بین المللی،
- تامین امکانات گسترده ورزشی و تربیت بدنی، توسعه مؤسسات ورزشی، ایجاد باشگاههای جوانان در شهر و روستا،
- ایجاد کتابخانه ها و قرائت خانه های عمومی در سطح کشور، با حق استفاده رایگان از آنها،
- فراهم آوردن وسائل تفریحات سالم در جهت تقویت تن و روان نسل جوان و رهائی جوانان از اعتیاد های مهلک و دیگر میراث های شوم رژیم طاغوتی پهلوی،
- تامین شرایط لازم برای جوانانی سرزنده، با فرهنگ و راغب به کار و فعالیت خلاق در جهت رفاه مادی و معنوی جامعه زحمتکش ایران و سر بلندی نسل جوان آن.

۴- کارمندان

- تقسیم صحیح کار در ادارات، ترفیع بر اساس آزمون و کیفیت کار و سوابق خدمت،
- تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیاد دمکراتیک و جلوگیری از هر گونه تبعیض در مورد آنان،
- تامین مسکن مناسب برای کارمندان فاقد مسکن،
- شناسائی حق تشکیل سازمانهای صنفی و شورائی برای همه کارمندان ادارات دولتی و مؤسسات خصوصی.

۵- پشه وران

- تامین تشکل پشه وران در تعاونیها،
- واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته های گوناگون پشه وری،
- تشکیل اتحادیه های و یژه پشه وری برای دفاع از خواستها و منافع صنفی پشه وران،
- تشویق کارهای دستی هنری ملی.

و. در زمینه سواد، آموزش و پرورش و فرهنگ

- ۱- ریشه کن ساختن بیسوادی و همه آثار فرهنگ استعماری از زندگی روزمره،
- ۲- توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطق عقب نگاه داشته شده،
- ۳- ایجاد سیستم فرهنگ ملی برای اقوام ملی و تأمین آموزش به زبان مادری،
- ۴- تجدید نظر بنیادی در نظام آموزشی،
- ۵- گسترش وسیع شبکه آموزشگاههای حرفه ای رایگان،
- ۶- گسترش شبکه آموزش و پرورش در سراسر کشور و رفع کمبود شدید دبستان و دبیرستان،
- ۷- توسعه دانشگاههای کشور بقصد پایان دادن تدریجی به اعزام دانش آموز بخارج از کشور،
- ۸- ایجاد شبکه وسیع شیرخوارگاه ها و کودکستانها بمنظور کمک به زنان کارگر و کارمند،
- ۹- رایگان ساختن آموزش از دبستان تا دانشگاه و پرداخت مدد معاش دولتی بفرزندان دانشجوی کارگران و کشاورزان و کارمندان کم درآمد.

ز. در زمینه علم و هنر و وسائل ارتباط جمعی

- ۱- ایجاد فرهنگستان علوم ایران
- ۲- تشکیل شبکه وسیع پژوهشگاههای علمی، لابراتوارهای مجهز و موسسات پژوهشی فنی و فراهم کردن شرایط لازم برای کار خلاق و ثمربخش دانشمندان و دیگر پژوهشگران،
- ۳- کمک موثر به گسترش ورشه مطبوعات دمکراتیک و خلقی و انتشارات تخصصی،
- ۴- دمکراتیک ساختن و اداره شورائی رادیو و تلویزیون
- ۵- تأمین شرایط لازم برای پیشرفت آفرینش هنری،
- ۶- تأمین آزادی برای نویسندگان و هنرمندان بر پایه خواستههای حقه سازمانهای صنفی آنها.

چنین است رئیس کلی برنامه انتخاباتی که به نظر حزب توده ایران می تواند پایه وحدت عمل در کارزار انتخاباتی گردد. فقط در پرتو ایجاد جبهه متحد خلق و تحقق چنین برنامه مشترکی

است که می‌توان دستاوردهای انقلاب را حفظ کرد و به خواست‌های خلق انقلابی جامعه عمل پوشانید.

هم میهنان، مبارزان راستین راه خلق!

انقلاب ایران راهی دشوار و سرشار از انواع مخاطرات، توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن در پیش دارد. دشمن مردم ایران—امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا—ضربت دیده، ولی از پای درنیامده، ارتجاع و در رأس آن دربار پهلوی، سرنگون شده، ولی نابود نگردیده است. تنها با وحدت عمل و اتحاد کلیه نیروهای راستین انقلاب، با فداکاری و قاطعیت انقلابی در گزینش برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بنیادی و به سود توده‌های زحمتکش است که می‌توان بر این دشواری‌ها پیروز شد و دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمنان خلق را عقیم گذارد و نفوذ آن‌ها را ریشه کن ساخت.

• گسترده باد انقلاب پرتوان خلق دلاور ایران!

• برقرار باد جبهه متحد خلق! نیرومندترین اهرم پیروزی بر دشمن اصلی

—امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

• تابناک باد خاطره شهیدان راه استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دی ماه ۱۳۵۸

درباره پیام امام خمینی برای جهاد با بیسوادی

مبارزه با بیسوادی گامی است سرنوشت ساز در راه پیکار علیه میراث شوم سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری و برای تأمین استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور ما

امام خمینی در پیام مهمی، در روز جمعه ۷ دیماه، درباره جهاد با بیسوادی اعلام کردند:

«ما باید در برنامه درازمدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم و اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده برای مبارزه با بیسوادی بطور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنید... من از ملت عزیز امیدوارم که با همت والای خود بدون فوت وقت ایران را بصورت مدرسه درآورند و در هر شب و روز اوقات بیکاری یکی دوساعت را صرف این عمل شریف نمایند.»

بیسوادی یکی از خانمان براندازترین پی آمدهای شوم فرهنگ استعماری و نواستعماری است که امپریالیسم و سرمبردگان آن سالهاست به مردم ما تحمیل کرده اند. با وجود آمارهای متناقضی که در این زمینه موجود است، تخمین زده میشود که هم اکنون حداقل ۷۰ درصد مردم ما سواد خواندن و نوشتن را ندارند. این درصد در بخش هایی از کشور و برخی قشرهای جامعه از این هم بمراتب بالاتر است. مطابق آمار، درصد بیسوادان در روستاها متجاوز از ۹۴ درصد و درصد زنان بیسواد در سطح کشور بیش از ۹۰ است.

رژیم وابسته و خائن پهلوی بارها تحت عنوان «مبارزه با بیسوادی» و با تبلیغات ناهنجار کوشید تا افکار عمومی ایران و جهان را بفریبد و بخیال خود برای خویش کسب وجهه کند. ولی این «مبارزه» چنان ناکام و رسوا بود که حتی رژیم مخلوع مجبور به اعتراف به این واقعیت شد که شماره بیسوادان در کشور ما روبه افزایش است.

پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران نه تنها شرایط و امکانات عینی مساعدی را برای حل ریشه ای مسئله بیسوادی فراهم آورده، بلکه آغاز چنین جهادی را در صدر وظائف

انقلاب و انقلابیون قرار داده است.

تجربه ما و دیگر کشورها نشان میدهد که ارتجاع و ضد انقلاب همواره میکوشند تا با عوامفریبی، از جهل و بیسوادی گروه بیشماری از مردم، بسود سیاست ضدمیهنی خود استفاده جویند.

ما در عین تأکید لزوم تدوین و اجرای برنامه‌ای درازمدت برای مبارزه راستین در راه ریشه کن کردن بیسوادی، از ابتکار تاریخی امام خمینی پشتیبانی می‌کنیم و هم‌میهنان، سازمانهای ضدامپریالیست و مترقی بویژه افراد و واحدهای حزبی را فرا میخوانیم تا با استفاده از همه‌گونه امکانات و وسائل، برای سوادآموزی خواهران و برادران بیسواد ما کوشا باشند.

در این گستره، یادآور می‌شویم که وزارت آموزش و پرورش، طبق فرمان امام، باید از «قرطاس‌بازی» بپرهیزد و به همه افراد، سازمانها و نیروهائی که آماده کمک در این زمینه هستند، امکان شرکت فعال در این جهاد مقدس را بدهد.

مبارزه با بیسوادی گامی است سرنوشت‌ساز در راه پیکار علیه میراث شوم سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری و برای تأمین استقلال اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور ما. با تمام نیرو این مبارزه مقدس را به پیروزی برسانیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸ ماه ۵

به شورای انقلاب اسلامی ایران

شورای محترم انقلاب اسلامی ایران

اکنون که پیرو رهنمودهای امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، شورای انقلاب تصمیم به «ریشه کن کردن فئودالیسم و دادن زمین به دهقانان» گرفته (اعلامیه شماره ۲ شورا- سخنرانیهای آیت الله دکتر باهنر) و بدنبال تغییرات مثبت و امید بخشی که در وزارت کشاورزی ریخ داده و خود نشانی از تصمیم به اجرای یک برنامه واقعی ضد بزرگ مالکی و انجام اصلاحات ارضی به سود دهقانان است، حزب توده ایران لازم میداند نظر شورای انقلاب را به نکات زیرین جلب کند:

۱- مسئله اصلاحات ارضی بنیادی و قاطع بسود دهقانان بی زمین و کم زمین و بخاطر ریشه کن کردن بساط استثمار فئودالی ملاکی و دادن زمین به کسانی که روی آن کار می کنند، مسئله ای سرنوشت ساز و حیاتی برای انقلاب ایران است. الغای کامل بزرگ مالکی، که مهمترین بقایای فئودالیسم است، ضربه ای است به امپریالیسم و به ضد انقلاب، دادن زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین خدمتی است به تحکیم انقلاب و استقرار عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی کشور.

۲- بزرگ مالکان که از منافع غارتگرانه خود دست بردار نیستند، بانواع وسایل متشبث میشوند تا بساط بهره کشی و مالکیت غاصبانه خویش را حفظ کنند. آنها وضعی بحرانی در روستاهای کشور بوجود آورده اند که هر لحظه تأخیر در رفع آن موجب تشدید وخامت و بهره گیری ضد انقلاب میشود.

بحران موجود در روستاها جدی و همه جانبه است. ایجاد ناراضی در بین دهقانان یکی از ابعاد آن و عدم کشت قسمت قابل ملاحظه ای از زمین ها، بعد دیگر آن است که خود عمق

توطئه اربابان را نشان میدهد.

۳- حل مسئله مالکیت، ضد انقلاب - امپریالیسم آمریکا و بقایای دار و دسته شاه مخلوع - را از یک وسیله مهم تخریبی محروم می کند و اجازه نمی دهد که آنان با سوء استفاده از نارضائی و خواست بحق دهقانان در مورد داشتن زمین، کانون توطئه و تحریک و تشنج بیافرینند، برعکس حل انقلابی این مسئله روستای ایران را به دژ مدافع انقلاب و به مرکز تأمین محصولات کشاورزی و دامی مورد نیاز بدل خواهد ساخت.

بنابراین بنظر ما اتخاذ تدابیر دقیق و جامع درباره الغای بزرگ مالکی و انجام اصلاحات ارضی دارای اهمیت درجه اول سیاسی است و گامی حیاتی در جهت تحکیم انقلاب و پیشبرد آن است.

حل بحران کنونی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، که روستای ایران با آن روبروست، در گرو شکستن این سد عمده یعنی بزرگ مالکی است. حل این بحران از وظایف مبرم و حیاتی شورای انقلاب است، وظیفه ای که نمیتوان آن را تا تحکیم نهادهای دولتی دائمی جمهوری اسلامی ایران بتعویق انداخت. در شرایط کنونی، گذشت هر روز مهم است، چه رسد به چندین ماه، باید فرصت را از ضد انقلاب گرفت و آن را خلع سلاح کرد.

باین علت است که ما توجه شما را بوظیفه خطیری که بعهد گرفته اید، جلب می کنیم و بویژه اکنون که خان ها و مالکان بزرگ و عوامل آنها به جنب و جوش افتاده اند، هشدار میدهیم و پیشنهادهای خود را ارائه میداریم:

۱- هر چه سریعتر مشی سیاسی و چارچوب برنامه ای در جهت ریشه کن کردن بزرگ مالکی اعلام شود، تا حق به حق دار و زمین به دهقانان برسد. این امر بمثابة عنصر متشکله نبرد عظیم خلق علیه شیطان بزرگ و وابستگان ایرانی اش، در نظر گرفته شود.

۲- برنامه همه جانبه، روشن و صریحی که بیانگر سیاست و خط شورای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارضی باشد، تدوین گردد و هدفها، روشها و مدارج آن دقیقاً اعلام شود، تا هم دهقانان برای پشتیبانی از آن بسیج شوند و هم مسئولان امور موظف با اجرای آن باشند.

حزب توده ایران با توجه با اهمیت این موضوع، نظریات خود را در باره چنین برنامه ای شامل سه مسئله عمده: مسئله مالکیت زمین، مسئله تولید و نوسازی اقتصاد کشاورزی، مسئله رفاه روستائیان، بمقامات مسئول وزارت کشاورزی ارائه می کند. اصول این طرح در مسئله عمده کنونی، که حل سایر مسائل کشاورزی دهقانی وابسته به حل آن است، یعنی مسئله مالکیت زمین، عبارتست از:

الف) هدف اصلی: زمین دار کردن کلیه دهقانان، استقرار عدالت اجتماعی و تأمین تولید کافی،

ب) راه اصلی: الغای هر گونه بزرگ مالکی فئودالی و سرمایه داری، که ریشه

بهره‌کشی و ستم بر دهقانان است.

ج) شیوه اصلی: با الهام از بخشهای اقتصادی پیش بینی شده در قانون اساسی باید به این سه شیوه عمل کرد:

- واگذاری زمین بدهقانان بی زمین و کم زمین و تأمین وسایل کار و کشت برای آنها،
- ایجاد تعاونیهای دهقانی با اشکال و هدفهای متنوع، از همکاری در مصرف و توزیع و اعتبار و غیره گرفته تا تعاونی تولید، در مدارج و سطوح مختلف،
- ایجاد واحدهای بزرگ مکانیزه در بخش دولتی بنا به شرایط فنی — اقتصادی واحد مربوط و ضروریات تولیدی و منافع کشور،

د) در شرایط دشوار کنونی دهات ایران، کاملاً ضرور است که نظیر کلیه بدهی‌ها و دیون دهقانان تهیدست و میانه حال به دولت و به اشخاص ملغی گردد و اقساط گرفته شده از دهقانان در رژیم گذشته از محل ثروتهای مالکان بزرگ باز پس داده شود. اینست مسئله عمده و گرهی، که توجه ویژه به آن لازم است.

۳- اجرای تصمیمات منخذه در زمینه برنامه اصلاحات ارضی بنیادی بنحو هر چه کاملتر و قاطعتر، بکار گرفتن تمامی وزن و اعتبار شورای انقلاب تا این امر حیاتی در جهت منافع دهقانان تهیدست بی زمین و کم زمین، این مسئله در عمل حل شود،

۴- تأمین مشارکت فعال دهقانان زحمتکش در تدوین و اجرای برنامه اصلاحات ارضی و تحقق طرحهای شورای انقلاب و مسئولان انقلابی وزارت کشاورزی،

بنظر ما، بدین منظور میتوان بدهقانان برای تشکیل شوراهای اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی که نیروی عظیم روستائیان را بسیج و متشکل کند، یاری رساند.

۵- جلوگیری از تحریکات و صحنه‌سازیها و حادثه‌آفرینیهای اربابان، اعم از اقدامات خشن و مسلحانه یا فریبکارانه و مسلمان‌نمایانه.

۶- انحلال نهادهای ضد انقلابی نظیر «شورای کشاورزی» که لایحه اربابان و سرمایه‌داران ارضی است. تشکیل شوراهای واقعی کشاورزی یا شرکت نمایندگان مستقیم دهقانان زحمتکش و حضور نمایندگان مؤسسات دولتی و انقلابی مسئول این امور.

۷- دستگیری و محاکمه مالکانی که در ماههای اخیر بقتل و جرح دهقانان پرداخته‌اند و یا با ایجاد ناامنی و ناراضی در میان دهقانان و کشت نکردن زمین‌ها و ممانعت از کشت دهقانان، جوی بسود ضد انقلاب ایجاد کرده‌اند.

۸- الفای کلیه قوانین ارتجاعی و ضد دهقانی که قبل از تصمیم آبانماه شورای انقلاب تصویب شده.

۹- پاکسازی کامل و قطعی در دستگاههایی که مأمور اجرای قوانین اصلاحات ارضی خواهند بود، اعم از وزارت کشاورزی و کمیته‌ها و سپاه پاسداران و ژاندارمری و بانک‌ها.

پشتیبانی صادقانه و پرشور میلبونها دهقان ایرانی وثیقه پیروزی در نبرد علیه بساط بزرگ مالکی و حامی آن امپریالیسم است. این پشتیبانی تنها در صورتی بدست خواهد آمد که برنامه سیاسی روشن و درستی تنظیم گردد و تدابیر دقیق عملی بسود دهقانان اتخاذ شود. تنها در چنین صورتی است که میتوان فعالیت عناصری را که در لباس چپ نمائی و با پخش شعارهای افراطی و ماجراجویانه عملاً در خط ضد انقلاب قرار میگیرند و با بزرگ مالکان بهمکاری می پردازند، بی تأثیر ساخت.

حزب توده ایران که خود سالیان متمادی است در راه حقوق حقه دهقانان زحمتکش و علیه منافع غارتگرانه بزرگ مالکان رزمیده است، بار دیگر اعلام میدارد که برای هرگونه همکاری و تبادل نظر سازنده و تدوین برنامه و تحقق این برنامه، بخاطر تحکیم و پیشبرد انقلاب بزرگ ایران آماده است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۱۳۵۸/۱۰/۹

علیه تجاوز به دفتر «مردم» شدیداً اعتراض می کنیم

ساعت ۲ بعداز نیمه شب دوشنبه ۱۰ دی ماه، سه وسیله آتش را به سوی دفتر «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران و محل دبیرخانه حزب - خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ - پرتاب شد. یک بطری دارای مواد محترقه به دیوار اصابت کرد و زبانی به بار نیاورد. یکی دیگر روی بالکن مشتعل شد و سیم های تلفن را سوزانید. سومی پنجره اطاقی را شکست و روی میز کار افتاد و اسناد و کاغذها و یک دستگاه تلفن را طعمه حریق ساخت و به در و دیوار و سایر وسایل زیان هایی وارد نمود.

در این واقعه ما دستا جنایتکار ساواکی ها را می بینیم که امروزه به لباسهای مختلف در آمده اند و با نامهای گوناگونی علیه نیروهای پیگیر ضد امپریالیست عمل می کنند. بنا به سابقه موجود، همدستی و همزبانی برخی از گروهکهای مائوئیستی، که آبروی نداشته خود را بر باد میبندند و از گسترش روز افزون نفوذ حزب توده ایران در میان زحمتکشان و پیروزی اندیشه های اصیل و راستین انقلابی سخت نگران شده و دچار خشم عاجز و دیوانه کننده ای گردیده اند، در چنین حوادث جنایتکارانه ای غیر محتمل یا عجیب نیست.

ما علیه اینگونه تشبثات عناصر ضد انقلابی - چون هر که باشند و با هر اسم و بپانه ای به این عمل فاشیستی دست زده باشند، چیزی نیستند جز عناصر ضد انقلابی در خدمت امپریالیسم - بشدت اعتراض می کنیم. لازم به تذکر نیست که ما با اینگونه اعمال تجاوزکارانه، از مشی و سیاست اصولی خود دست برنخواهیم داشت و در دام تحریک نخواهیم

ضد انقلاب — عمال امپریالیسم آمریکا و بقایای دار و دسته پهلوی و همه دشمنان کف بر لب آورده حزب طبقه کارگر ایران — که بچنین اعمالی دست میزنند، در واقع عجز خود را نشان می دهند. اینان که ساعت ۲ بعد از نیمه شب بطری حریق را پرتاب می کنند، از ترس خشم و اعتراض خلق ضد امپریالیست و روشن بین ماست که چهره در تاریکی میپوشانند. دوستان و دشمنان ما معلومند. ما طرفدار استقلال و آزادی و بهروزی مردم زحمتکش، طرفدار تحکیم و پیشبرد انقلاب، طرفدار خط امام و محتوای ضد امپریالیستی و خلقی آن هستیم. ما طرفدار اتحاد همه نیروهای هستیم که صادقانه در این خط قرار دارند. کسی که با این اصول موافقت داشته باشد، بسوی دبیرخانه حزب ما دفتر «مردم» بطری حریق را پرتاب نمی کند. ما دشمن امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و ساواکی ها و بقایای دار و دسته شاه مخلوع و بزرگ مالکان و سرمایه داران وابسته هستیم. ما با کسانی که علیه انقلاب توطئه می چینند و آب باسیاب امپریالیسم میریزند، صرف نظر از نام و لباس و بهانه مخالفیم. تنها از دست چنین کسانی است که بطری های آتش را می تواند بسوی دفتر «مردم» و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران پرتاب شود.

با هشدار به همه مردم، که بیش از پیش مواظب نقشه ها و توطئه های دشمنان انقلاب باشند و در این لحظات حساس هشیاری انقلابی خود را حفظ کنند و هرگز دشمن اصلی را از نظر دور ندارند، ما از مقامات مسئول میطلبیم که به سهل انگاری ها پایان دهند و در حفظ امنیت مراکز سیاسی و مقر سازمانهای مختلف به وظایف خود عمل کنند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضوابطی در زمینه آزادی فعالیت احزاب و سازمانها و انجمن ها و غیره قید شده که اینک قدرت قانونی تام و تمام دارد. وظیفه ارگانهای مسئول و منجمله کمیته ها است که این ضوابط را اجرا کنند و احترام به قانون اساسی را پاسداری نمایند. بر این ارگانهاست که با جدیت، مسئولین حمله شبانه و تعرض با بطری آتش را به مقر دبیرخانه حزب ما را شناسائی کنند، آنها را تحت پیگرد قرار دهند و به مجازات اعمال فاشیست مآبانه شان برسانند.

ما از ارگانهای صاحب مسئولیت، متعهد و انقلابی و از همه عناصر و سازمان های صدیق انقلابی و مترقی انتظار داریم در این اعتراض و طلب، بانگ خود را هم صدا با ما بلند کنند. بی تردید تشیئات مذبحخانه ای از این دست، نه حزب ما را، که اینهمه سرد و گرم روزگار چشیده، از فعالیت در خدمت مردم و میهن باز خواهد داشت و آن را در دام تحریک خواهد انداخت و نه انقلاب بزرگ ما را از مشی اساسی خود، که وثیقه پیروزمندی اش اتحاد همه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی است، منحرف خواهد کرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ دی ماه ۱۳۵۸

از امام خمینی، رهبر انقلاب، و از خط امام با تمام نیرو
حمایت کنیم!

توطئه‌های مزورانه ضد انقلاب - امپریالیسم امریکا و بازماندگان
رژیم سرنگون شده پهلوی - را در نطفه خفه کنیم

ضد انقلاب در تلاش مذبحخانه و خشم عاجزانه خود دست به تحریکات
خطرناکی زده است. دیروز در قم جماعتی به دستان تعلیم دیده و آماده به میدان آمدند و با
جماعت و چاقو مردم را مضروب، مغازه‌ها را ویران و رفت و آمد را مختل کردند. اگر هشدار
سریع و به موقع امام و دستور صریح حفظ آرامش نبود، این عمال ضد انقلابی، قم را به
نقطه شروع توطئه‌ای خونبار بدل می‌کردند. اغلب اینان نقاب بر صورت داشته‌اند، ولی در
همان موقع دستیارانشان، بدون نقاب، جانب دیگر توطئه را در تبریز سازمان می‌دادند و
شایع می‌کردند که گویا به خانه آیت‌الله شریعتمداری حمله شده، تا شاید اذهان ناآگاه
را منحرف کنند و تحریکی را که سه هفته قبل شروع کرده بودند ولی عقیم مانده بود،
باردیگر به سود امپریالیسم امریکا و عمال داخلی آن‌ها و همه سازشکارانی که با ادامه
انقلاب و با پیروی از خط امام مخالفند، به سرانجام برسانند.

امروز مردم ایران در همه جا بپا خاسته‌اند تا مشت محکم خود را بر فرق ضد انقلاب فرود
آورند و خروش پرخشم خود را علیه امپریالیسم امریکا، این سازمان دهنده همه تحریکات و
مسبب همه آشفتنگی‌ها و ریشه همه حادثه آفرینی‌ها، بلند کنند.
ضد انقلاب جرأت کرد. و این بار می‌خواسته به اقامتگاه شخص امام روی آورد و به رهبر
انقلاب اسائه ادب کند.

ضد انقلاب این بار همه نیروهای سازشکار، همه روحانی‌نماها و مقدس‌نماها، همه مزدوران را بسیج کرده است.

یورش اولیه ضد انقلاب در قم با راهنمایی امام و هشیاری مردم قم با شکست روبرو شد. ولی توطئه ابعاد گسترده دارد و بقول امام این بار و با این دشمن، کار مبارزه بسی دشوارتر از پیکار رودررو با محمد رضای خائن و ساواک و ارتش اوست. این بار هشیاری بیشتر و پیگیری بیشتر لازم است.

حزب توده ایران، در کنار تمام مردم انقلابی ایران، که زیر رهبری امام خمینی به نبرد سرنوشت سازی علیه امپریالیسم آمریکا برخاسته‌اند، در راهپیمایی‌های امروز و در کلیه تظاهرات و اقداماتی که برای فاش کردن چهره شوم و مزورانه ضد انقلاب صورت میگیرد، فعالانه شرکت میکند.

حزب توده ایران حساسیت لحظه و مسئولیت فرد فرد مردم ایران را در این موقع که میبایست نهادهای جمهوری اسلامی ایران تثبیت شود، خاطر نشان میسازد. ضد انقلاب به مهره‌های نقاب‌دار و به سلاح‌های فریبنده‌ای متوسل شده است، تا در راه استقرار این نهادها و تحکیم دستاوردهای انقلاب و پیشرفت آن در خط امام - خط ضد امپریالیستی و خلقی - سدهائی ایجاد کند و آترا یا به شکست و یا به بیراهه بکشاند.

باید هشیار بود. این مبارزه دشوارتر از نبرد با پهلوی منحوس است.

باید همه نیروها را بسیج کرد. وظیفه انقلابی ماست که قاطع‌تر و یکدل‌تر از همیشه به حمایت از امام خمینی رهبر انقلاب برخیزیم و به پیشبرد خط او یاری رسانیم. باید توطئه مزورانه و مقدس‌نمایانه ضد انقلاب را در نطفه از بین برد. این مبارزه باید متحد باشد، زیرا اتحاد ما ضامن پیروزی ماست.

• همه با هم در راه پشتیبانی از خط امام، در راه پیشبرد انقلاب!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۵ دی ماه ۱۳۵۸

به مناسبت پیوستن گروهی از هواداران سابق سازمان چریک های فدایی خلق در بابل به حزب توده ایران

گروهی از هواداران سابق سازمان چریک های فدایی خلق در بابل به حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران پیوسته اند. به این رفقای جدید عضو حزب صمیمانه تبریک می گوئیم.

از این پس نور فعالیتهای پرشور و توان پرجوش این اعضای جدید حزب توده ایران، که از محک آزمایشهای دشوار گذشته و در کوره نبردها، کینه ها، شکها و جستجوها آبدیده شده اند، با رسیدن به سرچشمه اصلی خویش فروغی تازه مییابد و با تابش حیات بخش خورشید مارکسیسم - لنینیسم، که راه حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور ما را روشن میکند، یکی میشود. از این پس کوشش و نبرد این رفقا، شجاعت و فداکاری این اعضای جدید حزب، با پیکار خلق های ایران بهم گره میخورد و بمرحله کیفی تازه ای ارتقاء مییابد، زیرا سرمنشاء نیروی ما در پیوند با توده مردم و عمل انقلابی آنها و در تئوری علمی و راهگشای ماست.

رفقا! کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما اعضای جدید حزب تبریک می گوید، زیرا نیروی فعال شما دیگر سیلاب تندی نخواهد بود که در شن زارها و شوره زارها هرز رود، بلکه در پیوند با خواستها و زندگی و مبارزه مردم جزئی از شط نیرومندی خواهد بود که - در این یا آن سوی البرز - در سراسر میهن رنج کشیده ما جانهای عطشان را سیراب خواهد کسرد و راه بسوی خورشید خواهد گشود. بشما تبریک می گوئیم، زیرا شما در خود آن شهادت مدنی و شجاعت اخلاقی را یافتید که در برخورد با واقعیات و در تجربه و مبارزه روزمره خود، پس از قطع ریشه های نادرست اندیشه ای، بر تنگ نظریها و لجاجت ها و پیشداوریها و سرخوردگیها نیز غلبه کنید و راه حزب خودتان را بیابید.

بطلت شرایط و ویژه تکامل نهضت ملی و دموکراتیک ایران بطور اعم و جنبش مارکسیستی — لنینیستی بطور اخص، بحق رفقای جدیدیکه به عضویت حزب توده ایران درآمده اند، میگویند که پیمودن کوره راه های خطا تا رسیدن به مشی درست حزب و گذار از کینه و نفرت تا نیل به عشق و ایثار، گوئی سرنوشت بسیاری از جوانان پرشور میهن ماست. نمونه خود این رفقا — و چون آنان بسیار — نشان میدهد که امید باین که گروههای روز افزونی از جوانان، قاطعانه، از کوره راههای تنگ و تاریک رهائی یابند و بسرچشمه خورشید برسند، امید عیبی نیست. برعکس این تحولی قانونمند است. صداقت و ایمان به مبارزه در راه استقلال و آزادی، در راه بهروزی خلق زحمتکش، در راه سوسیالیسم — این آینده تابناک بشریت — و اصولیت، خلاقیت و وفاداری نسبت به اندیشه های سترگ مارکسیسم — لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری، پیمودن این راه تکاملی را قانونمند میسازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیروزی های هر چه بیشتر گروه رفقای را که در بابل باین راه، راه حزب، راه طبقه کارگر، راه خلق زحمتکش، راه میهن، راه همبستگی بین المللی کارگری پیوسته اند، در کار و پیکار آرزومند است.

- گسترده باد انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی، خلقی و دموکراتیک مردم ایران!
- برقرار باد وحدت مارکسیست — لنینیست های میهن ما!
- زنده باد حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ دی ماه ۱۳۵۸

به کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران

دوستان گرامی!

اعلامیه مورخ ۱۸ دیماه ۱۳۵۸ شما درباره حادته حمله گروههای مسلح کومله به یک واحد از نیروهای انتظامی در مهاباد ما را برآن داشت که طی این نامه برداشت خود را درباره آنچه که در لحظه کنونی در کردستان ایران میگذرد، با شما در میان بگذاریم.

پیش از هر چیز به اطلاعاتان میرسانیم که کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلامیه ۱۸ دیماه شما را با خوشنودی استقبال کرد. این خوشنودی از اینجهت است که کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران، طی این اعلامیه، برای اولین بار بطور علنی، نخستین گام را برای جدا کردن جبهه نیروهای انقلاب راستین خلق کرد از شخصیتها و گروههای آشوبگر ضد ملی برداشته است، همان گروههایی که به تحریک و گرداندگی دشمنان خارجی و داخلی ایران، میکوشند حل مسالمت آمیز مسئله ملی را غیر ممکن سازند و آتش جنگ برادر کشی را در کردستان ایران بر افروزند و از این راه انقلاب ایران و بویژه رهبری امام خمینی را تضعیف کنند و راه را برای تسلط مجدد نیروهای ضد انقلابی در میهن ما هموار سازند.

مدتها بود که کمیته مرکزی حزب توده ایران انتظار چنین اقدامی را از طرف رهبری حزب دموکرات کردستان ایران داشت، زیرا از حزبی که در آن مبارزان وفادار به راه تهرمانان ملی خلق کردستان ایران و همه خلقهای ایران - قاضی محمد، صدر قاضی، سیف قاضی - گرد آمده اند، انتظار دیگری نمی رفت.

همانطور که بارها در دوران پس از انقلاب، در دیدارهای دوستانه بین رفقای رهبری حزب توده ایران و دوستانی از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران و در بیانیه های حزب توده ایران بمناسبت اوضاع و حوادث کردستان بروشنی بیان گردیده است، برداشت ما درباره

اوضاع کردستان ایران چنین است:

در کردستان ایران دو جریان سیاسی فعال است:

* اول- جریان سیاسی متکی به نیروهای راستین خلق کرد ایران، که در عین وفاداری کامل به انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی سراسری ایران، خواستار آنند که در چارچوب پیروزی و پیشرفت این انقلاب، در چارچوب تشییت، تحکیم و گسترش همه جانبه آن، به محرومیت‌های ملی خلقهای غیر فارس در ایران، و از آنجمله خلق کرد ایران، پایان داده شود. این نیروها بخوبی درک میکنند که پایان یافتن محرومیت‌های خلق کرد ایران تنها در صورت تأمین واقعی استقلال ملی سراسری ایران و رهائی از یوغ تسلط امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم امریکا، امکان پذیر است.

* دوم- جریان سیاسی متکی به ضد انقلاب در کردستان. این جریان دارای ریشه‌های داخلی و خارجی است و از طرف سرسپردگان و وابستگان به رژیم سرنگون شده خاندان پهلوی پشتیبانی میشود، به نیروهای خارجی دشمن انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا و انگلیس، صهیونیسم و دولت بعثی عراق متکی است و از آنها نیرو میگیرد.

این جریان همه نیروهای ارتجاعی کردستان ایران را در بر میگیرد و با چهره‌های ماسک‌دار رنگارنگ، بخشی در قیافه خانها و فئودالها، بخشی با قیافه مذهبی و بخشی با قیافه‌های چپ نما میکوشد خلق کرد را گمراه کند و بدنبال نقشه‌های شوم خود بکشانند. این جریان بدون تردید با جریانهای ضد انقلابی دیگر در سراسر ایران، و از آنجمله در دستگاه دولتی و سازمانهای ضد انقلابی در ارتباط مستقیم است و بر اساس نقشه مشترکی با آنان عمل میکند.

تأسف کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه نیروهای انقلابی راستین ایران در این بود که در کردستان ایران تا همین هفته‌های اخیر خط فاصلی بین این دو جریان دیده نمیشد. این وضع از دو طرف مورد سوء استفاده قرار میگرفت: از یکسو شوینیستهای فارس، که هیچگونه حقی برای خلقهای غیر فارس در ایران قائل نیستند و در دستگاه دولتی و بویژه در ارتش هنوز پستهای بسیار حساس را در دست دارند، همیشه کوشیده‌اند که از واقعیت نبودن مرز روشن بین نیروهای انقلابی و ضد انقلابی در کردستان بهره‌گیری کنند و تمامی خلق کردستان را در موضعی دشمنانه علیه انقلاب ایران وانمود کنند و با این بهانه، هرگونه کوششی را در جهت حل مسئله ملی و شناخت حقوق حقه خلق کردستان ایران باناکامی روبرو سازند و تنها راه حل آرزویی خود را که سرکوب خونین خلق کرد است، بعنوان مبارزه قاطع علیه دشمنان انقلاب تحمیل نمایند.

از سوی دیگر دشمنان انقلاب ایران هم، که بدون تردید و متأسفانه هنوز در مقامات دولتی و رادیو و برخی مطبوعات موضعی را در دست دارند، در عین اینکه از آنطرف میکوشند خلق کرد را به موضعگیری خصمانه علیه انقلاب تحریک کنند، از اینطرف هم با فریاد: «کردستان انقلاب را بخاطر انداخته است»، میکوشند هرچه زودتر و هرچه عمیقتر و آشنی

ناپذیرتر قدرت مرکزی دولت را علیه خلق کرد وارد عملیاتی خصمانه نمایند. آنها خوب میدانند که برافروخته شدن جنگ برادر کشی و ریشه گرفتن دشمنی بین خلقهای ایران، انقلاب را با دشواریهای فراوان روبرو خواهد کرد، جبهه انقلاب را ناتوان خواهد ساخت و اجازه نخواهد داد که در جنگ زندگی و مرگ مردم ایران علیه توطئه‌های امپریالیستی، همه نیروهای خلق تجهیز شوند.

بدون تردید شعله ور شدن آتش جنگ برادر کشی در ماه شهریور در کردستان ایران را باید بخشی از همین نقشه جهانی دشمنان انقلاب ایران دانست. نباید اجازه داد که یک چنین توطئه‌ای دوباره امکان عملی شدن پیدا کند. در این راه، بویژه در لحظه کنونی که انقلاب میهن ما در رودررویی با توطئه‌های خطرناک امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است، وظیفه بسیار سنگین و پر مسئولیتی بعهده رهبری حزب دموکرات کردستان ایران است.

دوستان گرامی!

شما خوب میدانید که امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، که از پیروزی انقلاب در ایران ضربه جبران ناپذیری برپیکرش وارد آمده و از تمیق ستگیری ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب ایران در ماههای اخیر و تأثیر روزافزون آن در تمام کشورهای منطقه، که هنوز زیر سیطره امپریالیستها قرار دارند، سخت هراسان شده، تمام وسائل و امکانات خود را بکار انداخته است، تا انقلاب ما را با شکست روبرو سازد.

شما خوب میدانید که دولت بعثی عراق با ارسال اسلحه و پول در کردستان ایران شدیداً فعال است.

شما خوب میدانید که دولت بعثی عراق با ارسال اسلحه و پول و مهمات و آذوقه، از گروههای وابسته به خود و گروههای دیگر ضد انقلابی، از دارودسته شیخ عثمان و شیخ جلال و رزگاری‌ها گرفته تا کومه‌ودار و دسته سرهنگ علیار با تمام قوا پشتیبانی میکند.

شما خوب میدانید که بین دولت بعثی عراق و گروههای ضد انقلابی کرد دیدارهای منظم برای تنظیم نقشه واحد در جهت دشمنی عملی با انقلاب ایران انجام میگیرد.

شما خوب میدانید که دولت بعثی عراق به نمایندگی جبهه مشترک دشمنان انقلاب ایران، یعنی آمریکا، اسرائیل، رژیم سادات و عربستان سعودی نه تنها در کردستان، بلکه در خوزستان و بلوچستان در پخش اسلحه و پول برای تجهیز نیروهای ضد انقلاب، فعالانه دست بکار است.

شما خوب میدانید که گروه‌هایی از ارتشیان ضد انقلابی در تهران و در واحدهای دیگر ارتش و همچنین از افسران آرمیامبری بازنشسته، با نیروهای وابسته به ضد انقلاب در کردستان رابطه برقرار کرده‌اند و با آنها اقدامات مشترک آشوب طلبانه‌ای را ترتیب میدهند.

شما خوب میدانید که گروههای سیاسی وابسته به ضد انقلاب، مانند «حزب جمهوری

خلق مسلمان» پیروان شاپور بختیار در حزب ایران تا جبهه دموکراتیک ملی و گروههای مائوئیستی، با گروههای وابسته به ضد انقلاب در کردستان رابطه برقرار کرده‌اند و با آنان اقدامات مشترکی را علیه انقلاب سازمان می‌دهند.

انقلاب ایران از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران، حزبی که بدون شک بخش چشمگیری از بهترین فرزندان انقلابی میهن‌دوست خلق کرد در صفوفش گرد آمده‌اند، می‌طلبد که بیدرنگ در کشیدن خط مشخص و بدون ابهام جدائی میان نیروهای میهن‌دوست و ترقی‌خواه کرد و گروههای ضد انقلابی و خیانت پیشه وابسته به دشمنان انقلاب، به اقدام همه جانبه و عملی دست زند و از این راه کمک مؤثری به تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب برساند.

دوستان خلق کرد و انقلاب ایران از رهبری حزب دموکرات کردستان ایران انتظار دارند که هر چه سریعتر خود را از جبهه همکاری با کومله و شخصیتها و گروههای دیگر وابسته به آن و همچنین گروههای حادثه‌جو و آناارشیست، که با جنگ و آشوب بازی میکنند، جدا کند و توطئه‌های ضدملی و ضد انقلابی آنانرا افشاء نماید و از اینراه امکان توفیق مذاکرات صلح را بر پایه پیام تاریخی امام خمینی رهبر انقلاب ایران، و پیشنهادهای هیئت نمایندگی دولت و پیشنهادهای تکمیلی کمیته مرکزی حزب توده ایران بوجود آورد و صلح و سازندگی و حقوق حقه ملی را برای خلق کرد ایران تأمین کند.

دوستان گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران امیدوار است که رهبری حزب دموکرات کردستان ایران با موضعگیری قاطع خود یک گام تاریخی در جهت تحکیم جبهه متحد خلق، جبهه‌ای که همه نیروهای انقلابی راستین را دربر میگیرد، بردارد.

ما بشما اطمینان می‌دهیم که نیروهای توده‌ای در سراسر ایران در آینده هم مانند گذشته، پرچم مبارزه برای پایان دادن به محرومیت‌های ملی را همپا با پرچم مبارزه برای استقلال ملی، آزادی و تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی بسود زحمتکشان شهر و روستا برافراشته نگاه خواهد داشت.

ما امیدواریم که حزب دموکرات کردستان ایران با گامهای شجاعانه و انقلابی، جای شایسته خود را در مجموعه جنبش انقلابی ایران بدست آورد و نقش خلقی خود را در جهت تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ایران بشود برساند.

با درودهای برادرانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۲۲ دی ماه ۱۳۵۸

درباره انتخابات ریاست جمهوری

حزب توده ایران همه نیروهای راستین انقلاب را فرا میخواند:
انتخاب رئیس جمهوری را به محور اتحاد همه نیروهای خلق
برای تحقق خط امام خمینی مبدل سازیم

هموطنان!

امر برگزیدن نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران به حق به صورت مهمترین مسأله سیاسی روز کشور درآمده است. با این انتخاب، نخستین گام با اهمیت در جهت ایجاد نخستین نهاد ناشی از قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی، با محتوای ضد امپریالیستی و خلقی اش، برداشته خواهد شد.

درست بهمین علت است که امپریالیستهای جهانخوار و بویژه امپریالیسم آمریکا و همه دستیاران رنگارنگش در ایران، از ساواکیها و برکنارشدگان طاغوتی ارتش گرفته تا دارو دسته «حزب جمهوری خلق مسلمان» و همه گروههای وابسته به امریکا و اسرائیل و پکن، با همه نیروهای تخریبی خود کوشیده و میکوشند که جریان انتخاب نخستین رئیس جمهور را بصورت هرج و مرج سیاسی در جامعه و ناخست و تاز اخلاقی کاندیداها علیه یکدیگر درآورند. هم اکنون اطلاعات موثقی در دست است که ضد انقلاب با صرف پول فراوان، چماقداران و آدمکشان و هروئین فروشان و فراریان زندانها را تجهیز میکند تا با استفاده از تشتت آراء و تعداد زیاد کاندیداها، جریان انتخاب رئیس جمهور را در سراسر کشور به حادثه ای نظیر حادثه تبریز و قم مبدل سازد.

از اینرو حزب توده ایران همه نیروهای راستین انقلاب ایران را فرا میخواند که: همه باهم تمام تلاش خود را بکار بریم تا امر انتخاب رئیس جمهور را به محور اتحاد همه نیروهای خلق برای تحقق خط امام خمینی، خط راستین انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و

خلفی مردم ایران مبدل سازیم و با این اقدام انقلابی و میهن‌دوستانه، توطئه‌های خائنانه دشمنان انقلاب، نفاق‌افکنان و حادثه‌جویان را نقش برآب سازیم.

حزب توده ایران از همه کاندیداهای ریاست جمهوری، که خود را وفادار به خط امام اعلام کرده‌اند، می‌طلبد که بر سر یک کاندیدا توافق کنند و نیروهای خود را برای انتخاب فردی که عمیقاً وفادار به خط امام باشد، متمرکز سازند.

حزب توده ایران با ارزیابی دقیق از خصوصیات انسانی و کارنامه گذشته سیاسی و برنامه آینده کاندیداهای ریاست جمهوری، به این نتیجه رسیده است که از میان آنان، آقایان: دکتر حسن حبیبی، دکتر کاظم سامی، داریوش فروهر و دکتر محمد مگری دارای چنین خصوصیتی هستند که بتوانند به تعهد تاریخی خود وفا کنند و خط امام خمینی، یعنی مشی اتحاد همه نیروهای راستین انقلاب، مشی اتحاد همه خلقهای سرزمین ایران، مشی دفاع بی چون و چرا از منافع ملی میهن، مشی مبارزه آشتی‌ناپذیر با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، مشی احترام به حقوق مردم، مشی تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی و اقتصادی به سود مستضعفین را، طبق مصوبات قانون اساسی و رهنمودهای رهبر انقلاب، پیاده کنند.

حزب توده ایران بر آنست که تعدد کاندیداهائی که تقریباً برنامه و خصوصیات مشترک و یا نزدیکی با هم دارند، به پخش آراء انتخاب کنندگان منجر میشود و این خطر را بسیار می‌آورد که بجای همه آنها، کاندیدائی موفق شود، که به علت موضع‌گیری‌های سیاسی و ویژگیهای انسانی خود، نتواند خواستهای انقلاب ایران را در چارچوب خط امام خمینی تأمین کند.

از این رو، ضمن احترام به چهار کاندیدای نامبرده در بالا، بنام اتحاد همه نیروهای راستین انقلاب و خلق، از آنها می‌طلبیم که هرچه زودتر بین خود توافق کنند و کاندیدائی را که بیش از همه شانس موفقیت دارد، بعنوان کاندیدای مشترک، کاندیدای وحدت برگزینند.

پیشنهاد روشن ما اینست که برای نشان دادن متحدترین پشتیبانی از خط امام خمینی، همه با هم آقای دکتر حسن حبیبی را، که مورد تأیید محافل وسیعی از روحانیون مبارز هوادار خط امام نیز قرار گرفته‌اند، مورد پشتیبانی قرار دهیم.

حزب توده ایران امیدوار است که همه نیروهای راستین انقلاب ایران، به این پیشنهاد جدی‌ترین و با مسئولیت‌ترین توجه خویش را مبذول دارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۹ دی ماه ۱۳۵۸

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، امپریالیسم آمریکا و متحدانش درکار توطئه‌اند. باید متحداً از دستاوردهای گرانبار انقلاب با تمام شور و شوق و هشیاری انقلابی حراست کنیم.

کشور مادر آستانه برگزاری دورویداد مهم تاریخی است: انتخابات ریاست جمهوری، که باید نخستین رئیس جمهور تاریخ ایران از سوی مردم گزین شود و انتخابات مجلس شورای ملی، که باید نمایندگان نخستین مجلس بعد از انقلاب، مجلس مردمی و شورایی واقعی را با آراء آزاد گرد هم آورد و بدینسان اهرمهای اثربخش تثبیت و تداوم انقلاب بوجود آید. اما این دورویداد برجسته، برای امپریالیسم آمریکا، متحدانش و کارگزارانش، که انقلاب ما را شکست خورده، کشورما را خوان یغما و مردم ما را برده و ذلیل می‌خواهند، واقعه‌ای مطلوب نیست. زایش و گسترش نهادهای انقلاب بمعنای زدودن آثار شوم امپریالیسم از حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و اتخاذ سیاست مستقل ملی در راستای حرکت جامعه بسوی مرزهای متعالی پیشرفت و ترقی اجتماعی است، امری که با ذات استعمارگر، تجاوز کار و چپاول پیشه امپریالیسم دمساز نیست. از اینجهت امپریالیسم آمریکا، با یاری مددکاران و کارگزاران داخلی و خارجی خود، میکوشد برفراز میهن ما طوفان توطئه و آشوب و هرج و مرج را پرواز دهد، انقلاب ایران را در آتش ستیز و نفاق تضعیف کند، تا شاید موفق شود در فرصت مناسب ضربه کاری را بر سر آن فرود آورد.

در نا آرامی‌های کردستان، آذربایجان، سیستان، بلوچستان، گنبد، ترکمن صحرا و برخی دیگر از نقاط ایران، دست امپریالیسم جنایتکار آمریکا بوضوح دیده میشود، که با سوء استفاده ردیلان از برخی خواستهای مشروع مردم، نیروها را در برابرهم قرار میدهد، بجان هم میاندازد، هیمة جنگ و برادرکشی برمی افروزد، تا جادوگر پیر در پناه دود و آتش آن رقص مرگ، مرگ انقلاب ما را آغاز کند.

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، این تلاش نامیمون امپریالیسم آمریکا همه جانبه

تشدید شده است. آمریکا ایادی و کارگزاران خود را در همه جا به حرکت در آورده است. او یسی قصاب، در جمع ایرانیان فراری مقیم انگلستان، به آنان مژده داده است که ارباب آمریکائی برای حمله به انقلاب ایران چراغ سبز زده است. او یسی گفته است که در مرز ایران و عراق ده هزار مرد مسلح دارد و همه گونه کمک و ساز و برگ و وسیله عراق در اختیار آنان گذارده میشود. او یسی ادعا کرده است که افراد وفادار به نظام معدوم آریامهری بیش از صد هزار نفرند، که در سراسر ایران آماده و منتظر در یافت فرمان برای حمله به انقلاب هستند. دولت بعثی عراق در اتحاد با امپریالیسم آمریکا و در دشمنی با انقلاب ایران، در سراسر مرزهای عراق و ایران و نیز از راه خلیج فارس و عمان سرگرم تحریک و توطئه است و میان گروههای ضد انقلابی پول و اسلحه پخش میکند، خرابکار میفرستد و بویژه در ادامه نا آرامی های منطقه کردستان شرکت فعال دارد.

امپریالیسم آمریکا بحرانی را که در مناسبات ایران و آمریکا بحق پدید آمده، بهانه تمرکز نیروهای خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند قرار داده است. ناوگان ششم و هفتم آمریکا در اقیانوس هند و در مجاورت مستقیم آبهای ساحلی ایران در رفت و آمدند. امپریالیسم آمریکا با همدستی امپریالیسم فرتوت انگلیس طرح مداخله نظامی میریزد تا هم ستون پنجم خود، ضد انقلاب داخلی را قوت قلب بخشد و هم در صورت لزوم به کمک آن بشتابد.

از قول برخی محافل آمریکائی گفته شده است که آمریکا نخواهد گذارد انتخابات ریاست جمهوری در ایران سرگیرد. جدیدترین توطئه امپریالیسم علیه انقلاب، توطئه در پادگان تبریز است که در ارتباط با بختیار فرومایه، سرمایه داران وابسته، ساواکیها و عناصر چپ نما، زیر پرچم «حزب خلق مسلمان» انجام شد و برخی از شرکت کنندگان در این توطئه خائشان هم اکنون به دادگاه تسلیم شده اند. هم اکنون ساواکی های سابق از سراسر کشور بسوی مناطق آشوب زده کردستان و آذربایجان در حرکت اند، تا با چوبدست ارباب، حرکت های ضد انقلابی خود را آغاز کنند.

امپریالیسم سفاک و حيله گر آمریکا به موازات تدارکات نظامی و نقل و انتقال مشکوک عوامل داخلی خود، میخواهد برای جلوگیری از موفقیت انتخابات ریاست جمهوری، در سراسر کشور و در همه سطوح اغتشاش و آشوب بیافریند. پادوهای مخالف خوان و تفرقه انداز آن در وزارتخانه ها و ادارات، عناصر ناراضی را زیر شعارهای بظاهر مترقی به تحصن و کم کاری تشویق میکنند. در کارخانه ها در تلاشند تا کارگران را به اعتصاب و تحصن وادارند و تولید را مختل سازند. ایادی خود را برای کشاندن مدارس و دانشگاهها به تعطیل و ترغیب کودکان و نوجوانان به راه پیمایی و اعتصاب برگماشته اند. در روستاها فتودال ها و عمال آنانرا برای ایجاد بلوا و آشوب و تخریب کشت دهقانان مأمور ساخته اند. از زمینه های نارضایتی سایر اقشار و گروهها، که ارضیه شوم نظام گذشته است، سوء استفاده کرده میخواهند آنانرا در آستانه انتخابات به راه پیمایی و تحصن و اعتصاب وادارند. ایادی امپریالیسم با بهره برداری از برخی نارضایی ها،

افسون بی باوری به انقلاب در مردم میدمند و آتش ستیز و تفرقه را دامن میزنند. در جریان انتخابات ریاست جمهوری قصد دارند در حوزه های رأی گیری، به بهانه دفاع از کاندیدای مورد اعتماد خود، ایجاد بلوا و آشوب کنند و مردم را بجان هم بیندازند. در یک کلام توطئه امپریالیسم آمریکا همه جانبه و جدی است و باید در برابر آن هشیار و بیدار بود.

متأسفانه در چنین شرایطی که امپریالیسم متجاوز آمریکا انقلاب ما را در محاصره توطئه های رنگارنگ خود قرار داده است، دستهایی در کارند که با بزرگ کردن مسئله افغانستان، ایجاد چار و جنجال و اتخاذ موضع خصمانه نسبت به جمهوری دمکراتیک افغانستان، اذهان عمومی را از خطری که از سوی امپریالیسم آمریکا متوجه انقلاب و استقلال و آزادی کشور ماست، منحرف سازند. این دستهای پنهان و آشکار در تلاش آنند که افکار عمومی را از توجه به دشمن عمده، که به گفته امام خمینی، امپریالیسم آمریکاست، باز دارند و اتحاد شوروی، دوست صادق خلقها را به جای آن بنشانند. از تیریز تا مکزیکو خبر جعل می کنند، این اخبار دروغ را شب و روز بخورد مردم میدهند، براساس آن موضع گیری میکنند و دست به عمل میزنند، برنامه های رادیو تلویزیون را به پخش این اخبار جعلی، که مصنوع خبرگزاریهای امپریالیستی است، تخصیص می دهند، صفحات روزنامه ها را با این اکاذیب سیاه میکنند و در این دود و دم فریب آلود، مانع از آن میشوند که مردم آماج اصلی مبارزه را به روشی ببینند و گلوله های خود را بسوی آن پرواز دهند.

حزب توده ایران بنا به وظیفه خطیری که در حراست از انقلاب برای خود می شناسد، به مسئولان امر، به همه عناصر ملی و مترقی و به همه اقشار و طبقات مردم هشدار میدهد و از آنان میخواهد که در برابر فریب و ترغیب امپریالیسم آمریکا و عمالش بغایت هشیار باشند و به ضد انقلاب فرصت عمل ندهند.

دولت و همه نهادهای انقلاب وظیفه دارند که در این روزها سراپا چشم و گوش باشند و تمام نیروی خود را برای جلوگیری از توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی بسیج کنند. بویژه باید متوجه هر حرکت مشکوک و هر جابجایی عوامل ضد انقلاب بود.

حزب توده ایران از طبقه کارگر، این طبقه زحمتکش و تا پایان انقلابی، میخواهد که به ضد انقلاب امکان برانگیختن اعتصابها، تحصن ها و کم کاریها را در این روزهای حساس ندهد، لانه های تحریک و توطئه را در میان کارگران و یران کند و همه شعور و آگاهی انقلابی و بازوی سازندگی خویش را مانند همیشه در خدمت انقلاب و پاسداری از آن قرار دهد.

حزب توده ایران از دهقانان، این قشر زحمتکش محروم، طلب میکند که امکان هرگونه درگیری و آشوب را از نمودالها و عمالشان سلب کنند و هر کجا که برخورد و هرج و مرج جرقه زد، آنرا بسرعت خاموش سازند.

حزب توده ایران از دانشجویان، دانش آموزان، کارمندان و سایر اقشار و گروههای زحمتکش میخواهد که حداکثری هشیاری انقلابی را در برابر تحریکات دشمن از خود نشان

دهند، نه خود دانه دام ضد انقلاب شوند و نه به آن فرصت ایجاد آشوب و اغتشاش دهند.
حزب توده ایران از همه اعضا و هواداران خود میخواهد که در آستانه انتخابات ریاست
جمهوری و در جریان آن تمام آگاهی و هشیاری انقلابی خود را بکار گیرند، تا دست ضد انقلاب
را از حمله به انقلاب باز دارند. اعضا و هواداران حزب توده ایران در هر کجا که هستند باید
بمشابۀ وجدان بیدار خلق خود، در برابر تمام خطرات و توطئه‌های احتمالی هشیار باشند و بیاری
مردم آنرا در نقطه سرکوب کنند. باید متحدان از دستاوردهای ارزنده انقلاب چون مردمک چشم
پاسداری کنیم و تمام شور و شوق و هوشمندی انقلابی خود را وثیقه حفظ انقلاب از دستبرد
دشمن قرار دهیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲ بهمن ۱۳۵۸

به امام خمینی

رهبر عالیقدر انقلاب، امام خمینی

خبر بیماری و انتقال شما به بیمارستان برای همه اعضای حزب توده ایران و هواداران آن خبری سخت تکان دهنده و بسیار دردناک بود. نقش قاطع شما در رهبری انقلاب بزرگ مردم ایران و تداوم آن در جهت ضدامپریالیستی و خلقی، آن چنان سرنوشت ساز و عظیم است که هیچ انقلابی راستینی نمی توانست جز با نهایت نگرانی چنان خبری را دریافت کند. نخستین سخن شما در پیام تاریخی روز ۴ بهمن ماه از بیمارستان قلب که گفتید:

«حال خودم الحمدالله بد نیست» و سپس اطمینان هائی که حضرت حجة الاسلام حاج سیداحمد خمینی و پزشکان معالج داده اند، برای همه ما مایه بسی خرسندی است. همه ما از صمیم قلب آرزو مندیم که سلامت کامل خود را هر چه زودتر باز یابید و نقش برجسته خویش را در رهبری امور کشور و پیش برد انقلاب ما کماکان ایفا کنید و با همان روشن بینی ژرف و سیاست صائب و قاطعیت پولادینی که وجه مشخصه رهبری شماست، انقلاب ایران را در جهت غلبه بر انواع خطرات و مهلکه هایی که آن را احاطه کرده، غلبه بر دسایس رنگارنگ ضدانقلاب— امپریالیسم آمریکا و عمالش— هدایت نمایید. انقلاب ایران و کلیه مردم زحمتکش ایران به وجود شما، به رهبری قاطع و بی تزلزل شما، به خط امام خود، نیاز حیاتی دارند. صادقانه امیدواریم که سالهای سال موهبت سلامت و فعالیت پرثمر شما ارزانی انقلاب و مردم ایران باشد.

با تقدیم درودهای صادقانه و آرزوی صمیمانه تندرستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

به مناسبت کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در پاکستان

روز هفتم بهمن ماه کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در اسلام آباد پایتخت پاکستان کار خود را آغاز کرد.

سرانجام امپریالیسم آمریکا موفق شد با کمک رژیمهای سرسپرده خود مانند سلطان قابوس پادشاه عمان، ژنرال ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان، ملک حسن پادشاه مراکش و سران کشورهای تونس، عربستان سعودی و دیگران به توطئه خود علیه انقلاب افغانستان و به منظور انحراف توجه از تدارکات گسترده نظامی و تهیه مقدمات مداخله مسلحانه خود علیه انقلاب ایران تحقق بخشد.

امپریالیسم آمریکا که موفق نشد با همکاری چین و پاکستان و بسیج نیروهای ضد انقلابی افغانستان و عمال جاسوس خود در درون آن کشور، رژیم دمکراتیک افغانستان را سرنگون سازد و رژیم دست نشانده‌ای از نوع رژیم فاشیستی پینوشه در شیلی بر مردم افغانستان تحمیل کند و کشور افغانستان را بجای ایران به پایگاه نظامی خود هم علیه شوروی و هم علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل کند، ماشین عظیم تبلیغاتی و کارگزاران خود را به کار انداخت تا با نیرنگ دیگری این شکست را جبران کند.

کمک نظامی اتحاد شوروی، که به تقاضای دولت قانونی جمهوری دمکراتیک افغانستان و بموجب پیمان دوستی میان دو کشور و مطابق با منشور سازمان ملل متحد انجام گرفت، عامل موثری در شکست نقشه‌های امپریالیسم آمریکا در جمهوری دمکراتیک افغانستان بود و به همین علت نیرنگ‌های سیاسی و تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا که کنفرانس کشورهای اسلامی در پاکستان حلقه‌ای از این زنجیر است— علیه اتحاد شوروی، افغانستان و ایران طرح ریزی شد و بمورد اجرا درآمد.

- امپریالیسم آمریکا با فراخوانی کنفرانس کشورهای اسلامی بدست رژیمهای سرسپرده خود در منطقه و جهان اسلام، چند هدف را در برابر خود قرار داد:
- ۱- در سایه قرار دادن تدارکات جنگی و تمرکز نیروهای عظیم دریایی و هوایی خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند به منظور مداخله مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران و گسترش حضور نظامی خود در این منطقه، که با اعزام واحدهای چتر باز نیروی صد و ده هزار نفری واکنش سریع در این منطقه انجام گرفت،
 - ۲- دامن زدن به هیستری ضد کمونیستی و ضد شوروی در جهان و در میان کشورهای اسلامی و کشاندن این کشورها به استراتژی روپارویی با اتحاد شوروی،
 - ۳- سازمان دادن ضد انقلاب در خارج علیه افغانستان،
 - ۴- و سرانجام مخلوط کردن مواضع انقلابی و ارتجاعی، مواضع دفاع از استقلال و آزادی با مواضع وابستگی رژیمها در جهان اسلام با پوشش صرفاً اسلامی، بدون توجه به محتوای ضدامپریالیستی و یا ارتجاعی رژیمهایی که در این کشورها حاکمیت دارند.
- حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی در کشور بود که از نخستین روزهای آغاز این توطئه بزرگ امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن در منطقه، ماهیت این توطئه را شناخت و آنرا افشا کرد.
- حزب توده ایران فراخوانی به تشکیل کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی را بدرستی بمشابه حلقه‌ای از این توطئه ارزیابی کرد و بموقع از افتادن در چنین دامی هشدار داد. با کمال تأسف شورای انقلاب و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به این هشدار توجهی نکردند و هیأت نمایندگی ایران در این کنفرانس شرکت کرد.
- ولی خوشبختانه حزب توده ایران در اعتراض خود تنها نماند. شرکت در این کنفرانس با واکنش وسیع و منفی و اعتراض گسترده و بحق افکار عمومی و بسیاری از سازمانها و گروهها و روزنامه‌ها روبرو گردید. از جمله:
- دانشجویان مسلمان پرو و خط امام طی اعلامیه اعتراض آمیز خود در مورد شرکت نماینده جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس خاطر نشان کردند:**
- «شرکت ایران در این کنفرانس آمریکایی، ندانسته پا نهادن در توطئه‌ها و طرحهای سلسله‌وار و زنجیره‌ای آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران بمنظور جلوگیری از انفجار و انقلابهای متعاقب آن در منطقه است.»
- طلاب حوزه علمیه قم در نامه اعتراضیه خود نوشتند:** «در اجرای این توطئه، هدف آن است که با کمک کشورهای ارتجاعی باصطلاح مسلمان، اذهان مسلمانان و مستضعفین جهان از شناخت اسلام اصیل و توجه به ایران منحرف شود، نیروهای آنان را بر ضد کمونیسم برانگیخته نگذارند، ملت‌های مسلمان از زیر سلطه سرمایه‌داری مادی و ملحد غرب رها گردند و در نتیجه انقلاب اسلامی ایران را منزوی نمایند. آمریکا با نوکرانش در صدد است در کشورهای مسلمان،

اسلام آمریکائی رواج یابد...»

سپاه پاسداران قم در اعلامیه خود به نشانه اعتراض علیه شرکت ایران در کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی خاطر نشان کردند:

«با توجه به اینکه آمریکا در کلیه جبهه‌ها بر ضد انقلاب رهایی بخش اسلامی شکست خورده، درصدد است به بهانه مقابله با شوروی، اسلام اصیل را به کمک کشورهای ارتجاعی به اصطلاح مسلمان به رنگ آمریکائی در آورد.»

«مجاهدین انقلاب اسلامی» طی نامه سرگشاده‌ای به وزیر امور خارجه، این کنفرانس را «کنفرانس خطرناکترین دشمنان اسلام» خواندند و نوشتند:

«... حضور ما در آن بمثابة پذیرش نمایندگی نوکران نامبرده از طرف مردم کشورهای مسلمان تلقی خواهد شد. نشستن بر سر میز مذاکره با دشمنان اسلام سبب خواهد شد که انقلاب اسلامی ایران بزرگترین حامیان خود یعنی همان مردم مستضعف و تحت ستم منطقه و مسلمان را از دست بدهد.»

جبهه مستضعفین جهان طی بیانیه‌ای شرکت نماینده ایران را در این کنفرانس محکوم کرد و متذکر شد که این کنفرانس به ابتکار شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار و مائوئیستهای چین «تشکیل شده» و کشورهای ارتجاعی، ضد مردمی و ضد اسلامی مانند عربستان، عراق، اردن، مراکش، سودان و عمان در آن شرکت کرده‌اند و کشوری چون پاکستان که دارای حکومت دیکتاتوری ژنرال (انگلیسی، آمریکائی و چینی) چون ضیاء الحق است، محل تشکیل کنفرانس انتخاب شده است.

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه ملی طی اطلاعیه‌ای «شرکت هئیت نمایندگی ایران را در این کنفرانس بظاهر اسلامی و بواقع ارتجاعی آمریکائی محکوم کرده و آن را بمثابة لگد کوب کردن علنی دستاوردهای انقلاب خلقمان و اولین قدم سازش با امپریالیسم» دانسته است.

روزنامه‌های معتبری مانند جمهوری اسلامی، آزادگان و کیهان نیز این کنفرانس آمریکائی را محکوم کردند و شرکت ایران را در آن نادرست شمردند.

راه پیمائی امروز دانشجویان مسلمان بدعوت «انجمن اسلامی دانشگاه تهران» بعنوان اعتراض علیه این کنفرانس و شرکت ایران در آن نیز انعکاسی از گسترش اعتراض عمومی در این زمینه است.

بدینسان افکار عمومی مردم، احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی و روزنامه‌ها، با عقاید گوناگون سیاسی و مسلکی ماهیت کنفرانس پاکستان را به عنوان یک توطئه آمریکایی به درستی شناخته‌اند و به عنوان نقشه آمریکایی بر ضد جنبش‌های انقلابی منطقه— و قبل از همه و بیش از همه بر ضد انقلاب ایران— محکوم کرده‌اند. و این درست برخلاف ادعای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است که شرکت در این کنفرانس را «در جهت اجرا و حفظ

شاپان ذکر است که وزیر امور خارجه، که در آغاز می‌خواست در کنفرانسی شرکت کند که تنها دستورش «محکوم کردن اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان» بود، وقتی زیر فشار افکار عمومی قرار گرفت، مدعی شد که ایران با شرکت خود، مسئله توطئه‌های آمریکایی علیه ایران را نیز در دستور کنفرانس قرار خواهد داد. ولی وزیر امور خارجه در این کار خود هم ناکام ماند و جز اینهم انتظاری نداشت، زیرا این کنفرانس آمریکایی نمیتواند ماده دستوری را بپذیرد که در آن آمریکا مطرح گردد. این کنفرانس میباید نقشه آمریکایی را اجرا کند و لاغیر.

آیا وزیر امور خارجه این را از پیش نمیدانست؟! در حال دانستن و ندانستن هدف این کنفرانس— و با آگاهی یا ناآگاهی در چنین کنفرانسی شرکت کردن— هر دو برای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گناه است، گناهی نابخشودنی، زیرا دولت انقلابی ما را— چنانکه همه اعتراض کنندگان بدرستی خاطر نشان ساخته‌اند— در دام یک توطئه آمریکایی انداخته، در کنار رژیم‌های سرسپرده آمریکا نشانده و ابزار اجرای نقشه آمریکایی کرده است. از اینجاست که حزب توده ایران هم این کنفرانس آمریکایی و هم شرکت ایران را در این توطئه آمریکایی بشدت محکوم میکند و این اقدام را عملی مغایر با منافع انقلاب ایران و مابین با مواضع اصولی و قاطع رهبر انقلاب، امام خمینی، در مبارزه بر ضد امپریالیسم آمریکا تلقی میکند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۸ بهمن ۱۳۵۸

به مناسبت رویداد گزینش نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران

گزینش نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران بدون تردید یکی از برجسته‌ترین رویدادهای سراسر تاریخ مین ماست. مبارزه مردم کشور ما برای برانداختن نظام پوسیده و فاسد سلطنتی و پی ریزی نظام جمهوری، سابقه‌ای دراز دارد. مردم این مرز و بوم در طول تاریخ خود بارها و بارها علیه سلاطین جبار بپاخاستند. این مبارزه بارها بخون کشیده شد و اگر هم پیروزی به دست آمد، تنها به تعویض یک سلطان جبار بوسیله سلطان جبار دیگری منتهی گردید. اساس سلطنت باقی ماند و با آن استبداد سلطنتی دوباره راه خود را باز کرد.

در جریان و پس از پایان جنگ جهانی اول، مبارزات خلق‌های ایرانی برای استقلال و آزادی، که با انقلاب مشروطیت آغاز شده بود، تحت تأثیر تضادهای درون جامعه ایران و بویژه تحت تأثیر دگرگونی‌های عظیمی که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و فروری نظام ستم پیشه امپراطوری تزارها در روسیه پدیدار شده بود، اوج بیسابقه‌ای یافت. در این دوران است که مسئله جمهوری برای اولین بار از طرف انقلابیون ایران در آذربایجان و گیلان در کشور ما مطرح گردید و دامنه چشمگیری پیدا کرد. کودتای ننگین انگلیسی رضاخان و سیدضیاءالدین این موج را سرکوب کرد. سلسله پهلوی نظام فرتوت و منفور استبداد سلطنتی را بار دیگر حفظ و تحکیم نمود.

پس از شهریور ۱۳۲۰، حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی است که مسئله برانداختن رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری را در برنامه خود قرار داد و برای مدت طولانی به تنهایی در این میدان نبرد کرد.

جنایت‌ها و خیانت‌های خاندان پهلوی در سالهای اخیر با سرعت بی سابقه‌ای مردم را به لزوم تغییر بنیادی در نظام اجتماعی معتقد ساخت. موضعگیری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی، رهبر

انقلاب ایران، در تبدیل این گرایش به خواست عمومی خلق، نقش تاریخی و تعیین کننده‌ای ایفا کرد. رژیم پومسید و فاسد خاندان پهلوی و با آن نظام استبداد سلطنتی، بر اثر انقلاب خلقهای ایران سرنگون گردید و پایه های جمهوری نو بنیاد ایران، جمهوری اسلامی ایران، پی ریزی شد. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و انتخاب نخستین رئیس جمهور، گامهای مهم تازه‌ای برای تثبیت و رشد این «نوزاد» انقلاب ایران برداشته شد. انتخاب نخستین رئیس جمهور صرف نظر از هرگونه نتیجه گیری درباره آن، پیروزی بزرگ انقلاب ایران بشمار میرود. حزب توده ایران این پیروزی بزرگ را به همه مردم ایران از صمیم قلب شادباش میگوید. علاوه بر این، بر اثر هشیاری انقلابی مردم و ارگانهای انقلاب، انتخابات ریاست جمهوری به آرامی گذشت و توطئه ضد انقلاب برای متشنج ساختن و برهم زدن انتخابات ریاست جمهوری عقیم ماند. این واقعت نیز موفقیت بزرگی است که امام هم بر آن تأکید کرده اند. درباره نتیجه انتخابات انجام شده باید یاد آور شویم با آنکه مقام رئیس جمهور، طبق قانون اساسی، از اختیارات زیادی برخوردار نیست، معذالک میتواند تأثیر مثبت یا منفی در روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران داشته باشد.

در همین دوران کوتاه پس از پایان رأی گیری، شاهد ارزیابیهای گوناگونی درباره نتیجه عملی این انتخابات و اثراتی که این نتیجه می تواند در سرنوشت آینده انقلاب ایران داشته باشد، هستیم. بویژه محافل امپریالیستی دشمن انقلاب ایران میکوشند، در جهت تأمین منافع خود، به این نتیجه پربها دهند و اظهار امیدواری کنند که با این نتیجه گیری، دوران تشدید مبارزات پی گیر و آشتی ناپذیر مردم ایران در راه ریشه کن ساختن همه گونه تسلط امپریالیستی و قبل از همه و بیش از همه تسلط امپریالیسم امریکا، پایان رسیده است. باید گفت که متأسفانه اظهارات آقای بنی صدر هم باین خوش بینی های دشمنان ملت، خوراک مناسب داده است. ما می کوشیم جریان این رویداد مهم و نتیجه آنرا مورد بررسی قرار دهیم:

۱- شرکت مردم در انتخابات

علیرغم سروصدای تبلیغاتی روزهای انتخابات، نتیجه انتخابات نشان میدهد که شرکت مردم در انتخابات نخستین رئیس جمهور بسی محدودتر از شرکت آنان در همه پرسی برای تأیید جمهوری اسلامی، و حتی در انتخابات برای مجلس خبرگان و یا در همه پرسی برای تصویب قانون اساسی بوده است. این محدودیت بویژه باین دلیل چشمگیر می شود، که توجه کنیم بخش قابل توجهی از نیروهای که رأی گیرهای گذشته را عملاً تحریم کرده بودند، در این انتخابات با فعالیت بی سابقه ای شرکت جستند.

همه میدانیم که تمام وابستگان به ضد انقلاب، همه وابستگان به بورژوازی لیبرال که انتخابات گذشته را تحریم می کردند، این بار بطور جمعی و فعال در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند و به کاندیدای مورد نظر خود رأی دادند. با فرض اینکه لااقل نیمی از آراء در یادار

مدنی متعلق به این نیروهاست، به این نتیجه میرسیم که تعداد شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری بیش از ۳ میلیون نفر نسبت به تأیید کنندگان قانون اساسی کاهش یافته است. با کمال تأسف باید پذیرفت که این کاهش از آن شهادت میدهد که قشر چشمگیری از زحمتکشانی یدی اقدام برای تغییرات بنیادی بسودشان را با تردید می نگرند.

۲- تمرکز آرا اکثریت برای آقای بنی صدر

خود آقای بنی صدر میکوشد این تمرکز آرا را به «شخصیت استثنائی» خویش مرتبط سازد. ولی بنظر ما این ارزیابی درست نیست. بنظر ما، عواملی را که موجب این تمرکز آراء شده، باید شرح زیر مورد توجه قرار داد.

الف- آقایان بنی صدر و مدنی دو کاندیدایی بودند که تقریباً از همان آغاز دوران پس از پیروزی انقلاب، خود را برای احراز مقام ریاست جمهوری نامزد کردند و تمام فعالیت سیاسی خود را بر روی این محور و در این جهت متمرکز ساختند.

ب- آقای بنی صدر، تا پس از برکناری دولت بازرگان، از پذیرش هرگونه مسئولیت در امور اجرایی استنکاف کرد و با بهره گیری از امکانات استثنائی و انحصاری، یعنی استفاده از رادیو و تلویزیون، از روزنامه «انقلاب اسلامی»، از سخنرانی در چهار گوشه کشور، از عضویت پر اعتبار در شورای انقلاب، تنها به تبلیغ برای خویش و به انتقاد از نقاط ضعف سیاست دولت بازرگان پرداخت. باین ترتیب، در بخشی از افکار عمومی، همه انتقادهای بجا به کمبودهای عینی دوران حکومت دولت بازرگان و ضعفهای چشمگیر در سیاست آن دولت، بعنوان یک اندوخته سیاسی «مجازی» بحساب آقای بنی صدر گذاشته شد. در دوران کوتاه قبول مسئولیت هم، آقای بنی صدر توانست با دادن امتیازات چشمگیر مالیاتی به سرمایه داران و بدهکاران به بانکها، بحساب درآمد دولت، یعنی بذل و بخشش از بیت المال، قشر وسیعی را راضی کند و به بذل و بخشش های بیشتری امیدوار سازد. مسلم است که زیانهای این سیاست نادرست بی حساب را متأسفانه مردم ایران هر آینده باید بپردازند.

بهمه اینها این واقعیت هم باید افزوده شود که ناخرسندی بخش مهمی از رأی دهندگان از برخی زیاده رویهای ناصواب راست گرا و افراطی مذهبی و همچنین خرابکار یهای عوامل دشمن، که در نهادهای انقلابی مانند کمیته ها، سپاه پاسداران و دادگاههای انقلاب رسوخ کرده بودند، نیز بصورت «ذخیره معنوی» مجازی بحساب آقای بنی صدر ریخته شد.

ج- در آغاز دوران مبارزه انتخاباتی برای ریاست جمهوری، حزب جمهوری اسلامی که می توانست نقش مهمی در انتخابات بازی کند، دچار اشتباه از جهت اتخاذ یک روش پیگیری برای ادامه راه انقلاب گردید. رشد اختلافات ناشی از این وضع و عوامل ذهنی ناشی از خودگرانی برخی از رهبران حزب، این حزب را دچار یک بحران داخلی کرد که در نتیجه نتوانست کاندیدای مناسبی، که بتواند در میدان مبارزات انتخاباتی اعتماد توده رأی دهندگان را

جلب کند، معرفی نماید. پس از شکستی که بر اثر پافشاری روی نامزدی فرد ناشناخته‌ای مانند جلال‌الدین فارسی، نصیب این حزب شد، این حزب دیگر نتوانست در این میدان قدر است کند. اعمال فشار اکثریت رهبری حزب جمهوری اسلامی در زمینه تحمیل یک کاندیدای نامناسب سبب بروز اختلاف شدید در میان رهبری و اعضاء و هواداران آن حزب گردید و در نتیجه ابتکار عمل این حزب عملاً از بین رفت.

د- برای نیروهای چپ‌رو، بدنبال اشتباه قبلی (که با تحریم تصویب قانون اساسی مرتکب شده بودند) وضعی پیش آمد که نتوانستند کاندیدای مستقلی را در میدان مبارزه وارد کنند و تا آخر نگاه دارند.

ه- نیروهای پی‌گیر پیرو «خط امام خمینی» خیلی دیر دست بکار شدند و در حقیقت پس از شکست جلال‌الدین فارسی، بطور متفرق و سازمان نیافته و با تزلزل برای معرفی کاندیدای خود، یعنی آقای دکتر حسن حبیبی، وارد میدان مبارزه شدند. برنامه آقای حبیبی تنها دوروز پیش از انتخابات در تهران منتشر شد و ظاهراً حتی در بزرگترین شهرها هم امکان انتشار نیافت. — به این ترتیب در واقع در برابر اکثریت رأی‌دهندگان عملاً تنها دو سیمای شناخته شده به عنوان کاندیدا قرار گرفتند، یعنی آقایان بنی‌صدر و مدنی و در این ارتباط، دو عامل مهم زیر هم بسود آقای بنی‌صدر تأثیر کرد: عامل اول اینکه در جریان مبارزات انتخاباتی معلوم شد که نیروهای غیرخلفی جامعه از ضد انقلاب گرفته تا بورژوازی لیبرال و بویژه عده‌ای افسران رانده شده و بازماندگان رژیم سرنگون شده در ارتش و ژاندارمری و پلیس همه نیروهای مادی و انسانی خود را برای پیروزی آقای در یادار مدنی بکار انداخته‌اند. این عامل همه نیروهای معتقد به انقلاب، ایران را بهراس انداخت. آنها امکان پیروزی در یادار مدنی را مانند زنگ خطری برای انقلاب به حساب گذاشتند.

عامل دوم، که از مؤثرترین عوامل برای تمرکز آراء بسود آقای بنی‌صدر است، پیام شورانگیز امام خمینی از بستر بیماری بود. بر این پایه که مقام ریاست جمهوری «چیز مهمی نیست که بر سر آن نزاع کنند» و برای نشان دادن وحدت به دشمنان انقلاب ایران، امام همه را فراخواند که از تقسیم آراء احتراز ورزند، و در جهت تمرکز همه آراء به سود کاندیدائی که زمینه بیشتری دارد، عمل نمایند.

بیانیه ۵ کاندیدای ریاست جمهوری، بدنبال پیام امام، و اینکه اتفاقاً نام آقای بنی‌صدر (بعلمت حروف القبا) در صدر امضاکنندگان قرار داشت، اثر این پیام امام را تقویت کرد. بر پایه بررسی و ارزیابی همه این عوامل است که ما، برخلاف آقای بنی‌صدر و مبلغین «راه» ایشان، عقیده نداریم که ۱۰/۷ میلیون رأی نوشته شده بنام ایشان، رأی برای نظریات مبهم ایشان در مسائل گوناگون سیاست داخلی و سمتگیری حادثه‌جویانه و خطرناک ایشان در سیاست خارجی است.

ما اطمینان داریم که نیروهای عظیم راستین انقلاب ایران، که یکپارچه مدافع «خط

امام» در سیاست داخلی و خارجی هستند، بکمک واقعیت زندگی، خیلی زود این اشتباه بزرگ را تصحیح خواهند کرد.

ما امیدواریم که آقای بنی صدر در مقام پرمسئولیتی که قرار گرفته اند، پس از گذراندن دوران «پرجوش» پیروزی، موفق شوند که خونسردانه با واقعیات سیاسی و اجتماعی برخورد کنند و از تحمیل آزمایشهایی که در تاریخ معاصر، صدها بار آزمایش شده و با شکست دردناکی برای آزمایش کنندگانش پایان یافته، بر جامعه ما، خودداری نمایند.

با کمال تأسف باید بگوییم که ظاهراً این دوران «پرجوش» هنوز پایان نرسیده است. زیرا اولین اظهارنظرهای رسمی آقای رئیس جمهور طوری است که کارتر و سادات و بگین می توانند برای آن هورا بکشند و «دانشجویان مسلمان مبارز خط امام»، بعنوان نماینده یک گرایش درست انقلابی در انقلاب ایران، آنرا محکوم می کنند.

آقای بنی صدر این امکان استثنائی را در زندگی یافته اند که یا منشأ خدمات بزرگ به ملت ایران در راه حل مشکلات عظیمی که با آن روبروست، بشوند و یا آنکه با اتخاذ سستیگری غیرمنطقی با نیازها و ضروریات جامعه ما، زبانه های جبران ناپذیری به انقلاب ایران وارد سازند.

حزب توده ایران از صمیم قلب خواستار آن است که حالت اول از این دو حالت به واقعیت درآید. بنظر ما، برای پیروزی انقلاب ایران تنها یک راه وجود دارد و آن پیروی بی چون و چرا از خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی است، خطی که امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی مردم ستمکش ایران و جهان میداند و همه را فرا میخواند که همه توانائی خود را برای درهم شکستن توطئه های رنگارنگ این شیطان بزرگ بکار اندازند، خطی که همه توجهش برای تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی بسود «کوخ نشینان» یعنی توده های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا است، خطی که از همه میطلبد در راه رسیدن به این دو هدف بزرگ ملی و انسانی در صف واحدی متحد شوند و قلم ها و تفنگ ها را از نشانه روی به روی یکدیگر برگردانند و بسوی شیطان بزرگ یعنی آمریکا در صحنه جهانی و بسوی ضدانقلاب و ارتجاع عامل آمریکا در داخل کشور، متوجه سازند. مردم ایران مایل نیستند هیچگونه خط دیگری به شکلی از اشکال جانشین این خط سالم و درست انقلابی شود.

حزب توده ایران در آینده هم مانند گذشته، از این «خط امام» با تمام نیروی خود پشتیبانی خواهد کرد.

حزب توده ایران امیدوار است که آقای بنی صدر هم همه نیروی خود را در همین راه و در همین سستگیری بکار اندازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

به همه نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی برای شکست نیروهای بسیج شده ضد انقلابی و بورژوا لیبرال

در انتخابات مجلس شورای ملی در جبهه واحدی متحد شویم!

دوستان گرامی!

پراکندگی نیروهای راستین ضد امپریالیستی و خلقی امکان داد که جریان انتخابات رئیس جمهوری بسود گرایشی پایان یابد که نمیتواند در شرایط بحرانی کنونی جامعه ایران و جهان، پاسخگوی خواستها و ضرورت‌های واقعی انقلاب ایران و در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای مهم و تاریخی آن باشد.

نیامد منفی این رویداد سیاسی از آن جهت اهمیت بمراتب بیشتری پیدا میکند که انقلاب، دوران بسیار بحرانی و سرنوشت‌سازی را میگذراند.

امپریالیسم آمریکا، با حمایت کامل امپریالیست‌های اروپای غربی و ژاپن، با حمایت سیاهترین رژیم‌های ارتجاعی جهان مانند اسرائیل، عربستان سعودی، پاکستان، مصر و اندونزی و نظایر آنها میکوشد مستگیری انقلاب ایران را، که تاکنون بطور عمده در جهت درهم شکستن تسلط غارتگرانه آنان بوده است، تغییر دهد. این جبهه شیطانی میکوشد که از یکسواز درون ایران، با دامن زدن به هرگونه اغتشاش نظیر رویدادهای آذربایجان، ناآرامی‌های کردستان و غیره، شرایط را برای تزلزل نهادهای انقلابی آماده سازد، و از سوی دیگر به پشتیبانی بورژوازی لیبرال، که پرچم مبارزه برای استقلال ملی را بدور انداخته و آماده سازش با امپریالیسم گردیده است، به بهانه «وای افغانستان»، «وای خطر شوروی»، «وای بلوچستان»، «وای نزدیک شدن کمونیسم به آبهای گرم»، مردم ایران را از خطر اصلی منحرف سازد و شرایط را برای سازش خائنه با امپریالیسم آمریکا آماده کند.

بسیار گویا است که سرتیپ فلاحی در مسجد «نبی» قزوین در روز ۲۲ دیماه، رسماً اعلام میکند که نگران حضور ناوگان آمریکا در جنوب نباید بود، بلکه بمصادق معروف تاریخ

«هر دشمنی که نزدیک تر است، خطرناک تر است!»

شرکت ایران در کنفرانس آمریکائی-انگلیسی-چینی اسلام آباد، علیرغم مخالفت وسیع ترین محافل انقلابی و اجتماعی ایران زنگ خطری است که باید همه مبارزان راه استقلال و آزادی را متوجه توطئه جدیدی کند که پس از شکست شاپوربختیار و روش سازشکارانه دولت لیبرال، مجدداً از طرف سازشکاران و تسلیم طلبان در حال تکوین است.

در سایه این وضع نگرانی آور، انتخابات نمایندگان مجلس شورایملی اهمیت تاریخی و حیاتی پیدا میکند. با کمال تأسف باید گفت که نتیجه انتخابات رئیس جمهوری چنین نویدی را نمیدهد که رئیس جمهوری جدید در جهت ترمز کردن چنین گرایش خطرناکی عمل کند. گرچه مقام ریاست جمهوری طبق قانون اساسی از اختیارات زیادی برخوردار نیست که بتواند خطری برای دستاوردهای انقلاب فراهم سازد، ولی در هر حال میتواند بمنوان نیروی ترمز کننده، روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب را بسود طبقات زحمتکش جامعه تحت تأثیر قرار دهد.

در پی چنین نتیجه ای از انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات نمایندگان مجلس شورایملی، با اختیارات وسیع و تعیین کننده ای که مجلس در تعیین برنامه عمل و تصویب قوانین تازه برای پی ریزی نظام جدید انقلابی دارد، از اهمیت و بزرگی برخوردار میشود.

نیروهای راستین هوادار خط ضدامپریالیستی و خلقی امام خمینی، نیروهائی که بازگشت بورژوازی لیبرال را به قدرت در ایران خطر جدی برای تأمین استقلال و آزادی و مانعی بزرگ بر سر راه دگرگونیهای ژرف اجتماعی بسود خلق و حل مشکلات عظیم اجتماعی دوران پس از انقلاب میدانند، باید تمام نیروی خود را بکار اندازند تا از قبضه شدن اکثریت مجلس بدست نمایندگان علنی و مخفی بورژوازی لیبرال و متفقینش- سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان- جلوگیری کنند.

رسیدن به این هدف تنها و تنها در صورتی ممکن است که همه احزاب، گروهها و سازمانهای راستین ضدامپریالیستی و خلقی، صرفنظر از هرگونه اختلاف نظری که بین آنان وجود دارد، همه امکانات خود را در چارچوب جبهه متحدی، با برنامه حداقلی مورد توافق همه، متمرکز سازند و بکار اندازند.

هرگونه استکفاف از تلاش در چنین راهی جز ادامه دادن پراکندگی و تشدید نفاق و در نتیجه کمک مستقیم به دشمنان انقلاب و سازشکاران تسلیم طلب، که یاران نیمه راه انقلاب بوده اند، پیامد دیگری ببار نخواهد آورد.

حزب توده ایران، با احساس مسئولیت تاریخی در این مرحله حساس انقلاب بزرگ میهنان، همه احزاب، سازمانها و گروههای وفادار به آرمانهای خلق را فرامیخواند که هرچه زودتر و بدون از دست دادن وقت، آمادگی خود را برای بوجود آوردن چنین جبهه ای اعلام دارند و تبادل نظرهای دوجانبه و چندجانبه را آغاز کنند.

تجربه انقلابهای مختلف در همین دوران ما نشان میدهد که تفرقه در میان نیروهای خلق

و انقلابی یکی از آن اهرم‌های مهمی است که امپریالیسم و ضدانقلاب در عمل از آن بسود خود استفاده میکنند. برعکس در هر جا که این نیروها توانستند به آن حد از نضج تفکر سیاسی دست یابند که، علیرغم داشتن نظریات مختلف، در لحظات مهم و قاطع، هماهنگ عمل کنند، از این روش خود نتایج مثبت بدست آوردند.

ما بنا به مسئولیت خود، همه نیروهای ضدامپریالیستی، خلقی و انقلابی را در این لحظه مهم انتخابات مجلس شورایملی به تأمین وحدت عمل توجه میدهیم و امیدواریم که این نکته مورد بررسی جدی کلیه یاران انقلاب ایران قرار گیرد. ما خود آمادگی خویش را برای شرکت در یک جبهه عمل مشترک برای نخستین انتخابات مجلس شورایملی جمهوری اسلامی ایران اعلام میداریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸

از جانب سرپرست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، طی اطلاعیه‌ای از «کلیه کسانی که رژیم سابق آنان را به منظور ابقای سلطه غیرقانونی خود مورد آزار قرار داده است، اعم از کسانی که مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و همچنین بستگان شهیدان و کسانی که اموال آنان را شاه مخلوع گرفته است» تقاضا شده است که تا روز ۱۸ بهمن ماه به «دادسرا یا دادگاه صلح مستقل محل خود» مراجعه کنند و «موضوع را کتباً با ذکر دلایل اعلام دارند.»

سرپرست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی خواسته است که «علاوه بر این، هر کس دلائلی و مدارکی از جنایات آن رژیم دارد و همچنین هر یک از ادارات و مؤسسات شهرستانها این اسناد را در اختیار دارند، آنها را با اخذ رسید به دادستان یا رئیس دادگاه صلح مستقل محل تسلیم نمایند.»

با استقبال از این تصمیم درست ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران فرا میخواند:

۱- آن عده از اعضاء، دوستان و هواداران حزب، که بشکلی از اشکال از جانب رژیم سابق مورد آزار قرار گرفته‌اند، شکایات و اعلام جرمهای خود را به مرجع اعلام شده تسلیم کنند.

۲- همه اعضاء، دوستان و هواداران حزب، اگر دلیل، مدرک و سندی در باره خیانتها و جنایتهای رژیم سابق دارند، به مرجع اعلام شده تسلیم کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تأکید می‌کند که باتوجه به اینکه اعضاء، هواداران و دوستان حزب همواره در معرض شدیدترین فشارها، تضيیقات و شکنجه‌های رژیم سرنگون شده پهلوی بوده‌اند، اقدام آنها برای تدارک اسناد مربوط به محکومیت این رژیم اهریمنی و هم چنین طلب جبران خسارت مادی و معنوی، یک وظیفه انقلابی، ملی و انسانی

است که باید انجام گیرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۱۱/۱۱

در راه پیمایی دعوت شده از جانب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شرکت می کنیم

بمناسبت زادروز پیامبر اسلام - دوشنبه ۱۵ بهمن ماه - از جانب «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»، و از همه مردم برای شرکت در یک راه پیمایی دعوت شده است. این راه پیمایی که در عین حال می باید به تظاهراتی از وحدت خلق برای تحقق خط امام، خط انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران تبدیل گردد، مورد پشتیبانی حزب توده ایران است. لذا دبیرخانه کمیته مرکزی از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و همه عناصر میهن دوست و آزادیخواه می طلبد که در این راه پیمایی شرکت کنند و بار دیگر وحدت خلق را در مبارزه بر ضد امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و برای دفاع از دستاوردهای انقلاب بشوین رسانند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳۵۸/۱۱/۱۱

فرخنده باد نخستین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی

مردم قهرمان ایران سالگرد انقلاب کبیر خود را جشن میگیرند، انقلابی که طی آن خلق قهرمان ایران دلاورانه قد علم کرد و با اراده تزلزل ناپذیر و نبردی کم نظیر، یکی از کهنه ترین و سفاک ترین نظامهای خونخوار سلطنتی مزدور امپریالیسم را سرنگون ساخت و با این پیروزی یکی از نیرومندترین پایگاههای غارت و جنایت امپریالیسم و دستیاران او و ارتجاع را، در جهان درهم شکست و راه خویش را بسوی ایجاد نظامی مستقل و دموکراتیک، بسوی زحمتکشان و محرومان باز کرد.

انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ یکی از بزرگترین رویدادهای معاصر جهان است.

سرنگونی رژیم شاه، شرط مقدم پیشرفت جامعه

رژیم شاه جلاد، ساواکی ها و سرمایه داران وابسته و مالکان بزرگ، که با حمایت همه جانبه امپریالیسم امریکا و منهنیویسم بر ایران مسلط شده بود، وظیفه داشت ایران را بگورستان آزادی، به بهشت غارتگری برای انحصارات نفتی و سایر انحصارات امپریالیستی چند ملیتی، به ژاندارم یکی از حساسترین مناطق جهان از نظر غنای نفت و اهمیت سوق الجیشی، به پایگاه تجاوزی علیه اتحاد شوروی در حلقه پیمانهای نظامی امپریالیستی، بدل سازد.

در ربع قرن اخیر همه سازمانها و احزاب سیاسی ملی و مترقی بشدیدترین وجهی سرکوب شدند. صدها نفر شهید و دهها هزار نفر زندانی شدند. کابوس ساواک، ایران ما را به جهنم خفقان و خبرچینی بدل کرده بود. در این مدت بیش از بیست میلیارد بشکه نفت خام— به قیمت امروزی بیش از پانصد میلیارد دلار— از ایران غارت شد. ولی حتی یک موسسه بزرگ صنعتی خود کفا و غیروابسته با امپریالیسم در برابر آن احداث نشد، حتی تعداد مؤسسات مونتاژ

وابسته در مقایسه با امکانات بسیار حقیر و فقط وسیله‌ای برای تبدیل اقتصاد ایران به زائده انحصارهای امپریالیستی بود. کشاورزی ما را از بین بردند و دچار بحرانهای همه جانبه کردند. دهها میلیارد دلار جنگ افزار خریدند که تنها انحصارات امپریالیستی امریکائی و اروپائی و دلالات خودفروش از آن سود بردند، در مقابل، اکثریت مطلق مردم ایران در شرایط طاقت فرسا زندگی میکردند و زحمتکشان شهر و ده از ابتدائی ترین وسائل زندگی و بهداشت و آموزش محروم بودند.

نطفه‌های جنبش انفجاری انقلاب ایران هم در همین نابرابری دردآور، در همین دره‌های ژرف میان غارت کنندگان بیگانه و خودی از یکسو و غارت شدگان از سوی دیگر، میان خلقهای ستمکش ایران از یکسو و جنبه جنایتکار امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و طبقات حاکمه متشکل از بزرگ سرمایه داران وابسته و بزرگ زمینداران فئودال منش، به سرکردگی شاه و رژیم خون آشام سلطنتی - ساواکی - نظامی او از سوی دیگر بوجود می آمد، نیرو میگرفت و با سرعتی روزافزون رشد میکرد.

حزب توده ایران در آغاز سال ۱۳۵۴ اعلام کرد:

«واژگون ساختن این رژیم ارتجاعی، جابر و تجاوزگر ضرورتاً شرط مقدم حرکت جامعه ما بسوی هدفهای ملی و دموکراتیک مردم ایران است».

در همین تاریخ برنامه حزب توده ایران برانداختن نظام پوسیده سلطنتی و استقرار جمهوری دموکراتیک را بعنوان مهمترین آماج سیاسی مرحله کنونی انقلاب ایران مورد تأیید و تأکید قرار داد.

شرایط جهانی انقلاب ایران

انقلاب ایران، مانند هر انقلاب واقعی خلقی دوران ما، حلقه‌ای است از زنجیر عظیم تاریخی انقلابهای رهائی بخش از سلطه مرگبار امپریالیسم جهانی. کشور ما میدانی است از جبهه عظیم نبرد جهانی خلقهای محروم و زیر ستم علیه سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، جبهه‌ای که سه بخش اصلی آنرا جامعه کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل کارگری در کشورهای رشد یافته سرمایه داری و جنبشهای رهائی بخش ضد امپریالیستی در کشورهای در حال رشد تشکیل میدهند. پیروزی و یا شکست در این یا آن میدان نبرد این جبهه عظیم جهانی، در عین حال که در درجه اول رابطه مستقیم با وضع نیروهای خودی و دشمن در این میدان نبرد دارد، تحت تأثیر عمیق و بسیار با اهمیت تناسب نیروها در جهان و قدرت نیروهای دوست در تمام جبهه قرار دارد.

هم اکنون آنچه رهبری سیاسی آمریکا را از بکار بردن شیوه‌های تجاوزکارانه آشکار گذشته بازمیدارد تغییر ماهیت سیاست امپریالیستی کارترها و راکفلرها نیست، بلکه این قدرت روزافزون جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهان و سنگر عمده آن جامعه کشورهای سوسیالیستی

است، که امپریالیسم را از این اقدامات جنایتکارانه باز میدارد.

توجه به این شرایط و ارتباط جهانی انقلاب ایران تنها دارای اهمیت تاریخی برای تضاد واقع بینانه نسبت به گذشته نیست. اهمیت عمده این توجه، برای حال و آینده است. نیروهای امپریالیستی و ضد انقلاب داخلی و سازشکاران که تلاش میکنند انقلاب را از سمت گیری اسامیش، که علیه اردوگاه امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه غارتگری سرمایه‌داری وابسته و بقایای فئودالیسم است، منحرف سازند، در درجه اول میکوشند انقلاب ایران را از جبهه جهانی نیروهای ضد امپریالیستی و بیش از همه دوستی با کشورهای سوسیالیستی دور کنند، روند گسترش و پیروزی جنبش انقلابی و روند تثبیت و تحکیم و گسترش آن، در سراسر جهان دارای اهمیت استراتژیکی برای تمام دوران آینده نبرد خلق ماست. هرگونه تلاش برای منحرف ساختن توجه از این مسئله حیاتی، حتی اگر ناآگاهانه باشد، کمکی است به ضدانقلاب و امپریالیسم.

باین ترتیب انقلاب بزرگ مردم ایران، بر پایه تشدید تضادهای درونی و بیرونی جامعه و تحت تاثیر شرایط مساعد پیشرفتهای چشمگیر مجموعه جبهه ضد امپریالیستی جهانی، که بویژه در دهساله اخیر شتاب بیسابقه‌ای یافته است، اوج گرفت و پیروز شد.

جنبش انقلابی تمامی خلق ایران

بر پایه تضادهای درونی و بیرونی جامعه، که عمده‌ترین آنها تضاد میان همه خلق با امپریالیسم در خارج و رژیم دست نشانده سلطنتی که سرمایه‌داران بزرگ وابسته و زمین‌داران بزرگ پایگاههای اصلی آنرا تشکیل میدادند، در درون کشور بود— جبهه پهنای از طبقه کارگر، دهقانان، پیشه‌وران و قشرهای بینابینی جامعه در شهر و روستا و سرمایه‌داران ملی بوجود آمد. این جبهه، همانطور که تمام روند انقلاب و تظاهرات دهها میلیونی نشان داد، همه خلق را یکپارچه فرا گرفت و مانند سیلی نیرومند تمام پایه‌های کاخهای فرمانروایی رژیم را درهم کوبید.

همه مردم، یعنی زنان و مردان ایران و جوانان و حتی خردسالان، وابستگان به همه گرایشهای سیاسی خلقی و انقلابی، یعنی روحانیون مبارز همدوش با روشنفکران انقلابی چپ، نیروهای مذهبی که زیر پرچم اسلام بیدان آمده بودند، در کنار مبارزانی که زیر پرچم سوسیالیسم علمی مبارزه میکردند— همه و همه با هم در این جنبش عظیم خلقی شرکت جستند. انگیزه‌ها و آماج‌ها و شعارهای اقتضای طبقات و گروههای سیاسی فعال، که در این جنبش فراگیر با طیف بسیار وسیع شرکت داشتند، یکی نبود و عمق و پی‌گیری آنها به خواستههای طبقاتی و ماهیت آنها وابسته بود. ولی همه آنها بیش از پیش ژرفتر به ضرورت سرنگونی رژیم استبداد سلطنتی شاه وابسته با امریکا پی میبردند و دور این شعار واحد گرد می‌آمدند.

دو گرایش عمده در جنبش انقلابی

منتهی از همان آغاز جنبش گرایش های گوناگون در سمتگیری اساسی انقلاب پدید آمد و مبارزه بین این گرایشها به صورت مبارزه پایه ای در درون جنبش و حتی در درون هر گروه و سازمان سیاسی بروز کرد. راست ترین جناح در طیف مبارزان، جناح بورژوازی لیبرال بود که هدفهای خود را در چارچوب سازش حتی با شخص شاه یا با رژیم سلطنتی بدون محمد رضا و کنار آمدن با امپریالیسم آمریکا، در چارچوب «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» تعیین کرده بود.

درباره مبارزه با امپریالیسم و درباره مبارزه با پایگاه طبقاتی رژیم، یعنی بزرگ سرمایه داری وابسته و بزرگ زمین داری هم این جناح بورژوازی لیبرال هیچگونه شعار عملی و قاطع نداشت. شعار سیاسی بورژوازی لیبرال ایران بطور روشن این بود که مبارزه علیه استبداد شاه را باید از مبارزه علیه آمریکا جدا کرد، با آمریکا و تسلط اقتصادی و نظامی و سیاسی امپریالیستی اش در ایران، کاری نداشت تا احتمالاً موافقت و کمک آمریکای امپریالیست را برای برکناری رژیم ساواکی شاه و روی کار آوردن نمایندگان بورژوازی لیبرال جلب کرد.

ولی در مقابل این نیروی سازشکار تسلیم طلب، نیروی عظیم و تزلزل ناپذیر خلق قرا داشت که هر روز بهتر و ژرفتر دشمنان واقعی خود را میشناخت و نابودی تسلط همه جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده و وابسته به آن، یعنی نظام غارتگر سرمایه داری و وابسته به سرکردگی شاه و جلادانش را خواستار بود. این جبهه عظیم خلق خیلی زود نقش تعیین کننده خود را در تمام روند انقلاب ایفا کرد و نقشه «گام به گام» سازشکاران و تسلیم طلبان بورژوازی لیبرال را خنثی کرد و جنبش انقلابی را با قدرت و شتابی کم نظیر به سوی پیروزی به پیش برد.

گرایش مذهبی در جنبش انقلابی ایران

در اینکه جنبش انقلابی خلق، با آن محتوی پیگیر ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد رژیم حاکم سلطنتی سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ بطور عمده و تعیین کننده رنگ مذهبی بخود گرفت، یک رشته عوامل تاریخی و اجتماعی دیمدخلند که شرایط مشخص مبارزه در سالهای اختناق ساواکی رژیم محمد رضا پایه های عینی این پدیده را بوجود آورده بود. طی دهها سال تسلط رژیم مخوف ترور و اختناق، بخش عمده نیروهای راستین انقلابی وابسته به طبقه کارگر سرکوب شده و عمده بسیاری شهید. و عمده زیادی در زندانها به سر می بردند.

علاوه بر این، بر اثر خیانت رهبری چین قشر قابل توجهی به گرایشهای حادثه جویانه و آتارشیستی و بویژه خصومت کور با جنبش اصیل کارگری کشانده و گمراه شده بود. پیشاهنگ طبقه کارگر دچار پراکندگی، ضعف تشکیلاتی گشته و از امکانات لازم برای برقراری پیوند با

جنبش انقلابی محروم شده بود.

بورژوازی لیبرال هم بنابه ماهیت سازشکارانه طبقاتی خود خیلی زود نشان داد که لیاقت رهبری جنبش انقلابی را که هر روز به طور چشمگیر گسترش می یافت، ندارد. رژیم هرگونه مبارزه سیاسی را با شقاوت سرکوب میکرد. تنها مساجد برای اجتماع مردم ناراضی باز بود و آنها هم به آن علت که رژیم وابسته و اربابان امپریالیستی اش از دیر زمانی متوجه آن بودند که از «وعاظ السلاطین» علیه جنبشهای راستین حق طلبانه خلقها بهره گیری نمایند.

رژیم و اربابان امپریالیستی اش به این واقعیت توجه نکردند که جنبش خلق وقتی برابر تشدید تناقضات آشتی ناپذیر بحرکت درآید، مانند سیلی عظیم راه خود را باز میکند و بطور طبیعی از بستری سرازیر میشود که مانع کمتری بر سر راهش باشد.

بخش عظیم روحانیت ایران از میان خلق بیرون آمده و با خلق پیوند داشت، لذا بطور طبیعی در دورانی چنین بحرانی بازتاب دهنده خواستهای انقلابی خلق گردید. بویژه اقشار میانی و پائینی روحانیت ایران، که هم جوانتر و فعالتر و مبارزتر بودند و هم پیوندشان با خلق استوارتر بود، در این دوران نقش بسیار مهمی را ایفاء کردند. جهات مشخص انقلابی و اجتماعی دین اسلام و بویژه سنت های انقلابی مذهب شیعه بصورت پرچم انقلابی وسیعترین قشرهای مردم ایران درآمد.

حزب توده ایران خیلی زود این گرایش و این ویژگی جنبش انقلابی ضد امپریالیستی و دموکراتیک و خلقی ایران را شناخت و لزوم ایجاد پیوند انقلابی بین نیروهای مذهبی و هواداران سوسیالیسم علمی را، بعنوان یکی از پایه های ترین شرایط برای وحدت نیروها و بهم پیوستگی انقلابی آنان مطرح ساخت و از آن تاریخ با پیگیری و بدون تزلزل با وجود همه تحریکات، اتهامات و لجن پراکنیهای وابستگان به امپریالیسم، تفرقه اندازان و بورژوازیبرالها این سمتگیری را ادامه میدهد.

نقش برجسته و تاریخی امام خمینی — وحدت شعار و وحدت عمل

جنبش انقلابی مردم ایران که بطور عمده در چارچوب بینش انقلابی و اجتماعی اسلام شکل میگرفت رهبر واقعی انقلابی خود را جستجو میکرد. جنبش انقلابی ایران خیلی زود و خیلی درست این انتخاب خود را عملی ساخت و امام خمینی را برهبری خود برگزید، یعنی همان شخصیت استثنائی روحانی را، که بر پایه خصوصیات بزرگ انسانی خویش، همیشه از رنج محرومان جامعه رنج میبرد و در زندگی هدفی جز کمک به این محرومان که همان طبقات زحمتکش استثمار شده و غارت شده جامعه ما هستند، برای خود انتخاب نکرده بود و از دهها سال پیش با پیگیری، قاطعیت و درایت عمده ترین ریشه های بدبختی این محرومان و همه محرومان (مستضعفان) جهان را در پیکر امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا،

در پیکر اسرائیل و ساداتها و نظائرشان در منطقه و در پیکر بساط طاغوتی سلطنت و بویژه محمدرضا و خاندان ننگین و دستیاران ساواکی اش و طبقات غارتگر جامعه (مستکبران) شناخته بود.

کاملاً طبیعی بود که امام خمینی با آن شناخت دقیق از ریشه بدبختی‌ها، با آن قاطعیت و پیگیری و تزلزل ناپذیری و با آن شهامت کم نظیر یک انسان مبارزه پرچم واحد جنبش انقلابی ایران گردید.

حزب توده ایران خط امام خمینی را شناخت و پشتیبانی بیدریغ خود را از این خط ضد امپریالیستی و خلقی اعلام کرد. حزب ما در خط امام پنج عنصر تعیین کننده سیاسی اجتماعی تشخیص داد و بر پایه این پنج عنصر، که بازتاب خواستهای وسیعترین قشرهای انقلابی میهن ما در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی است، سیاست همگامی و پشتیبانی خود را پی ریزی کرد:

۱- مستگیری قاطع، پیگیر و آشتی ناپذیر برای ریشه کن کردن همه اشکال سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی تسلط امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا،

۲- مستگیری قاطع، پیگیر و آشتی ناپذیر برای برانداختن رژیم پوسیده و فاسد سلطنتی و نظام طاغوتی استبدادی،

۳- مستگیری قاطع برای تامین کلیه آزادیهای سیاسی و اجتماعی برای خلق و در درجه اول برای زحمتکشان (مستضعفین)،

۴- مستگیری قاطع برای عملی ساختن تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی جامعه برای کوتاه کردن دست غارتگر سرمایه داران و مالکان بزرگ و در جهت بهبود همه جانبه شرایط زندگی توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان و رنجبران شهر و روستا،

۵- مستگیری قاطع و پیگیر در جهت گرد آوردن و اتحاد همه نیروهای راستین خلق برای رسیدن باین هدفهای والای ملی و خلقی.

در آستانه انقلاب

گرایش نبرد پی گیر و آشتی ناپذیر بیش از پیش در برابر گرایش سازشکاران لیبرال قرار میگرفت. مردم بدنبال امام خمینی حرکت کردند.

حزب توده ایران با اعلامیه تاریخی خود در ۱۳ شهر یور ۱۳۵۷، بطور روشن راه انقلابی آشتی ناپذیر را در مقابل جنبش خلق قرار داد که محتوی عملی آن برانداختن رژیم سلطنتی، محاکمه و مجازات شاه و همدستانش، ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم در همه زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی بود و مردم را برای ایجاد جبهه متحدی از همه نیروها برای

رسیدن به این آماجهای ملی و خلقی دعوت کرد.

امپریالیسم به تاکیک دوسویه، یکی سرکوب خونین توده انقلابی و دومی تشکیل دولت توسط تسلیم طلبان سازشکار متوسل شده بود. روزها و هفته‌ها و ماههای حماسه آفرین و تاریخ ساز اواخر تابستان و پائیز و اوائل زمستان سال ۵۷ با قهرمانی های کم نظیر و جانبازیهای بی شمار همراه بود که نیروهای مختلف خلق با تمام قوا و با شعار واحد در آن شرکت جستند.

تصور اینکه شاپور بختیار یک فراری از جبهه مبارزان ضد امپریالیستی به اردوگاه امپریالیستی است، بکلی نادرست و گمراه کننده است. شاپور بختیار مظهر سازش بورژوازی لیبرال با امپریالیسم و رژیم وابسته به آن، و به سرکار آمدن او اولین تلاش عملی برای اجرای سیاست «گام به گام» و در واقع سیاست «یک گام به پیش و دو گام به پس» تا برقراری مجدد «نظم و انضباط شاهنشاهی» و «فروکش خشم» خلق بود. زمامداری شاپور بختیار اولین مرحله خیانت عملی بورژوازی لیبرال به انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی ایران بود.

بیجهت نیست که گروهها و شخصیتهای روحانی و سیاسی وابسته به بورژوازی لیبرال هنوز هم حاضر نشده اند بختیار را بعنوان خائن به جنبش انقلابی ارزیابی کنند.

آخرین تیر ترکش امپریالیسم برای لجام زدن به جنبش انقلابی و حفظ عمده ترین مواضع امپریالیستی در ایران با آخرین انفجارهای انقلابی در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن بی اثر ماند و طوفان خشم خلق انقلابی بصورت اتحاد انقلابیون در ارتش و در خیابانها، آخرین سنگر ضد انقلاب را، که در «گارد جاویدان» پابرجا مانده بود، درهم کوبید.

قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن را باید حلقه نهائی انقلاب شکوهمند و بزرگ خلقهای ایران برای پایان بخشیدن به تسلط امپریالیستی و سرنگون ساختن رژیم سیاه و پوسیده سلطنتی و آغاز مرحله جدیدی از تاریخ تکامل اجتماعی خلقهای ایران ارزیابی کرد.

قیام بهمن نشان داد که آخرین پایگاه امپریالیسم و رژیم، یعنی ارتش نیز منفرد شده و حتی از واحدهای ویژه گارد جاویدان مرکب از خود فروختگان و آدمکشان حرفه ای نیز کاری برنیامد. آخرین نقشه مشترک آمریکا و جناح سازشکار بوژوا لیبرال، یعنی نگهداری ارتش بصورت دست نخورده و اعلام «بیطرفی» نیز با قیام متهورانه همافران و مبارزان خلق نقش برآب شد و ضربه خورد کننده ای به سنگر ضدانقلاب وارد گردید. این تجربه هم تأییدی بود بردرستی دعوت حزب توده ایران (دیماه ۱۳۵۷) از همه نیروهای راستین انقلابی برای تدارک مبارزه مسلحانه بمنظور درهم شکستن آخرین مقاومت لجوجانۀ نیروهای سیاه ضد انقلاب سرسپرده آمریکا و رژیم شاه.

دولت موقت و ماهیت آن

از همان اولین روز پیروزی، یک دوگانگی در رهبری دولتی و سیاسی کشور بوجود آمد که پایه عینی داشت. جناح پیگیر و آشتی ناپذیر انقلاب، که امام خمینی در پیشاپیش آن قرار داشت و حرکت خلق انقلابی را رهبری میکرد، از کادریهای لازم برای اداره دستگاه دولتی و ارتش به دو علت محروم بود.

اول اینکه تقریباً اکثریت مطلق کادریهای فعال جنبش مذهبی، که زیر پرچم امام خمینی حرکت میکرد، از روحانیون مبارز و اکثراً از روحانیون مبارز جوان بودند و هیچگونه تجربه و آمادگی برای گرداندن چرخهای سازمانهای دولتی و انتظامی و اقتصادی کشور را نداشتند.

دوم اینکه نیروهای اصیل چپ انقلابی، که دوش بدوش این نیروهای مذهبی در خط آشتی ناپذیر انقلاب حرکت می کردند، بعلت یک رشته عوامل تاریخی و تبلیغات شدید رژیم منفرودروضعی قرار نداشتند که بتوانند این خلاء را پر کنند.

نداشتن کادر لازم خودی و عدم آمادگی نیروهای اصیل انقلابی پیرو خط امام خمینی در قبول همکاری نیروهای اصیل انقلابی چپ موجب آن شد که تقریباً بدون استثناء گردانندگی تمام سازمان دولتی بدست جناح بورژوازی لیبرال، یعنی سازشکارترین قشری که لنگ لنگان در انقلاب شرکت کرده بود، افتاد. مهندس بازرگان نماینده شاخص خط سازشکار در جریان انقلاب، رهبری دولت را بدست گرفت و کابینه ای ناهمگون بوجود آورد که سازشکاران اکثریت قاطع آنرا تشکیل میدادند و بویژه کسانی که برای مردم ایران بکلی ناشناخته بودند و درباره سوابقشان هیچ پرده روشنی وجود نداشت، حساسترین پست ها را اشغال کردند.

باین ترتیب یک دوگانگی در قدرت حاکمه پیدا شد با دو مرکز عمل:

مرکز اول، مرکز رهبری امام خمینی بود که خواستار برخورد انقلابی به عمده ترین مسائل حیات اجتماعی جامعه، از سیاست خارجی گرفته تا سیاست داخلی و مسائل مربوط به تغییرات بنیادی بسود طبقات محروم و زحمتکش بود.

مرکز دوم را دولت «گام به گام» تشکیل می داد که عقیده داشت انقلاب با بیرون انداختن شاه پایان یافته و میکوشید وضع گذشته را در تمام ترکیش برقرار نگاهدارد و هر جا هم که ضربه ای به آن وارد شده، ترمیمش کند.

البته دولت موقت، از آنجا که زیر فشار سنگین افکار عمومی قرار داشت و مجبور بود لااقل تا حد معینی رهنمودهای امام خمینی را مورد توجه قرار دهد، نمیتوانست از انجام یکرشته اقدامات در جهت انقلاب خودداری نماید بجز این اقدامات، در همه زمینه های مهم و اساسی سیاست کشور، دولت «گام به گام» بورژوازی لیبرال بیش از پیش به صورت ترمز جدی در امر تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در می آمد.

در سیاست خارجی، سیاست دولت در این جهت بود که با سرپوش گذاشتن به سیاست

خصمانه امپریالیسم آمریکا، سمنگیری سیاست خارجی را از جهت تشدید مبارزه علیه دشمن اصلی و آشتی ناپذیر انقلابی، یعنی آمریکا منحرف کند و بتدریج شرایط را برای برقراری مجدد روابط «دوستانه» با آن آماده سازد.

فضایت کسانی چون تزیه‌ها و ایزدی‌ها و امیر انتظامها، واکنش در برابر دعوت شاه مخلوع بآمریکا، ملاقات نخست وزیر دولت وقت با نماینده کارتر، و تدابیر اقتصادی دولت موقت، سرباز زدن از تصفیه سازمانهای دولتی و ارتشی، کوشش برای احیاء کامل نهادهای سرمایه‌داری، حمایت از زمینداران بزرگ، بخش کوچکی از کارنامه دولت سازشکار بورژوازی لیبرال است.

سیاست و عمل این دولت با کمال تاسف نزدیک به ۸ ماه از پرارزش‌ترین دوره‌های انقلاب ایران را به هدر داد.

حزب توده ایران ضمن اینکه از همان آغاز گرایش سازشکارانه بورژوازی لیبرال و احتمال پشت کردن این بخش را به انقلاب روشن بینانه نشان داد، اعلام کرد که از همه گام‌های مثبتی که دولت بردارد پشتیبانی خواهد کرد. حزب توده ایران در مراحل گوناگون در نامه‌های سرگشاده تحلیلی، جنبه‌های سازشکارانه سیاست دولت در همه زمینه‌ها را فاش کرد و راه حلهای مشخص و عملی برای حل مشکلات را در مقابل دولت و رهبری انقلاب قرار داد.

خط امام و نهادهای انقلابی

در مقابل گرایش سازشکارانه دولت بورژوازی لیبرال، گرایش قاطع و پیگیر امام قرار داشت که بطور آشتی ناپذیری در جهت همان هدفهای خلقی و ضد امپریالیستی عمل میکرد. حزب توده ایران، علیرغم همه اهانت‌ها و شماتت‌ها که از طرف روشنفکران وابسته به بورژوازی لیبرال و چپ نمایان دنباله رو بورژوازی لیبرال به آن وارد میشد، این خط انقلابی را شناخت و بیدریغ از آن پشتیبانی کرد.

در خط امام، دادگاههای انقلابی عمل میکردند که قاطعانه جنایتکاران رژیم منقر را مجازات میکردند. سپاه پاسداران و کمیته‌هایی عمل میکردند که صادقانه بدفاع از انقلاب برخاستند و برقراری نظم انقلابی را بعمل گرفته بودند. اگر چه عوامل ضد انقلاب از همان آغاز با تمام نیرو کوشیدند در سپاه پاسداران، و کمیته‌ها، در دادگاههای انقلاب و سایر نهادهای انقلابی، که ایجاد میشد، راه یابند و از درون آنها را دچار انحراف و فساد و از هم گسیختگی نمایند. بهنین جهت هم مسئله پاکسازی و فعال کردن آنها در جهت انقلاب همیشه از مسائل مهم بود. ولی بطور عمده آنها دارای محتوای انقلابی بوده و نقش تعیین کننده در تحکیم پیروزیهای انقلاب داشته‌اند.

تا وقتی که دستگاههای دولتی، از ارتش، ژاندامری و پلیس گرفته تا دادگستری دگرگون نشده و نه در حرف، بلکه در عمل در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب قرار نگرفته‌اند، از

بین بردن نهادهای انقلابی و خلع سلاح نیروهای مسلح راستین خلق ضربه خطرناکی برانقلاب است. حزب توده ایران بازهم مانند گذشته، همه هواداران راستین انقلاب و بویژه رهبری انقلاب را از چنین اقدام عجولانه‌ای برحذر میدارد.

تحلیل اقدامات و تصمیمات شورای انقلاب نیز در دوران موجودیتش نشان میدهد که، علیرغم کارشکنی‌های ترمزکننده جناح سازشکاری که در این شورا همیشه تاثیر داشته و هنوز هم دارد، این شورا بطور عمده در خط امام خمینی عمل کرده است. ولی باوجود این ارزیابی کلی، باید صریحاً گفت که در کار شورای انقلاب به تناسب وظایف فوق‌العاده سنگینی که در برابرانقلاب قرار دارد، در موارد مهمی کمبودهای جدی، موضعگیری‌های غیر قاطعانه، بی‌تصمیمی، عدم هماهنگی و فقدان یکپارچگی دیده میشود.

تأثیر منفی فعالیت گروههای افراطی چپ و راست

یکی از عوامل منفی در دوران پس از انقلاب فعالیت گروههای افراطی چپ‌گرا و راست‌گرا در جبهه نیروهای انقلابی خلق بوده و هنوز هم هست. این گروههای افراطی، بخشی زیر پرچمهای افراطی مذهبی و بخش دیگر زیر پرچمهای افراطی هواداری از سوسیالیسم، با مستگیری انحصار طلبانه کوشیده‌اند تحمیل موضعگیری‌های تنگ نظرانه خود را به مجموعه جنبش، جانشین کوشش برای ایجاد جبهه متحدی بنمایند که میتواند بر پایه برنامه مورد توافق، که بازتاب واقعیت‌ها، خواستها و امکانات انقلاب ایران در مرحله کنونی باشد، تشکیل گردد.

گروه‌های افراطی و انحصار طلب راست‌گرای مذهبی بجای سمت دادن مبارزه علیه دشمن اصلی و عمده، یعنی امپریالیسم خونخوار آمریکا، آنطور که امام خمینی همیشه یادآوری و تأکید کرده‌اند، نیروی عمده خود را برای تضعیف و وارد آوردن فشار و محدود کردن فعالیت نیروهای چپ راستین کرده و آتش نفاق و دشمنی را در میان نیروهای راستین انقلاب دامن زده‌اند. این نیروها ضمن اینکه در حرف خود را هوادار پیگیر راه امام خمینی اعلام می‌کنند، در عمل یکی از عمده‌ترین رهنمودهای امام را در زمینه لزوم وحدت همه نیروها، صرفنظر از اعتقادات سیاسی و ایدئولوژیک، زیر پا گذاشته، جنگ علیه افکار و عقاید را جانشین جنگ علیه امپریالیسم آمریکا ساخته و میسازند.

گروههای چپ‌گرا نیز در دوره طولانی، تا همین چند هفته اخیر، در مبارزه خود، امپریالیسم آمریکا را فراموش کرده و بویژه امام خمینی و حزب توده ایران را آماج شدیدترین حملات خود قرار داده بودند و در این دشمنی از همکاری عملی با نیروهای ضد انقلاب هم خودداری نکرده‌اند. نیروهای افراطی چپ‌گرا سنگین‌ترین اصلی مبارزه نجاتبخش ملی ما را، که همان سنگین‌ترین علیه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا است، در درجه دوم اهمیت قرار داده و با مطرح کردن شعارهای غیر واقع بینانه و چپ‌گرایانه و با اتخاذ شیوه‌های تحریک زحمتکشان، سد جدی بر سر راه تثبیت دستاوردهای سیاسی و اجتماعی انقلاب بوجود آورده‌اند.

بزرگترین زیانی که چپ گرایان به جنبش انقلابی مهین ما وارد ساخته‌اند اینست که، آنها با موضعگیری‌های نادرست و روشهای حادثه جویانه خود در یک دوران طولانی پس از پیروزی بهمن ۵۷، دقیقاً در همان جبهه‌ای قرار گرفتند که ضد انقلاب، ساواکیها، بوژوازی لیبرال و سیاستهای امپریالیستی برای مبارزه علیه انقلاب بوجود آورده بودند.

این روشها ضربه جدی به پیشرفت در جهت تشکیل جبهه متحد خلق بود، که یگانه ضامن پیروزی قطعی و بازگشت ناپذیر در نبرد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب و بوژوازی لیبرال است.

باعث خوشوقتی است که در هفته‌های اخیر، بالاخره زیر فشار واقعیتها، در برخی از موضعگیری‌های سازمان چریکهای فدائی خلق و حزب دمکرات کردستان ایران، که مرکز تجمع بخش مهمی از سالم‌ترین نیروهای خلقی در کردستان است، سمتگیری‌های واقع بینانه بتدریج جای گرایشهای نادرست و چپ‌گرایانه را میگیرد. ولی در میان گروههای گوناگون و رنگارنگ، که خود را هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق معرفی میکنند، نه تنها گرایشهای نادرست و در نتیجه همگامی با نیروهای ضد انقلاب ریشه کن نشده، بلکه در مواردی در حال شدت یافتن است.

نقش خرابکارانه چپ‌نماها

در کنار نیروهای افراطی چپ‌گرا، که با وجود موضعگیری‌های نادرستشان، در اصالت انقلابی‌شان نمیتوان تردید داشت، خیل گروههای خرابکار نفاق افکن مشغول فعالیت هستند. این گروهکها، که سرمنشأ همه‌شان، بدون استثناء، جریانات ضد انقلابی و انحرافی تسلیم شده به امپریالیسم جهانی است، (تروتسکیسم و مائوئیسم) تنها و تنها در جهت ایجاد اغتشاش، ایجاد تفرقه و نفاق و چند دستگی میان نیروهای خلق و بویژه جوانان کم تجربه فعالیت میکنند. اینها با شعارهای توخالی و غیر واقعی خود، با موضعگیری خود در جبهه ضد انقلاب در زیر نقاب کمونیسم و سوسیالیسم و طبقه کارگر و غیره، بهترین بهانه را بدست نیروهای راست انحصار طلب افراطی مذهبی میدهند تا مردم ساده مبارز مذهبی را علیه هواداران راستین سوسیالیسم علمی، که پیگیرترین و پابرجاترین متحدین طبیعی آنان در مبارزه برای استقلال و آزادی و تغییرات بنیادی بسود محرومان جامعه هستند بشورانند. خیانت تاریخی این گروهکهای چپ‌نما بویژه در همین جاست.

وضع کنونی و دشواریهای انقلاب

بدنبال نبرد دو‌گرایش در انقلاب ایران و پشت سر گذاشتن دورانی که از خاتمه تابستان «چرخش براست» نام گرفت و پس از موضعگیری تاریخی امام خمینی در اواسط پائیز در زمینه وحدت همه نیروها علیه امپریالیسم آمریکا، حمایت از محرومان و مستضعفین و پیام به خلق

کرد برای حل مسأله آمیز مسئله ملی و غیره، انقلاب ایران وارد مرحله نوین، مرحله بالاتر، مرحله ژرفتری گردید. سنگگیری ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب، پیروزی چشمگیری بر سنگگیری سازشکارانه و بورژوا لیبرال متشانه گرفت.

امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی با استفاده از سیاست سازشکارانه و تسلیم طلبانه دولت بورژوا لیبرال، مانور همه جانبه‌ای را برای درهم شکستن انقلاب ایران تدارک دیدند و این تدارک به مراحل عملی نزدیک میشد امپریالیسم و ضد انقلاب همه نیروهای آشکار و نهان وابسته به خود را برای یک حمله عمومی تجهیز کردند. اسناد افشاء شده از جاسوسخانه آمریکا بخوبی نشان میدهد که نقشه امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی این بود که با تکیه به نیروهای سازشکار احزاب لیبرالی و گروه‌های مائوئیستی و افسران آریامهری و وابستگان به بعث عراق، بمیدان ریختن همه نیروهای سیاه ساواکیها، دزدان، اوباشان، هروئین فروشان، باج بگیران آریامهری و هواداران «قانون اساسی» و شاپور بختیار و دارو دسته‌اش آتش اغتشاش را در سراسر کشور شعله‌ور سازند و از اینراه نظام انقلابی را متزلزل کنند و انتظام‌ها و تزیه‌ها و مقدم‌ها و همکاران دیگرشان را بر کشور حاکم سازند.

ضربه شکننده‌ای که بارهنمودهای انقلابی امام خمینی بر این نقشه وارد آمد و به برکناری دولت بازرگان انجامید، این نقشه خطرناک را درهم شکست.

اشغال جاسوسخانه آمریکا، مرکز همه توطئه‌های ضد انقلابی در ایران و منطقه، این ضربه شدید انقلابی را بمیزان چشمگیری نیروبخشید. افشای اسناد پیدا شده در جاسوس‌خانه، صف بندی نیروهای ضد انقلاب را درهم ریخت.

شکست توطئه ضد انقلابی در آذربایجان را باید یکی از مهمترین پیروزیهای انقلاب، خط امام خمینی و مجموعه جنبش اصیل انقلابی ایران بحساب آورد.

بدون تردید موضعگیری قاطع و آشتی ناپذیر انقلاب ایران در مقابل امپریالیسم آمریکا خشم روزافزون نه تنها غارتگران آمریکائی و صهیونیستی، بلکه خشم دیوانه‌وار همه امپریالیستهای غربی، همه دستیاران ارتجاعی امپریالیسم را در منطقه برافروخته‌تر خواهد کرد. فشارهای سیاسی و اقتصادی و تحریکات برای برافروختن آشوب و جنگ‌های برادرکشی، آنطور که در کردستان شاهدش هستیم، ادامه خواهد یافت. بورژوازی لیبرال ایران و همه گروه‌های سیاسی وابسته به آن، دوشادوش نیروهای سنتی ضد انقلاب و کارگزاران رنگارنگ چپ نما و راست گرای امپریالیسم و مائوئیسم هم مجری این دسائس خواهند بود.

برای درهم شکستن وریشه کن ساختن این توطئه‌ها، نیروی عظیم و شکست ناپذیر انقلابی بالقوه‌ای در درون خلق ایران موجود است. بارهبری انقلاب است که این نیرو را سازمان دهد و با کمک آن ضربه قطعی را بدشمن وارد سازد و راه را برای گسترش بازگشت ناپذیر دستاوردهای انقلاب هموار کند.

رهنمود امام خمینی، رهبر انقلاب، در زمینه لزوم اتحاد همه نیروهای خلق کلید پیروزی در این نبرد حیاتی خلق ما است. تنها تشکیل جبهه متحد خلق از همه نیروهائی که هوادار خط امام خمینی، خط اصیل انقلاب ایران هستند، صرفنظر از اعتقادات فلسفی و اجتماعی، یگانه پاسخ راستین و بدون غل و غش به این رهنمود امام است.

همه نیروهای اصیل انقلابی باید در زرادخانه اندیشه و فعالیت سیاسی خود خانه تکانی کنند و آنچه را که موجب نفاق و پراکندگی است، بدور بریزند و قلمها و تفنگها را بجای رویا روئی باهم متوجه دشمنان اصلی انقلاب در خارج، یعنی امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و در داخل علیه بازماندگان رژیم سرنگون شده، سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ و سازشکاران و تسلیم طلبان سازند.

باید رهبری دولتی انقلاب و نهادهای جمهوری که تاسیس میشود نظیر مجلس شورای ملی، مقام ریاست جمهوری، هیئت وزیران، هر چه زودتر برای رفع مشکلات عظیمی که اکنون در مقابل انقلاب قرار دارد و ادامه آنها هر روز بر خیل ناراضیان در میان طبقات زحمتکش میافزاید، راه حلها و تصمیمات انقلابی بگیرند و باجرا درآورند. همانطور که امام بارها یاد آور شده، نیروی اصلی انقلاب همین زحمتکشان محروم شهر و روستا بوده و هستند. آنها بهترین فرزندان خود را قربانی دادند تا نظام غارتگر و جنایت پیشه را سرنگون سازند، آنها انتظارات و خواستههای بحق دارند و انقلاب امکان برآوردن این خواستها را دارد. باید به شیوه انقلابی، آنطور که انقلابهای بزرگ تاریخ معاصر عمل کردند، به این انتظار توده‌ها پاسخ مثبت و عملی داد.

اتحاد همه نیروهای اصیل انقلاب در جبهه متحد خلق، در خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، تحقق انقلابی خواستههای بحق توده‌های زحمتکش و خلقهای محروم و تشدید مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع - و سازشکاران لیبرال - اینست رمز اصلی و منحصر بفرد تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ و شکوهمند خلق‌های محروم میهن ما.

حزب توده ایران که در تمام دوران موجودیت خود برای این هدفهای والاى جنبش ملی و دموکراتیک مردم میهنمان بدون تزلزل نبرد کرده، آماده است با سایر نیروهای راستین انقلابی برای ایجاد چنین جبهه‌ای و به ثمر رساندن هدفهای مشترک آن همکاری کند.

حزب توده ایران برای حل همه مشکلات اجتماعی پیشنهادهای مشخص و روشن عرضه داشته و امیدوار است که تشدید نبرد نیروهای ملی و خلقی علیه دشمنان خارجی و داخلی، پایه‌های عینی برای همکاری و بهم پیوستگی این نیروها را هر روز بیشتر تحکیم خواهد کرد. بر سازمانهای سیاسی وابسته به نیروهای خلق است که با شجاعت انقلابی بر پیشداوریهای کهنه شده و پوسیده غلبه کنند و راه را برای سرانجام یافتن این ضرورت تاریخی انقلاب ایران هموار سازند.

- فرخنده باد نخستین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی مردم ایران!
- درورد بر امام خمینی رهبر قاطع و روشن بین انقلاب!
- پیروز باد اهداف ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب!
- زنده باد جبهه متحد خلق، وثیقه اساسی تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

به محضر محترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر عالیقدر انقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران نخستین سالگذشت انقلاب بزرگ و شکوهمند مردم ایران و آغاز قرن پانزدهم هجرت نبوی را به شخص آن حضرت که بحق رهبر گرانمایه این انقلاب شناخته شده‌اید، از صمیم قلب شادباش میگویم.

این انقلاب عظیم و تاریخ ساز، نظام فرتوت سلطنت مستبده را، که طی هزاران سال در این سرزمین منشاء آنهمه بیدادها، و فسادها بود، برانداخت و برای نخستین بار، نظام مردمی جمهوری را در میهن ما برپا ساخت.

این انقلاب نه تنها انقلابی علیه استبداد شوم سلطنتی بود، بلکه از آن بالا تر رایت طغیان مقدس علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار آمریکا، را برافراشت و ناچیزی و ناتوانی این قدرت سلطه گر را برجهانیان آشکار کرد.

این انقلاب نه تنها به چنین قیام حماسه آمیزی دست زد، بلکه رهائی مستضعفین ایران و جهان را از اسارت و ستم مستکبرین و وظیفه خود شمرد و بدینسان از انقلاب مهم سیاسی، به یک انقلاب بزرگ اجتماعی نیز بدل شد.

همه این برکات و نعمات انقلابی مدیون قاطعیت و جانبازی کم نظیر توده‌های میلیونی زحمتکشان و همه میهن دوستان ایران و درایت و روشن بینی و سرسختی انقلابی شماست، که تحسین و اعجاب جهانیان را برانگیخت و نام شما را در ردیف بزرگترین نامهای تاریخ جای داد.

انقلاب در تداوم خود بوجود شما نیاز دارد. بیماری اخیر شما همه مردم ایران و از آنجمله ما را سخت رنج و نگران ساخت. از صمیم قلب آرزو مندیم که انقلاب بتواند در زیر رهبری شخص شما، راه خویش را ادامه دهد و کشتی آن، علی رغم توطئه دشمنان رنگارنگ، به

ساحل مراد بپیوندد.

در این آرزو، برای شما تندرستی و عمر طولانی و کامیابی بردشمنان مستضعفان ایران و جهان را خواستاریم و مانند همیشه از تلاش مقدس شما بسود مردم ایران و استقلال و آزادی و سعادتش، با صمیمیتی بی خلل، پشتیبانی خواهیم کرد و در این راه برای اجرای همه وظایف ملی و میهنی خویش آماده‌ایم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸

حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نخستین دوره مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران معرفی می کند

حزب توده ایران، هم چنانکه در تدارک و به انجام رساندن انقلاب ایران بطور فعال و پیگیر شرکت فعال داشته، در راه ایجاد و تحکیم نهادهای جمهوری اسلامی نیز فعالانه می کوشد. ما در فراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، تصویب قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردیم و تا جائیکه امکان داشتیم - علی رغم جوشدید ضد توده ای که مستقیم و غیر مستقیم از جانب ضد انقلاب سازمان داده می شود - کوشیدیم تا قشرهای وسیع مردم را با ضرورت تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب آشنا کنیم.

از زمان پیروزی انقلاب تا کنون، دفاع از دستاوردهای انقلاب و حفظ آن از گزند دشمنان و همچنین از دستبرد محافل سازشکار و لیبرال، مهمترین و حساس ترین کار انقلابی بود. حزب توده ایران در این عرصه پیشاپیش همه نیروهای دیگر گام برداشت. قبل از هر سازمان دیگری دوگانگی قدرت حاکمه و کشاکش میان لیبرالیسم بورژوایی و دموکراتیسم انقلابی را تشخیص داد و اعلام کرد و در خط قاطع ضد امپریالیستی امام علیه لیبرالیسم رزمید.

موفقیت هائی که در این زمینه بدست آمده چشمگیر است، ولی بهیچوجه کافی نیست. این خطر که محافل لیبرال و عناصر سازشکاری که خود را مدافع انقلاب می نامند از درون، انقلاب ضد امپریالیستی مردم ایران را بچوند و تهی کنند، خطری واقعی و جدی است.

انتخابات مجلس شورای ملی، مرحله مهمی در نبرد میان این دو اردوگاه و همچنین در نبرد خلق با امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا است. محافل وابسته به امپریالیسم می کوشند در مجلس آینده لاقول اقلیت قوی خرابکاری بوجود آورند که چوب لای چرخ حکومت بگذارد. محافل سازشکار می کوشند اکثریت مجلس را بدست گیرند و انقلاب را از مسیر اصلی آن، از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خارج کنند.

اوضاع عمومی کشور، تحریکات مداوم امپریالیسم امریکا و عمال داخلی آن، تزلزل مداوم عناصر سازشکار، وظیفه سنگینی را بر دوش نیروهای صدیق و پیگیر انقلابی میگذارد که در کارزار انتخاباتی، پیوند محکمی با توده مردم برقرار کنند و شرایطی فراهم آورند که مجلس شورای ملی نماینده واقعی توده انقلابی باشد.

شرط پیروزی در این امر مهم اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی و همکاری صمیمانه آنها، و در این مرحله لااقل در دوران انتخابات مجلس شورای ملی است.

حزب توده ایران با توجه به این ضرورت و بر مبنای مشی پیگیر انقلابی خود— که همواره پرچمدار اتحاد نیروهای انقلابی بوده— از مدت‌ها پیش به همه این نیروها هشدار داد، آنان را به اتحاد و همکاری دعوت کرد و احتمال انتشار لیست مشترک نامزدهای انتخاباتی را بمیان کشید. ولی متأسفانه هنوز بسیاری کسانی که نمی‌توانند بر ارث ضد توده‌ای رژیم شاه— ساواک، که بر جامعه ما سنگینی می‌کند، فائق آیند.

ما از این وضع بینهایت متأسف و نگرانیم، زیرا پراکندگی نیروهای صدیق انقلابی بهترین یار و یاور ضد انقلاب است. ما هنوز هم — که مدت زمان بسیار کمی به انجام انتخابات باقی است— آماده‌ایم که در کار انتخابات با نیروهای ضد امپریالیست و هواداران صدیق خط امام صمیمانه همکاری کنیم.

اما از آنجا که انتشار لیست مشترک مقدور نشده، حزب توده ایران نامزدهای خود را برای حوزه های انتخاباتی منتشر می‌کند. (امروز عده ای از نامزدها معرفی می‌شوند و لیست تکمیلی بعداً انتشار خواهد یافت.)

ما از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب و همه پیروان خط قاطع ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی دعوت می‌کنیم که به این نامزدها رای دهند، زیرا آنان مبارزان آزموده‌ای هستند که طی سالها مبارزه، صداقت و پیگیری انحراف ناپذیر خود را در دفاع از استقلال و آزادی ایران، در پشتیبانی از انقلاب ایران و در دفاع از حقوق زحمتکشان میهن ما به ثبوت رسانیده‌اند. این نامزدها از برنامه انتخاباتی حزب توده ایران دفاع می‌کنند. این برنامه مشخص، روشن و قابل اجراست. برنامه‌ای است برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران. برنامه‌ای است برای ایجاد ایرانی مستقل، آزاد و آباد. نامزدهای حزب توده ایران آماده‌اند که از این برنامه در همه شرایط دفاع کنند.

در زیر اسامی بخشی از نامزدهای حزب توده ایران برای انتخابات مجلس شورای ملی به اطلاع هم میهنان میرسد. لیست تکمیلی بعداً منتشر خواهد شد.

- ۱- نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران
- ۲- احسان طبری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی
- ۳- محمد علی عمومی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی
- ۴- عباس حجری بجنانی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی

۵- منوچهر بهزادی عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی

۶- فرج اله میزانی (ف. م. جوانشیر) عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب

توده ایران

۷- مریم فرمانفرمایان (فیروز) عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

۸- صابر محمد زاده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹- رفعت محمد زاده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰- رحیم نامور عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۱- ملکه محمدی عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۲- هوشنگ ناظمی (نیک آئین) عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳- محمد پور هرمان عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۴- سیاوش کسرانی شاعر سرشناس و خلقی

۱۵- محمود سید روغنی از مسئولین حزب توده ایران

۱۶- فاطمه ایزدی از مسئولین حزب توده ایران

۱۷- هوشنگ شهلانی از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای تبریز

انوشیروان ابراهیمی عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران

حسین جودت عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

خسرو امیر خسروی (بابک) عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

محمد آزادگر از مسئولین سازمان ایالتی حزب در آذربایجان

مجید نیکی از مسئولین سازمان ایالتی حزب در آذربایجان

آستارا: ایراندخت ابراهیمی از مسئولین حزب توده ایران

اردبیل: فروغ الدین ابراهیمیان از مسئولین حزب توده ایران

مغان: منصور اصلان زاده از مسئولین حزب توده ایران

سراب: مظفر مترجمی جمال آبادی از مسئولین حزب توده ایران

خوی: حسین حکیمی از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای ارومیه

یداله علی عباسی از مسئولین حزب توده ایران

حمید قام نریمان از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای گیلان

رشت: تقی کی منش عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
لنگرود: احمد رصدی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
بندر انزلی: تیمور شکوریان از مسئولین حزب توده ایران
صومعه سرا: منیره گراکوهی از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای خوزستان

اهواز: هاشم بنی طرفی از مسئولین حزب توده ایران
اهواز: حسین قلمبر از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای ترکمن صحرا

بندر ترکمن: صفر انصاری از مسئولین حزب توده ایران
گنبد کاووس: نور محمد عاشور پور از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای فارس

شیراز: محمد اسمعی از مسئولین حزب توده ایران
شیراز: احمد زرکش از مسئولین حزب توده ایران
سروستان: فریبرز در پناهی از مسئولین حزب توده ایران
دشتستان: ماشاء اله جاسمی از مسئولین حزب توده ایران

نامزدهای کرمانشاه

رضا شلتوکی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران
جعفر جاوید فراز از مسئولین حزب توده ایران
مهاباد: علی گلاویژ عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
بوکان: حسن قرزلچی عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

نامزدهای مشهد

بهرام دانش عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
مهدی کیهان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران
فتح اله ناظر از مسئولین حزب توده ایران
بجنورد: علی خاوری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران - ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۸

پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

به مناسبت سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین (۲۲ فوریه - ۳ اسفند) از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام شادباشی ارسال شده است که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی «مردم» می‌رسد:

دبیرکل کمیته مرکزی جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین
رفیق گرامی نایف حواتمه

کمیته مرکزی حزب توده ایران یازدهمین سالگرد بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین را بشما، همه اعضای جبهه و خلق فلسطین شادباش میگوید. بنیادگذاری جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و نقش ارزنده آن در سازمان آزادیبخش فلسطین نقطه عطفی در مبارزه دلاورانه مردم فلسطین علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و در راه پیشبرد حقوق عادلانه خلق فلسطین بوده است. پیوند ناگسستنی که بین خلقهای فلسطین و ایران وجود دارد، از پیکار مشترک ما علیه امپریالیسم و ارتجاع سرچشمه میگیرد. مردم ما به مبارزه جانبازانه خلق فلسطین همواره به دیده تحسین و اعجاز نگریسته‌اند و با شعار «مرگ بر سه مفسدین کارتر و سادات و بگین» نفرت عمیق خود را از پیمان نامقدس امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم، برای سرکوب نیروهای ضدامپریالیست، خلقی و مترقی ابراز داشته‌اند. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه و اشغالگرانه صهیونیست‌های اسرائیلی، پشتیبانان امپریالیستی آنها و در پیشاپیش آنان امپریالیسم جنایتکار آمریکا و دستیارانش در میان محافل ارتجاعی و سازشکار عرب، باردیگر پشتیبانی کامل خود را از پیکار ضدامپریالیستی و عادلانه مردم فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده راستین خلق فلسطین، اعلام میدارد.

حزب توده ایران، که همواره از پشتیبانی عمیق جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین بهره‌مند بوده است، بویژه از همبستگی مردم فلسطین با انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران،

برهبری امام خمینی، سپاسگزار است. اکنون که امپریالیسم آمریکا و دستیارانش دسیسه‌های نظامی - سیاسی جدیدی را در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند تدارک می‌بینند، خلق‌های منطقه وظیفه دارند که مبارزه مشترک خود را علیه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و برای حفظ صلح هماهنگ و تشدید کنند.

در پایان، پیروزی‌های بیشتر شما را در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و در راه حقوق ملی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین کیانوری

۱۲ اسفندماه ۱۳۵۸